جمهوری اسلامی ایران

فرهنگستان زبان و ادب فارسی

واژه‌گزینی در ایران و جهان

رضا منصوری


فرهنگستان زبان و ادب فارسی

فرهنگستان زبان و ادب فارسی

واژه‌گزینی در ایران و جهان

واژه‌گزینی در ایران و جهان

رضا منصوری

فرهنگستان زبان و ادب فارسی
نشر آثار / تهران ۱۳۹۰

فرهنگستان زبان و ادب فارسی
۷۵

واژه‌گزینی در ایران و جهان

تألیف: **رضا منصوری**

ویرایش: **گلناز افشار وثوقی، مهنوش تهرانی**

ویرایش فنی: **شیدا قدوسی**

مدیر فنّی چاپ: **حمیدرضا دمیرچی**

چاپ اوّل: **۱۳۹۰**

شمار: **۱۰۰۰ نسخه**

قیمت: **۷۰۰۰۰ ریال**

چاپ و صحافی: **کاوا**

شابک: **۶-۹۸-۷۵۳۱-۹۶۴-۹۷۸**

ISBN: 978-964-7531-98-6

نشانی: **تهران، بزرگراه شهید حقّانی، بعد از ایستگاه مترو، مجموعهٔ فرهنگستان‌ها، فرهنگستان زبان و ادب فارسی**

صندوق پستی: ۶۳۹۴-۱۵۸۷۵

تلفن: **۶۸-۸۸۶۴۲۳۳۹ (۰۲۱)**؛ دورنگار: **۸۸۶۴۲۵۰۰ (۰۲۱)**

وب‌گاه: **www.persianacademy.ir**

فهرست‌نویسی پیش از انتشار کتابخانهٔ ملّی جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه	منصوری، رضا، ۱۳۲۶- ، گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور	واژه‌گزینی در ایران و جهان / رضا منصوری.
مشخّصات نشر	تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، نشر آثار، ۱۳۹۰.
مشخّصات ظاهری	۲۲۵ ص.: جدول، نمودار.
شابک	۷۰۰۰۰ ریال: ۶-۹۸-۷۵۳۱-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی	فیپا
یادداشت	کتاب‌نامه.
موضوع	فارسی -- واژه‌سازی
موضوع	فارسی-- واژه‌های جدید
شناسهٔ افزوده	فرهنگستان زبان و ادب فارسی
رده‌بندی کنگره	۱۳۹۰ ۲و۸م/PIR۲۹۶۴
رده‌بندی دیویی	۴فا۳/۱
شمارهٔ کتاب‌شناسی ملّی	۲۴۸۷۹۱۷

بسم الله الرحمن الرحیم

ما را امروز از قبول لغات علمی و فنی که دنیای علم و فن آن را پذیرفته است گریز نباشد و معدودی از آن را موضوع و مصنوع معادلی کردن وقت بیهوده تلف کردن باشد و عرض خود بردن و زحمت دیگران داشتن

علی‌اکبر دهخدا

پیشگفتار

اوایل دهۀ هفتاد طرحی را با عنوان همین کتاب برای فرهنگستان زبان اجرا کردم. نتیجۀ این طرح جایی در فرهنگستان بایگانی شد. پس از آن، از نیمۀ دوم دهۀ هفتاد که همکاری خود را با این فرهنگستان درخصوص واژه‌گزینی شروع کردم، همواره مترصد این بودم که بخشی از مطالب آن طرح که طالبان عام‌تری دارد، منتشر شود. در طول سال‌های همکاری با فرهنگستان نکته‌های دیگری دربارۀ واژه‌گزینی نوشتم، عمدتاً مبتنی بر تجربۀ واژه‌گزینی که برخی از آنها را هم به‌صورت کارگاهی با کارشناسان فرهنگستان درمیان می‌گذاشتم. مجموعۀ این

مطالب گردآوری شده کمابیش همین کتاب است. از اوایل دهۀ هفتاد، یعنی از آغاز همکاری با فرهنگستان تاکنون ماجراها بر این کتاب گذشته است. خلاصه اینکه متن کتاب در یک مرحله گم شد و دیسکت آن از داده خالی شد. اگر یک کپی از متن اوّلیه که پیشم مانده بود پیدا نمی‌شد نمی‌دانم چه برسر این کتاب می‌آمد. البته بخشی از مطالبی که در میانۀ طرح کتاب تهیه شده بود به‌این‌ترتیب از دست رفت. مشغلۀ فراوان خودم نیز در این سال‌ها به هیچ‌وجه فرصت تجدیدنظر نمی‌داد. مطمئن هستم کسان دیگری که در آینده به این نوع تألیف‌ها دست بزنند مطالبی بسیار به آن خواهند افزود و افکاری جدید و بدیع به‌میان خواهند آورد. امیدوارم همین متن نشان دهد که چگونه بزرگان اشتباهات بزرگی می‌کنند، آن‌گونه که در گفتار مطلع از دهخدا مشهود است.

از همگی همکارانی که در اجرای طرح اوّلیه مشارکت داشتند، خانم‌ها دکتر رهبر و فارسی و آقایان دکتر ابوکاظمی و مهندس کافی، که هر یک مسئولیت بخشی از طرح اوّلیه را به عهده داشتند، صمیمانه تشکر می‌کنم. از خانم تهرانی که مراجع گم‌شده را بازیابی کردند، مراجع جدیدی به متن افزودند و شکل روزآمدی به کتاب دادند، و خانم افشار که ویرایش کتاب را به عهده داشتند و از هر دو که زحمت از گل درآوردن کتاب را کشیدند سپاسگزارم. همچنین سپاسگزارم از آقای دکتر طباطبائی که تذکرهای مفیدی برای اصلاح دادند.

پاییز ۱۳۸۹

فهرست

۱

تحلیل تاریخی زبان علم فارسی

دلبستگی به زبان فارسی هنگامی برای زبان فارسی و جامعهٔ فارسی زبان سودمند است که با «برنامه‌ریزی برای زبان» (مدرسی، ص ۷۷) هدایت شود. زبان، در عصر علوم و فنّاوری جدید، همچون خود علوم و فنّاوری خصیصه‌هایی دارد که نباید از آن غافل شد. یکی از بارزترین این خصیصه‌ها را می‌توان رشد ذاتی فنّاوری و علوم جدید دانست. فنّاوری، که تولید انبوه می‌کند، روش‌هایی را به کار می‌گیرد که در صنعت دستی بی‌سابقه است. زبان نیز به نوعی فنّاوری تبدیل شده و ابزار کار بی‌سابقهٔ خود را ایجاد کرده است؛ به همین دلیل نمی‌توان آن را بی‌برنامه رها کرد. سرعت تحول زبان با سرعت تحول سنّتی آن در چهارده قرن گذشته مقایسه شدنی نیست. رشتهٔ مهندسی برق، که حدود یک‌صد سال پیش به وجود آمده است، امروزه بیش از دو میلیون اصطلاح دارد. همین‌گونه در رشتهٔ شیمی حدود ۷ میلیون واژه یا اصطلاح وجود دارد و سالی ۲۵۰/۰۰۰ واژه به آن افزوده

می‌شود؛ تازه اگر نام محصولات شیمیایی را هم به حساب آوریم آن‌گاه با چند صد میلیون واژه در این رشته سروکار پیدا خواهیم کرد. امروزه تعداد مفاهیم علمی حدود ۳۰ میلیون تخمین زده می‌شود، حدود ۱۰/۰۰۰ گروه و کمیسیون واژه‌گزینی در دنیا فعالیت دارند؛ و بیش از ۲۰۰/۰۰۰ عنوان واژه‌نامه چاپ و منتشر شده است. (Felber 1982, pp.13, 21, Galinski 1997, p.4).

هر دستگاه یا ابزاری که در منزل یا محل کار استفاده می‌کنیم گاهی از چندصد قطعهٔ مکانیکی تشکیل شده است که هر کدام نقشی دارند، مبتنی بر مفهومی هستند و لفظی بر آنها اطلاق می‌شود. در یک پروژهٔ تحقیقاتی که مثلاً ده هزار نفر متخصص در آن مشغول‌اند، گاهی تا چندهزار واژهٔ تخصصی به کار برده می‌شود. راز موفقیت فرایندهای صنعتی و علمی در این ابعاد، استانداردسازی مفاهیم و ابزار است. اوّلین گام استانداردسازی مفاهیم علمی در سال ۱۸۷۵/۱۲۵٤ با تأسیس ادارهٔ اوزان و مقادیر در پاریس برداشته شد. مراحل بعدی استاندارد کردن واژه‌ها در اوایل قرن بیستم میلادی شروع شد و همچنان ادامه دارد. اهمیت استاندارد کردن واژه‌ها کمتر از اهمیت استانداردهای صنعتی نیست؛ به همین علت است که در بسیاری از کشورهای صنعتی دنیا، کار استاندارد کردن واژه‌ها به عهدهٔ ادارهٔ استانداردهای آن کشور است و همگام با استانداردسازی محصولات پیش می‌رود. بەویژه به‌دلیل درهم تنیده شدن محصولات صنعتی مختلف، ساخت قطعات گوناگون و توزیع در کشورهای مختلف، کشورهای صنعتی بیشترین بودجه را برای واژه‌گزینی و استاندارد کردن واژه‌ها هزینه می‌کنند.

در کشور ما به علت «تأخّر فرهنگی» (نسبت به علوم و فنّاوری)، گاهی ادیبان و فارسی‌دانان این غلیان رشد را، که بیانگر گذار از فاز جامعهٔ سنّتی کشاورزی و

صنایع دستی با واژگان محدود به جامعهٔ علمی و صنعتی نوین با واژگان بسیار گسترده است، بحران تلقی می‌کنند و به‌شدت نگران زبان فارسی‌اند. آنها آمادگی پذیرش رشد بسیار سریع واژگان فارسی را، که اصطلاحاً به آن رشدنمایی گفته می‌شود، ندارند. این نگرانی که از زمان مشروطه و حرکت‌های فرهنگی همگام با آن شروع شد و همچنان ادامه یافته، در میان ادیبان ما کمتر به حرکتی نظام‌یافته تبدیل شده است. محمد قزوینی در نامه‌ای به تاریخ ۱۳۰۰ هجری شمسی به محمود افشار می‌نویسد:

> ... برعکس از منظرهٔ چرکین و کثیف (هم صورت و هم معنی) روزنامجات «فارسی» (که فی‌الحقیقة فقط آنها را «فارسی» می‌توان گفت چون در جزو هیچ زبانی دیگر از زبان‌های دنیا نمی‌توان داخل نمود والا زبان عبری به فارسی نزدیک‌تر است از این ورق پاره‌های ننگین) بسیار افسرده شدم و به رأی‌العین می‌بینم که زبان شیرین سعدی و حافظ مبدل به چه آش شله‌قلمکاری شده است و کم‌کم به‌کلی دارد از میان می‌رود. خدای واحد شاهد است که اغلب عبارات آنها را با وجود دو سه مرتبه تکرار هیچ نفهمیدم و اگر ده سال دیگر من عمر کنم و دوباره چشمم به این روزنامه‌های متعفن بیفتد قطعاً هیچ، حتی یک کلمه آن را هم نخواهم فهمید. ای سعدی، ای حافظ، ای انوری، ای فردوسی، سر از قبر درآرید ببینید اخلاف ناخلف شما زبان شیرین نمکین عذب‌البیان شما را به چه روز درآورده‌اند. (افشار، ص ۲۷۲)

نگرانی قزوینی نوعاً از فارسی **خان‌والده سرای** (شوشتری، ص ۳۸۵) است. خان والده سرای نام کاروانسرایی بوده است در استانبول که محل سکونت گروه مهاجران دورهٔ جنگ جهانی اوّل بود. اصطلاح‌های اداری عثمانی با ریشهٔ عربی از این طریق وارد زبان فارسی شد: **اثبات وجود**، **عرض‌اندام**، **ناجی مملکت**، **عنعنات**، **لغو گردید**، **متجاسرین**، **زمامداران امور**، **در اطراف صلح**، **در اطراف واقعهٔ زنجان** و ... (تقی‌زاده، ص ۳)

امروزه نیز بزرگان ادب ما نگران نثر رسانه‌ها (روزنامجات) هستند. همین نگرانی‌ها باعث برگزاری چند هم‌اندیشی نثر فارسی در سیمای جمهوری اسلامی ایران شده است؛ تحصیل‌کرده‌های خارج از کشور که پس از انقلاب اسلامی به ایران آمده‌اند نقش مهاجران خان‌والده سرای را بازی می‌کنند؛ این هم چند نمونه از واژه‌های خان‌والده سرای نوین: در **رابطه با**، **کنسل کردن**، **اسلامیزاسیون**.

قبل از تشکیل فرهنگستان (زبان) اول در سال ۱۳۱٤، بسیاری به واژه‌سازی خرده گرفتند و مقاله‌های بسیاری به اعتراض نوشتند. در سال‌های اخیر نیز، پس از ۵۰ سال، به هنگام تشکیل فرهنگستان سوم و پس از تشکیل آن، بحث‌ها گاهی به همان سبک و در همان سطح نازل است. همان‌گونه که به واژه‌های برساختهٔ فرهنگستان اول شدیداً اعتراض شده بود، به واژه‌های برساختهٔ فرهنگستان دوم نیز اعتراض شد (شهیدی، ص ٤٩۰). زمانی تقی‌زاده کلمهٔ «واژه» را به باد مسخره می‌گیرد (تقی‌زاده، ص ۲۵۵ و ۲۷٤) و زمانی سیدجعفر شهیدی به واژه «پدافند» می‌تازد و می‌پرسد معلوم نیست فرهنگستان با این هزینهٔ گزاف چه می‌کند (همان).

بیش از صدسال پیش حاجی میرزایحیی دولت‌آبادی نگران نثر علمی است و می‌گوید (دولت‌آبادی، ص ۱٦۷):

> ... ما نمی‌گوییم زبان ما نقصان ندارد یا به صورت حاضر استعداد آن را دارد که ترجمهٔ علوم جدیده و اختراعات تازه را تکفل نماید... و لازم می‌شماریم تهیهٔ وسایل تکمیل آن را ... ما باید لغت‌های علمی را که نداریم از هر کجا که مناسب‌تر است به طریق رسمی بگیریم ... شاید کسی بگوید که آکادمی ما برای اجرای هر اصطلاح نمی‌تواند موفق گردد و عوام می‌توانند مخالفت نموده نپذیرند. ولی آنچه من تصور می‌کنم این است که اگر آکادمی به مدارا رفتار کند عوام هم حسن توجه خود را از آن دریغ نمی‌دارند.

در سال ۱۳۵۰ هم حرف‌های مشابهی زده می‌شود (شوشتری، ص ۱۵۶۷):

آیا دانش‌آموزان و جوانان ما دانش‌ها و هنرهای جهان پیشرفتهٔ امروز را به چه زبانی باید یاد بگیرند؟ سخن در این است که آیا زبان دانشگاه‌ها و هنرستان‌های ما باید چه زبانی باشد؟ سخن در این است که آیا در برابر سیل واژه‌های بیگانه که از شرق و غرب دمادم، سیلاب‌وار و خیلی پرزور به فراخنای زبان فارسی هر روز می‌تازد، چه باید کرد؟

امروزه نیز گاهی همین حرف‌ها در مورد سیل واژه‌های بیگانه زده می‌شود. این ایستایی در نگرش ما به هنگام برخورد با زبان علوم و فنّاوری نوین حاکی از بی‌برنامگی کامل است. ادامهٔ این بی‌برنامگی نارسایی زبان فارسی در بیان مفاهیم جدید علمی و صنعتی را به ناتوانی زبان تبدیل خواهد کرد.

۱ . ۱ مقایسهٔ حرکت‌های فرهنگی قرن‌های اولیهٔ بعد از هجرت و دوران اخیر

تأمل در تحول زبان فارسی پس از اسلام آموزنده است. پس از پذیرش اسلام در ایران و هجوم زبان و فرهنگ عرب، حدود یک قرن طول کشید تا ایرانیان بر بهت آغازین خود فائق آمدند. از اوایل قرن دوم هجری، هنگامی که بنی‌امیه شروع به تفاخر به ملّیت و اجداد و سوابق تاریخی خود کردند، نهضتی در ایران به راه افتاد با تأکید بر تساوی عرب و عجم که بعدها به تأکید بر برتری ایرانیان بر اعراب کشانده شد. این نهضت، که واکنشی بود افراطی بر رفتار بنی‌امیه، در دوران بنی‌عباس «شعوبیه» نامیده شد (صفا، ص ۲۵-۲۹). حدود یک‌صد سال پس از شروع این نهضت است که محمدبن وصیف مجبور می‌شود بنا به تقاضای یعقوب لیث صفاری برای وی به فارسی شعر بگوید (حدود ۲۵۰ هجری)؛ و یک‌صد سال دیگر هم می‌گذرد تا نثر فارسی دری جوانه می‌زند: مقدمهٔ *شاهنامهٔ ابومنصوری*، معروف به مقدمهٔ *شاهنامه قدیم* به سال ۳۴۱ هجری نوشته شد؛ و

پس از این است که نثر علمی فارسی رایج می‌شود: *حدودالعالم من المشرق الی المغرب* (٣٧٢)؛ *شش فصل* و *رسالهٔ استخراج* (محمدبن ایوب حاسب طبری)؛ *کتاب الابنیه عن حقائق الادویه*؛ و سپس کتاب‌های ابن‌سینا و ابوریحان بیرونی. به این ترتیب، اواخر قرن چهارم یا شروع قرن پنجم را باید زمان ظهور نثر علمی و فنی فارسی دانست که پیشرفت آن در قرن هفتم و هشتم به اوج رسید و از آن پس تا قرن دوازدهم به سستی و افراط در کاربرد لغت‌های عربی و حتی نحو عربی گرایید.

در کنار نهضت «شعوبیه» می‌توان ایرانی‌هایی را دید که آن‌چنان مبهوت فرهنگ عربی‌اند که از یادآوری ایرانی بودن خود ننگ دارند: صاحب ابن عباد (اهل طالقان قزوین، وفات ٣٥٨) در حوزهٔ حکومت خود پارسی‌گویان را خوار می‌شمرد و می‌گفت در آینه نمی‌نگرد تا مبادا عجمی را ببیند (شهیدی، ص ٢٠٤).

مقایسهٔ موارد فوق با رویدادهای دوران اخیر برخی قانونمندی‌های تحول فرهنگی و زبانی را می‌نمایاند. تقی‌زاده در جوانی تصور می‌کرد ایرانیان باید از سر تا نوک پا اروپایی شوند تا پیشرفت کنند، گرچه در سنین بالا از طرفداران فرهنگ ایران اسلامی شد؛ و کم نبودند ایرانیانی که مانند تقی‌زادهٔ جوان می‌اندیشیدند. این بینش، همگام با آشنایی ایرانیان با تمدن جدید پیدا شده است؛ اما شروع تهاجم زبانی هم‌زمان است با نهضت مشروطه، که ایرانیان مبهوت فرهنگ و زبان غرب می‌شوند. همین بهت است که واکنشی افراطی، شبیه «شعوبیه»، ایجاد می‌کند. «شعوبیهٔ نوین»، که توان مقابله با غرب را ندارند، نمایندگان سره‌نویسان افراطی‌اند، مانند میرزا رضا خان بکشلو قزوینی مؤلف کتاب:

پروز نگارش پارسی

کارخانه

میرزا رضا خان بکشلو قزوینی که از پی نگارش *پارسی آویژه* برای نمونه از هرگونه نوشته شده است (چاپ دوم، ۱۲۷۳).

از همین مؤلف کتاب *الفبای بهروزی* نیز منتشر شده است. یغمای شاعر، جلال‌الدین میرزا، میرزا آقاخان کرمانی، ذبیح بهروز، ابراهیم پورداوود و محمد مقدم را می‌توان از «شعوبیهٔ نوین» دانست.

علاقهٔ افراطی این دسته به زبان و فرهنگ ایران باستان در حرکت‌های بعدی جامعه بی‌تأثیر نبوده است. همین حرکت‌ها باعث شد که نثر فارسی امروز از سنّت منشیانهٔ هفت قرن گذشته بِبُرد و به نثر قرن چهارم تا ششم نزدیک‌تر شود. نثر مصنوع منشیانه حاکی از پوسیدگی نظام حکومتی و نظام فرهنگی ما بود. فاضل‌مآبان برای کسب امتیازهای بیشتر از حاکمان ترک‌تبار ایران، سنّت کم‌گویی کاتبان قدیم ایرانی را کنار گذاشتند و به انواع تکلف‌های لفظی روی آوردند و صنایع گوناگون در لابه‌لای سخن خویش درج کردند و از هیچ‌گونه اطناب و تفصیل ولو ملال‌آور روی نگرداندند.

۱ . ۲ مرحله‌های تحول نثر فارسی در دوران اخیر

با مطالعهٔ تحول زبان فارسی و تحول اجتماعی ما در دو سه قرن اخیر و مقایسهٔ آن با قرن‌های اوّلیه پس از هجرت می‌توان چند دورهٔ تحول اجتماعی و نیز تحول در نثر علمی فارسی را تشخیص داد. منظور از نثر علمی، نثر تمام رشته‌های علمی و فنی جدید از جمله اقتصاد، سیاست، روزنامه‌نگاری، تجارت و بانکداری است. این دوره‌ها عبارت‌اند از:

ــ نادیده‌انگاری

ـ بهت

ـ خودیافت

ـ آگاهی

۱. ۲. ۱ نادیده‌انگاری

آغاز این دوره هم‌زمان است با نخستین برخورد و آشنایی ما ایرانیان با فرهنگ و تمدن جدید غرب. شاید بتوان این آغاز را در حدود عصر آق قویونلو دانست (حائری، ص ۱٤۰-۱٤۱) و انتهای آن را، اواسط دورهٔ قاجار که از یک طرف اروپاییان برای باز کردن جای پا در ایران به لحاظ منافع اقتصادی و نظامی با یکدیگر به رقابت برمی‌خیزند و از طرف دیگر ایرانیان بر اثر هجوم بیگانگان، و عمدتاً روس‌ها، احساس ضعف شدید می‌کنند و تمایل می‌یابند که به ابزار نظامی پیشرفتهٔ غرب دسترسی پیدا کنند. طبیعی است که انتهای این دوره را مصادف با انقلاب مشروطه بدانیم. در طول این دوران که ایرانیان گهگاه با مظاهر تمدن غرب آشنا می‌شدند ناباورانه به آن نگاه می‌کردند، اما چون هنوز فرهنگ بومی خود را بسیار برتر از فرهنگ و تمدن فرنگ می‌دانستند در نهایت بی‌توجهی با آن مواجه می‌شدند و فرهنگ غرب را کاملاً نادیده می‌گرفتند. توصیف این دوران را با تحلیل تاریخی ارزشمندی می‌توان در مرجع یاد شده یافت. اکنون که با دید تاریخی به این دوران نگاه می‌کنیم، متوجه می‌شویم که نوعی غرور کاذب در ما وجود داشته که به نادیده‌انگاری منجر شده است. بر اثر این غرور کاذب و نادیده‌انگاری ناشی از آن، ما چند قرن به غفلت تاریخی خود استمرار بخشیده‌ایم.

۱. ۲. ۲ بهت

این دوره با نهضت مشروطه آغاز می‌شود و با تأسیس دانشگاه تهران (۱۳۱۱) و فرهنگستان زبان (۱۳۱٤) خاتمه می‌یابد. در این مرحله فارسی‌زبانان در بهت، حیرت و گیجی محسوسی به سر می‌برند و تکلیف خود را با فرهنگ، تمدن، و زبان غالب فرنگی نمی‌دانند. خان‌والده سرایان به یک راه می‌روند، «شعوبیهٔ نوین» راه افراطی دیگری را انتخاب می‌کند و دارالفنونیان در زمینهٔ علوم کوشش‌های ارزشمندی می‌کنند که طبیعتاً ابتدایی است. زمزمهٔ تأسیس آکادمی یا فرهنگستان همراه با تقاضا برای تعیین حد و مرز زبان فردوسی، سعدی و حافظ در روزنامه‌های زمان احمد شاه انعکاس می‌یابد. تعداد اندکی کتاب علمی به فارسی درمی‌آید؛ اما ساختار حکومتی جدید مجبور به کاربرد تعداد زیادی اصطلاح اداری و نظامی است. سرانجام فرهنگستان اول تأسیس می‌شود. قبل از تأسیس فرهنگستان اول افراد و گروه‌هایی کار واژه‌گزینی را حتی با نام آکادمی یا فرهنگستان شروع کرده بودند. به هر حال، مطالعهٔ مقاله‌های منتشر شده تا این تاریخ گویای حالت بهت‌زدگی در جامعهٔ فرهنگی ماست. در این دوران زبان ما مواجه است با غلبهٔ زبانی دیگر که بسیار رساتر است و جامعهٔ ما آمادگی برخورد با این زبان غالب را ندارد.

۱. ۲. ۳. خودیافت

با تأسیس دانشگاه تهران و فرهنگستان اول جامعهٔ ما رسماً نهادی برای این رویارویی تأسیس می‌کند و روشمندانه به مواجهه برمی‌خیزد. در تاریخ کشورمان این اولین بار است که برنامه‌ریزی زبانی انجام می‌شود. گرچه فعالیت فرهنگستان هیچ‌گاه با این عنوان نبوده است. از طرف دیگر، کسانی که هنوز در بهت به‌سر

می‌بردند با این برنامه‌ریزی مخالفت می‌کردند. این مخالفت‌ها طبیعی است، حتی نداشتن جدیت علمی در مخالفت‌های علمی آن روز، که بسیار معمول بوده است، ایراد گرفتنی نیست (شوقی، ص ۱)؛ این دوره، که با تأسیس فرهنگستان دوم نیز همراه است، با انقلاب اسلامی پایان می‌پذیرد. کتب علمی این دوره به وضوح به کتب علمی دورهٔ قبل برتری نسبی دارد. این دورهٔ میانی سبک و سیاق واژه‌سازی را برای زبان علمی نشان داد. در همین زمان بود که ما نه فقط به لحاظ زبان، بلکه به لحاظ فرهنگ نیز، کمابیش خود را یافتیم و از گیجی درآمدیم؛ و برخلاف نگرانی محمد قزوینی نثر ما به نثر سعدی و حافظ نزدیک‌تر شد نه دورتر. اما فعالیت‌های برنامه‌ریزی زبانی و نیز مقاله‌های منتشر شده در این دوره در زمینهٔ زبان علمی و واژه‌گزینی نشان می‌دهد که جامعهٔ ما هنوز به روش‌های برنامه‌ریزی زبان و برنامه‌ریزی واژگان برای زبان علم آگاهی نیافته است و از ابعاد کاری که در پیش دارد غافل است.

۱. ۲. ٤ آگاهی

این دوره با انقلاب اسلامی شروع می‌شود. تأسیس مرکز نشر دانشگاهی با شروع آگاهانهٔ برنامه‌ریزی واژگانی همراه است. در این مرحله به تمام مشکلات نثر علمی فارسی توجه و در جهت رفع آنها کوشش می‌شود. مهم‌ترین عوامل مؤثر در شروع این مرحله را می‌توان چنین برشمرد: الف) آگاهی از فعالیت‌های کشورهای پیشرفتهٔ دنیا و نیز کشورهای در حال توسعه در این زمینه؛ ب) آگاهی از ابعاد کار واژه‌گزینی؛ ج) آگاهی از امکانات اشاعهٔ زبان و دسترسی به آنها؛ د) آگاهی از ارتباط زبان و تفکر و انتقال علوم و فنّاوری (منصوری، ص ۵). این عوامل دست به دست هم می‌دهند و به نثر علمی جدید استحکام نسبتاً مطلوبی

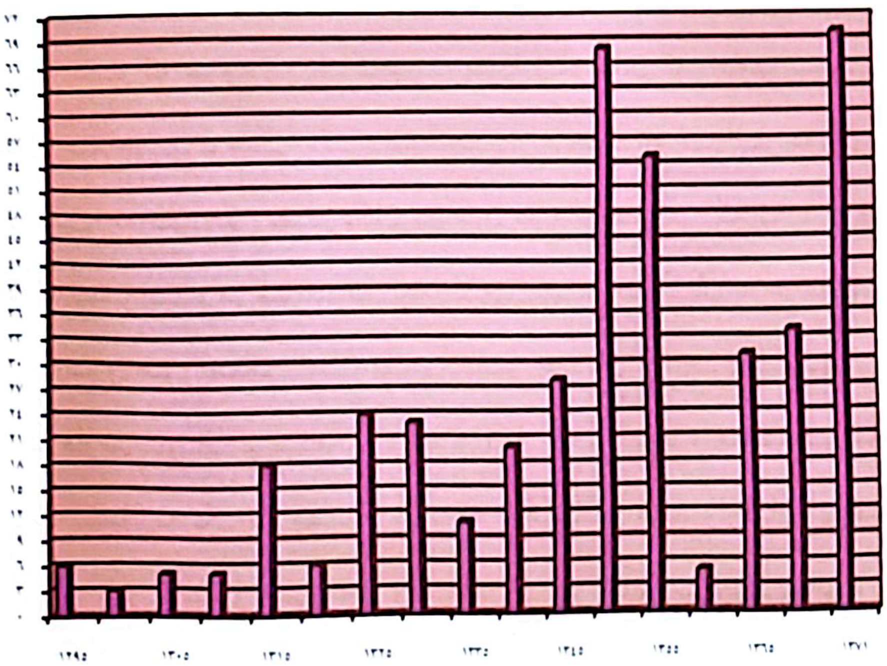
می‌بخشند. انتشار بیش از هفتصد عنوان کتاب با شمار دو میلیون نشانگر این تحویل زبانی است. در این دوره با شناخت کامل مشکل، برای رفع آن، راهی در پیش گرفته می‌شود که توام با موفقیت بوده است؛ البته این کوشش‌ها را باید به منزلهٔ «تحقیق موردی» تلقی کرد. این جامعه است که باید این راه را با گستردگی کامل ادامه دهد. ادامهٔ گستردهٔ این راه از طریق مرکز نشر دانشگاهی ممکن نمی‌نماید. باید دید که آیا فرهنگستان زبان و ادب فارسی (فرهنگستان سوم) در این امر موفق خواهد شد؟

بدیهی است که شروع دورهٔ آگاهی به منزلهٔ آگاه شدن کل جامعه نیست. هنوز در رفتار اجتماعی و فرهنگی اکثر دانشگاهیان و متخصصان ما آثار دوران بهت مشهود است؛ به‌خصوص بهت‌زدگان در میان فارغ‌التحصیلانی که تازه از خارج برگشته‌اند بیشتر دیده می‌شوند، که البته طبیعی است. آیندهٔ زبان به عوامل بسیاری بستگی دارد، و هنوز ممکن است مانند گذشتهٔ خودمان و تحولات بعد از قرن هفتم، نثر فارسی بر اثر بی‌برنامگی و غلبهٔ افکار فاضل‌نماها و متخصص‌نماهای بی‌فرهنگ تبدیل به یک نثر مصنوع شود که تا هشتاد درصد واژگان آن متأثر از زبان‌های اروپایی باشد و حتی نحو و صرف آن نیز تأثیر بپذیرد. بنابراین دورهٔ آگاهی را نه قطعی باید دانست و نه فراگیر.

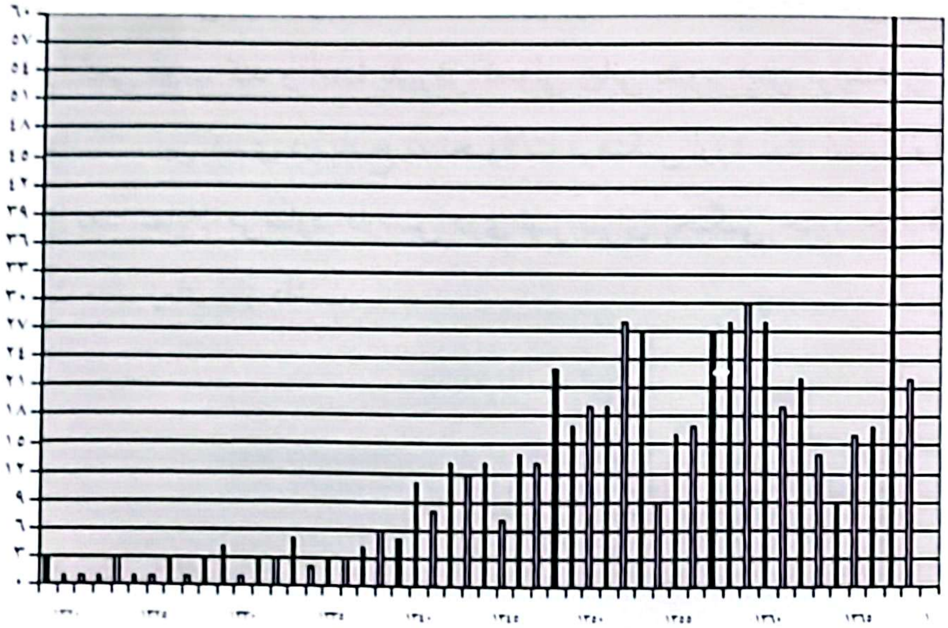
نکتهٔ دیگر اینکه روانی نثر علمی و استحکام آن هنوز به پای نثر ابوریحان و ناصرخسرو نرسیده است و هنوز نمی‌توانیم به شیوایی و استحکام ابوریحان مثلاً «کره» را تعریف کنیم؛ اما پیشرفت قابل ملاحظه بوده است و از نثر علمی سست مرحلهٔ خودیافت به‌شدت فاصله گرفته‌ایم.

بررسی مقاله‌هایی که در این دوره‌ها دربارهٔ زبان فارسی و نثر علمی نوشته شده آموزنده است. از زمان چاپ روزنامه در ایران تا زمان انقلاب، یعنی در دو

دورهٔ بهت و خودیافت، مجموعاً ۲٤٦ مقاله چاپ شده است. در حالی که، در ابتدای دورهٔ آگاهی، یعنی در پانزده سالهٔ اوّل بعد از انقلاب ٤٧۵ مقاله چاپ شده که این رقم بیش از ۱/۵ برابر کل مقاله‌های چاپ شده از مشروطه تا انقلاب اسلامی است (نمودار ۱). به همین ترتیب تعداد واژه‌نامه‌ها و فرهنگ‌ها هم در سال‌های اخیر رشد چشمگیری داشته است (نمودار ۲).



نمودار ۱. این نمودار مجموع مقاله‌هایی را نشان می‌دهد که در زمینهٔ مشکلات زبان فارسی برای بیان مفاهیم علمی تا سال ۱۳۷۱ چاپ شده است. هر ستون بیانگر مقاله‌های پنج سال است.



نمودار ۲. نمودار واژه‌نامه‌ها و فرهنگ‌های منتشر شده؛ هر ستون بیانگر یک سال است.

این آمار بیانگر فعالیت‌های مربوط به نثر فارسی است؛ این رشد نمایی، که همگام است با آهنگ رشد علمی در کشورهای صنعتی دنیا (Barnes 1989)، نویدبخش است و وجه تسمیهٔ دورهٔ آگاهی را نیز موجه می‌کند.

حدود ۹۵٪ از مقاله‌هایی که قبل از انقلاب نوشته شده است جنبهٔ موعظه دارد و همراه است با گله‌مندی و عیب‌جویی، و از تحقیق جدی علمی در آنها خبری نیست. این درصد در مقاله‌های بعد از انقلاب کمتر شده است و تقریباً حدود ۱۰٪ این مقاله‌ها تحقیقی‌اند. این رشد کیفی هم مطلوب است و هم قابل توجه، گرچه به لحاظ تعداد، در مقایسه با مقاله‌های تحقیقی در کشورهای دیگر، بسیار اندک است. چرا چنین است؟ علت را باید در ریشه‌دار بودن زبان و فرهنگ ما جست‌وجو کرد. این ریشه‌ها، با وجود شعر و نثر بسیار قدیمی و پیشرفته، به حدی قوی و عمیق است که با اولین برخورد با یک زبان بیگانه ولی

غالب، جابه‌جا نمی‌شود. موعظهٔ صدساله لازم بوده است تا جامعهٔ زبانی «یخ‌های» خود را کمی ذوب کند و آمادهٔ پذیرش تحولی زبانی بشود. این فرایند را نباید عیب دانست، این کندی در پاسخ به تحولات فرهنگی ارزشمند است و سود خود را بعداً نمایان می‌سازد. فارسی دری نیز برای پختگی خود حداقل به دویست سال زمان نیاز داشت.

۲

اطلاق کلمه بر مفهوم و شیء در زبان روزمره

دستگاه کنترل از راه دور تلویزیون، ویدیو، یا ضبط در خانهٔ بسیاری از ایرانیان راه یافته است، اما پس از چند دهه کاربرد آن هنوز نامی بر آن گذاشته نشده است. هر کس، هر خانواده، به فراخور حال خود، نامی بر آن گذاشته است: ماسماسک، کنترل، راه دور، و کانال‌گردان چند نمونه از این نام‌گذاری‌هاست. این بی‌نامی در خانه‌ها مشکل می‌آفریند. گاهی برای نام بردن آن لازم می‌شود چند جمله، و چند نمونه واژه به کار برده شود تا اهل منزل بتوانند به یکدیگر بفهمانند که از چه صحبت می‌کنند. تصور کنید، اگر تعداد این ابهام‌ها بیشتر بود زندگی روزمره چقدر مشکل می‌شد. اگر قرار بود واژهٔ «مداد» را نشناسیم و مثلاً به آن بگوییم «آن میلهٔ چوبی که درونش مغزی سیاه است» زندگی روزمره با چه مشکلاتی همراه می‌شد. حتی تصور اینکه نتوانیم واژهٔ مداد را به‌کار ببریم دردناک است. کما اینکه در مورد آنچه به آن خودکار مدادی، مداد خودکار، مداد نوکی، یا مداد

اتود گفته می‌شود این اشکال و ابهام هنوز باقی است. این چند نمونه نشان می‌دهد که نامیدن اشیا، و البته مفاهیم نیز، نه فقط در علوم و فنون که در زندگی روزمره نقش بسیار عمده‌ای دارد، در واقع واژه‌های روزمره همان‌قدر دقیق و بی‌ابهام‌اند که واژه‌های علمی و فنی هستند، با این تفاوت که معمولاً به اشیا اطلاق می‌شوند و یا به مفاهیمی که به نسبت بسیط‌اند و پیچیده نیستند. زبان روزمره ما هم اکنون بسیار آسیب دیده و لازم است این آسیب ریشه‌یابی شود تا بتوان در رفع آن کوشید. این آسیب از جهات مختلف وارد می‌شود که در زیر چند وجه آن بررسی می‌شود:

۱.۲ تأخر فرهنگی و وابستگی به بیگانگان

ملتی که در بیان افکار و تقاضاهایش به مشکل برمی‌خورد با نوعی عقب‌ماندگی روبه‌روست. شیء یا مفهومی را می‌شناسد اما بر آن هنوز لفظی اطلاق نکرده است. این پدیده خاص اقوامی است که وابسته به غیر هستند. هر ملتی که شیء یا مفهومی را بیافریند لفظ متناسب با آن را نیز می‌آفریند. هنگامی که نان سنگک اختراع شد همراه با آن نامش هم برگزیده شد. ما هیچ‌گاه سنگک را با هیچ چیز دیگر اشتباه نمی‌گیریم. گوجه‌فرنگی که به ایران آمد، یا چای، برای نام‌گذاری با اشکال اجتماعی روبه‌رو نشد، زیرا تعداد اشیا، محصولات، و مفاهیمی که هم‌زمان با آنها وارد فرهنگ ما می‌شد متناسب با توان جذب فرهنگ ما بود. امروزه چنین نیست؛ در شرایط کنونی، در اکثر زمینه‌ها تعداد اصطلاحات بیگانه و آهنگ ورود آنها به فرهنگ ما بسیار سریع‌تر از توان جذب فرهنگ ماست. از این روست که پدیدهٔ «تأخر فرهنگی» پیش می‌آید. گاهی همراه با یک بخش اجتماعی جدید مجموعهٔ اصطلاحات آن بخش، به عمد یا به سهو، به غلط یا به صحیح، وارد

زبان ما می‌شود؛ از واژه‌های بسیار تخصصی خدمات حمل و نقل هوایی بگیرید تا خدمات حمل و نقل شهری توسط آژانس‌های کرایهٔ ماشین: «ریسپشن» و «تریپ» دو نمونه از آن واژه‌هاست که به گوش کاربرهای این نوع خدمات هم زیاد می‌رسد. جالب اینکه اکثر سرویس‌دهندگان این بخش نمی‌دانند لغت «ریسپشن» چیست و از کجا آمده است. گاه حتی تلفظ آن را هم درست نمی‌دانند. این نمونه‌ها بیانگر آن است که آهنگ ورود این نوع خدمات از خارج سریع‌تر از آن بوده که ما بتوانیم مفاهیم و الفاظ آن را به درستی جذب کنیم و نه فقط خدمات شهری را گسترش دهیم بلکه فرهنگ بومی خود را نیز بپرورانیم. در فصل چهارم به ذکر صدمه‌هایی خواهم پرداخت که این تأخر و رشدنیافتگی فرهنگ به تفکر و استقلال ما می‌زند.

سرچشمه‌ها و مجاری ورود کالا و مفاهیم بسیار متنوع است و هجوم کالاها و مفاهیم هم همواره ادامه دارد. نمی‌توان با ایجاد یک نهاد واژه‌گزین جلو این هجوم را گرفت. لازم است در مردم ما این حساسیت برانگیخته شود که استفاده از واژه‌های بیگانه، حتی برای نامیدن اشیا، چه ضررهایی به فرهنگ ما می‌زند و تا چه حد ما را به لحاظ فرهنگی، و پس از چندی از هر لحاظ دیگر، وابسته به بیگانگان می‌کند. در این صورت ملت ردهٔ دومی به حساب می‌آییم که دیگران برای ما برنامه‌ریزی می‌کنند و سرنوشت ما را نیز آنها تعیین می‌کنند. هنوز نسل ما به یاد دارد که در بورس کاغذفروشان تهران لفظ «اورجاً» یا در آبادان لفظ «فَنَشوهو» مرسوم بود؛ اولی به معنی میانگین یا گاهی هم کتره‌ای از لفظ انگلیسی average و دومی ترکیب انگلیسی ـ عربی از لفظ finish است. این سبک اطلاق واژه‌ها حکایت از بی‌فرهنگی مطلق دارد و برازندهٔ قومی نیست که یکی از غنی‌ترین و پیشرفته‌ترین زبان‌های دنیا را خلق کرده است.

۲. نادیده‌انگاری و لَختی فرهیختگان

فرهیختگان ما در صد سال گذشته پدیده‌ای را که در بالا ذکر شد تحمل کرده‌اند؛ گرچه همواره از آن ابراز انزجار کرده‌اند ولی کمتر کمر همت به رفع آن بسته‌اند. تأثیر واژه‌های علمی و فنی را در جامعه و در میان عوام دست‌کم گرفته و تصور درستی از تعداد واژه‌ها و مفاهیم دنیای صنعتی جدید نداشته‌اند. علی‌اکبر دهخدا، بنیان‌گذار *لغت‌نامه*، که از اوضاع دنیا چندان هم بی‌اطلاع نبوده است، در مورد واژه‌های علمی و فنی چنین می‌گوید:

> ما را امروز از قبول لغات علمی و فنی که دنیای علم و فن آن را پذیرفته است گریز نباشد و معدودی از آن را موضوع و مصنوع معادلی کردن وقت بیهوده تلف کردن باشد و عرض خود بردن و زحمت دیگران داشتن. چه آن کسی که آشنایی به علوم و فنون حاضرهٔ گیتی دارد، داند که به این وسایل نارسا معادل برای آن همه الفاظ کردن محیط به کفچه پیمودن است و البرز به کلند برگرفتن.

خوشبختانه اهل علوم جدید به این هشدارهای ساده‌اندیشانه توجه نکردند و به واژه‌سازی پرداختند، وگرنه زبان امروز فارسی ما بیشتر به اردو شباهت پیدا می‌کرد، یا شبیه می‌شد به فارسی بعد از قرن هشتم و نهم هجری که بیش از هفتاد درصد واژه‌های آن عربی بود. اینجاست که نقش پراهمیت فرزانگانی مانند ذبیح بهروز و حسابی، دو افراطی سره‌گرا و فروغی متعادل مشخص می‌شود.

باید توجه داشت که واژه‌های عمومی یا روزمره بخشی از واژه‌های فنی هستند که به حیطه‌ای از علوم و فنون جدید تعلق دارند. مثلاً صنایع غذایی و آرایشی کمتر از فیزیک یا زیست‌شناسی فنی نیستند، گرچه کمتر بنیادی‌اند. اگر در فیزیک اجازه می‌دادیم واژه‌هایی مانند ترمومتر (دماسنج)، ولوسیتی (سرعت)، فورس (نیرو)، و یا ممنتوم (تکانه، اندازه حرکت) مصطلح شوند، آن وقت راه

برای واژه‌های پیچیده‌تر مانند بیگ‌بانگ (مِهبانگ)، پالسار (تپ‌اختر)، کوواریان (هموردا) و غیره نیز باز می‌شد. اما بی‌توجهی اهل زبان و بی‌فرهنگی بعضی اهل فن و بازرگانان باعث شد که کلمه‌های سوسیس و کالباس وارد زبان ما بشود در حالی که دست‌کم پنج واژه برای این دو محصول در فرهنگ‌های قدیم ما ضبط است و اینها چیزی نبوده که مردم ما نشناسند. همین‌طور است کلمهٔ «ماتیک» از لوازم آرایشی ـ بهداشتی بانوان. اولین واردکنندگان بی‌توجه این محصول، که ابا داشتند کلمه Cosmetique را در فارسی به کار ببرند، بخش اوّل آن را حذف کردند و بخش دوم آن را به صورت «ماتیک» به کار بردند و راه را باز کردند برای ورود انواع واژه‌های آرایشی دیگر در زبان فارسی. چه می‌شد اگر مانند موارد دیگر در زبان فارسی، یا مانند زبان آلمانی، به آن مداد لب می‌گفتند. کلمه‌هایی که به این صورت به زبان وارد می‌شوند مانند وصلهٔ نچسبی هستند که هیچ‌گاه وارد تار و پود زبان نمی‌شوند و به رشد آن کمک نمی‌کنند.

بی‌توجهی فرهیختگان ما ناشی از تلقی اشتباه آنها از علوم و فنون جدید است. زبان و تحولات آن را نمی‌توان به دست سرنوشت سپرد و انتظار داشت کاربران زبان با یک درک عمومی سلیم آن را حفظ کنند. تحولات عظیم جهانی و نقش رسانه‌های همگانی در ایجاد ارتباط بین‌المللی، همگام با جهانی شدن اقتصاد، هرگونه رؤیای فرهیختگان لَخت ما را نقش بر آب خواهد کرد؛ مگر اینکه با برنامه‌ریزی منطقی به مواجهه با این هجوم برخیزیم.

۲ .۳ شیک‌گرایی

مردم ما گرایش دارند به سوی هر آنچه بتوان آن را «شیک» نامید و با آن تشخص پیدا کرد. فرهیختگان نباید این را به مردم خرده بگیرند چه در طول تاریخ، خود،

مروج آن بوده‌اند. زمانی میرزایان و دیوانیان امریه صادر می‌کردند که به جای کلمات زیبا و مصطلح فارسی کلمه‌های عربی معادل در امور دیوانی به کار رود و فرهیختگان جامعه وجه تمایز خود را از مردم در درک لغات عربی می‌دانستند. امروزه عربی جای خود را به انگلیسی یا فرانسه داده، اما پدیده همان است. پدیده‌ای که در تمام قشرهای فرهیختگان ما با هر نوع طریقت فکری مشاهده می‌شود. در دانشگاه‌ها دیده شده است که مدرسانی دانشجویان را تشویق به استفاده از الفاظ انگلیسی می‌کنند. در چنین شرایطی نباید انتظار داشت که مردم عادی نیز به کار بردن الفاظ بیگانه را نیکو نپندارند. کافی است به اطراف خود بنگریم تا ببینیم مردم عادی ما تا چه اندازه اصرار در کاربرد واژه‌های بیگانه دارند بدون آنکه مفهوم آن را به درستی دریابند. آنان با این روش می‌خواهند خود را متشخص جلوه دهند. این منش باعث می‌شود واژه‌های جدید به‌سرعت جای واژه‌های قدیمی‌تر را بگیرند. بدون اینکه مفهوم عوض شده باشد. تبدیل ماتیک به روژ، مستراح به توالت، بقالی به سوپر و مینی‌سوپر از این قاعده تبعیت می‌کند. شیک‌گرایی را نمی‌توان از مردم گرفت اما می‌توان مضمون و جهت آن را به سوی منافع فرهنگی جامعه سوق داد، که این نیز بخشی از برنامه‌ریزی برای زبان است که به روان‌شناسی جامعه توجه می‌کند.

۲. ٤ بیگانه‌زدگی

بیگانه‌زدگی به‌ویژه غرب‌زدگی، آسیبی است که به علت برتر شمردن بیگانگان به زبان زده می‌شود و این امر مختص دوران اخیر نیست. ظاهراً در طول تاریخ ایران همواره غرب‌زدگی مشاهده شده است. پذیرش الفاظی مانند «سشوار» برای موخشک‌کن یا نام‌هایی مانند «خشک‌شویی رویال اکسپرس»، یا مفاهیمی مانند

«کنسل کردن» برای باطل کردن یا به هم زدن و غیره، در مصداق‌های مختلف آن، همگی حکایت از این بیگانگی‌زدگی دارد. عوام معمولاً درصددند که در این زمینه از یکدیگر گوی سبقت بربایند و از این طریق امتیاز اجتماعی کسب کنند.

۳

زبان علم و فن

۱.۳ واژه‌های روزمره و واژه‌های فنی

دیدیم که مفاهیم، در زبان روزمره هم، بسیار دقیق و بی‌ابهام یا کم‌ابهام هستند. پس وجه تمایز زبان علم و فن با زبان روزمره چیست؟ واقعیت این است که به‌سختی می‌توان میان این دو، مرزی مشخص کرد. مثلاً بنگرید به واژه‌هایی که فرهنگستان زبان و ادب فارسی، عمومی تلقی کرده است[۱]. این عمومیت یا به لحاظ کاربرد وسیع واژه‌هاست، یا به دلیل اینکه حوزهٔ کاربرد آنها از یک جمع متخصص خارج می‌شود، مانند فاکس، ایمیل (الکتروپست، الکتروپیام)، اجاق مایکروویو، و .... اگر در گذشته پدر و مادر ما با اجاق هیزمی یا نفتی پخت می‌کردند امروزه ما تمایل داریم که عادات پخت و پز خود را با اجاق مایکروویو منطبق کنیم. این وسیلهٔ جدید مبتنی است بر پدیده‌ای فیزیکی که پیچیدگی آن

---

۱. *واژه‌های مصوب فرهنگستان*، ۱۳۷۶.

کمتر از لیزر و رادار نیست. طبیعی است که کاربر این اجاق لزومی ندارد از سازوکار این اجاق مطلع باشد، کافی است بداند با آن چگونه کار کند. اما دانستن سازوکار فیزیکی آن قطعاً هم به فرهنگ آشپزی کمک می‌کند و هم به کاربرد صحیح این دستگاه.

مایکروویو، که امروزه آن را به فارسی «میکروموج» یا «ریزموج» می‌گوییم، به امواج الکترومغناطیسی با طول موج کوتاه اطلاق می‌شود که نوع دیگر آن همان امواج رادیویی است. این امواج با طول موج کوتاه، بنابراین با بسامد زیاد، به هنگام عبور از مواد غذایی با ملکول‌های آب موجود در آن برمی‌خورند و آنها را به‌شدت به حرکت درمی‌آورند. این حرکت مولکول‌هاست که منجر به گرم شدن مواد می‌شود. به این جهت اجاقی را که بر این سازوکار مبتنی است اجاق مایکروویو نامیده‌اند. ممکن است در آینده سازوکار فیزیکی دیگری برای پخت و پز ابداع شود که با همین سرعت یا حتی سریع‌تر کار کند، آن‌گاه آن اجاق نام دیگری خواهد یافت. اگر به این ظرافت علمی توجه نکنیم و مثلاً آن را تندپز بنامیم، لفظ عامی را برگزیده‌ایم که به هر اجاقی که سریع بپزد می‌توان اطلاق کرد. این شبیه به همان نکته‌ای است که در فصل قبل متذکر شدم، مانند اینکه به سنگک بگوییم نان. سنگک نان است اما هر نانی سنگک نیست. یا اینکه مثلاً به غیبت کردن بگوییم گناه. غیبت کردن گناه است اما هر گناهی غیبت کردن نیست.

در واقع، واژهٔ روزمرهٔ غیرفنی وجود ندارد. شاید بتوان از درجهٔ فنی یا علمی بودن واژه‌ها صحبت کرد. به این معنی که هر چه مفهومی مبتنی بر تعداد بیشتری مفهوم باشد، فنی‌تر و علمی‌تر است. اگر ارتباط مفاهیم را با یکدیگر به شکل درختی رسم کنیم، می‌بینیم هر چه واژه علمی‌تر و فنی‌تر باشد برای بیان آن باید از شاخه‌های بیشتری عبور کنیم. در این میان، معمولاً واژه‌های عمومی یا کمتر

فنی هستند، یعنی برای بیان آنها به تعداد زیادی شاخه نیاز نیست، و یا کاربرد وسیعی دارند مانند اجاق مایکروویو، فاکس، ایمیل، و لیزر. هر چه در ساختار درختی از شاخه‌های بیشتری عبور کنیم مفاهیم پیچیده‌تر می‌شوند. گاهی این پیچیدگی و دور شدن از واقعیت‌های بسیط در علوم به حدّی است که دانشمندان برای بیان مفاهیم بسیار پیچیدهٔ جدید از کلمه‌های روزمره‌ای استفاده می‌کنند که هیچ ارتباطی با مفهوم مورد نظر ندارند. از این جهت دانشمندان اطمینان دارند که خلط معنی نمی‌شود. مثلاً برای تمایز کوارک‌ها در ذات بنیادی از مفهوم رنگ استفاده می‌شود. کوارک‌ها ریزترین ساختار ماده هستند که ذرات بنیادی دیگر، مانند الکترون و پروتون، از آنها ساخته شده‌اند. این مفهوم به حدّی انتزاعی و دور از شهود روزمره است که کسی رنگ کوارک را با رنگ مرسوم یک شیء اشتباه نمی‌گیرد.

۲.۳ پیچیدگی در واژه‌های علمی و فنی

اکنون می‌پردازیم به بررسی پیچیدگی زبان علم و چگونگی ساخت مفاهیم و واژه‌های مرکب. برای نشان دادن حدود این پیچیدگی زبان علم و مفاهیم آن مثال‌های پیچیده‌تری می‌آوریم. در فیزیک دو مفهوم (دستگاه) داریم که با الفاظ «رادار» و «لیزر» بیان می‌شوند. هر یک از این دو لفظ از کنار هم نهادن حروف اوّل کلماتی که دستگاه را تعریف می‌کند ساخته شده است. مثلاً، لیزر دستگاهی است برای «تقویت نور با گسیل برانگیختهٔ تابش[1]». این یکی از خصوصیات زبان علم است که گاهی برای نامیدن یک مفهوم جدید، که از ترکیب مفاهیم دیگر به وجود آمده است، از روش «سَرواژه‌سازی» استفاده می‌شود. این روش یکی از

1. Light Amplification by Stimulated Emission of Radiation= LASER.

راه‌های گزینش اختصار برای واژه‌های مرکب است. امروزه علم و فنّاوری لیزر شاخهٔ مهمی از فیزیک است و مفاهیم بسیاری بر مبنای مفهوم لیزر به دست آمده است و واژه‌های فراوان بر پایهٔ واژهٔ لیزر ساخته شده است. اگر قرار بود هنگام به وجود آمدن مفاهیم جدید و در نتیجه واژه‌های جدید به پویایی و رشد مفاهیم توجه نکنیم، مثلاً به جای لیزر همه‌جا از دستگاه «تقویت نور با گسیل برانگیختهٔ تابش» صحبت کنیم، پیشرفتی که اینک در علم و فنّاوری لیزر شاهد آن هستیم هیچ‌گاه حاصل نمی‌شد.

اصطلاح دیگر نظیر لیزر اصطلاح «رادار» است که آن نیز واژه‌ای اختصاری است که از طریق کنار هم نهادن حروف اوّل چند کلمه، یعنی به روش سرواژه‌سازی، ساخته شده است. ما فارسی‌زبانان ظاهراً پذیرفته‌ایم که این دو مفهوم را به فارسی نیز همین‌گونه بیان کنیم. اما با دستگاه «لیزر راداری»، که در انگلیسی آن را به اختصار LADAR می‌گویند، چه کنیم؟ آیا همین واژهٔ اختصاری را که از ادغام دو لغت لیزر و رادار، یعنی به روش نحط ساخته شده است بپذیریم و مثلاً بگوییم «لیدار» یا «لادار»، یا به سبکی دیگر واژه‌ای اختصاری متناسب با زبان فارسی بسازیم؟ این یکی از اشکال رشد در واژگان علمی است، که در فارسی علمی به آن کمتر توجه شده است.

پیچیدگی در واژه‌سازی علمی به اینجا ختم نمی‌شود. همان‌گونه که گفتیم، زبان و واژگان علمی پویاست و واژه‌ها در زبان علمی مانند موجودات زنده رشد می‌کنند. پس اگر بر یک مفهوم علمی در زبان فارسی لفظی را اطلاق کنیم، باید پیش‌بینی این رشد را نیز بکنیم. لیزر را شناختیم، حال به عمل تقویت نور با گسیل برانگیختهٔ تابش چه بگوییم؟ در انگلیسی برای آن فعل to lase را ساخته‌اند. به چگونگی رشد این واژه توجه کنید! از حروف R،E،S،A،L کلمهٔ

لیزر درست شد (که در انگلیسی شبیه اسم فاعل است) و حالا، به مقتضای نیاز، به قیاس، فعل to lase ساخته می‌شود. ما در فارسی چه کنیم؟ بگوییم مثلاً «لیزری کردن»، «لیزر کردن»، یا «لیزیدن»، یا اصلاً از ابتدا برای مفهوم لیزر لفظ دیگری بسازیم که بتوان از آن به‌راحتی فعل ساخت؟ (منصوری، ص ۵-۶)

بعضی از ادیبان و استادان زبان فارسی به هنگام مواجهه با واژه‌های نوین در علوم معادل‌هایی پیشنهاد می‌کنند که بر ترکیب «نحوی» استوار است و به طور کلی این روش را برای واژه‌گزینی توصیه می‌کنند. به طور مثال، برای واژهٔ collapse، به معنی فرو ریختن یک ستاره در خود، که در شرایط خاص اخترفیزیکی روی می‌دهد، معادل «در خود فرو ریختن» را پیشنهاد می‌کنند. معادل‌هایی از این دست در فرهنگ‌ها و واژه‌نامه‌های موجود هم زیاد است، مانند پیشنهاد «بیش از سهام منتشره مشتری پیدا کردن» در برابر oversubscribe ، «شهرنشینی بیش از حد متناسب» در برابر overurbanization (فرهادی، ص ۸۳۰-۸۳۱) یا «تعداد مسافرانی که در یک جهت معین و در یک دورهٔ مشخص از یک محل عبور می‌نمایند» در برابر passenger flow (باقری، ص ۷۹)؛ مدافعان این روش برای واژه‌گزینی از پدیدهٔ بسیار مهم رشد واژه‌ها و ترکیب آنها با یکدیگر غافل‌اند.

تصور کنید که بخواهیم معادل واژه‌های quantum، superconductor، interference و device را به طریق ترکیب نحوی بسازیم، آن‌گاه تکلیف واژهٔ مرکب Superconducting Quantum Interference Device چه خواهد شد؟ از این واژهٔ مرکب، به روش سرواژه‌سازی SQUID (اسکوئید) ساخته شده است. مگر می‌توان اصطلاحی با این چنین بار معنایی سنگین را به طریق ترکیب نحوی ساخت و در همهٔ موارد به کار برد؟ «اسکوئید» اصطلاحی است برای دستگاهی

که در تمام رشته‌های علوم و نیز پزشکی کاربرد فراوان دارد. درست مثل مداد، یک ابزار است، اما بسیار پیچیده‌تر. اگر قرار بود برای «مداد» لفظی فارسی به روش ترکیب نحوی ساخته شود، آیا می‌توانستیم بگوییم «چوب گرد دراز با مغزی سیاه گرافیت در میان آن»؟ هر یک از کلماتی که حرف اوّلشان در اسکوئید به کار رفته، مفهوم بسیار پیچیده‌ای را بیان می‌کند. حرف اول، S، حرف اوّل کلمه‌ای است که در فارسی به آن «ابررسانا» می‌گوییم. ابتدا باید بدانیم «رسانا» چیست تا بعد بتوانیم بفهمیم «ابررسانا» چیست. در پس این واژه دست کم ۲۰۰ سال علم فیزیک و چند انقلاب فیزیکی نهفته است. واژهٔ بعدی، یعنی کوانتوم، که حرف اولش، Q، حرف دوم لغت اسکوئید را ساخته، همین وضعیت را دارد. خود کوانتوم یا فیزیک کوانتومی یک انقلاب قرن بیستمی در فیزیک است و تا هشتاد سال پیش این واژه و مفهوم آن را نمی‌شناختیم.

۳.۳ رشد در مفاهیم و واژه‌های فنی

یکی از ویژگی‌های بسیار مهم مفاهیم علمی و فنی رشد آنهاست. این ویژگی در علوم سنّتی بسیار کم‌رنگ و کم‌اهمیت است. هنگامی که برای علم نور لفظ «مناظر و مرایا» انتخاب شد کسی نگران ناتوانی این واژه برای رشد نبود. امروزه به این علم اپتیک یا نورشناسی می‌گوییم. اگر به ترکیبات موجود از مفاهیمی که با اپتیک یا ریشهٔ آن، ساخته شده‌اند مانند optometry و optoelectronic و بسیاری مفاهیم دیگر از این دست، بنگریم نازایی واژهٔ مناظر و مرایا برایمان مشهود می‌شود. همین‌طور ترکیب‌های نحوی که برای بیان مفاهیم انتخاب می‌شوند معمولاً به رشد راه نمی‌دهند. در فصل بعد، هنگامی که رابطهٔ زبان و تفکر را بیان خواهیم کرد، متوجه خواهیم شد که ویژگی زایا بودن واژه‌ها تا چه

اندازه به ایجاد مفاهیم جدید و در نتیجه رشد تفکر کمک می‌کند. شاید یکی از دلایل قطع رشد علمی و فرهنگی ما پس از دوران طلایی فرهنگ اسلامی همین زایا نبودن الفاظ و مفاهیم علمی بوده است.

در اینجا به چند نمونه از چگونگی رشد واژه‌های علمی و فنی می‌پردازیم. ابتدا واژهٔ collapse را در نظر می‌گیریم. معادل فارسی که برای این مفهوم اختر فیزیکی انتخاب شده است رُمبش است، از مصدر رُمبیدن. رُمبیدن یک ستاره به معنی این است که بر اثر پدیده‌های خاصی در هم فرو می‌ریزد و تبدیل به یک «سیاهچاله» می‌شود. سیاهچاله نیز، به نوبت خود مفهوم بسیار پیچیدهٔ علمی است. اگر نتوانیم از رُمبیدن برای افادهٔ این مفهوم استفاده کنیم ـ کما اینکه تا چند سال پیش لغتی برای آن نداشتیم ـ راه برای کلمهٔ انگلیسی collapse «کولاپس» باز می‌شود. ممکن است بعضی‌ها مخالف این راه حل باشند، اما این گروه توجه ندارند که قضیه به همین جا ختم نمی‌شود. ستاره‌ای هم که «کولاپس» می‌کند در انگلیسی «کولاپسینگ استار» نامیده می‌شود. پس به‌اجبار این واژه را هم می‌پذیریم و به همین ترتیب زبانمان را پر کنیم از واژه‌های بیگانه و، علاوه بر آن، صرف و نحو زبان بیگانه را هم وارد گردش زبان فارسی می‌کنیم، ضمن اینکه ادغام شدن این دو لغت در هم، یا منحوط شدهٔ آن را نیز، به صورت «کولپسار» می‌پذیریم. اما اگر از لفظ رُمبش استفاده کنیم و اختر به معنی ستاره را هم در نجوم بپذیریم، آن‌گاه ترکیب «رمباختر» برای ستاره‌ای که کولاپس می‌کند بسیار راحت ساخته می‌شود و زایایی زبان ما نمودار می‌گردد. یعنی با پذیرش «رُمبش» نه فقط مسئلهٔ کولاپس را حل می‌کنیم بلکه مسئلهٔ تمام ترکیباتی را که با این لغت می‌آید نیز حل خواهیم کرد. استفاده از این زایایی زبان فارسی، زبان علمی را نیز زایا می‌کند و در نهایت به تکامل زبان و تفکر ما کمک می‌کند.

مثال دیگری از همین نوع می‌آوریم. ستاره‌هایی هستند که «تپ» (پالس)های نوری بسیار منظمی گسیل می‌کنند. این ستاره‌ها را pulsating star یا pulsar می‌نامند. با نامیدن آنها به فارسی به صورت پولسار یا پالسار احتمالاً کمتر کسی موافقت خواهد کرد. در فیزیک فعل تپیدن معادل to pulse کمابیش پذیرفته شده است. به همین دلیل به این اجرام آسمانی «ستاره‌های تپنده» یا «اخترهای تپنده» گفته‌اند، و از آن اختصار «تپ ـ اختر» را ساخته‌اند که کم‌کم در زبان اخترشناسی جا می‌افتد.

مثال دیگر واژهٔ E-mail یا email است. E در ابتدای این واژه حرف اول electronic است. منظور از آن وسیلهٔ فرستادن پست، نامه یا پیام، به طریق الکترونیکی با استفاده از رایانه است. علاوه بر آن، نامه یا پیام الکترونیکی را هم email می‌نامند. امروزه انجام کارهای پژوهشی بدون استفاده از این امکانات تصورناپذیر است. دانشجویان تحصیلات تکمیلی ما هم در ایران، مانند همهٔ دانشجویان در سراسر دنیا، بدون استفاده از این امکانات نمی‌توانند در سطح بین‌المللی کار کنند و نتیجهٔ کار تحقیقاتی آنها قطعاً بدیع و قابل ارائه در جامعهٔ علمی بین‌المللی نخواهد بود. این واژه از دههٔ ۱۹۸۰/۱۳۶۰ شایع شد و کاربرد آن امروزه از حیطهٔ دانشمندان علوم طبیعی بسیار فراتر رفته است و علوم‌انسانی و ادبیات و نیز صنعت و بازرگانی را نیز فراگرفته است. در سال‌های اخیر به قیاس email ترکیب‌های زیر ساخته شده است: E-literature، E-message ، E-novel، E-text ، E-note . چون هر نوع نوشته‌ای می‌تواند به صورت الکترونیکی درآید و منتقل شود قطعاً تعداد این نوع ترکیبات افزایش خواهد یافت و کاربرد آنها گسترده‌تر خواهد شد. این نمونهٔ دیگری از رشد یک واژهٔ فنی است. معادل‌هایی هم که ما در زبان فارسی برمی‌گزینیم باید توانایی این گونه رشد و زایایی را داشته باشند.

این چند مثال ساده نشان می‌دهد که چطور زایایی زبان به پیشرفت آن کمک می‌کند و چطور با یک یا دو ترکیب جدید می‌توان ترکیب‌های بسیار بیشتری ساخت و از این طریق از زایایی زبان بهره جست. زایایی زبان بسیار اهمیت دارد و در واقع آنچه زبان انسان را از دیگر موجودات زنده متمایز می‌کند همین خلاقیت نامحدود زبان است.

۴.۳ توجه کاربران به زبان فنی

نقش زبان علم در انتقال سریع و بی‌ابهام مفاهیم بسیار زیاد است. کاربران زبان فارسی علمی، پژوهشگران و مدرسان مدارس عالی، معمولاً نسبت به این امر بی‌توجه‌اند. علت این بی‌توجهی شاید در کم سابقه بودن فرهنگ نوشتاری علوم و فنون در ایران باشد. به هر جهت پژوهشگران و مدرسان به هنگام صحبت با همکاران یا تدریس از زبانی استفاده می‌کنند که برای شنونده تا حدی مفهوم است، و ابهام‌های آن در گفت‌وگوی حضوری حل می‌شود. اما این زبان گفتار برای انتقال نوشتاری مفاهیم کارا نیست. بسیاری از متخصصان ما که با واژه‌گزینی مخالف‌اند از اهمیت این بُعد فرهنگ نوشتاری علوم بی‌اطلاع‌اند یا در کار خود با آن کمتر مواجه شده‌اند. به هر صورت در نوشتار علمی، هم واژه‌ها و ترکیبات و اشتقاق‌های آنها اهمیت دارد و هم نثری که با آن مطلب بیان می‌شود. نمونه‌ای از این بی‌توجهی به نثر را در زیر مشاهده می‌کنید:

Baking

> قبل از پرداختن به این موضوع مهم بهتر است اشاره‌ای به منابع کار در سیستم‌های خلأ داشته باشیم زیرا وجود هر یک از این منابع سبب اشکالی در خلأ مورد نظر می‌گردد. این منابع عبارت‌اند از الف ـ گاز نفوذی به داخل سیستم خلأ به موجب leak (Q) ب ـ گاز حاصل از outgassing مواد داخل

سیستم (CD) ج ـ گاز یا بخار منتجه از فشار گاز مواد (Qr) د ـ گاز ورودی از میان دیواره‌ها و پنجره‌ها به وسیلهٔ (QV) permeation، اهمیت baking در رابطه با outgassing روشن می‌گردد. زیرا بهترین متد کاهش مقادیر outgassing قسمت‌های سیستم خلأ baking می‌باشد. range مفید درجات حرارت آن (400-500°C) است. به واسطهٔ تولید گاز حاصل از desorption می‌باشد. و این ممکن است به واسطهٔ پروسه‌های absorption و adsorption باشد.... پمپ‌هایی که خروجی آنها فقط به فشارهای کمتر از اتمسفر باز می‌شوند و نیاز به یک پمپ baking برای خروج گاز به اتمسفر دارند-DIFF Pumps: (exhaust only to sub atmosphere pressure) جزء این دسته هستند.

این نمونه‌ای بود از مقاله‌ای که در سال‌های گذشته برای فراهمایی فیزیک در داخل ایران فرستاده شده است.

برای اینکه نشان دهیم در این شیوهٔ نگارش کاربر مقصر است و نه زبان فارسی، قسمتی از متن دیگری را، از مجلهٔ فیزیک، نقل می‌کنم که پیچیدگی علمی آن کمتر از مضمون متن قبلی نیست:

تصویر روی صفحهٔ عنوان این بخش از مجله نمای فضای فازِ یک واکنشِ شیمیاییِ نوسانی را نشان می‌دهد که در آن غلظتِ یک مادهٔ شیمیاییِ معین در بازه‌های گسسته اندازه‌گیری شده است: این تصویر شامل حدود ۳۳۰۰۰ نقطه است که مشخصات x و y آنها به ترتیب عبارت‌اند از غلظت در لحظهٔ t و غلظت در لحظهٔ t+T. T پارامترِ درنگِ زمانیِ ثابت است. اگر این دستگاه دوره‌ای باشد، یعنی اگر غلظت در یک چرخهٔ منظم افت‌وخیز داشته باشد، رفتار آن با یک تک حلقه نشان داده می‌شود. این تک حلقه را، که با گذشتِ زمان بارها و بارها تکرار می‌شود، «ربایندهٔ چرخهٔ محدود» می‌نامند.

اصطلاحات علمی متنِ اخیر کمتر از اصطلاحات متن قبلی نیست ولی با نثری روان و در قالب واژه‌های فارسی شفاف بیان شده‌اند.

اینها نمونه‌هایی از مشکلات زبان ما و کاربران زبان ما در بیان مفاهیم علمی است. این مشکلات تا چه حد به زبان برمی‌گردد و تا چه حد به کاربرِ زبان؟ بسیاری از مشکلات زبان علمی ما به کسانی برمی‌گردد که این زبان علمی جدید را در دانشگاه‌ها، مراکز تحقیقاتی و مراکز صنعتی جدید به کار می‌برند. بی‌توجهی کاربَران به زبان علمی تأثیر بسیار ناخوشایندی در شنونده یا خواننده دارد. این تأثیرِ ناخوشایند چند جنبه دارد: یکی اینکه در خواننده یا شنونده این پندار را پدید می‌آورد که زبان فارسی توانایی بیان مطالب علمی را ندارد و متخصص ما از ناتوانی زبان فارسی در بیان مفاهیم آگاه بوده و به اجبار از واژه‌های بیگانه برای انتقال مفاهیم یا کار تحقیقاتی خود استفاده کرده است. دوم اینکه به شنونده یا خواننده چنین القا می‌کند که مفاهیم علمی بسیار پیچیده است و بیان آنها بسیار دشوار. به این ترتیب، دانشجو نیز درگیر زبانی پیچیده می‌شود و خیال می‌کند این پیچیدگی علم است که در زبان بازتاب یافته است، یعنی بدون اینکه متوجه مطلب علمی بشود در پیچیدگی کلمات و زبان گیر می‌کند و هیچ‌گاه به عمقِ علم نمی‌رسد. دانشجویی که با چنین متنی روبه‌رو می‌شود، چه در کتاب درسی و چه مثلاً در مجموعهٔ مقالات یک همایش، مشکلِ زبان و کاربَرِ زبان را برای بیان مفاهیم به حساب پیچیدگی علم می‌گذارد. این امر یکی از عوامل عقب‌ماندگی علمی ما در دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی است. دانشجویان با نوشتارهای گوناگون از این نوع روبه‌رو می‌شوند و چون درک دقیق و صریحی از متن به دست نمی‌آورند آن را به حساب پیچیدگی علم یا ناتوانی زبان فارسی می‌گذارند. هر دو نتیجه‌گیری برای فرهنگ ما و برای پیشرفت علمی ما مضر است.

نثر ناپخته و مصنوع علمی، که نمونه‌ای از آن ذکر شد، زبان دیگری نیز دارد. دانشجویی که از طریق چنین متنی با علم آشنا می‌شود آن را بیگانه می‌پندارد و با

این تصور خو می‌گیرد که علم در اختیار اقوامی است که زبان آنها غیرفارسی است و خود را تنها استفاده‌کننده از دانش دیگران می‌پندارد. این تصور معمولاً تا آنجا تقویت می‌شود که دانش را نوعی اطلاعات می‌پندارد که به بخشی از آن دسترسی دارد و هیچ‌گاه با فرایند خلاقیت در علم آشنا نمی‌شود. از همین روست که تصور ایستا بودن علم در وی تقویت می‌شود. ما، حتی در بهترین شرایط، که به دنبال علم روز باشیم هیچ‌گاه وارد مرحلهٔ خلاقیت علمی نمی‌شویم و همواره مصرف‌کنندهٔ علم باقی می‌مانیم؛ یعنی مشکل زبان، مشکل کلمات و اصطلاحات علمی، موجب می‌شود که هیچ‌گاه نتوانیم به عمق علم برسیم و مرحله‌ای را که خلاقیت در آن شروع می‌شود درک کنیم. از طرف دیگر، همواره بیگانگانی را که واژه‌های علمی را ساخته و علم را ایجاد کرده‌اند پیشرو و برتر از خود می‌دانیم. به این ترتیب، دانسته و ندانسته نوعی احساس حقارت در ما ایجاد می‌شود. پس ما باید، در مقام کاربر زبان، مدرس، فنّاور، یا متخصصی که در یکی از گوشه‌های کشور با دستگاه‌های جدید و از آن طریق با واژه‌های جدید سروکار دارد، توجه داشته باشیم که آنچه به دیگران منتقل می‌کنیم با نظر به فرهنگ خودی و زبان خودمان باشد. متأسفانه گاهی حتی در دانشگاه‌ها، به همین دلایلی که ذکر کردم، همکاران ما اصرار دارند که دانشجویان واژه‌های جدید را به انگلیسی یاد بگیرند و به انگلیسی هم بیان کنند. دانشجویان ما هم به همین دلیل تصور می‌کنند که اگر واژه‌های انگلیسی را به کار ببرند، علمشان بیشتر است. در نتیجه هیچ‌گاه به عمق علم نمی‌رسند و از این طریق فقط فضل‌فروشی می‌کنند. بدین ترتیب ضربهٔ مهلکی به علم و فنّاوری در کشور وارد می‌شود و در رفع عقب‌ماندگی علمی و فنّاورانهٔ ما مانع پدید می‌آید.

۳. ۵ آسیب‌شناسی

بررسی آسیب‌شناختی فرایندی که منجر به پیشنهاد واژه‌هایی می‌شود از نوع تندپز برای اجاق میکروموجی، پیام‌نگار برای پست الکترونیکی یا الکتروپست، به‌ـبخش برای دِک (در اصطلاح دستگاه‌های صوتی)، و یا اطلاق نام‌های تجاری یا نام مؤسسات بر محصولات صنعتی، مانند دیوترم، تاید، جکوزی، و زونکن (رک پدیدهٔ زونکن در مرجع ذیل)، بخشی از گره‌های فرهنگی توسعهٔ کشور را برملا می‌کند (منصوری، ص ۸٤).

الف) اطلاق نام‌های مؤسسات و شرکت‌ها بر تولیدات صنعتی: اطلاق مصداقی

این پدیده جدید نیست و استمرار دارد. جکوزی یکی از آخرین موارد آن است. با تاید، دیوترم، زونکن، فاب، کولمن، و اسکاچ چند دهه است که آشنا هستیم. اطلاق این واژه‌ها بر محصولات کار مردم عادی است و متخصصان در آن نقش بسیار کمتری داشته‌اند. علت این نام‌گذاری‌ها را باید در پرورده نبودن ذهن عامهٔ مردم در زمینه‌های مربوط به زندگی نوین یا مدرنیت دانست. این یک امر نسبی است که احتیاج به توضیح دارد. هر محصول صنعتی جدید مبتنی بر فرایندی تفصیلی است که آن را از محصولات قبلی با کارکردی مشابه جدا می‌کند. عامهٔ مردم از این فرایند بی‌اطلاع‌اند. و علاوه بر آن به دلیل آشنا نبودن با مبانی مدرنیت و چگونگی رشد صنعتی، توانایی دریافت تمایز میان یک مفهوم و مصداق‌های آن، در آنها پرورده نشده است.

قبل از اینکه در ایران پودر رخت‌شویی به بازار بیاید مردم چوبک و صابون را می‌شناختند. ناگهان مواجه شدند با گرد سفید بسته‌بندی شده در پاکت تمیزی که روی آن نوشته شده بود «فاب». تاید بعداً به بازار آمد. چیزی که بعدها به آن

«تاید» گفته می‌شد، ابتدا مردم به آن فاب می‌گفتند. این هر دو، نام دو محصول بودند، نمونه‌هایی از پودر رخت‌شویی. ذهن بسیط سنّتی مردم ما برای شناخت این محصول مدرن آمادگی نداشت و تفکیک مفهوم پودر رخت‌شویی از کلمهٔ فاب یا تاید برایشان کم‌رنگ بود. در واقع، فاصلهٔ میان ذهن عامهٔ مردم و ذهن لازم برای دریافت فرایند تولیدات صنعتی بیشتر از آن بود که عامه بتوانند میان مفهوم جدید و مصداق‌های تجاری آن تفکیک قائل شوند.

هر چه جامعهٔ ما صنعتی‌تر بشود و ذهن عامهٔ مردم متناسب با پیشرفت فنّاوری پرورده‌تر و پیچیده‌تر شود نمونه‌های این نوع نام‌گذاری مصداقی یا اطلاق مصداقی کمتر خواهد شد. بنابراین پدیدهٔ اطلاق مصداقی را باید ناشی از ناپرورده بودن ذهن پیش ـ صنعتی دانست. این ناپروردگی ذهن به هنگام رویارویی با انبوه مفاهیم و محصولات جدید صنعتی از خود وجوهی بروز می‌دهد که بیانگر خستگی یا لَختی ذهن است. این لَختی ذهن را نباید با کندذهنی فردی اشتباه گرفت، بلکه جنبهٔ قومی و تاریخی دارد. ذهن جمعی ما لَخت‌تر از آن است که در این مقطع تاریخی بتواند مجموعهٔ مفاهیم دنیای صنعتی را درک کند. این است که به هنگام رویارویی با آن، نشانه‌هایی از خستگی فرهنگی و قومی از خود بروز می‌دهد. همین لَختی فرهنگی و خستگی ناشی از آن است که منجر به وادادگی جامعه در مقابل سیل مظاهر تمدن جدید می‌شود که ما آن را به صورت تهاجم فرهنگی می‌بینیم.

ب) لَختی فرهنگی و واژه‌گزینی فرزانگان

لَختی فرهنگی که در بخش گذشته از آن نام بردم ویژهٔ عامهٔ مردم نیست بلکه در جامعهٔ ما عمومیت دارد. این لَختی ریشه در مرحلهٔ بهت تاریخی ما دارد ولی در

مرحلهٔ خودیافت بروز کرده است که هنوز هم ادامه دارد. هنگامی که مرحلهٔ آگاهی در تمام سطوح جامعهٔ ما رسوخ کند باید انتظار داشت که فاصلهٔ ذهن جمعی ما با ذهن پروردهٔ صنعتی بسیار کم شود یا از میان برود و آن‌گاه است که پدیدهٔ لَختی فرهنگی از میان خواهد رفت. همین لَختی فرهنگی باعث می‌شود که به هنگام رویارویی با واژه‌های علمی و فنی جدید توان ذهنی کافی برای تحلیل دقیق فنی آنها پیدا نکنیم. از این جهت واژه‌هایی می‌سازیم که با یک برداشت کلی و بدوی ما از مفهوم جدید سازگار است. این واژه‌سازی فرزانگان قابل قیاس با واژه‌سازی عوام به روش اطلاق مصداقی نیست اما در اینکه در هر دو مورد لَختی فرهنگی اثرگذار است کمتر می‌توان تردید کرد.

یکی از روش‌های نوین انتقال مفاهیم و دانش به طریق الکترونیکی استفاده از رایانه است. با استفاده از این روش‌ها می‌توان هر متن، پیام یا نامه و مقاله و کتاب را به طریق الکترونیکی از هر نقطهٔ عالم به هر نقطهٔ دیگر به طور آنی، یعنی عملاً با سرعت نور، منتقل کرد. استفاده از این روش ابتدا در محافل علمی شروع شد. فرستادن پیام از این طریق و نیز ابزار انجام این کار را electronic mail یا به اختصار e-mail نامیدند. اینترنت زاییدهٔ این سازوکار است. ارتباط میان مردم از طریق پست الکترونیکی یا اینترنت جامعه‌های ذی‌نفعی به وجود آورده است که باید آنها را جوامع اینترنتی نامید. این جوامع به یک مفهوم مجازی‌اند، یعنی تجمع مکانی یا زمانی ندارد و رایانه‌ها و نرم‌افزارهای مربوط، همراه با ستون فقرات یا زیربناهای مخابراتی، اعضای آنها را به یکدیگر مرتبط می‌کند. یکی از زمینه‌های تحقیق جامعه‌شناسان شناخت ویژگی همین جوامع مجازی و شبکه‌های اجتماعی مجازی است.

طبیعی است که اگر بتوان متن را به طریق الکترونیکی تکثیر و توزیع کرد

مفهوم ادبیات، نوشتار، کتاب، مقاله، رمان و مفاهیم دیگری از این دست عوض خواهد شد. هم‌اکنون برخی نویسندگان در زمینه‌های علوم طبیعی، کتاب‌هایی بسیار تخصصی تألیف می‌کنند و در اختیار متخصصان دیگر قرار می‌دهند، بدون آنکه کتاب را به سبک سنّتی چاپ کنند. کتاب در کتابخانهٔ الکترونیکی محصول این مفهوم و فنّاوری مرتبط با آن است. پست الکترونیکی و اینترنت این امکان را فراهم می‌کند. این ابداعات تفننی نیست، کار معدودی مدرن‌گرای ژیگولو هم نیست، بلکه به نظر می‌رسد نوعی جدید از ادبیات در راه است که ابعاد آن هنوز نامشخص است.

اکنون عجیب نیست اگر ذهن جمعی فرزانگان ما که از نظام جدید بی‌اطلاع یا کم‌اطلاع است، با آن خو نگرفته، ابعاد تأثیرپذیری جامعه را از آن نمی‌داند و رشد مفهومی آن را ندیده است معادلی فارسی مانند پیام‌نگار برای آن پیشنهاد کند که نه بیانگر مفهوم است و نه امکان رشد را به واژه می‌دهد و نه ظرافت‌های معنایی و صنعتی در آن منعکس است. جامعهٔ صنعتی، که با رشد علمی عجین شده است، به خاطر ذهن فعال صنعتی که دارد به طور طبیعی واژه‌های قابل رشدی می‌سازد که با رشد مفاهیم بتواند همراهی کند. لَختی فرهنگی ما، و ذهن جمعی خستهٔ ما به دنبال راه حل ساده‌ای است که مسئله را از سر خود واکند. این وجه اشتراک واژه‌گزینی عامیانهٔ اطلاق مصداقی با واژه‌گزینی ناشی از وادادگی فرزانگان ماست.

گذار از این دوره و رسیدن به مرحلهٔ آگاهی کامل احتیاج به نسل جوانی دارد که فارغ از بار تاریخی عقب‌ماندگی نسل ما باشد تا احساس لَختی فرهنگی نکند. این نسل را باید در ایران با بهترین امکانات پرورشی در سطح بین‌المللی آموزش داد و بار مراحل بهت و خودیافت را با تربیت فرهنگی مناسب از دوش آنها برداشت. در این صورت رشد آنها، و فارغ بودن آنها از لَختی فرهنگی، قطعی

است. شواهد، حکایت از آن دارد که برنامه‌ریزی‌های اجتماعی ما به این سو پیش نمی‌رود، که این بسیار جای نگرانی دارد. تأکید بر رشد کمیت در آموزش عالی و آموزش‌های حرفه‌ای کمکی به رفع لَختی ذهنی و فرهنگی جامعهٔ ما نمی‌کند؛ به‌عکس، جامعه را مهیای پذیرش تمام‌عیار فرهنگ‌های غالب بیگانه می‌کند. تحقق این امر به معنی پذیرا بودن فرهنگ‌های مهاجم و نابودی فرهنگ خودی است.

٤

زبان و تفکر

می‌گویند زبان وسیله‌ای است برای بیان مفاهیم علمی، برای تفکر، و این همان نکته‌ای است که باعث بسیاری انحرافات می‌شود. وقتی که ما زبان را وسیله تلقی کنیم، به‌عنوان مثال، در ذهنمان مصداقی نظیر «خودرو»، که وسیلهٔ جابه‌جایی است، و یا «مداد» که وسیله‌ای است برای نوشتن، تداعی می‌شود. اما زبان تنها وسیله نیست. زبان نقشی پویا در فرهنگ جامعه دارد و در تفکر فرد و اجتماع تأثیر می‌گذارد.

حدود دویست سال است که بحث ارتباط زبان و تفکر در اروپا مطرح است. در واقع اثر هِردِر[1] به نام *دربارهٔ منشأ زبان* (١٧٦٨)، که برندهٔ جایزهٔ آکادمی علوم نیز شد، آغازگر این بحث بود. بنا به نظر هِردِر، زبان، به‌عنوان یک نظام، که متعلق به یک قوم است، به جهان‌بینی افراد آن قوم شکل می‌دهد؛ زبان تنها وسیله نیست بلکه مخزن و صورت تفکر است. مخزن به این معنا که تجربه و دانش نسل‌های

1. Herder

زیادی در زبان جمع می‌شود و با آن، از راه آموزش، به نسل‌های بعد منتقل می‌شود. هردر می‌گوید: «زبان صورت علوم است و تفکر نه فقط با آن بلکه بر مبنای آن صورت می‌گیرد».

ویلهلم فون هومبولت[1]، که دیدگاه‌های او در مورد زبان و تفکر با دیدگاه‌های هردر مشابه است، تأثیر بیشتری بر زبان‌شناسی داشته است. نظر اصلی هومبولت در این باره، مفهوم «نقش خلاق زبان در فرایندهای ذهنی» است. بنا به نظر هومبولت اهمیت اصلی زبان‌شناسی در این است که سهم زبان را در تشکیل تصورات کشف کند. وی اضافه می‌کند که زبان ergon نیست، بلکه energeia است و نیز اینکه حرکت و دینامیک زبان را باید بررسی کرد و نباید به آن همچون چارچوبی صلب و پرداخت‌شده نگریست.

آرای هِردِر و هومبولت در قرن بیستم منجر به پیدایش «نظریهٔ میدانی» یا «نظریهٔ حوزه‌ای» شد. بانیان این مکتب، به‌خصوص تریر[2] و وایس گِربِر[3]، بر نقش فعال زبان در روند شناخت تأکید دارند؛ با این تفاوت که نقش اصلی را از آن کلمات مفرد و مستقل نمی‌دانند، بلکه معتقدند مجموعه‌هایی به نام «بلوک‌های زبانی» یا «حوزه‌های مفهومی» بار فعال تأثیر بر دیدگاه‌های انسانی را به دوش می‌کشند. کلمه‌ای که در یک جمله به کار می‌رود، معنی خود را تنها از روابط اجزای جمله به دست نمی‌آورد، یعنی جمله یگانه واقعیت نیست بلکه واقعیت دیگر نیز وارد کار می‌شود و آن «حوزه‌های مفهومی» است که نظامی است حاضر برای گوینده و شنونده. کلمه تنها با حضور این حوزهٔ مفهومی معنا پیدا می‌کند.

بدون اینکه وارد جزئیات بحث زبان و تفکر بشوم، مایلم سه جنبهٔ آن را متمایز کنم: اوّل جنبهٔ «تکامل فرد» یا جنبهٔ ontogenetic آن است. از چه زمانی طفل شروع به تفکر و از چه زمانی شروع به تکلم می‌کند و چه رابطه‌ای میان این

---

1. W.Von Humboldt 2. Trier 3. Weissgerber

دو مرحله برقرار است؟ شاید ویگوتسکی[1]، محقق روسی، در میان محققان دیگر بیش از همه معتقد به نقش فعال زبان در تفکر باشد و تجارب فراوانی هم در این زمینه دارد. بنا به تجارب وی، تکامل زبانی و فکری طفل تا حدود دو سالگی جدا از هم است اما از حدود دو سالگی طفل متوجه می‌شود که هر چیزی اسمی دارد و در این مرحله، تحول عظیمی در او به وجود می‌آید و از آن به بعد تکامل زبانی و فکری با هم «جفت» می‌شوند. البته، تکامل فکری همیشه قدری جلوتر از تحول زبانی است، ولی برای پیشرفت کامل فکری احتیاج شدیدی به زبان هست. کاسپار هاوْزِر[2]، که شاید معروف‌ترین انسانی باشد که به دلیلی دور از جامعه بزرگ شده است، در هجده یا نوزده سالگی در جنگل پیدا شد و تا آن سن با هیچ آدمی روبه‌رو نشده بود. آزمایش‌هایی که در مورد او انجام شد نشان داد که این شخص با وجود اینکه حواس فوق‌العاده‌ای داشته و بالقوه می‌توانسته است صحبت کند ولی عملاً نمی‌توانسته فکر کند، یعنی او دنیا را به صورتی که ما می‌بینیم و درک می‌کنیم نمی‌دیده است. نمونهٔ دیگر هلن کِلِر است، که تا شش هفت سالگی نمی‌توانست صحبت کند و عقب‌ماندهٔ ذهنی به حساب می‌آمد ولی بعد از یادگرفتن زبان شروع به تفکر کرد و انسانی معمولی و حتی برتر از متوسط شد. خودش در دفتر خاطراتش می‌نویسد: «روزی که متوجه شدم هر چیزی اسمی دارد تحول عجیبی در زندگی‌ام به وجود آمد...»

دوم جنبهٔ «تکامل جامعه یا قوم» یا جنبه phylogenetic آن است. تکامل زبان در یک جامعه یا برای یک قوم چه ارتباطی با تکامل فکری و بینش آن جامعه یا قوم دارد؟ آیا تفاوت در زبان باعث تفاوت در فرهنگ و بینش قوم می‌شود؟ ساپیر[3] و ورف[4]، با تحقیقات گستردهٔ خود در مورد زبان اقوام سرخ‌پوست بومی

---

1. Wygotski
2. Kaspar Hauser
3. E.Sapir
4. Benjamin L.Whorf

آمریکا، مطرح کردن این نوع پرسش‌ها را آغاز کردند و به آن دامن زدند. ساپیر و ورف اصل «نسبیت زبان‌شناختی» خود را چنین بیان می‌کنند: «ناظرهای متفاوت از طریق واقعیت‌های فیزیکی مساوی به جهان‌بینی یکسان نمی‌رسند، مگر آنکه زمینهٔ زبان‌شناختی آنها مشابه باشد و یا به طریقی بتوان مبنای یکسانی برای آنها یافت». این اصل که به «فرضیهٔ ساپیر ـ ورف» معروف است، مبنای بحث‌ها و مخالفت‌های زیادی شده است. اما ثمرهٔ مثبت این فرضیه این است که زبان، به عنوان نظامی که با آن تفکر می‌کنیم، در چگونگی دریافت ما از واقعیت و در نتیجه در چگونگی رفتار ما تأثیر می‌گذارد.

به عنوان نمونه‌ای از ارتباط میان زبان و تفکر می‌توان به سیاست زبانی دو کشور هند و ژاپن توجه کرد. این دو کشور در صد سال اخیر رشد علمی مطلوبی داشته‌اند. ژاپن به لحاظ صنعتی جزو پیشرفته‌ترین کشورهای دنیاست و شاید در بعضی از زمینه‌ها پیشرفته‌ترین کشور جهان باشد. هندوستان هم به لحاظ علمی پیشرفت‌های چشمگیری داشته است. این دو کشور به لحاظ زبانی از جهات بسیاری با هم متفاوت‌اند و رشد بسیار متفاوتی داشته‌اند. ژاپنی‌ها خیلی زود شروع به ترجمهٔ واژه‌های علمی به زبان خود کردند. حتی تا آن حد پیش رفتند که الفاظی مثل الکترون و پروتون را به زبان خود ترجمه کردند (کاری که چینی‌ها و تا اندازه‌ای هم آلمانی‌ها کردند)؛ اما هندی‌ها نه. آنان زبان انگلیسی را به‌منزلهٔ زبان علمی خود پذیرفتند، نه فقط برای علوم جدید بلکه حتی به عنوان زبان اداری. منتها هندی‌ها در رشد و تکامل اجتماعی خود به مشکل برخوردند، یعنی در ۳۰ یا ۴۰ سال اخیر متوجه شدند که انتخاب زبان انگلیسی به عنوان زبان علمی و زبان اداری مانع رشد و پیشرفت آنها شده است، مشکلی که ژاپنی‌ها پیدا نکردند. به همین دلیل از حدود سال ۱۳۳۴ / ۱۹۶۵ هندی‌ها شروع به ایجاد یا

تأسیس مراکزی کردند که کارشان بررسی زبان علم و انتخاب واژه‌های هندی برای اصطلاحات علمی انگلیسی باشد. این نمونه‌ها نشان می‌دهد که زبان هر قوم چقدر ممکن است در رشد اقتصادی و نیز در رشد فکری آن قوم تأثیر داشته باشد.

جنبهٔ سوم ارتباط زبان و تفکر صرفاً یک جنبهٔ علمی است و به روشنی نشان می‌دهد که زبان جدید چقدر در پیشرفت علم و تفکر تأثیر دارد. مثال اوّل من به نظریهٔ نسبیت خاص برمی‌گردد. زمانی که اینشتین نظریهٔ نسبیت خاص خود را بیان کرد، زبان بسیار سادهٔ همان روز را به کار برد یعنی الفاظی چون زمان، مکان، طول و جرم را به کار برد ولی محتوای آنها را عوض کرد. آن زمان به نظر نمی‌آمد که او کار خیلی پراهمیتی کرده باشد. کمااینکه بسیاری از تاریخ‌نویسان علم، کار اینشتین را کار نسبتاً جدیدی نمی‌دانند و آن را تکرار کار دیگران مثل لورنتس و پوانکاره می‌دانند. اما، دو سال پس از ابداع نظریهٔ نسبیت خاص، مینکوفسکی همان مفاهیم نسبیت خاص را به زبان دیگری بیان کرد یعنی به زبان هندسه که ما به آن هندسهٔ مینکوفسکی می‌گوییم. این بیان جدید از نسبیت یا این زبان جدید نسبیت، باعث شد که پیشرفت بسیار خارق‌العاده‌ای در فیزیک ایجاد شود که نسبیت خاص با زبانی که اینشتین بیان کرده بود چنین امکانی را پدید نمی‌آورد. نسبیت عام و به تبع آن مکانیک کوانتومی نسبیتی و نظریهٔ میدان‌ها تماماً مدیون زبان جدیدی است که مینکوفسکی ابداع کرد.

مثال دیگر هم از مکانیک می‌توان زد: لاگرانژ تمام مکانیک نیوتونی را به زبان علمی جدید بیان کرد و این زبان جدید، یا بیان جدید از مکانیک، باعث پیشرفت چشمگیری در فیزیک شد. این دو مثال سادهٔ علمی نشان می‌دهد که بیان جدید از یک پدیده، یا به زبان جدید بیان کردن یک پدیده، چگونه می‌تواند به پیشرفت

علم کمک کند.

آن اندیشه‌ای که زبان را صرفاً وسیله می‌داند و توجه نمی‌کند که زبان گاهی عین تفکر است، نه تنها به زبان لطمه وارد می‌کند و زایایی فرهنگ را از بین می‌برد بلکه مانع رشد تفکر جامعه می‌شود.

۵

تجربهٔ کشورهای دیگر[1]

اطلاعات ما در مورد واژه‌گزینی کشورهای دیگر بسیار اندک است. تصور رایج، حتی در میان متخصصان ما این است که همهٔ کشورها و زبان‌ها، به‌جز فرانسوی‌ها که تعصب شدیدی روی زبان خود دارند، واژه‌های انگلیسی را به عنوان واژه‌های بین‌المللی پذیرفته‌اند و این پذیرش را یک جبر فرهنگی می‌دانند که از آن گریزی نیست. بی‌جهت نیست که راه‌حل پذیرفته شده برای پاک‌سازی زبان از واژه‌های بیگانه، یعنی سپردن آن به فرهنگستان زبان و ادب فارسی، شباهت زیادی به راه حل پاک‌سازی زبانی در فرانسه دارد. گرچه وضعیت زبان فارسی و فرانسه برای مواجهه با این معضل یکسان نیست.

واقعیت این است که تقریباً در تمام زبان‌های دنیا واژه‌گزینی، یا به مفهوم عام‌تر استانداردسازی واژه‌ها مرسوم شده است و همه جا این پدیده لازمهٔ توسعهٔ

---

۱. اطلاعات این فصل تا پیش از سال ۱۳۸۰ را دربرمی‌گیرد.

صنعتی و نیز ارتباطات تجاری و صنعتی بین‌المللی تلقی می‌شود. برای اینکه تصور درستی از مجموعهٔ فعالیت‌های واژه‌گزینی در جهان به دست آوریم خوب است به چند نمونهٔ آماری توجه کنیم. تعداد پژوهشگران در دنیا همواره بیانگر حجم کارهای پژوهشی است که به همراه آن مفاهیم و واژه‌ها نیز خلق می‌شوند. پس آهنگ رشد تعداد پژوهشگران بیانگر آهنگ رشد تعداد واژه‌ها نیز هست. جدول ۵ .۱ تعداد پژوهشگران را در صدسال گذشته نشان می‌دهد. این ارقام نشان می‌دهند که هر پنجاه سال تعداد پژوهشگران ده برابر شده است. این رشد منجر به رشد علم و زبان علمی هم شده است؛ آهنگ رشد واژه‌های علمی و فعالیت‌های واژه‌گزینی نیز به همین نسبت بوده است. امروزه در بیش از ۳۰/۰۰۰ شاخهٔ علمی در مراکز آموزش عالی کارشناس تربیت می‌شود. حدود ۳۰ میلیون مفهوم در علوم و فنّاوری، ۷ تا ۸ میلیون مادهٔ شیمیایی، ۲ تا ۳ میلیون مفهوم در پزشکی و ۲ تا ۳ میلیون مفهوم در حوزهٔ برق و الکترونیک وجود دارد. حدود ۱۰/۰۰۰ گروه و مؤسسه در جهان به واژه‌گزینی مشغول‌اند. تعداد فرهنگ‌ها و واژه‌نامه‌های چاپ شده در دنیا بیش از ۲۰۰/۰۰۰ است.

هجری شمسی / میلادی	تعداد پژوهشگران دنیا
۱۸۰۰/۱۱۸۰	۱/۰۰۰ نفر
۱۸۵۰/۱۲۳۰	۱۰/۰۰۰ نفر
۱۹۰۰/۱۲۸۰	۱۰۰/۰۰۰ نفر
۱۹۵۰/۱۳۳۰	۱/۰۰۰/۰۰۰ نفر
۲۰۰۰/۱۳۸۰	۱۰/۰۰۰/۰۰۰ نفر

جدول ۵ .۱

این جدول توزیع پژوهشگران دنیا را در دویست سال گذشته نشان می‌دهد. رقم‌ها بیانگر مرتبهٔ بزرگی است، نه تعداد دقیق پژوهشگران.

این ارقام به این جهت ذکر شد که ابعاد واژه‌گزینی و لزوم آن در سطح بین‌المللی مشخص شود. کشورهای مختلف به دلایل مختلف و در سطوح گوناگون به واژه‌گزینی می‌پردازند. در کشوری مثل آمریکا مهم‌ترین مسئله استاندارد کردن مفاهیم برای تسهیل ارتباطات علمی است. اروپای متحد علاوه بر مسئلهٔ استانداردسازی، به علت چندزبانگی و لزوم ترجمه، برای واژه‌گزینی اهمیت خاصی قائل است. در کشورهایی مانند ایران که در مرحلهٔ ایجاد زبان علمی بومی هستند مسئلهٔ گزینش واژه‌ها و نوواژه‌سازی نقش بسیار چشمگیرتری دارد.

بدیهی است هنگامی که تعداد واژه‌های فنی چنین ابعادی پیدا می‌کند و آهنگ رشد آنها، که بیانگر آهنگ رشد مفاهیم است، سرعت می‌گیرد، دیگر مطالعهٔ چگونگی ابداع واژه‌ها و قوانین حاکم بر آنها به یک فنّاوری یا علم تبدیل می‌شود. این علم را واژه‌شناسی می‌نامند. واژه‌شناسی، گرچه به نظر می‌آید از زبان‌شناسی منتزع شده‌است، اما علمی است مبتنی بر زبان‌شناسی، فلسفه، منطق و نیز رشته‌های تخصصی. این علم بسیار گسترده‌تر از زبان‌شناسی است و به هیچ وجه نمی‌توان به آن همچون زیرگروه زبان‌شناسی نگریست. بی‌جهت نیست که در دانشگاه‌هایی که این علم تدریس می‌شود کمابیش یک رشتهٔ مهندسی تلقی می‌شود. این علم مبنایی است برای:

فرمول‌بندی اطلاعات توسط متخصصان هر رشته؛

انتقال دانش و فنّاوری؛

انتقال اطلاعات از زبانی به زبان دیگر، چه از طریق ترجمهٔ متن و چه ترجمهٔ حضوری.

سازمان بین‌المللی استانداردها، و نیز سازمان‌های ملی استاندارد، اصول واژه‌گزینی و نیز واژه‌ها را استاندارد می‌کنند. با واژه‌ها به عنوان اجزای کوچک اطلاعات همان‌گونه رفتار می‌شود که با اجزای هر شیء یا محصول فنی و روش‌های تولید صنعتی. گسترش و بین‌المللی‌شدن این فعالیت‌ها باعث ایجاد چندین مؤسسهٔ بین‌المللی واژه‌شناسی و نیز چندین مکتب، از جمله مکتب اتریش، مکتب روسیه، مکتب اروپای شمالی، و مکتب کانادا شده است.

۱.۵ مرکز بین‌المللی واژه‌شناسی(اینفوترم)[1]

با گسترش فعالیت‌های واژه‌شناسی و ایجاد واژه‌بانک‌ها لزوم تأسیس یک نهاد بین‌المللی برای هماهنگ کردن این فعالیت‌ها احساس می‌شد. در آغاز دههٔ ۱۹۵۰/۱۳۳۰، برای برخورد مناسب با این نیاز و هماهنگ کردن کوشش‌های بین‌المللی در این زمینه، تأسیس این نهاد در چندین فراهمایی یونسکو درخواست شد. سرانجام، مرکز بین‌المللی واژه‌شناسی (اینفوترم) در سال ۱۹۷۱/۱۳۵۰ تأسیس شد. کار اینفوترم ادامهٔ فعالیت‌های یک مؤسسهٔ کوچک واژه‌شناسی بود که به‌طور خصوصی توسط اویگن ووستر[2] در ویزل‌بورگ[3] (اتریش) تأسیس شده بود. ووستر ثمرهٔ شصت سال کار خستگی‌ناپذیر خود را در زمینه‌های متنوعی چون مهندسی، واژه‌شناسی، تهیهٔ اسناد، طبقه‌بندی و زبان‌شناسی کاربردی به صورت مجموعهٔ باارزشی از اطلاعات در اختیار اینفوترم گذاشت (منصوری، ص ٤-٦)؛ (Felber 1989, pp. 5-6).

مهم‌ترین زمینهٔ فعالیت‌های اینفوترم را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

- گردآوری و تحلیل نوشته‌های واژگانی؛

---

1. International Information Center for Terminology (Infoterm)
2. Eugen Wüster
3. Wiselburg

- گردآوری واژگان استاندارد؛
- مدیریت داده‌ها: جمع‌آوری، پردازش، توزیع و پخش داده‌های واژگانی؛
- ایجاد ابزارهای لازم برای تهیهٔ اسناد واژگانی؛
- ارائهٔ خدمات اطلاعاتی و مشاوره‌ای در زمینه‌های مختلف؛
- آماده‌سازی نشریات؛
- تهیهٔ طرح‌ها؛
- سازمان‌دهی سخنرانی‌ها و محافل علمی؛
- ادارهٔ کتابخانه ووستر؛
- طرح «مؤسسهٔ بین‌المللی برای مطالعات پیشرفته در واژه‌شناسی»[1].

پس از تأسیس اینفوترم در چارچوب برنامهٔ بخش اطلاعات عمومی یونسکو(UNISIST) این ضرورت احساس شد که فعالیت‌های واژه‌شناسی با کیفیت بسیار خوب و نیز گسترش آتی این فعالیت‌ها در یک گردهمایی بین المللی بررسی شود. بنابراین، اولین هم‌نشست (سمپوزیوم) بین‌المللی‌اینفوترم در زمینهٔ «همکاری بین‌المللی در واژه‌شناسی» در سال ۱۹۷۵/۱۳۵٤ در وین برگزار شد. در این هم‌نشست پیشنهاد شد که شبکه‌ای از متخصصان و سازمان‌های مختلف ایجاد شود تا به حل مسائل مربوط به واژه‌شناسی بپردازد. پس از این هم‌نشست، بررسی در این مورد آغاز شد و اینفوترم نتیجهٔ بررسی‌های خود را در زمینهٔ ایجاد شبکهٔ واژه‌شناسی در سال ۱۹۷۷/۱۳۵٦ به هیئت مشاوران اینفوترم تقدیم کرد. پیشنهاد ایجاد شبکه پذیرفته شد و طرح تشکیل آن به مرحلهٔ اجرا درآمد. بدین ترتیب شبکهٔ بین‌المللی واژه‌شناسی (ترم‌نِت)[2] به وجود آمد.

---

1. International Institute for Advanced Studies in Terminology
2. The International Network for Terminology (Termnet)

۲.۵ شبکهٔ بین‌المللی واژه‌شناسی (ترم‌نِت)

پس از تصویب تأسیس یک شبکهٔ جهانی برای هماهنگ کردن فعالیت‌های واژه‌شناسی، مطالعهٔ تفصیلی دربارهٔ تشکیل آن با همکاری سازمان‌های صاحب‌صلاحیت در این زمینه در سال‌های ۱۹۷۶/۱۳۵۵ و ۱۹۷۷/۱۳۵۶ انجام شد. تجزیه و تحلیل نتایج این بررسی‌ها نشان داد که زمینه‌های مختلفی برای فعالیت‌های واژه‌شناسی به شرح زیر وجود دارد که هماهنگی و شبکه‌ای کردن این فعالیت‌ها را ایجاب می‌کند (Galinski 1986, pp. 17-23); (Felber 1980, pp. 21-63):

آموزش واژه‌شناسی، پژوهش و اصول؛

آماده‌سازی واژه‌نامه‌ها؛

تهیهٔ اسناد مربوط به واژه‌شناسی.

در سال ۱۹۸۷/۱۳۵۷ ماهیت مشارکت شرکت‌کنندگان در این فعالیت‌ها و نوع مشارکت مورد علاقهٔ آنها بررسی شد. در سال ۱۹۷۹/۱۳۵۸ نتایج این بررسی، قسمتی از دستور کار ترم‌نت شد. همچنین پیشنهادهایی برای نظم بخشیدن به جریان داده‌ها و اطلاعات از طرف اینفوترم به هیئت مشاوران اینفوترم برای بحث و ارزیابی تقدیم شد. در نتیجهٔ بررسی‌های انجام شده تصمیم گرفته شد که نشریه‌ای به نام اخبار ترم‌نت[1] برای بازتاب این فعالیت‌ها منتشر شود. اولین شمارهٔ این نشریه در سال ۱۹۸۰/۱۳۵۹ منتشر شد. در طی سال‌های گذشته اطلاعات بسیار مفیدی از طریق این نشریه در اختیار علاقه‌مندان به فعالیت‌های واژه‌شناسی گذاشته شده است. (www. termnet.org)

1. Temnet News

۵. ۲. ۱ اهداف شبکهٔ بین‌المللی واژه‌شناسی

اندیشهٔ اصلی تشکیل این شبکه از ووستر بود اما طراحی آن را فلبر با برنامه‌های زیر انجام داد:

برنامهٔ شمارهٔ ۱ ترم‌نت «گسترش مبانی علمی واژه‌شناسی»

در سال‌های اخیر کوشش اصلی اینفوترم در اجرای این برنامه به‌ویژه در زمینهٔ فعالیت‌های زیر بوده است:

- ارائهٔ خط‌مشی برای انجام فعالیت‌های واژه‌شناسی؛
- سازمان‌دهی هم‌نشست‌هایی برای علم واژه‌شناسی و روش‌های آن (مانند آنچه در کانادا و روسیه برگزار شده است)؛
- سازمان‌دهی هم‌اندیشی‌های واژه‌شناسی در کشورهای مختلف (چین، ژاپن، اسپانیا، تونس، ونزوئلا و غیره)؛
- ترتیب دوره‌های کارآموزی در محل برای اعضای ترم‌نت؛
- تشکیل دوره‌های تابستانی اینفوترم در وین؛
- همکاری در تنظیم برنامه‌های درسی واژه‌شناسی؛
- آماده‌سازی وسایل کمک‌آموزشی مانند دستورکار واژه‌شناسی.

برای گسترش مبانی علمی واژه‌شناسی باید کارهای زیاد دیگری انجام شود، از جمله:

- استفاده از نتایج تجربیات به دست آمده در کار واژه‌شناسی برای تهیهٔ وسایل کمک‌آموزشی جدید مانند درس‌های ویدیویی و آموزش عملی با استفاده از رایانه؛
- تهیهٔ کتاب‌های درسی که در آنها مسائل واژه‌شناسی عمیقاً بررسی شده باشد؛

- تربیت مدرسان واژه‌شناسی و متخصصان به منظور کاربرد اصول و روش‌های واژه‌شناسی.
- تهیهٔ دستورکار در زمینه‌های زیر:
  - تهیهٔ اسناد واژه‌شناختی (مانند دستورکار ترم‌نت)؛
  - ایجاد واژه‌بانک‌ها؛
  - تأسیس بنگاه‌های واژه‌شناسی؛
  - گسترش وسایل کمک‌آموزشی و برنامهٔ درسی دورهٔ آموزشی واژه‌شناسی.

از سال ۱۹۸۹/۱۳٦۸ تاکنون دیدگاه پژوهش و گسترش در زمینهٔ واژه‌شناسی گسترش چشمگیری یافته و در آینده گسترش بیشتری نیز خواهد یافت.

برنامهٔ شمارهٔ ۲ ترم‌نت «آماده‌سازی واژه‌نامه‌ها و ثبت آنها به صورتی که توسط ماشین قابل خواندن باشد»

این برنامه را می‌توان زمینهٔ اصلی فعالیت ترم‌نت دانست. هدف آن تشویق سازمان‌های علمی، فنی، و حرفه‌ای به تهیهٔ واژه‌نامه‌ها و کاربرد آنها به صورتی است که توسط ماشین قابل خواندن باشد. این سازمان‌ها اطلاعات مربوط به واژه‌نامه‌های موجود را دریافت می‌کنند. اصول واژه‌شناسی و روش‌های استانداردسازی در اختیار سازمان‌هایی قرار می‌گیرد که به تهیهٔ واژه‌نامه‌ها اشتغال دارند.

از طرف دیگر، تعداد زیادی از سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل، اتحادیهٔ اروپا و مؤسسه‌های ملی زبان، یا مراکز برنامه‌ریزی زبان مانند فرهنگستان‌ها، باید واژه‌نامه‌های مربوط به زمینهٔ فعالیت یا حوزهٔ زبانی خود را تهیه کنند. در کشورهای افریقایی، عربی، چین، هندوستان و امریکای جنوبی ابتدا

باید نهادهای ملی یا نهادهایی که نمایندهٔ چند کشور یا گروهی از کشورها هستند با همکاری سازمان‌های علمی، فنی، حرفه‌ای، و متخصصان همهٔ رشته‌ها واژه‌نامه‌های مربوط به آنها را تهیه کنند. کشورهایی که دارای واژه‌شناسی پیشرفته هستند باید به این کشورها کمک کنند.

برای استفاده از داده‌های مختلف باید راهبرد ویژه‌ای وجود داشته باشد تا اطمینان حاصل شود که داده‌های واژه‌شناختی طبق نیاز استفاده‌کنندگان مختلف آماده، ثبت، نگهداری و پردازش می‌شود و مطابق نیاز آنها انتشار می‌یابد. واژه‌بانک‌های بزرگ می‌توانند نقش مهمی در تهیهٔ نرم‌افزار و سخت‌افزار لازم برای این کار داشته باشند و در عوض از داده‌های واژه‌شناختی قابل اطمینان بهره‌مند شوند.

برنامهٔ شمارهٔ ۳ ترم‌نت «گردآوری، ثبت، پردازش و انتشار اطلاعات واژه‌شناختی»

هدف این برنامه ایجاد جریانی از اطلاعات کتاب‌شناسی و واژه‌شناسی از سازمان‌های تولیدکنندهٔ این داده‌ها به مصرف‌کنندگان از طریق دستگاه‌های اطلاعاتی و انتشاراتی است. اطمینان از جریان مؤثر اطلاعات در صورت همکاری نزدیک همهٔ افراد علاقه‌مند و فعال در این زمینه، با اینفوترم به عنوان هماهنگ‌کننده، امکان‌پذیر است.

طبق ارزیابی‌های اخیر، بالغ بر ۲۰۰/۰۰۰ واژه‌نامهٔ تخصصی به زبان‌های مختلف در سراسر جهان وجود دارد. جمع‌آوری این مراجع گنجینهٔ گرانبهایی از اطلاعات برای هر یک از نمایندگان ترم‌نت خواهد بود.

فعالیت‌های زیادی در چارچوب این برنامه انجام شده است و نتایج این فعالیت‌ها به صورت یک مجموعهٔ کتاب‌شناسی بین‌المللی از طریق اینفوترم و با

همکاری نمایندگان ترم‌نت در دست تهیه است و قسمتی از آنها به صورت کتاب یا نشریات دیگر به چاپ رسیده و بخشی نیز در نشریهٔ ادواری بیبلیوترم[1] منتشر شده است. به علاوه، منابع اطلاعاتی بسیاری در زمینهٔ مبانی اطلاعاتی برای کتاب‌شناسی بین‌المللی واژه‌نامه‌های استاندارد وجود دارد که در نشریهٔ کتاب‌شناسی بین‌المللی واژه‌های استاندارد[2] منتشر می‌شوند. علاوه بر آن، ویرایش دوم راهنمای جهانی فعالیت‌های واژه‌شناختی[3] در سال ۱۹۸۵/۱۳٦٤ به صورت سری جدیدی از نشریات اینفوترم منتشر شد.

انتشارات اینفوترم به صورت کتاب، فقط بخشی از مجموعهٔ اطلاعات را شامل می‌شود. وبگاه این سازمان www.infoterm.info اطلاعات جامعی در مورد مسائل واژه‌شناسی را در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌دهد.

اینفوترم، اطلاعات کتاب‌شناسی مربوط به واژگان تخصصی، فرهنگ‌ها، واژه‌نامه‌ها، گردهمایی‌های واژه‌شناختی، طرح‌ها و غیره را گردآوری و ثبت می‌کند. از سال ۱۹۸۳/۱۳٦۲ بخشی از این اطلاعات از طریق بیبلیوترم منتشر شد.

تدریس واژه‌شناسی در مؤسسات آموزش عالی و تهیهٔ فهرست رساله‌های مربوط به واژه‌شناسی و اطلاعات در زمینهٔ پژوهش‌های واژه‌شناختی دانشگاهی از کارهای دیگر ترم‌نت است.

۲ .۲ .۵ نمایندگان ترم‌نت

نمایندگان ترم‌نت سازمان‌هایی هستند که به کار واژه‌شناسی در سطح ملی و بین‌المللی اشتغال دارند و تمایل به گردآوری اطلاعات واژه‌شناختی در ناحیهٔ

1. Biblioterm
2. International Bibliography of Standard Vocabularies
3. World Guide to Terminological Activities

جغرافیایی معین و یا رشتهٔ خاصی دارند. این نمایندگان می‌توانند سازمان‌های بین‌المللی علمی، فنی، حرفه‌ای و غیره باشند. نشریات ترم‌نت و اینفوترم و همچنین وسایل لازم برای کارهای اطلاعاتی در اختیار این نمایندگان گذاشته می‌شود. آنها نیز اطلاعات و وسایل لازم برای هماهنگ کردن را در اختیار اینفوترم قرار می‌دهند.

۵ . ۳ واژه‌گزینی در اروپای متحد

از زمان تشکیل اتحادیهٔ اروپا، به دلایل قانونی، و با توجه به این اصل دموکراتیک که هر شهروند اروپایی باید بتواند بدون توجه به زبان خود در اتحادیهٔ اروپا نقشی داشته باشد، این اتحادیه چندزبانه بودن را پذیرفته است: آلمانی، فرانسه، انگلیسی، ایتالیایی، دانمارکی، هلندی، اسپانیایی، پرتغالی و یونانی به‌علاوه زبان‌هایی که در حال اضافه شدن است. کلیهٔ تصمیم‌های این جامعه باید به اطلاع همهٔ اعضا برسد و برای آنها قابل درک باشد، یعنی همهٔ مدارک اداری باید به شکلی صحیح و روشن به زبان کشورهای عضو جامعه ترجمه شود. در این موارد انتخاب واژه‌های صحیح از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. همچنین کلیهٔ محصولات کشورهای جامعه به کشورهای دیگر فرستاده می‌شود. نوشته‌های مربوط باید در همهٔ کشورهای عضو جامعه به روشنی فهمیده شود. در اینجاست که نقش واژه‌شناس مشخص می‌شود. طبق آمار موجود، در حدود ۱/۵۰۰ مترجم متن و ٤۵۰ مترجم حضوری در کمیسیون جامعهٔ اروپا همه‌روزه رابط میان مؤلفان متون و گویندگان از یک طرف و خوانندگان و شنوندگان از طرف دیگر هستند. اگر مؤسسات مختلف این جامعه را هم در نظر بگیریم این رقم به ۳/۰۰۰ مترجم متن و حضوری افزایش می‌یابد. بنابراین، ایجاد ارتباط زبانی بخش مهمی از فعالیت اروپای متحد است.

نگاهی گذرا به فعالیت‌های جامعهٔ اروپا نشان می‌دهد که تهیهٔ اسناد علمی و برقراری ارتباط زبانی کار روزمرهٔ مترجمان است. این مترجمان در حدود ٤٥ ٪ از وقت خود را صرف جست‌وجوی واژه‌ها می‌کنند. در اینجاست که واژه‌شناسان به یاری آنها می‌آیند. در سال ۱۹٦۰/۱۳٤۰ بخش ترجمهٔ جامعهٔ اروپا واحدهای واژه‌شناسی لازم را برای حمایت از مترجمان تأسیس کرد. مترجمان نیز به سهم خود می‌کوشند که دین خود را در توسعهٔ واژه‌های تخصصی ادا کنند و هر دو گروه به یاری متخصصان تهیهٔ اسناد و مدارک علمی می‌شتابند. روشن است که مدارک علمی کافی (فرهنگ‌های یک‌زبانه، فرهنگ‌های چندزبانه، واژه‌بانک‌ها و دسترسی به هرگونه اطلاعات در این زمینه) می‌تواند به مترجمان حضوری و متن کمک کند تا کار خود را به‌درستی انجام دهند.

متونی که توسط بنگاه‌های این جامعه پذیرفته می‌شود، برخلاف متون سازمان ملل، مستقیماً اجرا می‌شوند و در بسیاری موارد باید به شهروندان و افراد ذیربط در کشورهای عضو اتحادیه منتقل شود. بنابراین، قوانین اتحادیه برای اجرایی شدن باید به زبان‌های ملی هر جامعه نوشته شود که به معنی استفاده از همهٔ زبان‌های جامعه‌ای است که از سال ۱۹۸٦/۱۳٦۵ با نُه زبان رسمی شروع شد و هنوز در حال افزایش است.

سهولت ارتباط بین عامهٔ مردم و مؤسسات از وظایف جامعهٔ اروپا و مترجمانی است که به این منظور به کار گمارده شده‌اند و بزرگ‌ترین گروه مترجمان را در جهان تشکیل می‌دهند. در چنین محیط چندزبانی، زبان‌شناسان حرفه‌ای حلقهٔ رابط در زنجیرهٔ انتقال دانش هستند. در روند توسعهٔ این اتحادیه با رشد سریع فنّاوری، گسترهٔ بسیار وسیعی از واژه‌های تخصصی به وجود می‌آید. طبق برآوردهای انجام شده، رشته‌های مختلف شامل ۳۰۰ موضوع با ٦

میلیون واژه در هر زبان هستند.

جامعهٔ اروپا با ایجاد سرویس اطلاعاتی[1] SVP واحدهای لازم را برای کمک به مترجمان به منظور دریافتن واژه‌های معادل ایجاد کرده‌است. واژه‌شناسان این جامعه وسایل لازم را برای سازمان‌دهی و پخش اطلاعات در اختیار دارند و یافته‌های آنها در دسترس سایر متخصصان زبان قرار می‌گیرد. در اتحادیهٔ جدید که در آن به دست آوردن بهترین نسبت هزینه - سود اهمیت فراوان دارد، واژه‌شناس رابط گرانبهایی است.

واژه‌شناسان در این مجموعهٔ عظیم چندزبانی از استعداد بالقوهٔ خود برای ارتباط میان رشته‌های مختلف نیز استفاده می‌کنند. درست نیست که متخصصان تصمیم‌ها را به‌تنهایی بگیرند و پس از آن به واژه‌شناس‌ها مراجعه کنند، بلکه باید در تمام مراحل کار خود از یاری آنها بهره‌مند شوند. این واژه‌شناسان نه تنها مترجمان را یاری می‌دهند، بلکه می‌توانند مشاوران ارزشمندی در تهیهٔ متون باشند و تاکنون تعدادی واژه‌نامهٔ تخصصی در رشته‌های مختلف تهیه کرده‌اند.

هر شهروند اروپایی در مرحله‌ای از زندگی خود با مشکل زبان مواجه می‌شود و با ایجاد بازاری بزرگ با ۳۲۰ میلیون مصرف‌کننده این مانع بزرگ‌تر می‌شود. برای از میان بردن این مانع هر کس وظیفه‌ای را عهده‌دار است ولی نقش مترجمان و واژه‌شناسان بارزتر است و آنها در صورتی می‌توانند وظیفهٔ خود را به‌درستی انجام دهند که نقش آنها به‌خوبی شناخته و از آنها حمایت شود.

۵.۳.۱ پارلمان اروپا

پارلمان اروپا یکی از مؤسسات اتحادیهٔ اروپاست که توجه زیادی به واژه‌شناسی و

1. Service de Vocabulaire Parlementaire

واژه‌گزینی دارد. از زمان پیدایش این پارلمان در سال ۱۹۵۲/۱۳۳۱ کلیهٔ زبان‌های اعضای آن از اهمیت یکسان برخوردار بوده است و با توجه به تنوع این زبان‌ها در حدود ۴۵۰ مترجم برجسته در دبیرخانهٔ شورای وزیران جامعهٔ اروپا به کار تمام وقت مشغول‌اند. این مطلب، شورا را به یکی از بزرگ‌ترین سرویس‌های ترجمه تبدیل کرده‌است که مستقل و به موازات این جامعه و سایر بنگاه‌های اروپایی کار می‌کند. هر مترجم باید مدارک پارلمان را به زبان مادری خود ترجمه کند. بنابراین، هر مدرک، به هر زبانی که تنظیم شده باشد، باید به چندین زبان دیگر ترجمه شود. بعضی مواقع ترجمه به زبان گالیک نیز صورت می‌گیرد. این مسئله فشار شدیدی را بر مترجمان وارد می‌کند، دست‌ِکم برای هر زبان باید یک مترجم نقش واژه‌شناس را نیز ایفا کند و با پژوهش و تهیهٔ اسناد لازم همکاران خود را در این زمینه یاری دهد. بنابراین، واژه‌شناسان باید با کسانی که به عنوان مترجم کار می‌کنند در تماس دائم باشند.[1] داده‌های واژگانی در کتابخانهٔ زبان‌های مختلف وجود دارد و یک پایگاه اطلاعاتی رایانه‌ای یا سرویس اطلاعات واژه‌شناسی[2] (TIS) وجود دارد که محتوی بیش از ۱۵۰/۰۰۰ کارت به یازده زبان (از جمله گالیک و لاتین) است. کلیهٔ حروف و تلفظها در این کارت‌ها به‌درستی نشان داده شده است. واژه‌شناسان و مترجمان می‌توانند با TIS ارتباط دوجانبه، برقرار کنند، یعنی اطلاعات مورد نظر خود را دریافت کنند و با وارد کردن کارت‌های جدید و تکمیل رشته‌های مختلف، این پایگاه را همواره روزآمد نگاه دارند.

هر کارت TIS دارای عنوان، کد موضوعی، شمارهٔ ردیف و غیره است. علاوه بر آن دارای یک کد «اعتماد» است که درجهٔ معتبر بودن ترجمه را نشان می‌دهد. برای مثال ممکن است تعریف اسپانیایی یک واژهٔ فرانسوی بسیار معتبر باشد، در

1. *Termnet News* (1992), p. 36, 36/37.

2. Terminology Information Service

حالی که ترجمهٔ آلمانی آن اعتبار کمتری داشته باشد. در این مورد کد مربوط صفر می‌ماند تا واژه‌شناس اعتبار آن را تأیید کند. به‌این‌ترتیب می‌توان حتی واژه‌های مشکوک را وارد کرد بدون اینکه ترجمه گمراه کننده شود.

ادارهٔ واژه‌شناسی پارلمان اروپا که در سال ۱۹۵۶/۱۳۳۵ تأسیس شده است واژه‌نامه‌ها و سیاهه‌هایی را به زبان‌های رسمی پارلمان منتشر می‌کند. این اداره دارای کتابخانهٔ ویژه‌ای است که شامل نشریات، پروندهٔ واژه‌ها و اختصارات است و با واژه‌بانک‌های دیگر اروپایی و بین‌المللی نیز ارتباط دارد. این اداره اطلاعات خود را با سازمان‌های مختلف مبادله می‌کند.

پارلمان اروپا از دی‌ماه سال ۱۳۶۹/ ژانویه ۱۹۹۰ گردآوری و تحلیل واژه‌های رسمی این جامعه را آغاز کرده است. این واژه‌ها در پایگاه اطلاعاتی مولتی‌ترم[1] گردآوری می‌شوند و واژه‌نامه‌های مربوط پس از بررسی وارد این پایگاه می‌شوند. همچنین کار تهیهٔ واژه‌نامه‌های کوچک در زمینهٔ اقتصاد، اتحادهای پولی و مخابرات راه دور آغاز شده است. علاوه بر آن، پارلمان اروپا در بخش واژه‌شناسی مشغول روزآمد کردن و مقابلهٔ واژه‌های مختلف برای پایگاه اطلاعاتی خود است. محصول دیگر بخش واژه‌شناسی، فرهنگ تجدیدنظر شدهٔ واژه‌های قوانین و دستورکارهای پارلمان اروپاست.

۵ .۳ .۲ ادارهٔ پژوهش واژه‌شناسی اروپا

این اداره که در سال ۱۹۵۸/۱۳۳۷ تأسیس شده است هم‌اکنون باید در زمینهٔ زبان‌های رسمی جامعهٔ اروپا کار کند. بنابراین سرویس ترجمهٔ آن دارای فعالیت‌های گوناگون است. مهم‌ترین فعالیت‌های این اداره به قرار زیر است:

1. Multiterm

- ایجاد و گسترش واژه‌بانک چندزبانه؛
- پژوهش منظم در رشته‌های مختلف با توجه به تقاضای مترجمان و اعضای این سرویس (SVP)؛
- پژوهش سازمان‌یافته در زمینه‌های ارتباطی و چاپ واژه‌نامه‌ها (واژه‌نگاری)؛
- انتشار سیاههٔ واژه‌هایی که در ترجمه از آنها استفاده شود؛
- دادن خدمات مشاوره‌ای در زمینهٔ واژه‌شناسی و واژه‌گزینی؛
- وحدت واژه‌های جامعه که مهم‌ترین کار در زنجیرهٔ ارتباط زبانی است و باعث یکنواختی ترجمه و سهولت ارتباط با مؤسسات جامعهٔ اروپا می‌شود. (Goffin 1991, p 19, 37/35)

۳.۳.۵ فراهمایی سرویس‌های ترجمهٔ کشورهای اروپای غربی

کارگروه فراهمایی سرویس‌های ترجمهٔ کشورهای اروپای غربی[1] (COTSOWES) که به واژه‌شناسی و تهیهٔ اسناد علمی مشغول است در سال ۱۳۶۸/۱۹۹۰ توصیه‌نامه‌ای برای واژه‌شناسی در ۱۳۰ صفحه منتشر کرده است. این فراهمایی در سال ۱۳۶۰/۱۹۸۱ تشکیل شد و تا سال ۱۳۷۰/۱۹۹۲ دارای ۲۱ عضو از سیزده کشور از جمله کانادا و سه سازمان بین‌المللی از جمله جامعهٔ اروپا، ۳۰۰ مترجم و چند صد واژه‌شناس بود.

هدف از این توصیه‌ها تشویق و آسان‌سازی همکاری در زمینهٔ واژه‌شناسی بدون توجه به مرزهای جغرافیایی و زبانی است. این همکاری در صورتی امکان دارد که شرکت‌کنندگان از روش‌های مشابه استفاده کنند. بنابراین COTSOWES امیدوار است که معیاری برای کار واژه‌شناسی و واژه‌گزینی به وجود آورد.

این توصیه‌ها که اکنون فقط به زبان‌های کار COTSOWES وجود دارد

1. Conference of Translation Services of West European States

طوری طراحی شده‌اند که برای واژه‌شناسی با جهت‌گیری ترجمه مناسب باشند. توصیه‌ها برای متخصصان علم واژه‌شناسی نوشته نشده، بلکه هدف از گردآوری آنها کمک به مدیران و اعضای سرویس‌های ترجمه، ویراستاری و نیز مترجمان و متخصصانی است که کار ترجمه را به موازات فعالیت اصلی خود انجام می‌دهند و دسترسی به واژه‌های علمی و سایر خدمات زبانی را برای آنها ممکن می‌سازد[۱].

این گروه به گسترش توصیه‌ها در زمینهٔ واژه‌سازی و نیز تهیهٔ مدارک علمی کمک می‌کند. بخش‌های متمم قبل از کامل شدن جلد بعدی توصیه‌نامه به صورت جزوه منتشر می‌شوند. توصیه‌های واژه‌شناختی هم‌اکنون به زبان‌های انگلیسی، فرانسه، آلمانی و ایتالیایی وجود دارند.

ترم‌نت طرحی دارد که هدف آن کمک به تهیه‌کنندگان اسناد چندزبانهٔ گردهمایی‌های کارشناسان جامعهٔ اروپاست و مرکز اروپایی گسترش آموزش حرفه‌ای[۲] (CEDEFOP) از آن حمایت می‌کند. در این طرح حرفهٔ جدیدی به نام واژه‌شناسی فراهمایی‌ها پیش‌بینی‌شده است (Galinski 1990, pp. 23-24, 28).

واژه‌شناس فراهمایی «کنترل واژه‌شناختی» را بر متون و سخنرانی‌های تخصصی در گردهمایی‌ها اعمال می‌کند. این واژه‌شناسان همراه نمایندگان کشورهای مختلف در جلسات حضور می‌یابند و اطلاعات لازم را در اختیار آنها می‌گذارند. علاوه بر آن، رفع مشکلات ارتباطی سازمان‌دهندگان ملاقات‌ها یا هماهنگ‌کننده‌ها را، حتی پیش از بروز مشکل، آسان می‌سازند.

وجود این واژه‌شناسان به احتمال زیاد تعداد ملاقات‌ها را کم می‌کند، بحث‌ها را در مسیر طبیعی قرار می‌دهد و کیفیت مدارکی را که باید تهیه شود بالا می‌برد. دستگاه حمایتی جدید کار این واژه‌شناسان را بهینه می‌سازد. با توجه به تعداد

1. *Termnet News* (1992), pp. 42, 36/37.
2. European Center for the Development of Vocational Training

ملاقات‌های بسیار پرخرج که هر روز در سطح اتحادیهٔ اروپا صورت می‌گیرد، و با توجه به صرفه‌جویی چشمگیری که بر اثر حضور واژه‌شناس فراهمایی به وجود می‌آید، این نوع فعالیت می‌تواند منجر به پیدایش حرفه‌ای جدید شود.

٤.٣.٥ واژه‌بانک‌ها

هم‌اکنون تعداد زیادی واژه‌بانک در کشورهای عضو جامعهٔ اروپا وجود دارد که برای آشنایی با طرز کار آنها واژه‌بانک اوروترم[1] در ماستریخت[2] هلند را بررسی می‌کنیم.

اوروترم مرکزی برای واژه‌شناسی، خدمات مترجمی و مشاوره است که با مدرسهٔ دولتی ترجمهٔ هلند ارتباط نزدیک دارد. این سازمان در شهریور ١٣٦٦/ سپتامبر ١٩٨٧ به عنوان یک بنیاد مستقل طبق قوانین دولت هلند تأسیس شد. هدف آن تحقیق و توسعه در زمینهٔ واژه‌شناسی، واژه‌گزینی و ترجمه به کمک رایانه است.

اعضای هیئت مدیرهٔ این بنیاد افراد برجسته‌ای با تخصص‌های اطلاع‌رسانی، ترجمه، مدیریت واژه‌شناسی و استادان دانشگاه‌ها هستند علاوه بر آن، اوروترم مشاورانی با تخصص مخابرات راه دور، فرهنگ‌نگاری، واژه‌شناسی و بازاریابی دارد.

اوروترم زاییدهٔ مدرسهٔ دولتی ترجمهٔ هلند است. دانشجویان این مدرسه، که یک مؤسسهٔ آموزش عالی در ماستریخت است، مترجم حرفه‌ای می‌شوند. این مؤسسه در سال ١٣٦٨/ ١٩٨٩، ١٠٠٠ دانشجو داشت. بنابراین، هدف اوروترم بیشتر تحقیقات عملی است. دلیل دیگر برای رهیافت عملی اوروترم آن است که

1. Euroterm 2. Maastricht

اگرچه این نهاد طی چند سال اوّل فعالیت خود کمک مالی بسیاری از دولت دریافت کرده است ولی در آینده باید خودکفا شود، یعنی بودجهٔ پژوهشی خود را از طریق قراردادهای تحقیق و توسعه و خدمات مانند برگزاری دوره‌های ویژه در زمینهٔ واژه‌شناسی و انتشار نشریات تأمین کند.

ابتدا فعالیت اوروترم را در زمینهٔ «تجارت واژه» در هلند بررسی می‌کنیم. این کشور، که زبانش را تعداد کمی از مردم جهان می‌فهمند دارای ارتباطات بین‌المللی بسیار است. هدف اوروترم دستیابی به واژه‌های موجود در سایر نقاط و افزودن معادل هلندی آنها در صورت موجود نبودن است. در انجام این کار، اوروترم اطلاعات جالب توجهی را برای افراد علاقه‌مند در خارج از هلند گردآوری می‌کند.

در نگاه اوّل ارتباط میان واژه‌شناسی و ترجمه به کمک رایانه چندان روشن نیست. واژه‌شناسی چندزبانه چیزی بیش از ترجمهٔ کلمه به کلمه از یک زبان به زبان دیگر است، در حالی‌که ترجمهٔ رایانه‌ای به دنبال ارتباط یکتا و بدون ابهام میان زبان‌های مختلف است. بنابراین علاوه بر مترجمان، کاربران دستگاه‌های ترجمهٔ خودکار نیز از مشتریان محصولات اوروترم هستند.[1]

اوروترم اکنون یک پایگاه اطلاعاتی با همکاری بنگاه انتشارات علمی Elsevier ایجاد کرده است. این بنگاه که بزرگ‌ترین ناشر فرهنگ‌های تخصصی در جهان است برنامه‌ای دارد که گسترهٔ وسیعی از رشته‌های مختلف را دربرمی‌گیرد. این ناشر که از سال ۱۹۵۰/۱۳۲۹ در زمینهٔ انتشار فرهنگ‌های چندزبانه فعال بوده است فرهنگ‌های دوزبانه را نیز به سیاههٔ نشریات روزافزون خود اضافه کرده است. طی سال ۱۹۹۰/۱۳۶۹ این ناشر فرهنگ‌های خود را وارد

1. *Termnet News* (1989), pp. 4-6, 24.

واژه‌بانک اوروترم کرد که بدین ترتیب یکی از بزرگ‌ترین واژه‌بانک‌ها در جهان به وجود آمد.

گسترش واژه‌بانک بزرگ‌مقیاس کاری است که به تخصص فراوان نیازمند است و اشتراک مساعی سه نهاد اوروترم، مدرسه دولتی ترجمهٔ هلند و بنگاه انتشاراتی Elsevier بهترین خدمات را در اختیار مصرف‌کنندگان قرار می‌دهد. دانشجویان مدرسهٔ دولتی ترجمه از واژه‌بانک برای آموزش استفاده و در ضمن نقش ناقدان را ایفا می‌کنند. واژه‌شناسان حرفه‌ای نیز پرونده واژه‌ها را بررسی و قابل اعتماد بودن آنها را تأیید می‌کنند.

تمرکز مجموعهٔ گسترده‌ای از واژه‌های تخصصی گامی در جهت پیشرفت برای استفاده‌کنندگان است. اگر فرهنگ‌های چاپی سنّتی پاسخ مناسبی نداشته‌باشند، افراد می‌توانند با استفاده از واژه‌بانک‌های برخط، واژهٔ موردنظر خود را به‌سرعت پیدا کنند. دسترسی به جدیدترین اطلاعات از این طریق امکان‌پذیر است. به‌خصوص که واژه‌های جدید فوراً به این بانک افزوده می‌شوند؛ و این برای مؤلفان فرهنگ اهمیت دارد، زیرا به این ترتیب مجبور نیستند که منتظر چاپ جدیدی از فرهنگ خود بشوند.

همچنین می‌توان سیاههٔ کامل نشدهٔ واژه‌هایی را که هنوز به صورت کتاب درنیامده است وارد این بانک کرد. این دستگاه سابقهٔ رجوع به واژه‌ها را نیز نگه‌می‌دارد.

واژه‌بانک اوروترم یک بانک بین‌المللی است و با کاربران به زبان انگلیسی ارتباط برقرار می‌کند. هم اکنون فقط واژه‌های زبان‌هایی که الفبای لاتین دارند در این بانک وجود دارد[1].

---

1. *Termnet News* (1990), pp. 26, 28.

۵ .۳ .۵ آکادمی استانداردسازی اروپا

یکی از تازه‌ترین فعالیت‌های جامعهٔ اروپا در زمینهٔ واژه‌شناسی و واژه‌گزینی تأسیس آکادمی استانداردسازی اروپا[1] (EURAS) در سال ۱۹۹۳/۱۳۷۱ است. پژوهشگران رشته‌های مختلف دانشگاهی عضو این آکادمی‌اند. وجه مشترک این افراد علاقهٔ آنها به استانداردسازی و پیشرفت آن است.

این مجمع جهت‌گیری بین‌المللی دارد و تأکید بر همکاری کشورهای اروپایی را به معنی نادیده‌گرفتن کشورهای غیر اروپایی نمی‌داند. اهداف و فعالیت‌های این مجمع را می‌توان در سه گروه اصلی: پژوهش در زمینهٔ استانداردسازی و موضوع‌های وابسته، ارزیابی نتایج برای بهبود آموزش علمی و نشر نتایج خلاصه کرد. این مجمع از تأسیس شبکهٔ بین‌المللی دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی علاقه‌مند به کار استانداردسازی حمایت می‌کند.

کار EURAS تعیین و تنظیم استانداردها نیست بلکه فعالیت‌های پژوهشی آن بیشتر در جهت بررسی اثرات مختلف استانداردها و اهمیت استانداردسازی در رشته‌های مختلف علمی و در فعالیت‌های اجتماعی است.

۶ .۳ .۵ برنامه‌ریزی واژه‌شناسی برای زبان‌های در اقلیت اروپا

اروپا گرچه از نظر تنوع زبان در مقایسه با سایر قاره‌ها نسبتاً فقیر است اما توزیع زبان‌ها در آن به هیچ وجه ساده و بی‌مسئله نیست. طبق آخرین آمار، تقریباً از ۵۵ تا ۶۰ زبان به نام زبان مادری در گروه‌هایی با بیش از ۵۰۰۰۰ نفر استفاده می‌شود. البته زبان قفقازی، زبان کارگران و پناهندگان غیر اروپایی جزو این زبان‌ها نیست. اگر گروه‌های زبانی با بیش از ۵۰۰۰۰۰ عضو را درنظر بگیریم این عدد به ۴۵

1. European Academy for Standardization

نزول می‌کند (برای بیش از ۲۰۰۰۰۰ عضو تعداد آن ۵۰ است). نادرند گروه‌های زبانی با بیش از ۵۰۰۰۰۰ عضو که به زبان تخصصی خود توجهی نداشته باشند و حتی دیده می‌شود که گروه‌هایی با کمتر از ۵۰۰۰۰۰ عضو به این مسئله بهای بسیار داده‌اند (مانند زبان ایسلندی) و برای گسترش زبان خود بسیار می‌کوشند.

در اتحادیهٔ اروپا ۲٦۰ میلیون نفر به یکی از چهار زبان با بیش از ۵۰ میلیون عضو صحبت می‌کنند؛ آلمانی(۸۷ میلیون)، انگلیسی(٦۱ میلیون)، فرانسه(۵۸ میلیون) و ایتالیایی (۵۵ میلیون). حدود ۷۰ میلیون نفر از پنج زبان رسمی دیگر اتحادیه به منزلهٔ زبان مادری استفاده می‌کنند؛ اسپانیایی (۲۵ میلیون، غیر از کاتالان، گالیسین و باسک)، هلندی(۲۱ میلیون)، پرتغالی (۱۰ میلیون)، یونانی (۱۰ میلیون) و دانمارکی (٤ میلیون). ۲۰ میلیون نفر دیگر در اتحادیهٔ اروپا از ۱۰ زبان، هر یک با بیش از ۵۰۰۰۰۰ عضو استفاده می‌کنند. بنابراین نسبت گروه‌های زبانی کوچک به بزرگ در حدود ۳۵٪ است. اگر اسپانیایی و پرتغالی را با توجه به گروه‌هایی که در قارهٔ امریکا به این زبان‌ها صحبت می‌کنند، از گروه‌های زبانی بزرگ بدانیم این نسبت هنوز بیش از ۱۸.۵٪ خواهد بود (Galinski 1991. pp. 1-5, 2).

این اعداد که غنای فرهنگی اروپا را نشان می‌دهد، بیانگر آیندهٔ سیاسی نگران‌کننده‌ای است؛ چون طبق این آمار بیش از ۵۰٪ اعضای آیندهٔ اتحادیهٔ اروپا جزو گروه‌های زبانی آسیب‌پذیر خواهند بود. این مسئله دارای نتایج زیر است:

الف) باعث می‌شود که گروه اقلیت نتواند از زبان خود در روابط تخصصی و انتقال اطلاعات و معلومات استفاده کند؛

ب) ممکن است آثار منفی دیگری به سبب در حاشیه قرار گرفتن این گروه‌های زبانی داشته باشد؛

ج) و در نهایت ممکن است اساس فعالیت‌های اقتصادی و فرهنگی آنها را

تهدید کند.

این نگرانی در اروپا وجود دارد که اگر استفاده از زبان‌های اقلیت محدود به زندگی روزمره و ارتباطات فرهنگی بماند، اروپا در آینده‌ای نه چندان دور مشکلات اجتماعی و سیاسی فراوان خواهد داشت و علاوه بر آن، کارایی نیمی از نیروی انسانی آن لطمه خواهد دید، مگر اینکه با احساس مسئولیت و دوراندیشی دست به اقداماتی بزنند که از قرار گرفتن گروه‌های زبانی آسیب‌پذیر در وضعیت نامطلوب جلوگیری کند.

اروپای متحد، که چند زبان رسمی دارد، با مشکل بزرگ چندزبانگی همراه است. برنامه‌ریزی زبان در گروه‌های زبانی بزرگ بر هماهنگی و یکنواخت کردن واژه‌ها تأکید دارد. هر متن رسمی، اطلاعیه، توضیحات اداری و خدماتی، راهنمای محصولات و غیره باید به چند زبان نوشته شود. از این جهت هماهنگ‌سازی واژه‌ها نقش بسیار پراهمیتی برای تفاهم در اروپای متحد دارد. هم از این روست که فعالیت‌های واژه‌گزینی در چند سال اخیر در اروپا بسیار گسترش یافته است و شغل جدید «واژه‌گزینی» به وجود آمده است. در گروه‌های زبانی کوچک‌تر در درجهٔ اوّل بر گسترش آگاهانهٔ زبان تخصصی و واژه‌های تخصصی تأکید می‌شود. به‌منظور آشنایی با فعالیت‌های واژه‌شناسی و واژه‌گزینی این زبان‌ها برای نمونه واژه‌گزینی در ایسلند را بررسی می‌کنیم.

۵. ۴ واژه‌گزینی در ایسلند

توجه به زبان ایسلندی سابقه‌ای طولانی دارد. ایسلندی‌ها همواره کوشیده‌اند برای مفاهیم بیگانه که از زبان‌های دیگر گرفته‌اند واژه‌های بومی به کار برند. این مطلب در فرهنگ قرون وسطایی ایسلند نمایان است. آنها به‌جای استفاده از

واژه‌های لاتین از واژه‌های بومی در ادبیات، مذهب، علوم و زبان‌شناسی استفاده می‌کردند.

لزوم ساختن واژه‌های جدید همواره احساس می‌شده است ولی در دو قرن اخیر این ضرورت افزایش یافته است و از سال ۱۷۸۰/۱۱۵۹ تعیین یک سیاست زبانی توجه مسئولان را برانگیخته است .

قرن نوزدهم میلادی قرن مبارزات استقلال‌طلبانه و رهایی از سلطهٔ دانمارک بود. در این دوران زبان محلی بُعد جدیدی یافت و قسمتی از برنامهٔ سیاسی شد، زیرا یکی از دلایل محکم برای خودگردانی سیاسی، استقلال فرهنگی بود که در زبان و ادبیات تجلی می‌یافت. از طرف دیگر، احساسات ملی‌گرایانه به صورت مقاومت در برابر واژه‌های دانمارکی ظاهر شد، زیرا این زبان در آن زمان بیشترین تأثیر را در ایسلند داشت.

در سال ۱۹٤٤/۱۳۲۳ ایسلند، جمهوری مستقل شد و تأثیر زبان دانمارکی کاهش یافت. امروز بیشترین تهدید از طرف زبان انگلیسی است. ایسلند ایستگاه تلویزیونی مستقل دارد ولی مانند بسیاری از کشورهای کوچک دیگر بودجهٔ کافی برای پر کردن تمام برنامه‌ها ندارد. اغلب فیلم‌های خارجی که معمولاً انگلیسی یا امریکایی هستند با زیرنویس ایسلندی نشان داده می‌شوند.

در این قرن هم‌زمان با گسترش علوم و فنّاوری جدید، ایسلند نیز مانند سایر کشورها با تهاجم واژه‌های نو روبه‌روست. با وجود این، ایسلندی‌ها سعی می‌کنند که طبق سنّت قدیمی خود مفاهیم و اشیای جدید را حتی‌الامکان با واژه‌های ایسلندی بنامند. یکی از خصوصیات زبان ایسلندی در مقایسه با زبان سایر کشورهای شمال اروپا نداشتن واژه‌های یونانی ـ لاتین است.

۱.٤.۵ سازمان‌های تعیین‌کنندهٔ سیاست زبانی

در سال ۱۹۵۱/۱۳۳۰ وزیر آموزش و پرورش ایسلند پیشنهاد تأسیس فرهنگستان را به مجلس ملی این کشور داد. با این پیشنهاد موافقت نشد ولی مجلس بودجه‌ای را به گردآوری واژه‌های جدید اختصاص داد و این وظیفه را به کمیسیون دانشنامهٔ ایسلندی محول کرد. بین سال‌های ۱۹۵۳/۱۳۳۲ تا ۱۹۵۹/۱۳۳۸ پنج کتاب در زمینهٔ واژه‌های جدید چاپ شد. در سال ۱۹٦۰/۱۳۳۹ کمیسیون ویژهٔ واژه‌های جدید تأسیس شد. شورای زبان ایسلندی طبق یک تصویب‌نامهٔ وزارتی در سال ۱۹٦٤/۱۳٤۳ تأسیس و جانشین این کمیسیون شد.

شورای زبان ابتدا سه عضو داشت و وظیفهٔ آن، علاوه بر بررسی واژه‌های جدید، هدایت بنگاه‌های دولتی و مردم در مسائل مربوط به زبان بود. در پایان سال ۱۹۸۰/۱۳۵۹ تعداد اعضای این شورا به پنج نفر افزایش یافت و طبق قانون مصوب مجلس ایسلند تأسیس مؤسسهٔ زبان ایسلندی پیش‌بینی شد. مؤسسهٔ زبان ایسلندی با همکاری شورای زبان و دانشگاه ایسلند اداره می‌شود. رئیس مؤسسه از میان استادان دانشگاه ایسلند انتخاب می‌شود. و بالاخره طبق یک اصلاحیهٔ قانون در ۱۱ دی ۱۳٦۹/ اول ژانویه ۱۹۹۰ تعداد اعضای شورای زبان به ۱۵ نفر افزایش یافت که دوازده نفر از دانشگاه‌ها، بنگاه‌ها، و سازمان‌های حرفه‌ای هستند و سه نفر دیگر، که یکی از آنها باید حتماً واژه‌شناس باشد، انتصابی هستند.

قانون مربوط به شورای زبان پیش‌بینی می‌کند که این شورا در زمینهٔ واژه‌های جدید نیز کار کند. بنابراین، شورا باید واژه‌های جدید را گردآوری و منتشر کند و نیز در گزینش شرکت داشته باشد. شورا باید کار سازمان‌یافته‌ای را در مورد ساختن واژه‌های جدید با همکاری سازمان‌ها و بنگاه‌های حرفه‌ای انجام دهد. به علاوه، باید کار افرادی را که مسئولیت واژه‌گزینی و واژه‌سازی را برای چاپ در

واژه‌نامه‌های جدید و استاندارد به عهده دارند هماهنگ کند.

هدف دولت از گسترش واژه‌ها آن است که بتوان هر مفهوم را به ایسلندی سره بیان کرد. طبق یک قطعنامهٔ شورای دانشگاه ایسلند مصوب ۱۹۹۰/۱۳۶۹ هر بخش دانشگاه باید واژگان ایسلندی مربوط به رشتهٔ خود را گسترش دهد.

۵. ۲. ٤. واژه‌گزینی

هیچ‌گونه فعالیت واژه‌شناسی نظری در ایسلند انجام نمی‌شود، در حالی که کار عملی چشمگیری در این زمینه انجام شده است و هنوز ادامه دارد (Helgadotter 1991, pp. 56-57, 2). این کار ناشی از ضرورت یافتن معادل ایسلندی برای واژه‌های بیگانه (انگلیسی) در زمینه‌های مختلف است. افراد و سازمان‌هایی را که در فعالیت‌های واژه‌گزینی شرکت دارند می‌توان به چهار گروه اصلی تقسیم کرد:

۱. کارگروه‌های واژه‌گزینی وابسته به انجمن‌ها و سازمان‌ها؛

۲. افراد مستقل؛

۳. افرادی که در چارچوب همکاری با کشورهای شمال اروپا کار می‌کنند؛

٤. هیئت‌های دولتی(شورای زبان ایسلندی و سازمان‌های قبل از آن).

کار سازمان‌یافته در زمینهٔ واژه‌گزینی در سال ۱۹۱۹/۱۲۹۸ آغاز شد. در آن سال انجمن مهندسان ایسلند[1] یک کارگروه واژه‌گزینی به راه انداخت. این گروه تنها به واژه‌های فنی نپرداخت بلکه فعالیت گسترده‌ای در زمینهٔ واژه‌های عمومی مهندسی، به‌ویژه واژه‌های مهندسی برق داشت. پس از سال ۱۹۲٦/۱۳۰۵ کار این گروه متوقف شد ولی تأثیر آن هنوز باقی است. نتیجهٔ کار این گروه در مجلهٔ انجمن مهندسان ایسلند چاپ می‌شد و سرانجام به‌صورت یک نشریهٔ ویژه انتشار

1. Association of Chartered Engineers in Iceland

یافت. بسیاری از واژه‌های پیشنهادی این گروه جزو واژگان عمومی پذیرفته شده است.

در سال ۱۹۵۱/۱۳۳۰ مهندسان برق یک گروه واژه‌گزینی تشکیل دادند. اساس کار این گروه بر استانداردهای چندزبانهٔ گروه بین‌المللی الکتروتکنیک (IEC) است. این گروه تا پایان دههٔ نود پنج جلد واژه‌نامهٔ ایسلندی را برای مفاهیم موجود در این استانداردها منتشر کرد.

گروه باسابقهٔ دیگری که هنوز فعال است گروه داده‌پردازی است. این گروه در سال ۱۹٦۸/۱۳٦۵ تأسیس شده و تاکنون سه جلد واژه‌نامه منتشر کرده است. واژه‌نامه‌ای که در سال ۱۹۸٦/۱۳۷۵ منتشر شد حدود ۲٦۰۰ مفهوم با تعریف و واژهٔ انگلیسی و برابرنهادهٔ ایسلندی دارد.

طبق سیاههٔ شورای زبان ایسلندی در حال حاضر ۳۲ گروه واژه‌گزینی در ایسلند مشغول کار است که اغلب آنها را انجمن‌های تخصصی حمایت می‌کنند و بسیاری از آنها به موضوعاتی که در دانشگاه ایسلند تدریس می‌شود، یعنی علوم طبیعی، علاقه‌مندند.

گروه واژه‌گزینی حسابداری نیز در سال ۱۳۷۰/۱۹۹۱ تأسیس شده است. فهرست گروه‌هایی که واژه‌نامه منتشر کرده‌اند یا مشغول تهیهٔ آن هستند به شرح زیر است:

گروه واژه‌گزینی فیزیک در سال ۱۹۸۵/۱۳٦٤ واژه‌نامهٔ انگلیسی ـ ایسلندی منتشر کرد و بعد به تهیهٔ چاپ جدید این واژه‌نامه پرداخت. مقر این گروه در دانشکدهٔ علوم دانشگاه ایسلند است.

گروه واژه‌گزینی تعلیم و تربیت و روان‌شناسی در سال ۱۹۷۵/۱۳۵٤ توسط کالج ایسلند تأسیس شد. در سال ۱۹۸٦/۱۳٦۵ این گروه یک فرهنگ انگلیسی ـ

ایسلندی را با تعریف‌های ایسلندی برای حدود ٤٠٠٠ مفهوم منتشر کرد. این فرهنگ از مجموعهٔ انتشارات شورای زبان ایسلندی است.

گروه واژه‌گزینی پزشکی چندی است که مشغول فعالیت است و بین سال‌های ۱۹۸۵/۱۳٦٤ و ۱۹۸۹/۱۳٦۸ چهارده جلد فرهنگ انگلیسی ـ ایسلندی را با تعریف و توضیح برای برخی مفاهیم منتشر کرده است. این گروه هم‌اکنون مشغول تهیهٔ انتشارات جدید است.

گروه واژه‌گزینی آمار یک جلد فرهنگ ایسلندی ـ انگلیسی را با تعریف‌های ایسلندی برای حدود ٤٠٠ مفهوم منتشر کرده است.

گروه واژه‌گزینی مهندسی راه و ساختمان در سال ۱۹۸۰/۱۳۵۹ تشکیل شد. این گروه مشغول تهیهٔ فرهنگ چند زبانه با تعریف‌های ایسلندی در زمینهٔ سیستم‌های فاضلاب، جاده‌سازی، زمین‌شناسی و ترابری است. یک استاد بازنشستهٔ دانشگاه ایسلند دبیر و ویراستار این گروه است.

گروه واژه‌گزینی ریاضی چند سال است که فعالیت می‌کند و قصد دارد یک فرهنگ لغات انگلیسی ـ ایسلندی منتشر کند.

شورای زبان ایسلندی کار در مورد واژه‌های اقتصاد را نیز شروع کرده‌است و با همکاری انجمن اقتصاددانان ایسلند مشغول تهیهٔ فرهنگ اصطلاحات اقتصاد است. وزیر ترابری ایسلند گروهی را مأمور تهیهٔ واژه‌نامهٔ هوانوردی کرده است. این گروه یک ویراستار دارد که حقوق او را سازمان هواپیمایی کشوری می‌پردازد. فرهنگ اصطلاحات انگلیسی ـ ایسلندی با تعاریف ایسلندی در این زمینه در سال ۱۹۹۲/۱۳۷۱ منتشر شده است.

علاوه بر گروه‌های واژه‌گزینی و هیئت‌های دولتی، کارهای مستقلی توسط افراد، از جمله دانشمندان ایسلندی در رشته‌های مختلف، صورت گرفته است.

آنها با احیای واژه‌های قدیمی یا ساختن واژه‌های تازه، این زبان را غنی کرده‌اند. اوّلین واژه‌های ایسلندی که هنوز به صورت اوّلیهٔ خود به کار می‌رود واژه‌های قرون وسطایی است. البته تهیهٔ واژه‌نامه‌ها به عنوان کار مستقل قبل از سال ۱۹۵۰/۱۳۲۹ نادر بوده است. در این میان می‌توان از دو جلد واژه‌نامهٔ پزشکی نام برد که در سال ۱۹٤۱/۱۳۲۰ برای اولین بار منتشر شد. چند فرهنگ دوزبانهٔ دیگر را نیز افراد مستقل گردآوری و چاپ کرده‌اند که در زمینه‌های فیزیک، آناتومی، گیاه‌شناسی، زیست‌شناسی، بازرگانی، هیدرولوژی، جغرافیا و غیره است.

گروه دیگری که در ایسلند واژه‌گزینی می‌کند شامل افرادی است که در چارچوب همکاری با کشورهای اروپایی کار می‌کنند. بزرگ‌ترین طرح در این مورد در زمینهٔ واژه‌های کشاورزی به ۸ زبان است که بیش از ۱۲۰۰۰ واژهٔ ایسلندی را دربر می‌گیرد. فرهنگ‌های چندزبانهٔ دیگر در زمینهٔ جهانگردی، نساجی، تئاتر، آموزش، مدیریت و سیستم‌های گرمایش منطقه‌ای در دست تهیه است.

۵. ٤. ۳ استاندارد کردن واژه‌ها

هم‌اکنون مؤسسه‌های استاندارد در ایسلند مشغول تجدید سازمان هستند. قبلاً کار استاندارد کردن در سازمان‌های دولتی و مراکز فنّاوری انجام می‌شد. این سازمان‌ها در فعالیت‌های چند ملیتی (INSTAL, CENELEC, CEN, ISO) شرکت داشتند. نتیجهٔ این کار بین‌المللی به عنوان استاندارد هنوز منتشر نشده است. گروه‌های واژه‌گزینی کار خود را بر مبنای استانداردهای بین‌المللی انجام می‌دهند.

٥. ٤. ٤ آموزش واژه‌شناسی

تاکنون علاقه‌مندان ایسلندی در دوره‌های واژه‌شناسی کشورهای شمال اروپا که نُردترم[1] (سازمان کشورهای شمال اروپا در زمینهٔ واژه‌شناسی) بین سال‌های ۱۹۸۵/۱۳٦٤ تا ۱۹۹۰/۱۳٦٦ برگزار کرده است شرکت کرده‌اند. این افراد مستقیم و غیر مستقیم دست‌اندرکار فعالیت‌های واژه‌گزینی هستند.

در سال ۱۹۹۱/۱۳۷۰ اولین دورهٔ مقدماتی واژه‌گزینی با همکاری دانشگاه ایسلند تشکیل شد. این دوره برای مدرسان و پژوهشگران در دانشگاه تشکیل شد تا علاقهٔ آنها را به واژه‌گزینی افزایش دهد و با روش‌های واژه‌گزینی آشنا کند. در این دوره ۲٦ نفر شرکت کردند. مؤسسهٔ زبان ایسلندی یک دفترچهٔ راهنمای واژه‌گزینی منتشر کرده است که شامل نظریهٔ واژه‌شناسی، تشکیل واژه‌ها و نرم‌افزارهای رایانه‌ای برای ثبت و پردازش اطلاعات واژه‌شناختی است. این نرم‌افزارها در اختیار گروه‌های واژه‌گزینی قرار داده شده است.

٥. ٥ واژه‌گزینی در هند و پاکستان

در هند و پاکستان با افزایش قدرت استعماری انگلیس، زبان انگلیسی که زبان قدرت حاکم بود به مرور در مراکز آموزشی و اداری، تجاری و علمی رواج یافت و وسیلهٔ ارتباط میان ایالات مختلف شد. ولی از اوایل قرن بیستم که مسئلهٔ استقلال فرهنگی و رشد ملی مطرح شد گزینش زبان واحد ملی مورد توجه قرار گرفت. گزینش زبان واحد، مشکلات فراوان داشت زیرا در ایالات شبه‌قاره دست کم ۱٦ زبان اصلی وجود دارد که هر یک سنّت فرهنگی بیش از هزار ساله دارد. خط کتابت نیز در مناطق مختلف یکسان نیست. چنان‌که زبان‌های اردو، پشتو،

1. Nordterm

کشمیری، پنجابی و گجراتی (نزد مسلمانان) به خط فارسی نوشته می‌شوند و هندی به خط سنّتی دوناگری (Havannur 1986, pp. 36-37, 10/11).

پس از جنبش استقلال‌طلبی، انتخاب یک یا چند زبان به عنوان زبان‌های ملی اجتناب‌ناپذیر بود. پس از بحث بسیار، اردو زبان رسمی کشور پاکستان شد و هند نیز زبان هندی را زبان رسمی و ملی خود اعلام کرد و در هر کشور قرار شد برای حفظ نظام اداری و استقرار روابط سیاسی، از انگلیسی تا مدتی همچنان به عنوان زبان رسمی در دستگاه‌های دولتی و قضایی و نیز در تعلیمات متوسطه و عالی استفاده شود و به‌موازات آن زبان رسمی در دبستان‌ها و دبیرستان‌ها تدریس شود تا به‌تدریج رشد و قابلیت حاصل کند و جای زبان انگلیسی را بگیرد.

۱. ۵. ۵ فعالیت‌های واژه‌گزینی در هند

در هند پس از کسب استقلال و قانونی شدن زبان هندی، گفت‌وگوهای بسیار بر سر زبان در گرفت که باعث شد متممی بر قانون اساسی افزوده شود و اخذ و اقتباس اصطلاحات علمی و فنی از زبان‌های دیگر جنبهٔ قانونی یابد. در این متمم، دولت مأمور شد که موجبات رشد و گسترش زبان ملی را از طریق جذب عناصر لازم از زبان‌های بومی دیگر فراهم کند و ترتیبی دهد که برای رفع نیازهای علمی و فرهنگی، الفاظ و تغییرات ضروری در درجهٔ اوّل از زبان سانسکریت و سپس از زبان‌های بیگانه وارد زبان شود.

«کارگروه واژه‌های علمی و فنی» که برای رسیدن به این هدف تشکیل شد کار خود را بر سه اصل قرار داد:

۱. قبول واژه‌های علمی و فنی بین‌المللی، یعنی تمامی واژه‌هایی که در چند زبان پیشرفتهٔ دنیا کاربرد مشابه دارند و تطبیق آنها با خصوصیات آواشناسی و

قواعد زبان ملی؛

۲. توانا کردن زبان ملی با اخذ واژه‌ها از زبان سانسکریت، زیرا این زبان سرچشمه‌ای است که تقریباً تمام زبان‌های هندی از آن منشعب شده‌اند؛

۳. استفاده از همهٔ واژه‌های علمی و فنی رایج در زبان‌های بومی.

بر این اساس تا سال ۱۹۶۰/۱۳۳۹ یعنی در مدت ده سال، بیش از سی هزار واژهٔ علمی، فنی و فلسفی جدید وضع شد و بسیاری از آنها در مناطق هندی‌زبان در کتب دبیرستانی و حتی در بعضی از کتب دانشگاهی به کار گرفته شد. اما سایر مناطق از پذیرفتن زبان هندی خودداری کردند و دولت مرکزی به‌ناچار طرح سازمان مذکور را تغییر داد و آن را به «کارگروه واژه‌های علمی و فنی برای زبان‌های هندی» تبدیل کرد.

با تشخیص اهمیت زبان‌های محلی، مقامات آموزشی کوشش کردند که علوم در مدارس متوسطه و تاحدی در سطح مدارس عالی به زبان محلی تدریس شود. کتاب‌های زیادی در زمینه‌های مختلف تألیف شده است. علاوه بر مقالاتی که گاه در روزنامه‌ها و مجلات به زبان محلی منتشر می‌شود تعدادی مجلهٔ علمی به زبان‌های محلی نیز وجود دارد و بعضی از این زبان‌ها واژه‌نامه و فرهنگ علمی و فنی دارند. به‌علاوه فرهنگستان علوم به نام (ویجنانا پاریشات)[1] در هر ایالت سعی در گسترش نشریات علمی به زبان محلی دارد.

با این همه، علوم به علت کمبود مدرّس زبان محلی در سطح عالی ریشهٔ محکمی ندارد؛ در این صورت چگونه می‌توان انتظار ایجاد یک اجتماع علمی را داشت. دانش‌پیشگان زیادی علاقه‌مند به استفاده از زبان محلی هستند اما واژهٔ کافی در اختیار ندارند. بنابراین، مانع اصلی رشد علم در هندوستان فقدان واژگان

1. Vijnana Parishat

مناسب روزآمد در زبان‌های محلی است. برای رفع این مشکل باید واژه‌های علمی در زبان‌های اصلی مانند سانسکریت، پراکریت، کونکانی و تولو وضع و روزآمد نگه‌داشته شوند.

فرهنگ‌های علمی موجود پاسخگوی این نیاز نیستند. زیرا اولاً همهٔ زبان‌های موجود در هند فرهنگ جامع ندارند و ثانیاً این فرهنگ‌ها با پیدایش واژه‌های جدید در هر زمینه به‌سرعت قدیمی می‌شوند و چاپ فرهنگ‌ها و روزآمد کردن آنها بسیار وقت‌گیر است. بنابراین تنها راه‌حل این مشکل واژه‌بانکی به زبان هندی و روزآمد نگه‌داشتن آن است. این بانک می‌تواند شامل اطلاعات زیر باشد:

۱. فهرست اصلی واژه‌های علمی به زبان انگلیسی، شاخهٔ تخصصی آنها، معادل آنها به زبان هندی و مراجع؛

۲. واژه‌های زبان هندی که بر حسب موضوع مرتب شده‌اند؛

۳. واژه‌های علمی و فنی به زبان‌های محلی مختلف (همان‌جا).

۵. ۵. ۲ فعالیت‌های واژه‌گزینی در پاکستان

اردو، زبان مردم پاکستان، در میان زبان‌های دنیا دارای خصوصیت ویژه‌ای است. این خصوصیت، جامعیت و سهولت فراگیری آن است. علت این جامعیت و سهولت آن است که این زبان دربرگیرندهٔ واژه‌های بسیاری از زبان عربی، فارسی، سانسکریت، دراویدی و ترکی است. به‌علاوه رابطه‌ای ۲۰۰۰ ساله با زبان یونانی دارد و در دوران اخیر هم کلمات و عباراتی را از زبان انگلیسی و سایر زبان‌های اروپایی گرفته‌است.

کلمهٔ «اردو» برای اوّلین بار در سال ۱۷۶۲/۱۱۴۱ در اشعار مایل دهلوی، شاعر معروف اردو زبان، ظاهر شده است. جامعیت زبان اردو و خصوصیت

وام‌گیرندگی آن سبب غنای واژگانی آن شده است.

گزاویه[1] دانشمند پرتغالی، نخستین قدم را برای آشنایی با واژه‌شناسی زبان‌های غربی در اردو برداشت. وی در سال ۱۵۹۵/۹۷۴ واژه‌نامهٔ ارزشمندی را به پرتغالی ـ هندوستانی در رشتهٔ کانی‌شناسی تنظیم کرد. متأسفانه این فرهنگ هرگز به چاپ نرسید. ترجمهٔ منظم واژه‌های فنی از قرن نوزدهم آغاز شد. دانشگاه دهلی و انجمن علمی سیّد و بعضی از مؤسسات خصوصی از این کار حمایت می‌کردند. انجمن ترقی اردو که در سال۱۹۰۳/۱۲۸۲ تأسیس شد ترجمهٔ منظم واژه‌های فنی را با نظارت مولوی عبدالحق در سال ۱۹۱۲/۱۲۹۱ آغاز کرد. از آن زمان تاکنون، این انجمن کارهای واژگانی در همهٔ زمینه‌ها منتشر کرده‌است، از جمله: ترجمهٔ فرهنگ کوچک اکسفورد به زبان اردو، هشت جلد اصطلاحات فنی مورد استفادهٔ پیشه‌وران، تهیهٔ ۵ جلد واژه‌نامه در زمینهٔ مذهب، تاریخ، علوم اجتماعی، ادبیات اردو و پزشکی.... از زمان انتشار اولین نشریهٔ انگلیسی ـ اردو تا پایان دههٔ نود ۲۲۱ فرهنگ و ٤۱۹ واژه‌نامه به چاپ رسیده است که دال بر گسترش واژه‌گزینی در زبان اردوست (Kazimi 1983, pp. 76-78, 7).

مطالعات انجام شده در زمینهٔ زبان اردو نیاز مبرم به استفاده از علم واژه‌شناسی جدید را با کمک سازمان‌های جهانی نشان می‌دهد. توصیه شده است که از کارهای فردی در این زمینه احتراز و فقط از واژه‌هایی استفاده شود که مراجع مسئول استاندارد کرده‌اند؛ این مراجع باید حتی‌الامکان بر نظریات متخصصان واژه‌شناسی تکیه کنند نه بر نظریات زبان‌شناسان و کارشناسان ادبیات و زبان (Durani 1992, pp. 13.14, 38/39).

1. Xavier

۶.۵ واژه‌گزینی در روسیه

بررسی علمی واژگان در روسیه در پایان دهۀ ۱۹۲۰/۱۳۱۰ با تأسیس بخش واژه‌شناسی باشگاه دانشمندان در مسکو آغاز شد. ریاست این بخش را مارّ به عهده داشت و در این باشگاه بود که وی با کاپلیگین[1]، بنیان‌گذار دینامیک گازها، و لوتّه[2]، مؤسس مکتب واژه‌شناسی روس، آشنا شد.

در سال ۱۹۳۳/۱۳۱۲ کاپلیگین تأسیس نهاد واژه‌شناسی ویژه‌ای به نام کمیسیون واژه‌های فنی را پیشنهاد کرد. ریاست این کمیسیون را خود او به عهده داشت و لوتّه معاون او بود. در سال ۱۹۸۳/۱۳۱۷ این کمیسیون به شورای واژه‌های علمی و فنی[3] (CSTT) تغییر نام داد. پس از درگذشت کاپلیگین در سال ۱۹۴۲/۱۳۲۱ افراد مختلفی ریاست آن را به عهده گرفتند که هر یک سهم مؤثری در پیشرفت آن داشته‌اند.

اولین مقالۀ لوتّه با عنوان «وظیفۀ فعلی واژه‌شناسی علمی و فنی» هم‌زمان با کتاب معروف ووستر منتشر شد. از همان زمان روش‌های مختلفی را در واژه‌شناسی و واژه‌گزینی به کار می‌گرفتند. در ابتدا روش مکتب روس، یکنواخت کردن واژگان از طریق تألیف فرهنگ‌ها با روش‌های نظام‌مند بر مبنای مفاهیم بود. سپس به مکتب وین گرایش یافت، که توجه به اصول واژه‌شناسی بین‌المللی هدف اصلی آن بود، بعدها این مکتب‌ها در یکدیگر ادغام شدند و جنبه‌های مثبت هر مکتب درنظر گرفته شد. مهم‌ترین اهداف این کمیته را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

۱. پژوهش نظری؛

---

1. Caplygin 2. Lotte
3. Council of Scientific and Technical Terminology

وام‌گیرندگی آن سبب غنای واژگانی آن شده است.

گزاویه[1] دانشمند پرتغالی، نخستین قدم را برای آشنایی با واژه‌شناسی زبان‌های غربی در اردو برداشت. وی در سال ۱۵۹۵/۹۷۴ واژه‌نامهٔ ارزشمندی را به پرتغالی ـ هندوستانی در رشتهٔ کانی‌شناسی تنظیم کرد. متأسفانه این فرهنگ هرگز به چاپ نرسید. ترجمهٔ منظم واژه‌های فنی از قرن نوزدهم آغاز شد. دانشگاه دهلی و انجمن علمی سیّد و بعضی از مؤسسات خصوصی از این کار حمایت می‌کردند. انجمن ترقی اردو که در سال۱۹۰۳/۱۲۸۲ تأسیس شد ترجمهٔ منظم واژه‌های فنی را با نظارت مولوی عبدالحق در سال ۱۹۱۲/۱۲۹۱ آغاز کرد. از آن زمان تاکنون، این انجمن کارهای واژگانی در همهٔ زمینه‌ها منتشر کرده‌است، از جمله: ترجمهٔ فرهنگ کوچک اکسفورد به زبان اردو، هشت جلد اصطلاحات فنی مورد استفادهٔ پیشه‌وران، تهیهٔ ۵ جلد واژه‌نامه در زمینهٔ مذهب، تاریخ، علوم اجتماعی، ادبیات اردو و پزشکی.... از زمان انتشار اولین نشریهٔ انگلیسی ـ اردو تا پایان دههٔ نود ۲۲۱ فرهنگ و ۴۱۹ واژه‌نامه به چاپ رسیده است که دال بر گسترش واژه‌گزینی در زبان اردوست (Kazimi 1983, pp. 76-78, 7).

مطالعات انجام شده در زمینهٔ زبان اردو نیاز مبرم به استفاده از علم واژه‌شناسی جدید را با کمک سازمان‌های جهانی نشان می‌دهد. توصیه شده است که از کارهای فردی در این زمینه احتراز و فقط از واژه‌هایی استفاده شود که مراجع مسئول استاندارد کرده‌اند؛ این مراجع باید حتی‌الامکان بر نظریات متخصصان واژه‌شناسی تکیه کنند نه بر نظریات زبان‌شناسان و کارشناسان ادبیات و زبان (Durani 1992, pp. 13.14, 38/39).

1. Xavier

۵. ۶ واژه‌گزینی در روسیه

بررسی علمی واژگان در روسیه در پایان دههٔ ۱۹۲۰/۱۳۱۰ با تأسیس بخش واژه‌شناسی باشگاه دانشمندان در مسکو آغاز شد. ریاست این بخش را مارّ به عهده داشت و در این باشگاه بود که وی با کاپلیگین[1]، بنیان‌گذار دینامیک گازها، و لوتّه[2]، مؤسس مکتب واژه‌شناسی روس، آشنا شد.

در سال ۱۹۳۳/۱۳۱۲ کاپلیگین تأسیس نهاد واژه‌شناسی ویژه‌ای به نام کمیسیون واژه‌های فنی را پیشنهاد کرد. ریاست این کمیسیون را خود او به عهده داشت و لوتّه معاون او بود. در سال ۱۹۸۳/۱۳۱۷ این کمیسیون به شورای واژه‌های علمی و فنی[3] (CSTT) تغییر نام داد. پس از درگذشت کاپلیگین در سال ۱۹۴۲/۱۳۲۱ افراد مختلفی ریاست آن را به عهده گرفتند که هر یک سهم مؤثری در پیشرفت آن داشته‌اند.

اولین مقالهٔ لوتّه با عنوان «وظیفهٔ فعلی واژه‌شناسی علمی و فنی» هم‌زمان با کتاب معروف ووستر منتشر شد. از همان زمان روش‌های مختلفی را در واژه‌شناسی و واژه‌گزینی به کار می‌گرفتند. در ابتدا روش مکتب روس، یکنواخت کردن واژگان از طریق تألیف فرهنگ‌ها با روش‌های نظام‌مند بر مبنای مفاهیم بود. سپس به مکتب وین گرایش یافت، که توجه به اصول واژه‌شناسی بین‌المللی هدف اصلی آن بود، بعدها این مکتب‌ها در یکدیگر ادغام شدند و جنبه‌های مثبت هر مکتب درنظر گرفته شد. مهم‌ترین اهداف این کمیته را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

۱. پژوهش نظری؛

---

1. Caplygin
2. Lotte
3. Council of Scientific and Technical Terminology

۲. ارائهٔ نظام‌های واژه‌شناختی و واژه‌گزینی؛

۳. ارائهٔ منظم مجموعه‌های واژگانی به صورت فرهنگ‌های نظام‌مند.

(Sirforov; Kandelaki 1985, pp. 13, 21-24).

استاندارد کردن واژگان

با گسترش کار واژه‌گزینی اهمیت یکنواخت کردن واژه‌ها آشکار شد. طبق مقررات موجود در روسیه باید در کلیهٔ اسناد و نشریات علمی و مراجع از واژه‌های استاندارد استفاده شود. در جهت نیل به این هدف، انتقال منظم اطلاعات واژگانی به متخصصان هر رشته ضروری بود. بنابراین کارگروه دولتی استانداردها[1] برای انجام این کار تشکیل شد. در این کارگروه تعداد زیادی از متخصصان مؤسسات علمی و صنعتی، پژوهشگاه‌های وابسته به فرهنگستان علوم و مراکز آموزش عالی به واژه‌گزینی مشغول‌اند. این متخصصان واژه‌ها را بررسی می‌کنند و دربارهٔ واژه‌گزینی برای رشته‌های مختلف، روزآمد کردن واژه‌های موجود و سایر امور تصمیم می‌گیرند. پس از گزینش و استاندارد کردن واژه‌ها، اطلاعات از طریق مجلهٔ ماهانهٔ واژه‌های علمی و فنی منتشر می‌شود. علاوه بر آن همه‌ساله کارشناسان کارگروهِ واژه‌گزینی و مراکز آموزشی تعدادی هم‌اندیشی آموزشی در شهرهای مختلف روسیه برگزار می‌کنند.

مهم‌ترین فعالیت واژه‌شناسی در روسیه را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

- آماده‌سازی و گسترش روش‌ها، دستور کارها، یکنواخت کردن واژه‌ها و سایر امور مربوط به استاندارد کردن واژه‌های علمی و فنی؛
- گسترش و استفاده از دستگاه‌های اطلاعاتی خودکار در خدمات واژه‌شناسی

1. Gosstandart

که گسترهٔ وسیعی از روش‌های داده‌پردازی رایانه‌ای، دسترس‌پذیری و روزآمد کردن اطلاعات واژگانی را شامل می‌شود؛

- ایجاد شبکه‌ای از سازمان‌های مسئول فعالیت‌های واژه‌گزینی در کلیهٔ شاخه‌های صنعت و حمایت علمی از گسترش واژه‌های استاندارد در هر رشته (Nesterov 1985 pp. 8-11, 13).

نتایج اساسی از استاندارد کردن اطلاعات علمی و فنی به قرار زیر است:

- مشخص کردن و تصحیح واژه‌های غلط که در اسناد به کار رفته است؛
- تعیین حداقل تعداد واژه‌ها که باید طبقه‌بندی و تعریف شوند تا اهداف استانداردسازی دست‌یافتنی باشد؛
- معرفی سطح دانش موجود در زمینه‌های مختلف علوم و فنّاوری با استفاده از سامانه‌های واژه‌شناختی؛
- ایجاد مجموعه‌ای هماهنگ از واحدهای واژگانی به‌منظور استفاده در سامانه‌های رایانه‌ای که برای استانداردسازی ایجاد شده‌است؛
- هماهنگ کردن سامانه‌های واژه‌شناختی در سطح مالی و بین‌المللی.

ایجاد استانداردهای دولتی برای اصطلاحات و تعاریف راهنمای اصلی در هماهنگ کردن فعالیت‌هاست. برای مثال، در برنامهٔ سال ۱۹۹۱/۱۳۷۰ ایجاد ۱۱۰ استاندارد دولتی واژه‌شناسی درخواست شد. کتابخانهٔ استانداردها شامل ٦۲۰ استاندارد در مورد اصطلاحات و تعاریف و ۸۵۰ استاندارد شامل ضمایم واژه‌شناختی است. تعداد کل واژه‌های استانداردشده بالغ بر پنجاه هزار واژه است (Dzincaradze 1992, pp. 17-20, 36/37).

اغلب استانداردهای واژه‌شناسی مربوط به رشته‌هایی مانند مهندسی مکانیک، رادیوالکترونیک، ابزارسازی، سامانه‌های خودکار، انرژی و دستگاه‌های الکتریکی، حمل و نقل و وسایل بسته‌بندی است.

افزون بر آن، روسیه در تهیهٔ واژه‌نامه‌های علمی و فنی استاندارد با سازمان‌های بین‌المللی چون ISO و IEC همکاری مؤثر دارد.

۷. ۵ واژه‌گزینی در کشورهای عربی

در کشورهای عربی به فعالیت‌های واژه‌گزینی توجه بسیار شده است. از هنگامی که عربی به صورت یک زبان رسمی سازمان ملل متحد درآمد، به ضرورت سازگاری آن با سایر زبان‌ها نیز توجه شد. بنابراین، اوّلین همایش عربی‌سازی در سال ۱۹٦۱/۱۳٤۰ با پیشنهاد مراکش تشکیل شد. در این همایش تصمیم گرفته شد که یک ادارهٔ دایمی برای عربی‌سازی اصطلاحات تشکیل شود. سپس در هم‌نشست سال ۱۹٦۳/۱۳٤۲ در الجزایر برنامه‌ای ده ساله تدوین شد تا در درجهٔ اوّل به یکنواخت کردن واژه‌هایی بپردازد مشتمل بر واژه‌های اداری، سپس زبان روزمره و آموزشی با استفاده از کتب قدیمی، فرهنگ‌ها و کتب درسی[1].

در سومین نشست همایش عربی‌سازی در طنجه در سال ۱۹۸۱/۱۳٦۰ تعداد زیادی از واژه‌های علمی و حرفه‌ای استاندارد شد. از آنجا که از این واژه‌ها در آموزش عالی استفاده می‌شود روش‌های قبلی تغییر کردند و گروه‌های دانشگاهی متشکل از نمایندگان پنجاه دانشگاه در کلیهٔ زمینه‌ها تشکیل شدند. این کمیسیون‌ها واژه‌ها را در کلیهٔ زمینه‌های دانش بشری از فیزیک هسته‌ای تا ورزش تنظیم کرده‌اند[2].

سازمان آموزشی، فرهنگی، و علمی اتحادیهٔ عرب[3] (ALECSO) یک ادارهٔ عربی‌سازی برای هماهنگ کردن این فعالیت‌ها تشکیل داده است. این اداره، کارهایی را که در آنها از واژه‌های استاندارد استفاده شده است با هدف یکنواخت کردن برنامهٔ آموزشی مدارس منتشر می‌کند. رئیس این اداره، استاد بن عبدالله،

---

1. *Termnet News* (1981), pp. 75, 2/3.
2. *Termnet News* (1987), pp. 79, 2/3.
3. Arab League Educational, Cultural and Scientific Organization

بازدیدهای چندی از اینفوترم داشته و با روش‌های واژه‌نگاری آشنا شده است. در نتیجه، ایشان به لزوم تشکیل دوره‌های آموزشی برای استفاده از اصول و خط‌مشی‌های واژه‌شناسی بنیادی در کشورهای عربی واقف است.

یک کرسی واژه‌شناسی در مؤسسهٔ زبان‌های زندهٔ بورقیبه در دانشگاه تونس ایجاد شده است. استاد عبداللطیف عبید، متصدی این کرسی به فعالیت‌های بین‌المللی بسیار علاقه‌مند است.

سازمان آموزشی، فرهنگی، و علمی اتحادیهٔ عرب در تونس استاندارد کردن واژه‌های آموزشی در جهان عرب را عهده‌دار شده است و ادارهٔ عربی‌سازی با همکاری اتحادیهٔ معلمان عرب (بغداد) و سایر مؤسسات وابسته در صدد تهیهٔ یک فرهنگ واژه‌های آموزشی به زبان‌های انگلیسی ـ فرانسه ـ عربی است که مبنایی برای استاندارد کردن در این زمینه خواهد بود[1].

در عربستان طبق گزارش مجلهٔ عربی آفاق علمی[2] واژه‌بانکی در شهر علمی ـ فنی ملک عبدالعزیز ایجاد شده است که هدف آن تعریف و یکنواخت کردن واژه‌های عربی است. کار این بانک، بررسی واژه‌ها، تعریف آنها به عربی، انگلیسی، فرانسه و آلمانی است. تاکنون متجاوز از ۳۵۰۰۰ واژه در این واژه‌بانک ذخیره شده است. این بانک در عربی‌سازی واژگان مورد استفاده در رایانه، انرژی هسته‌ای، الکترونیک و سایر علوم نقش بسزایی خواهد داشت[3].

ادارهٔ عربی‌سازی یک کارگاه فرهنگ‌نگاری عربی برای غیرعرب‌ها در سال ۱۹۸۳/۱۳۶۲ برگزار کرد. در این کارگاه که با همکاری ادارهٔ همکاری‌های بین‌المللی گسترش فرهنگ اسلامی ـ عربی و مؤسسهٔ خارطوم تشکیل شده بود متخصصان فرهنگ‌نگاری و واژه‌شناسی برای معلمان عرب و غیرعرب سخنرانی

1. *Termnet News* (1982), pp. 6, 55.
2. Scientific Horizons
3. *Termnet News* (1987), pp. 19-20.

کردند. این سخنرانی‌ها در یک مجموعهٔ ۲۰۰ صفحه‌ای منتشر شد. همچنین ادارهٔ عربی‌سازی فعالیت‌هایی در زمینه‌های زیر داشته است:

- تهیهٔ واژه‌نامه‌های آموزش، الکتریسیته، معماری، زمین‌شناسی، نفت، تجارت و بازرگانی، حسابداری، چاپ، نجاری، مکانیک و ابزارهای تولید؛
- تهیهٔ واژه‌نامه در زمینهٔ سامانه‌های شنوایی و دیداری، زبان‌شناسی، هنر، ورزش، فیزیک هسته‌ای، گیاه‌شناسی، جانورشناسی، شیمی و فیزیک عمومی؛
- تهیهٔ فرهنگ‌های جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی و رایانه.

ادارهٔ عربی‌سازی با چند سازمان تخصصی مانند زیمنس و آ.اِ.گ در آلمان در تماس است تا از تجربیات آنها در زمینهٔ ایجاد یک واژه‌بانک در مقر اصلی سازمان در رباط (مراکش) استفاده کند. فهرست‌های مختلف واژه‌نامه‌ها توسط سازمان‌های تخصصی و پژوهشگران تهیه شده است و این اداره مشغول گردآوری و سازماندهی سایر اطلاعات برای ایجاد پایگاه اطلاعاتی واژه‌های استاندارد همایش‌های مختلف عربی‌سازی است. تعداد این واژه‌ها در پایان پنجمین همایش بالغ بر ۲۹۸۸۵ بود. همچنین ۱۱۸٤۸۵ واژهٔ عربی موجود در واژه‌نامه به‌صورت جزوه در نشریهٔ ادواری این اداره به نام *اللسان العربی* چاپ شده است[1].

در اولین فراهمایی مترجمان عرب که در آذرماه ۱۳٦۷/ نوامبر ۱۹۸۸ در بغداد برگزار شد، شرکت‌کنندگان که از نمایندگان ALECSO و متخصصان ادارهٔ عربی‌سازی و مترجمان و زبان‌شناسان کشورهای مختلف عربی بودند به اتفاق آرا بر نکات زیر تأکید کردند:

- هماهنگی بین سازمان‌ها و بنگاه‌های ترجمه، عربی‌سازی و مطالعات

1. *Termnet News* (1989), pp. 24, 35.

زبان‌شناسی با هدف یکسان کردن کوشش‌هایی که در جهت ارتقـای ترجمـه در جهان عرب صورت می‌گیرد؛

- همکاری با ALECSO به منظور اتخاذ روش جدی در زمینهٔ ترجمه؛
- توجه به روش‌هـای آمـوزش عربـی اسـتاندارد در کلیـهٔ مراحـل آموزشـی و بالابردن استاندارد آموزش زبان‌های خارجی در کشورهای عربی؛
- تألیف فرهنگ‌های یک زبانـه، دوزبانـه و تخصصـی بـه زبـان‌هـای خـارجی مختلف در کلیهٔ زمینه‌های دانش بشری؛
- ارتقا و انتشار گسترده‌تر واژه‌های استاندارد علوم و فنّاوری در جهان عرب؛
- توجه به اهمیت مترجمان در احیای فرهنگی ملل عرب و برگزاری دوره‌هـای آموزشی کافی برای تعلیم این مترجمان؛
- حمایت از ایجاد انجمن‌های ملی مترجمان به رهبری اتحادیهٔ مترجمان عرب[1].

در فراهمایی بین‌المللی استانداردها و یکنواخـت کـردن واژه‌هـا کـه در اسـفند ۱۳۶۸/ مارس ۱۹۸۹ در تـونس بـا حضـور ۱۰۰ نفـر شـرکت‌کننـده از کشـورهای مختلف عربی و تعدادی از مؤسسات بین‌المللی برگزار شد، ۲۷ مقاله در زمینه‌هـای زیر ارائه شد:

- کوشش‌های کشورهای عرب‌زبان در کار واژه‌شناسی نظری؛
- ترجمه و واژه‌شناسی؛
- مسائل استاندارد سازی در علم اطلاعات؛
- مطالعهٔ واژه‌شناسی رایانه‌ای؛
- استفاده از رایانه در استاندارد کردن واژه‌ها؛
- روش‌شناسی در واژه‌شناسی علمی جدید در زبان عربی؛

1. *Termnet News* (1989), pp 24, 35.

- واژه‌های یکنواخت‌شدهٔ پزشکی.

هم‌زمان با این فراهمایی، کارگاه‌هایی در زمینهٔ وسایل کمک‌آموزشی در استانداردسازی واژه‌ها، آماده‌سازی و اصول کار واژه‌شناسی توصیفی نیز برگزار شد. همچنین در پایان کارگاه همکاری در زمینهٔ واژه‌شناسی و واژه‌گزینی در جهان عرب، تعدادی از نمایندگان مؤسسات علاقه‌مند یا درگیر در فعالیت‌های واژه‌گزینی شبکهٔ اطلاعاتی واژه‌شناسی عربی را به نام «عرب‌ترم»[1] بنیان نهادند. مقر این شبکه که یازده عضو دارد در مؤسسهٔ ملی استانداردهای تونس است. اهداف «عرب‌ترم» به قرار زیر است:

- پژوهش در زمینهٔ واژه‌شناسی بنیادی و کاربردی؛
- تهیهٔ اصول، روش‌ها و سایر ابزار کار واژه‌شناسی مانند روش‌های طبقه‌بندی در زبان عربی که به صورت دستورکار استاندارد منتشر خواهد شد؛
- تهیهٔ واژه‌نامه به صورت معمولی و رایانه‌ای، همچنین یکنواخت و استاندارد کردن آنها؛
- پردازش، گردآوری و نشر اطلاعات واژه‌شناختی؛
- گردآوری، تحلیل و تبادل اطلاعات واژه‌شناختی؛
- گسترش آموزش واژه‌شناسی در کلیهٔ سطوح از طریق آماده‌سازی برنامهٔ یکنواخت و استفاده از وسایل کمک‌آموزشی؛
- افزایش دستیابی به نشریات واژه‌شناسی و تأسیس کتابخانهٔ ویژه‌ای برای نشریات واژه‌شناختی؛
- ترجمهٔ نشریات واژه‌شناختی به زبان عربی؛
- دستیابی به سیاست یکنواخت در برنامه‌ریزی واژه‌شناسی در جهان عرب؛

---

1. Arabterm

- سازمان‌دهی و برپایی گردهمایی‌ها و همایش‌ها در زمینهٔ مسائل واژه‌شناسی؛
- برقراری مجاری ارتباطی و شرکت در طرح‌های واژه‌شناسی جهانی به‌ویژه ترم‌نت، ایزونت و سایر سازمان‌های حرفه‌ای.

یکی از نخستین فعالیت‌های «عرب‌ترم» انتشار خبرنامه‌ای در مورد اطلاعات واژه‌شناسی، انتشارات و سازمان‌های فعال در این زمینه در جهان عرب است. در اولین فراهمایی بین‌المللی ترجمه که در دانشگاه یارموک در اردن برگزار شد، چند مقاله در مورد مسائل واژه‌شناسی در جهان عرب ارائه شد.

۵. ۸ واژه‌گزینی در ژاپن

مسئلهٔ زبان مانعی جدی در انتقال فنّاوری و تبادل اطلاعات بین ژاپن و سایر کشورها به وجود آورده است. جنبهٔ اصلی کتابت ژاپنی که از علایم چینی تشکیل شده است همراه با خط هجایی (هیراگانا و کاتاکانا) مانع زبانی بسیار جدّی برای متخصصان غیرژاپنی است که می‌خواهند به بررسی نشریات ژاپنی در زمینهٔ تخصصی خود بپردازند. بنابراین دسترسی این متخصصان به اطلاعات علمی و فنی ژاپنی که سبب صرفه‌جویی فراوان در وقت می‌شود عملاً غیرممکن است. این مطلب اغلب سبب اتلاف انرژی و دوباره‌کاری‌های پژوهشی می‌شود، زیرا اغلب نشریات علمی و فنی منحصراً به ژاپنی نوشته می‌شوند. در حدود یک سوم مقالات و نشریات ادواری فقط به ژاپنی نوشته شده است. یک سوم دیگر دارای بخشی به زبان انگلیسی است و یا کاملاً به انگلیسی نوشته شده است و بالاخره یک سوم بقیه چکیده‌ای به زبان انگلیسی دارد. گزارش‌های علمی و کتاب‌ها نیز در سه چهارم موارد فقط به ژاپنی نوشته می‌شوند.

همراه با گسترش سریع فنّاوری، فعالیت‌های واژه‌گزینی در ژاپن توسعهٔ

چشمگیری یافته‌است. هم‌اکنون سیصد کمیسیون واژه‌گزینی واژگان مورد نیاز خود را گردآورده‌اند. گزارش وزارت آموزش و فرهنگ ژاپن نشان می‌دهد که ۵۰ کمیسیون واژه‌گزینی در آن وزارتخانه به بررسی واژه‌ها مشغول هستند. این فعالیت‌ها منجر به چاپ سالانه بیش از دویست فرهنگ تخصصی یا واژه‌نامه در ژاپن می‌شود.

در این کشور تأکید فزاینده‌ای بر واژه‌گزینی با روش‌های رایانه‌ای، آموزش متخصصان واژه‌گزینی و نقش زبان‌شناسی رایانه‌ای در واژه‌گزینی می‌شود. اهمیت واژه‌شناسی در ترجمهٔ خودکار یا به کمک ماشین و گردآوری و استفاده از اطلاعات علمی و فنی نیز محرز شده است. هم‌اکنون، هفده گروه در زمینهٔ ترجمهٔ خودکار کار می‌کنند. به علاوه، ظاهراً ۲۰ طرح در زمینهٔ رایانه‌ای کردن زبان طبیعی و ۲۰ طرح دیگر در زمینهٔ واژه‌نگاری رایانه‌ای در دست اجراست که لااقل سه طرح آن را می‌توان مربوط به آماده سازی برای واژه‌بانک‌ها دانست. بعضی از ناشران برای گردآوری و تنظیم واژه‌ها از رایانه استفاده کرده‌اند. اینفوترم با این گروه‌ها در تماس است تا اطلاعات مربوط به روش‌های جدید واژه‌شناسی رایانه‌ای را با آنها مبادله کند.

دههٔ ۸۰ در ژاپن غالباً «دههٔ زبان» نامیده شد. این مطلب نمایانگر اهمیت فراوانی است که دولت و ملت ژاپن برای مسائل مربوط به زبان در ارتباطات بین‌المللی قائل است. با درنظر گرفتن موفقیت ژاپن در زمینه‌های علمی، اقتصادی و صنعتی پس از جنگ جهانی دوم و با تمرکز فعالیت‌ها و اجرای نظام‌مند طرح‌های مربوط، می‌توان انتظار داشت که ژاپن در زمینهٔ واژه‌نگاری رایانه‌ای به پیشرفت چشمگیری نایل شود.

تاکنون چند هم‌نشست واژه‌شناسی در ژاپن تشکیل شده است که در هر یک

از آنها بیش از ۱۰۰ نفر شرکت داشته‌اند. در حدود ۵۰ درصد شرکت‌کنندگان، نمایندگان بخش خصوصی صنایع ژاپن بوده‌اند. این نشان می‌دهد که شرکت‌های ژاپنی به نقش مهم واژه‌گزینی در مدیریت داده‌ها پی برده‌اند[1].

دربارهٔ فعالیت‌های واژه‌گزینی در ژاپن، در سال ۱۹۸۹/۱۳۶۸، یک بررسی کلی با همکاری انجمن واژه‌شناسی ژاپن، شرکت INS و کمیسیون مرکز ارتقای پایگاه جهانی اطلاعاتی در این کشور انجام شد. هدف از این بررسی ارزیابی چگونگی فعالیت‌های واژه‌گزینی در ژاپن بود.

تعداد ۵۷٤ سازمان (۲٦/٦٪) به پرسشنامه‌های مربوط به این بررسی پاسخ دادند که بیش از نیمی از آنها انجمن‌های علمی و اتحادیه‌های حرفه‌ای بودند. این سازمان‌ها در حوزه‌های زیر فعالیت می‌کردند: علوم پزشکی(۲۳/۵٪)، مهندسی و فنّاوری‌های مختلف (۱۸/٦٪)، هنر و علوم انسانی (۱۵/۲٪)، کشاورزی (۱۹/۲٪)، فیزیک و شیمی و سایر علوم طبیعی (۱۲/۰٪)، صنایع (۸٪)، علوم اجتماعی (٤/۹٪)، داروسازی (۲/٦٪) و... .

در حدود ۵۰٪ از پاسخ‌دهندگان در فعالیت‌های واژه‌گزینی شرکت نداشتند. از طرف دیگر، ۱۲۳ سازمان (۲۱/٤٪) کارگروه و زیرگروه ویژه‌ای را برای واژه‌گزینی تشکیل داده بودند. علاوه بر آن در ۵۷ سازمان، متخصصان به تنهایی و در ۳۹ مؤسسه، گروهی از کارشناسان مشغول گردآوری این نوع اطلاعات هستند. در نتیجهٔ این فعالیت‌ها، ۱۵۵ مؤسسه (۲۷/۰٪) واژه‌نامه‌هایی را منتشر کرده‌اند و یا مشغول تهیهٔ آنها هستند که در ۵۰٪ آنها به شکل منظم یا غیرمنظم تجدیدنظر می‌شود.

1. *Termnet New* (1989), pp. 28, 41.

۵. ۹ واژه‌گزینی در چین

از آغاز قرن بیستم، چین ناگزیر شد که برای حفظ موجودیت خود به اخذ فنون غربی بپردازد و به تقلید از ژاپن سازمان‌های اداری، نظامی و اقتصادی خود را از وضع سنّتی به‌صورت جدید درآورد. از سال ۱۹۱۷/۱۲۹٦ کوشش‌هایی در جهت یکسان کردن زبان و تبدیل ایدئوگرام‌ها به حروف فونتیک (مانند ژاپن) آغاز شد. گویش ماندارین، زبان رسمی و عمومی کشور اعلام شد و زبان محاوره عملاً در زبان کتابت وارد شد. علائم خط تصویری روشن‌تر و ساده‌تر شدند و الفبای فونتیک که بر اساس الفبایی لاتینی تنظیم شده بود در مدارس و مطبوعات به کار گرفته شد (مجتبایی، ص ۲-۸)؛ (Fengming; Huijno 1987, pp. 12-14, 19).

در سال ۱۹۱۸/۱۲۹۷ انجمن علوم چین بررسی و گزینش واژه‌های علمی را آغاز کرد و برای این منظور یک کارگروه استانداردسازی به وجود آورد. بین سال‌های ۱۹۲۳/۱۳۰۲ و ۱۹۳۱/۱۳۱۰ پیش‌نویس چهارده جلد واژه‌نامهٔ علمی منتشر شد و در سال ۱۹۲۸/۱۳۰۷ فرهنگستان بزرگ چین کارگروه یکنواخت کردن واژگان را تأسیس کرد (Fengming; Renbong 1989, pp. 2-4, 25). در سال ۱۹۳۲/۱۳۱۱ ادارهٔ ملی برای گردآوری و ترجمه تأسیس شد. این اولین سازمان دولتی برای یکنواخت کردن واژه‌های علمی و فنی بود. عده‌ای از دانشمندان و کارشناسان عضو این اداره بودند و در جلسات متعدد مسائل مختلف مربوط به واژه‌شناسی رشته‌های مختلف را بررسی می‌کردند.

تولد چین جدید سبب گسترش علوم شد. از آنجا که جمهوری خلق چین به اهمیت نقش واژه‌گزینی در گسترش علوم و فنّاوری واقف بود فعالیت‌های ادارهٔ گردآوری و ترجمهٔ فرهنگستان علوم چین ادامه یافت و در سال ۱۹۵۰/۱۳۲۹ کارگروه یکنواخت‌سازی اصطلاحات علمی تأسیس شد. در اوایل دههٔ

۱۹۶۰/۱۳۴۰ این اداره به صورت ادارهٔ گردآوری واژه‌های علوم طبیعی درآمد. بعدها کار آن متوقف شد و سازمان نشر علمی وظایف آن را به عهده گرفت. در سال‌های اخیر این مؤسسه چندصد فرهنگ و واژگان در رشته‌های مختلف منتشر کرده است که در مجامع علمی چین و سایر کشورها با استقبال روبه‌رو شده است.

فعالیت‌های واژه‌شناسی در دوران انقلاب فرهنگی چین دچار رکود شد ولی امروزه دولت چین برای بررسی و یکسان کردن واژه‌های علوم طبیعی و فنّاوری اهمیت بسیاری قائل است. هم‌اکنون کارگروه ملی برای یکنواخت‌سازی واژه‌های علوم و فنّاوری[1] (NTCST) بررسی و یکسان‌سازی اصطلاحات موجود را به‌عهده گرفته‌است. این کارگروه دارای یک بخش پژوهش است که به گردآوری واژه‌ها و واژه‌گزینی اشتغال دارد و گزارش فعالیت‌های خود را در مجله‌ای به نام *پژوهش در واژه‌های علوم طبیعی و فنّاوری*[2] منتشر می‌کند. فعالیت زیرگروه‌های مختلف و مسائل مربوط به واژه‌شناسی در این نشریه بازتاب می‌یابد. به‌علاوه، این مجله دربرگیرنده نتایج پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه‌های خاص علمی و واژگانی و نیز ارتباط فرهنگی بین‌المللی در جوامع واژه‌شناسی نیز هست.

از زمان ایجاد NTCST در سال ۱۹۸۵/۱۳۶٤ کار بررسی و یکنواخت کردن واژه‌ها به سرعت گسترش یافته است. بیست و هفت زیرگروه، چند صد هزار واژه را بررسی کرده‌اند. بر این اساس، اصول و روش‌های بررسی واژه‌ها با علائم چینی خلاصه شده و نظام بررسی واژه‌های علمی و فنی ایجاد شده است. این واژه‌های استاندارد بیش از ۷۰۰ استاندارد واژه‌شناسی را به وجود آورده‌اند که گسترهٔ وسیعی از علوم بنیادی تا خدمات پستی، ارتباطات راه دور، ترابری، اطلاعات و انتشارات را در برمی‌گیرد (Chanhui 1992, pp. 20-21, 38/39). نشریاتی

---

1. National Technical Committee for Standardization of Terms
2. Research on Natural Science and Technology Terms

۹.۵ واژه‌گزینی در چین

از آغاز قرن بیستم، چین ناگزیر شد که برای حفظ موجودیت خود به اخذ فنون غربی بپردازد و به تقلید از ژاپن سازمان‌های اداری، نظامی و اقتصادی خود را از وضع سنّتی به‌صورت جدید درآورد. از سال ۱۹۱۷/۱۲۹۶ کوشش‌هایی در جهت یکسان کردن زبان و تبدیل ایدئوگرام‌ها به حروف فونتیک (مانند ژاپن) آغاز شد. گویش ماندارین، زبان رسمی و عمومی کشور اعلام شد و زبان محاوره عملاً در زبان کتابت وارد شد. علائم خط تصویری روشن‌تر و ساده‌تر شدند و الفبای فونتیک که بر اساس الفبایی لاتینی تنظیم شده بود در مدارس و مطبوعات به کار گرفته شد (مجتبایی، ص ۲-۸)؛ (Fengming; Huijno 1987, pp. 12-14, 19).

در سال ۱۹۱۸/۱۲۹۷ انجمن علوم چین بررسی و گزینش واژه‌های علمی را آغاز کرد و برای این منظور یک کارگروه استانداردسازی به وجود آورد. بین سال‌های ۱۹۲۳/۱۳۰۲ و ۱۹۳۱/۱۳۱۰ پیش‌نویس چهارده جلد واژه‌نامهٔ علمی منتشر شد و در سال ۱۹۲۸/۱۳۰۷ فرهنگستان بزرگ چین کارگروه یکنواخت کردن واژگان را تأسیس کرد (Fengming; Renbong 1989, pp. 2-4, 25). در سال ۱۹۳۲/۱۳۱۱ ادارهٔ ملی برای گردآوری و ترجمه تأسیس شد. این اولین سازمان دولتی برای یکنواخت کردن واژه‌های علمی و فنی بود. عده‌ای از دانشمندان و کارشناسان عضو این اداره بودند و در جلسات متعدد مسائل مختلف مربوط به واژه‌شناسی رشته‌های مختلف را بررسی می‌کردند.

تولد چین جدید سبب گسترش علوم شد. از آنجا که جمهوری خلق چین به اهمیت نقش واژه‌گزینی در گسترش علوم و فنّاوری واقف بود فعالیت‌های ادارهٔ گردآوری و ترجمهٔ فرهنگستان علوم چین ادامه یافت و در سال ۱۹۵۰/۱۳۲۹ کارگروه یکنواخت‌سازی اصطلاحات علمی تأسیس شد. در اوایل دههٔ

۱۹٦۰/۱۳٤۰ این اداره به صورت ادارهٔ گردآوری واژه‌های علوم طبیعی درآمد. بعدها کار آن متوقف شد و سازمان نشر علمی وظایف آن را به عهده گرفت. در سال‌های اخیر این مؤسسه چندصد فرهنگ و واژگان در رشته‌های مختلف منتشر کرده است که در مجامع علمی چین و سایر کشورها با استقبال روبه‌رو شده است.

فعالیت‌های واژه‌شناسی در دوران انقلاب فرهنگی چین دچار رکود شد ولی امروزه دولت چین برای بررسی و یکسان کردن واژه‌های علوم طبیعی و فنّاوری اهمیت بسیاری قائل است. هم‌اکنون کارگروه ملی برای یکنواخت‌سازی واژه‌های علوم و فنّاوری[1] (NTCST) بررسی و یکسان‌سازی اصطلاحات موجود را به‌عهده گرفته‌است. این کارگروه دارای یک بخش پژوهش است که به گردآوری واژه‌ها و واژه‌گزینی اشتغال دارد و گزارش فعالیت‌های خود را در مجله‌ای به نام *پژوهش در واژه‌های علوم طبیعی و فنّاوری*[2] منتشر می‌کند. فعالیت زیرگروه‌های مختلف و مسائل مربوط به واژه‌شناسی در این نشریه بازتاب می‌یابد. به‌علاوه، این مجله دربرگیرنده نتایج پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه‌های خاص علمی و واژگانی و نیز ارتباط فرهنگی بین‌المللی در جوامع واژه‌شناسی نیز هست.

از زمان ایجاد NTCST در سال ۱۹۸۵/۱۳٦٤ کار بررسی و یکنواخت کردن واژه‌ها به سرعت گسترش یافته است. بیست و هفت زیرگروه، چند صد هزار واژه را بررسی کرده‌اند. بر این اساس، اصول و روش‌های بررسی واژه‌ها با علائم چینی خلاصه شده و نظام بررسی واژه‌های علمی و فنی ایجاد شده است. این واژه‌های استاندارد بیش از ۷۰۰ استاندارد واژه‌شناسی را به وجود آورده‌اند که گسترهٔ وسیعی از علوم بنیادی تا خدمات پستی، ارتباطات راه دور، ترابری، اطلاعات و انتشارات را در برمی‌گیرد (Chanhui 1992, pp. 20-21, 38/39). نشریاتی

1. National Technical Committee for Standardization of Terms
2. Research on Natural Science and Technology Terms

مانند *راهنمای استانداردسازی*، *قوانین ایجاد استانداردهای واژه‌گزینی*، *اصول و روش‌های واژه‌گزینی* و کتاب‌های دیگر از این نوع طبق مشخصات علائم چینی و با درنظر گرفتن استانداردهای بین المللی تألیف شده است. این استانداردها، مبانی آماده سازی استانداردهای ملی در زمینه‌های مختلف هستند.

هم‌اکنون چند استاندارد اساسی و مهم مانند «واژگان علم واژه‌شناسی»، «مدخل فرهنگ‌ها»، «گسترش مبانی اطلاعاتی واژه‌شناختی»، «راهنمای گردآوری اسناد برای واژه‌بانک‌ها»، «لوازم فنی واژه‌گزینی به کمک رایانه» و «هماهنگی بین‌المللی مفاهیم واژه‌شناسی» در دست تهیه است.

فعالیت‌های کارگروه ملی برای استانداردسازی واژگان ممکن است در سطح بین‌المللی چندان مشهود نباشد ولی در چین این فعالیت‌ها بسیار مؤثر بوده است، شاید بتوان گفت که چین احتمالاً اولین کشوری است که دارای استاندارد در قوانین کلی ایجاد واژه‌بانک‌هاست.

فعالیت‌های واژه‌شناسی در چین توجه متخصصان رایانه را جلب کرده است. نشانه‌های زیادی بر رایانه‌ای شدن فعالیت‌های واژه‌شناسی در چین وجود دارد. واژه‌بانک‌ها در زمینهٔ مهندسی مکانیک به وجود آمده‌اند و چند واژه‌بانک دیگر در دست تهیه است.

کارگروه ملی برای یکنواخت کردن واژه‌های علوم طبیعی و فنّاوری با بیش از ۲۰ مؤسسهٔ واژه‌شناسی و دانشمندان این رشته در ارتباط است و از نتایج پژوهش‌های آنها استفاده می‌کند.

۱۰.۵ واژه‌شناسی در مالزی و اندونزی

در حدود ۱۸۰ میلیون نفر از مردم جنوب شرقی آسیا به زبان مالی صحبت

می‌کنند. این زبان که جزو گروه زبان‌های استروآسیایی[1] است زبان ملی و رسمی مالزی (۱٤ میلیون)، اندونزی (۱۶۰ میلیون)، برونئی (۲۵۰۰۰۰ میلیون) و یکی از زبان‌های سنگاپور (۲/۲ میلیون) است.

با توسعهٔ بازرگانی و قدرت سیاسی امپراتوری دریایی مالاکا[2] در قرن هشتم هجری / پانزدهم میلادی این زبان تا نقاط دور گسترش یافت و زبان ارتباطی منطقه شد. در قرن نوزدهم میلادی پس از پیدایش قدرت‌های استعماری انگلیس و هلند در مالزی و اندونزی موقعیت این زبان به عنوان زبان رسمی، تجارتی، اقتصادی و فرهنگی تضعیف شد. انگلیسی زبان رسمی فدراسیون مالایا[3] شد و زبان ملی اگرچه هنوز به رسمیت شناخته می‌شد ولی در عمل به صورت زبان دوم درآمد.

در سال ۱۹۲۶/۱۳۰۷ در یک گردهمایی جوانان، به منظور ایجاد وحدت زبان در این کشور چندزبانه، مالی را زبان اندونزیایی[4] نامیدند. در سال ۱۹٤۵/۱۳۲٤ پس از آزادی اندونزی از قید استعمار هلند، این زبان در قانون اساسی جمهوری اندونزی تنها زبان رسمی کشور شناخته شد. دوازده سال بعد، یعنی در سال ۱۹۵۷/۱۳۳۶ فدراسیون مالایا نیز استقلال یافت و سرانجام در سال ۱۹۶۷/۱۳٤۶ زبان مالی تنها زبان رسمی جایگزین انگلیسی شناخته شد و زبان مالزیایی[5] نام گرفت.

پس از استقلال، اندونزی و مالزی سیاست‌های زبانی و طرح‌های برنامه‌ریزی زبان متفاوتی داشتند، در نتیجه اندک‌اندک تفاوت‌هایی در دو زبان، با وجود نقاط مشترک بسیار، به‌وجود آمد. کوشش در جهت توسعهٔ هم‌زمان این دو زبان و جلوگیری از افتراق بیشتر آنها در اوایل دههٔ ۱۹۵۰/۱۳۲۹ آغاز شد. در سال

---

1. Astroasian
2. Malaca
3. Malaya
4. Bahasa Indonesia
5. Bahasa Malaysia

می‌کنند. این زبان که جزو گروه زبان‌های استروآسیایی[1] است زبان ملی و رسمی مالزی (۱٤ میلیون)، اندونزی (۱٦۰ میلیون)، برونئی (۲۵۰۰۰۰ میلیون) و یکی از زبان‌های سنگاپور (۲/۲ میلیون) است.

با توسعهٔ بازرگانی و قدرت سیاسی امپراتوری دریایی مالاکا[2] در قرن هشتم هجری / پانزدهم میلادی این زبان تا نقاط دور گسترش یافت و زبان ارتباطی منطقه شد. در قرن نوزدهم میلادی پس از پیدایش قدرت‌های استعماری انگلیس و هلند در مالزی و اندونزی موقعیت این زبان به عنوان زبان رسمی، تجارتی، اقتصادی و فرهنگی تضعیف شد. انگلیسی زبان رسمی فدراسیون مالایا[3] شد و زبان ملی اگرچه هنوز به رسمیت شناخته می‌شد ولی در عمل به صورت زبان دوم درآمد.

در سال ۱۹۲٦/۱۳۰۷ در یک گردهمایی جوانان، به منظور ایجاد وحدت زبان در این کشور چندزبانه، مالی را زبان اندونزیایی[4] نامیدند. در سال ۱۹٤۵/۱۳۲٤ پس از آزادی اندونزی از قید استعمار هلند، این زبان در قانون اساسی جمهوری اندونزی تنها زبان رسمی کشور شناخته شد. دوازده سال بعد، یعنی در سال ۱۹۵۷/۱۳۳٦ فدراسیون مالایا نیز استقلال یافت و سرانجام در سال ۱۹٦۷/۱۳٤٦ زبان مالی تنها زبان رسمی جایگزین انگلیسی شناخته شد و زبان مالزیایی[5] نام گرفت.

پس از استقلال، اندونزی و مالزی سیاست‌های زبانی و طرح‌های برنامه‌ریزی زبان متفاوتی داشتند، در نتیجه اندک‌اندک تفاوت‌هایی در دو زبان، با وجود نقاط مشترک بسیار، به‌وجود آمد. کوشش در جهت توسعهٔ هم‌زمان این دو زبان و جلوگیری از افتراق بیشتر آنها در اوایل دههٔ ۱۹۵۰/۱۳۲۹ آغاز شد. در سال

---

1. Astroasian
2. Malaca
3. Malaya
4. Bahasa Indonesia
5. Bahasa Malaysia

۱۹٦۷/۱۳٤٦ نظام املای مشترک با حروف لاتین تدوین شد، ولی دو دولت به چند دلیل آن را نپذیرفتند. در سال ۱۹۷۲/۱۳۵۱ وزیران آموزش دو کشور بیانیهٔ مشترکی منتشر کردند که در یکی از بندهای آن تشکیل فوری کارگروه‌های ملی برای استفاده از نظام املای مشترک و یکسان‌سازی دو زبان ملی به‌ویژه در زمینه‌های واژه‌گزینی و استاندارد کردن دستور زبان درخواست شده بود. در سال ۱۹۷۲/۱۳۵۱ شورای مشترک زبان اندونزیایی ـ مالزیایی انجام این کار را به عهده گرفت. اولین جلسه برای تنظیم یک برنامهٔ مشترک در همان سال در جاکارتا تشکیل شد. یکی از مهم‌ترین تصمیم‌های این گردهمایی تشکیل نهاد مشترکی به نام شورای زبان اندونزیایی ـ مالزیایی بود. جلسات این شورا هر دو سال یک بار، به نوبت، در مالزی و اندونزی تشکیل می‌شود. وظایف، اختیارات و طرز کار این شورا در اولین جلسهٔ کارگروه‌های ملی تعیین شد. خلاصه می‌توان گفت وظیفهٔ شورا وحدت زبان اندونزیایی و مالزیایی و برنامه‌ریزی مشترک زبان است؛ افزون بر آن، شورا از طریق کارگروه‌های ملی در مسائل مربوط به زبان نقش مشاور را نیز ایفا می‌کند. تعیین رشته‌هایی که واژه‌گزینی در آنها موردنظر است به عهدهٔ شوراست. این کار در گردهمایی‌های شورا صورت می‌گیرد. ولی شورا واژه‌های جدید وضع نمی‌کند. این کار به عهدهٔ کارگروه‌های واژه‌گزینی ملی است که اعضای آنها را سازمان برنامه‌ریزی زبان انتخاب می‌کند. واژه‌های انتخاب شده تاحد امکان طی جلسات ۵ تا ٦ روزهٔ شورا، هماهنگ و یکنواخت می‌شوند.

تصمیم‌گیری در مورد اینکه آیا واژه‌هایی که به این ترتیب انتخاب شده‌اند صحیح است یا نه و آیا دو کشور می‌توانند آنها را بپذیرند و یا اینکه واژه‌ها باید به دو زبان متفاوت باشند به عهدهٔ شوراست. شورا در این مورد به خط‌مشی کلی تشکیل واژه‌ها در دو زبان رجوع می‌کند که دو کشور آن را رسماً در سال

۱۹۷۵/۱۳۵٤ پذیرفته‌اند. همهٔ تصمیم‌های شورا برای پذیرش و اجرا به کارگروه‌های زبان ملی ابلاغ می‌شود. مسائل مؤثر در سیاست‌های جاری زبان دو کشور، تغییر در اصول و روش‌های تشکیل کلمات و تغییر در نظام املا باید قبل از اجرا به تصویب وزیران آموزش برسد.

۱.۱۰.۵ هماهنگ کردن واژه‌های تخصصی

قبل از سال ۱۹۷۲/۱۳۵۱ دو کشور تعداد زیادی از واژه‌های جدید را با توجه به سیاست زبانی و طرح‌های برنامه‌ریزی زبان خود پذیرفته بودند. از این نظر اندونزی پیشرفته‌تر محسوب می‌شد، تعداد بیشتری از واژه‌های تخصصی در این کشور تثبیت شده بود و از این زبان برای ارتباط‌های علمی و فنی و آموزش عالی استفاده می‌شد. استفاده از زبان مالزیایی در این زمینه از اواخر دههٔ ۱۹٦۰/۱۳٤۰ آغاز شد.

بین سال‌های ۱۹۵۷/۱۳۳٦ تا ۱۹۷۲/۱۳۵۱ و قبل از آغاز همکاری دو کشور با تشکیل شورای زبان، مؤسسهٔ برنامه‌ریزی زبان مالزی که در سال ۱۹۵٦/۱۳۳۵ تأسیس شده بود بیش از ۲۵۰۰۰۰ واژهٔ تخصصی را انتخاب کرده بود. تقریباً ٦۰٪ این واژه‌ها با اصطلاح‌های مشابه در زبان اندونزیایی متفاوت بودند. مهم‌ترین عوامل این اختلاف به قرار زیر بود:

الف) تفاوت منابع داخلی و خارجی که واژه‌های جدید از آنها گرفته شده بود. در زبان اندونزیایی واژه‌های فنی اغلب از زبان هلندی و واژه‌های فرهنگی از زبان جاوه‌ای و سایر زبان‌های محلی گرفته شده بود. سانسکریت نیز منبع مناسبی برای واژه‌های اندونزیایی بود. در حالی که در زبان مالزیایی، در صورت موجود نبودن منابع داخلی، واژه‌های جدید فنی و تخصصی از انگلیسی گرفته می‌شد.

ب) دو زبان بـرای وضـع واژه‌هـای جدیـد روش‌هـای مختلفـی داشـتند کـه تفاوت‌هایی در واژه‌شناسی و سبک املای آنها به وجود می‌آورد.

در سال ۱۹۷۵/۱۳۵٤ راهنمای عمومی تشـکیل واژه‌هـای زبـان انـدونزیایی و مالزیایی در دو کشور چاپ شد. خطوط کلی وضع واژه‌ها را شورای زبان از سال ۱۹۷۲/۱۳۵۱ تا ۱۹۷۵/۱۳۵٤ تعیین کرده بود و وزیـران آمـوزش دو کشـور آن را تصویب کرده بودند. مهم‌ترین این مصوبات به قرار زیر است:

۱. جست‌وجوی واژه‌های محلی که می‌توان با بسط معنـی آنهـا را بـه‌صـورت واژهٔ تخصصی درآورد. تعداد زیادی از کلمات بومی زبان مالی به این ترتیـب بـه صورت اصطلاح درآمده‌اند. اخذ واژه از منـابع خـارجی فقـط هنگـامی صـورت می‌گیرد که این جست‌وجو بی‌نتیجه مانده باشد.

۲. واژه‌هایی که از زبان خارجی گرفته شده‌اند باید به صورتی نوشته شوند که شکل ظاهرشان تـا حـد امکـان محفـوظ بمانـد و البتـه طبـق نظـام امـلای زبـان اندونزیایی - مالزیایی نوشته شوند. مـثلاً واژهٔ technology در ایـن زبـان‌هـا بـه صورت teknologi و carbon به صورت karbon نوشته می‌شود.

۳. یکی از راه‌های ساخت واژه‌های جدید، ترکیب کلمات اسـت. ایجـاد نظـام املای مشترک و تعیـین خـط مشـی کلـی در مـورد سـاخت واژه‌هـای دو زبـان مهم‌ترین کار شورای زبان بوده است. از کارهای دیگر ایـن شـورا از میـان بـردن اختلاف‌های دو زبان و جلوگیری از ایجاد هرگونـه اخـتلاف در آینـده و توسـعهٔ زبان ملی از طریق سازمان‌های برنامـه‌ریـزی زبـان ملـی اسـت. ایـن شـورا، بـین سال‌های ۱۹۷۲/۱۳۵۱ تا ۱۹۸٤/۱۳۶۳، بیست‌ویک جلسه برگزار کرد کـه طـی آن واژه‌های زبان مالزیایی ـ اندونزیایی را که به آن ارجاع شده بود تصـویب کـرد و در مورد مسائل مختلـف در توسـعهٔ دو زبـان تصـمیمات لازم را گرفـت. تعداد

واژه‌های بررسی‌شده در این مدت بالغ بر ۶۱۱۱۳ واژهٔ تخصصی در ۴۰ رشتهٔ مختلف بوده است.

مرکز واژه‌شناسی در مالزی[1] (DBP) به گردآوری، واژه‌گزینی، یکنواختی، هماهنگی و چاپ واژه‌های جدید اشتغال دارد. این مرکز که نمایندهٔ ترمنت در مالزی نیز هست تاکنون بیش از ۳۰ کتاب منتشر کرده است. این واژه‌نامه‌ها و فرهنگ‌ها که به انگلیسی ـ مالی ـ انگلیسی هستند رشته‌های مختلف مانند علوم پایه، مهندسی، پزشکی و علوم انسانی را دربرمی‌گیرند.

در میان طرح‌های واژه‌گزینی این مرکز می‌توان طرح روزآمد کردن واژه‌ها را نام برد که از سال ۱۹۸۹/۱۳۶۸ آغاز شده است. هدف این طرح‌ها روزآمدکردن همهٔ واژه‌هایی است که از سال ۱۹۵۶/۱۳۳۵ گردآوری شده‌اند و بالغ بر ۶۰۰۰۰۰ واژه می‌شوند. این طرح در سه مرحله انجام می‌گیرد. در مرحلهٔ اوّل طرح که هنوز در جریان است، همهٔ واژه‌ها، دستی یا با استفاده از رایانه بررسی می‌شوند. مرحلهٔ دوم هماهنگ کردن واژه‌هاست. مرحلهٔ سوم فقط وقتی می‌تواند آغاز شود که همهٔ این فرایندها تکمیل شده باشند. بنابراین، مرحلهٔ سوم طرح بزرگ دیگری برای گسترش واژه‌گزینی در زبان ملی است.

طرح دیگری که در زمینهٔ واژه‌شناسی انجام شده است طبقه‌بندی موضوع‌هاست. برای این منظور بخش واژه‌شناسی اعضای جدیدی را با معلومات کتابداری و اطلاع‌رسانی استخدام کرد. این طرح جزو ششمین برنامهٔ عمرانی مالزی بود که از سال ۱۹۹۱/۱۳۷۰ تا ۱۹۹۵/۱۳۷۵ انجام شد.

1. Dewan Bahasa dan Pustaka

٦

برنامه‌ریزی برای زبان و واژه‌گزینی

واژه‌گزینی، دو سنّت و در نتیجه دو مضمون متفاوت در ایـران و جهـان دارد. دو لفظ «واژه»[1] به معنی اصطلاح فنی، و «واژه‌گزینی» در گروه‌های واژه‌گزینی مرکـز نشر دانشگاهی پس از انقلاب متداول شد و سـپس در فرهنگسـتان زبـان و ادب فارسی نیز پذیرفته شد. مفهوم واژه‌گزینـی در ایـران، بـه خـاطر سـنّت و مسـائل متفاوت ما، کمابیش مستقل از مفهوم این فعالیت در کشورهای دیگر، به‌خصوص کشورهای صنعتی و روبه‌رشد است. استنباط عموم در ایران از واژه‌گزینـی یـافتن برابرنهادهٔ فارسی در مقابل کلمه‌های بیگانه است. در صـورتی کـه در کشـورهای صنعتی پیشرفته منظور استاندارد کردن مفاهیم و الفاظی است که بـر آنهـا اطـلاق می‌شود. به این ترتیب مضمون سنّتی واژه‌گزینـی در ایـران فقـط بخشـی از علـم

---

۱. تقی‌زاده به هنگام برشمردن طریقه‌های تصفیه و توسـعهٔ تـدریجی زبـان و ذکـر مـوارد حـذف کلمـات عربـی می‌نویسد: «... و نه مثل «واژه» به معنی کلمه که هم جعلی و هم نامأنوس و اصلاً غلط است.»

واژه‌گزینی، به مفهوم بین‌المللی آن، را دربرمی‌گیرد. با توجه به رشد سریع بخش صنعت، خدمات، و حرفه‌ها در ایران لازم است که ما حوزهٔ معنایی مفهوم واژه‌گزینی را وسیع‌تر کنیم و تمام جوانب آن را، که برای توسعهٔ کشورمان ضرورت دارد، در فعالیت‌های واژه‌گزینی منظور بداریم.

واژه‌گزینی مبتنی بر علم واژه‌شناسی است. اطلاق علم بر مطالعات واژه‌شناسی در سال‌های اخیر مرسوم شده است، اما اوّلین تحقیقات دراین زمینه به سال‌های اوّلیهٔ بعد از جنگ جهانی اوّل برمی‌گردد. قبل از آن، در قرن‌های هجده و نوزده، عمدتاً شیمیدان‌ها و زمین‌شناس‌ها، به دلایل گوناگون، مطالبی در زمینهٔ روش‌های اطلاق واژه‌ها بر مفاهیم و نیز تأثیر واژه‌ها بر نظریه‌های علمی منتشر کرده‌اند (Budin 1996).

این رشتهٔ مطالعاتی، به‌خصوص در دو دههٔ آخر قرن بیستم، رشد بسیاری داشته است و به علت ماهیت میان ـ رشته‌ای یا فرا ـ رشته‌ای بودنش گاهی آن را بخشی از زبان‌شناسی دانسته‌اند، گاهی بخشی از فلسفهٔ علم یا علم اطلاعات، یا حتی گاهی بخشی از رشته‌های تخصصی. اما گرایش جامعهٔ علمی و صنعتی به این سمت است که واژه‌شناسی را نوعی فلسفهٔ علم کاربردی تلقی کند. این علم ارتباط تنگاتنگی با مهندسی دانش دارد (Galinski Schmitz 1996).

علم و دانش بدون ارتباط و گفتمان مسئله‌ای شخصی است، نه اجتماعی و نمی‌تواند باعث رشد شود. همچنین، اطلاعات بدون ارتباط و گفتمان بی‌فایده می‌ماند. در صورتی که اطلاعات، در جامعهٔ صنعتی، سرمایه‌ای به حساب می‌آید با ارزش افزودهٔ فراوان، که نباید از آن غافل شد، البته این ارزش افزوده هنگامی حاصل می‌شود که اطلاعات در گردش باشد. واژه‌شناسی کمک شایانی به شناخت سازوکارهای اطلاعات در گردش می‌کند. همین‌طور، ارتباط بدون دانش

بی‌معنی است، و همهٔ اینها بدون مفهوم‌سازی و واژه‌گزینی بی‌حاصل. واژه‌شناسی برای دانش و اطلاعات نقش سامان‌ده را ایفا می‌کند که بدون آن دانش، تودهٔ بی‌نظمی از اطلاعات است بدون پویایی و رشدپذیری.

امروزه نقش واژه‌گزینی در مدیریت، به‌خصوص مدیریت راهبردی، کاملاً مشخص شده است؛ در واقع واژه‌گزینی یکی از ارکان مدیریت راهبردی در هر سازمان به حساب می‌آید. هر مدیر موظف است ابتدا واژگان مربوط به سازمان خود را تعریف کند تا همهٔ کسانی که درگیر پیاده‌کردن برنامه‌های سازمان‌اند، یا کسانی که از خارج با سازمان مرتبط‌اند، درک واحدی از فعالیت‌ها و راهکارهای سازمان داشته باشند.

بی‌توجهی به این امر مهم در سازمان‌های موجود در کشور ما مشکلات بسیاری آفریده است. شورای پژوهش‌های کشور در سال ۱۳۷۵ برنامه‌ای را با عنوان برنامهٔ ملی تحقیقات اعلام کرد. قبل از آن کمیسیون‌های مختلف شورا اولویت‌های تحقیقات را اعلام کرده بودند. قرار بر این بود که از سال ۱۳۷۶ بودجه‌ای پژوهشی مستقیماً در اختیار خود شورا باشد تا بتواند این اولویت‌ها را محقق کند، یعنی از طرح‌های تحقیقاتی که به این اولویت‌ها می‌پردازند حمایت کند. منظور از برنامهٔ ملی تحقیقات، اعمال این حمایت‌ها بود، یعنی حمایت از طرح‌هایی که در جهت اولویت‌هایی باشند که شورا اعلام کرده‌است. پس اگر در این برنامه طرحی به تصویب می‌رسید صرفاً به معنی هم‌جهت بودن آن با اولویت‌های اعلام شده بود. به این ترتیب مفهومی در شورای پژوهش‌ها ابداع شد که ابتدا واژه‌ای بر آن اطلاق نشد. مثلاً وقتی می‌گفتند طرحی از برنامهٔ ملی تحقیقات، منظور آن طرحی بود که در جهت اولویت‌های اعلام شده از سوی شورا باشد. به‌مرور واژهٔ طرح ملی بر این‌گونه طرح‌ها اطلاق شد. اما این واژه،

به‌خصوص در خارج از شورا، طرح‌های کلان کشوری را تداعی می‌کرد، در صورتی که به هنگام بحث بر سر اولویت‌ها یا برنامهٔ ملی جوّ غالب بر اعضای کمیسیون‌ها به هیچ وجه حاکی از طرح‌های کلان نبود. به‌همین دلیل هم تصویب شده بود که فقط طرح‌های کلان در جلسات شورا مطرح شوند و طرح‌های دیگر، که شامل بیش از ۹۰ درصد طرح‌ها بود در کمیسیون‌های دوازده‌گانهٔ شورا و سپس در کمیسیون خاص، که در واقع نمایندهٔ جلسات خود شورا بود، بحث شود.

تداعی طرح‌های کلان از طرح ملی باعث شد که در خارج از شورا، به‌خصوص در سازمان برنامه و بودجه که مدیران آن نیز به‌تازگی عوض شده بودند تعارض‌های فراوانی با عملکرد شورا پدید بیاید. این تعارض نه تنها ماه‌ها کار شورای پژوهش‌ها را در عمل متوقف کرد، بلکه جهت برنامهٔ ملی تحقیقات را نیز تغییر داد. این یک نمونه از اهمیت واژگان در مدیریت سازمان‌هاست. البته در کنار واژهٔ کلیدی «طرح ملی» واژه‌های مبهم دیگری نیز بودند که به تعارض کمک کردند، مانند نظارت بر طرح‌های ملی، پژوهش بنیادی، پژوهش کاربردی، پژوهش توسعه‌ای.

در یک سازمان انتشاراتی تعریف نکردن واژهٔ آماده‌سازی کتاب منجر به سوءتفاهم‌هایی میان دو مدیریت شده بود که پس از بحث در جلسات متعدد مشکل برطرف شد. کافی است در هر سازمان به اطراف خود بنگرید تا مثال‌های فراوانی از این ابهام‌ها را بیابید. تعیین واژگان نه‌تنها به معنی رفع ابهام در تعاریف و اطلاق کلمه بر مفهومی است که در یک سازمان مؤثر است، بلکه اکثراً تعیین‌کنندهٔ ارتباط بین بخش‌های سازمان است و از این طریق در تعیین گردش کار نیز تأثیر می‌گذارد. البته باید توجه داشت که در یک سازمان راهکارها نیز

منجر به مفاهیمی می‌شوند که تشخیص و تعریف آنها لازم است. در این بخش به بعضی از مفاهیمی که در کار واژه‌گزینی به آنها برمی‌خوریم نیز خواهم پرداخت. پیشرفت علم و فنّاوری، و نیز توسعه به مفهوم عام آن، از طریق مفهوم‌سازی و اطلاق واژگان استاندارد بر مفاهیم حاصل می‌شود. مفاهیم جدید گاهی راه‌های کاملاً جدیدی برای علم باز می‌کند و یا سرآغاز تحولات بنیادی در علم می‌شود. تغییر مفهومی در نظریهٔ فلوژیستون به اکسیژن، که لاوازیه مبدع آن بود (Budin 1996)، نمونهٔ بارز این‌گونه تحولات است. مثال دیگر مفاهیم لاگرانژی و هامیلتونی در مکانیک است و چگونگی تأثیر آنها در ایجاد تحولات فیزیک نوین (منصوری، ص ۱۲؛ همان ص ۵). همین گونه است بحث‌هایی که این سال‌ها در علوم شیمی و زیستی مطرح است، یا مفاهیم مرتبط با علم مدیریت که به دنبال توسعهٔ صنعتی پدید آمده است. در این مورد آخر، نسبت اطلاعات کلی جامعهٔ ما از مدیریت به اطلاعات روزآمد جهان در این زمینه مانند نسبت اطلاعات مردم ما از نجوم است به اطلاعات روزانهٔ دنیا در این زمینه. این نوع تحول‌های مفهومی با واژگانی جدید همراه است. از این روست که بخش عمده‌ای از مبحث جدید علم‌شناسی، یا مطالعات علم، را مبحث مفاهیم و واژگان اشغال می‌کند. بدین لحاظ واژه‌شناسی و تأثیر آن بر برنامه‌ریزی علوم و فنّاوری و نیز بر انتقال فنّاوری از مسائلی است که در دهه‌های اخیر در مجامع بین‌المللی مطرح و موضوع بحث فراوان بوده است.

در کشور ما این گونه بحث‌ها تازگی دارد. بعضی مصادیق تأثیرگذاری‌هایی که در بالا از آن صحبت شد در قراردادهای مربوط به انتقال فنّاوری دیده شده است، یا بعضی از صنایع روبه‌رشد ما، که مجبور به رقابت در سطح بین‌المللی هستند، به اهمیت مسئلهٔ واژه‌شناسی و واژه‌گزینی واقف شده‌اند، اما بازتاب این نیازها در

مجامع دانشگاهی ما هنوز به چشم نمی‌خورد. همچنین، تجربهٔ واژه‌گزینی بعد از انقلاب به ما نشان داده است که مفهوم‌سازی تا چه اندازه در رشد علم مؤثر است. کلمه‌های «واژه» به معنای اصطلاح، «واژه‌گزینی»، «واژه‌شناسی»، «نوواژه» و «روش حوزه‌ای» از جمله واژه‌هایی هستند که بنا به ضرورت وضع کرده‌ایم بی‌آنکه بدانیم چه بحث‌های نظری در پس این الفاظ و مفاهیم متناظر با آنها نهفته است. توجه داشته باشید که این مفاهیم و واژه‌ها ترجمه یا گرته‌برداری از زبان‌های بیگانه نیستند و مستقلاً در فرهنگ بعد از انقلاب خودمان پدید آمده و در پیشرفت واژه‌گزینی نقش مهمی داشته‌اند.

با توجه به گفته‌های فوق، ما واژه‌گزینی را به معنای عام آن در نظر می‌گیریم، یعنی به مفهوم استانداردسازی تمام مفاهیم و واژه‌هایی که در بخش‌های علمی، صنعتی، خدماتی، یا حرفه‌ها با آنها سروکار داریم. بدیهی است یافتن معادل‌های فارسی مطلوب برای واژه‌های بیگانه بخشی از این فعالیت عام واژه‌گزینی است.

واژه‌گزینی امری عظیم است که بدون برنامه‌ریزی ابتر خواهد ماند. گذشته است آن زمانی که بتوانیم همچون ادیبان نسل‌های پیشین تصور کنیم مقابله با واژه‌های بیگانه در همان حدّ ژیگولوبازی‌های بعضی افراد یا بخش‌های جامعه است که مثلاً به جای «پذیرش» از لغت «ریسپشن» استفاده می‌کنند. همان‌طور که در جای‌جای این کتاب مطرح شد، تعداد واژه‌هایی که امروزه در دنیا با آن سروکار داریم به چند ده میلیون می‌رسد، یعنی بیش از چند ده برابر کل مدخل‌های لغت‌نامهٔ دهخدا. در واقع، توجه داشته باشیم که دانشمندان، عملاً در یک‌صدسال اخیر، چند ده برابر کل واژه‌هایی را خلق کرده‌اند که بشر در طول چند هزار سال به وجود آورده‌است. این ابعاد فراتر از آن می‌رود که ادیبان ما بتوانند حتی تصور کنند. طرح این مسئله، در هر فرهنگی و در هر کشوری،

مستلزم ایجاد فنّاوری جدیدی به نام واژه‌شناسی است و این کار تنها با برنامه‌ریزی منطقی انجام‌پذیر است. برای کشور ما، که با مشکلات زبانی فراوان دست‌به‌گریبان است، این برنامه‌ریزی باید با توجه و نیز همگام با برنامه‌ریزی زبانی باشد.

برنامه‌ریزی برای زبان تمام وجوه زبان را در برمی‌گیرد: تغییر زبان یا گسترش آن، ایجاد نظام نوشتاری کم ابهام، معیارسازی یا استانداردسازی زبان، حذف اختلاف صورت‌های تلفظی یا املایی یا دستوری، تهیهٔ دستور کارهای تلفظی، املایی و نقطه‌گذاری. برای تعیین اولویت‌های کار برنامه‌ریزی، شناخت چگونگی آسیب‌پذیری لایه‌های مختلف زبان در برخورد با زبان ضروری است. لایه‌های زبانی آواشناسی، صرف، نحو، واژگان و معناشناسی به تحول‌ها پاسخ یکسانی نمی‌دهند و مقاومت آنها نیز یکسان نیست. عمیق‌ترین لایه که کمترین تأثیرپذیری را دارد، لایهٔ آواشناسی است. صحت این تأثیرناپذیری را در تاریخچهٔ یک‌هزار و چند سالهٔ زبان فارسی دری می‌توان ملاحظه کرد. هر چه از عمق زبان به سطح آن نزدیک شویم، از این مقاومت کاسته می‌شود مانند لایهٔ صرف که اگر چه مقاوم است اما شکست‌ناپذیر نیست. مثلاً تأثیر زبان عربی را در زبان فارسی می‌توان در علامت جمع مانند «معلمین»، یا در تنوین مانند «زباناً» یا در «های» تأنیث مانند «نتایج حاصله» مشاهده کرد، یا تأثیر زبان‌های غربی را در کلماتی مانند «اسلامیزاسیون»، «کوانتیزه» و...

خطر اصلی نفوذ الگوهای زبان بیگانه در لایهٔ نحو است، زیرا همین لایه است که هویت زبان را ممتاز می‌کند. بیرونی‌ترین لایهٔ زبان، لایهٔ واژگان است که به‌راحتی و به‌سرعت تأثیر می‌پذیرد. تغییرات در لایهٔ واژگان از نوع کاهش و افزایش است که تأثیر فوری بر ساختار زبان و لایه‌های عمیق‌تر آن ندارد. در این

مرحله می‌توان با برنامه‌ریزی اصولی و سنجیده این تغییرات را به نفع پویایی و زایایی زبان هدایت کرد. اما اگر حجم و شدت ورود واژگان جدید از یک حد بحرانی بگذرد و مدت زمان زیادی بلاتکلیف بماند می‌تواند بر لایه‌های داخلی تأثیر بگذارد؛ در این صورت، برخلاف تغییرات واژگانی، تغییرات لایه‌های زیرین را نمی‌توان به‌راحتی برطرف کرد.

اغلب از زبان متخصصان شنیده می‌شود که مگر چه اشکالی دارد واژه‌های بیگانه را عیناً بپذیریم و به کار ببریم. این افراد تنها به گونهٔ گفتاری زبان توجه دارند و متوجه اشکالاتی نمی‌شوند که معمولاً در نوشتار پدیدار می‌شود. کاربرد واژه‌ها به‌صورت اصلی آنها در زبان بیگانه در نوشتار گره‌هایی را می‌نمایاند که گاهی ناشی از خط است و گاهی ناشی از مقاومت پنهان لایه‌های زبان. متأسفانه بی‌اطلاعی از این گره‌ها و ریشهٔ آنها متخصصان را در به کار بردن الفاظ بیگانه در گفتار راسخ‌تر می‌کند و در به کار بردن برابرنهاده‌های فارسی (که گاهی هم ریشهٔ بیگانه دارند) بی‌توجه‌تر.

به دلیل آسیب‌پذیری سریع لایهٔ واژگان، رسیدگی به این لایه و برنامه‌ریزی برای آن اولویت دارد و باید در سرلوحهٔ برنامه‌های کوتاه‌مدت قرار گیرد. برنامه‌های میان مدت و درازمدت به لایه‌های دیگر زبان خواهد پرداخت. این مباحث موضوع علم واژه‌شناسی است که واژه‌گزینی بخشی از آن است. این رشتهٔ علمی هنوز به آموزش عالی ما راه نیافته است، در حالی که در کشورهای صنعتی شغل «واژه‌شناسی فراهمایی» پیدا شده است که تنها یکی از شاخه‌های این رشته است. در برخی از دانشگاه‌های جهان این رشته در دانشگاه‌های مهندسی آموزش داده می‌شود. متأسفانه ما هنوز به هنگام صحبت از واژه و نثر علمی، ادبیات و ادیب در ذهن‌مان تداعی می‌شود که این از آثار تأخّر فرهنگی و

همگام نبودن با علوم و صنایع جدید است.

مراد از واژگان[۱] در اینجا مجموعهٔ واژه‌های تخصصی یک یا چند رشته است. واژگان در این معنا در برابر لفظ بیگانهٔ ترمینولوژی گذاشته شده است که خود دستِکم بر چهار مفهوم اطلاق می‌شود که یکی از آنها نظریهٔ عام واژه‌شناسی است و دیگری نظریهٔ خاص واژه‌شناسی برای یک رشتهٔ خاص یا یک زبان خاص. مراد از واژه نیز نماد متعارفی است که برای بیان یک مفهوم در یک رشته به کار می‌رود.

موضوع اصلی نظریهٔ عام واژه‌شناسی بررسی اصول و قوانینی است که مشخصهٔ هر سامانه‌ای از مفاهیم و نیز واژگان است. به عبارت دیگر، این علم می‌کوشد به قوانینی دست یابد که میان همه یا دستِکم اکثر نظریه‌های خاص واژه‌شناسی مشترک است. این قوانین می‌پردازد به ماهیت مفاهیم، مشخصه‌های آنها، رابطهٔ میان مفاهیم، نظام‌های مفهومی، توصیف مفاهیم و تعاریف، اطلاق واژه به مفهوم و ماهیت تشکیل واژه‌ها.

نظریهٔ خاص واژه‌شناسی به قوانین حاکم بر واژگان یک رشتهٔ خاص مانند پزشکی، شیمی، فیزیک، زیست‌شناسی و یا یک زبان خاص می‌پردازد. بنابراین قوانین خاص تشکیل واژه‌ها در این نظریه بررسی می‌شود. قوانین حاکم بر هر رشتهٔ خاص می‌تواند بسیار متفاوت با رشتهٔ دیگر باشد. از یک طرف با نمادنگاری و نظام واژگانی بسیار خاص همراه با یک نظام مفهومی کاملاً مشخص سروکار داریم، که اتفاق نظر بین‌المللی برای آن وجود دارد، مثلاً در شیمی، بخش‌هایی از پزشکی و زیست‌شناسی؛ و از طرف دیگر مجموعه‌های

---

۱. البته امروزه «واژگان» در زبان فارسی مفهوم خاص دیگری نیز دارد که عبارت است از مجموعه‌ای از واژه‌های تخصصی یک یا چند رشته به دو یا چند زبان که در آن تمام معادل‌های فارسی لفظ بیگانه که تاکنون در نوشتارهای فارسی منتشر شده است، با ذکر بسامد کاربردشان ضبط می‌شود.

مفهومی بی‌نظام داریم با واژه‌های عامیانه، مثلاً در فیزیک ذرات بنیادی. به همین سبب روش واحدی برای برنامه‌ریزی واژگانی نمی‌تواند وجود داشته باشد، بلکه برای هر رشته یا هر زبان باید روش خاصی منطبق بر آن تهیه شود.

واژه‌شناسی با کلمات و عناصر زبان سروکار دارد، و همان‌گونه که علم فیزیک یا فن الکترونیک و فن پزشکی را باید جدا از ادب و علم ادبیات دانست، واژه‌شناسی هم مستقل از ادب و ادبیات است. علم واژه‌شناسی از زبان‌شناسی شروع شده است و گاهی بخشی از زبان‌شناسی به حساب می‌آید، اما باید متوجه بود که واژه‌شناسی علم مستقلی شده است. نسبت واژه‌شناسی به زبان‌شناسی شبیه است به نسبت شیمی به فیزیک. گاهی شیمی را «فیزیک الکترون‌های آخرین مدار اتم» می‌دانند؛ در هر صورت شیمی جدید زاییدهٔ فیزیک است، ولی می‌بینیم که به لحاظ کمیت شیمیدان‌ها، تعداد مقاله‌های تحقیقی در زمینهٔ شیمی، تعداد دانشجویان این رشته و تعداد مراکز تحقیقاتی این رشته بسیار فراتر و گسترده‌تر از فیزیک است. همین‌گونه است نسبت واژه‌شناسی به زبان‌شناسی. درست است که واژه‌شناسی به عنوان یک علم و یک فن در ایران ناشناخته است اما در کشورهای پیشرفتهٔ صنعتی این علم، که زاییدهٔ زبان‌شناسی است، هم‌اکنون گسترده‌تر از زبان‌شناسی است و تعداد دست‌اندرکاران این رشته بیش از زبان‌شناسان است و نیاز به متخصصان این رشته در کشورهای صنعتی بسیار زیاد است.

این علم بیشتر با نظریهٔ نظم و سامانه‌های نظم‌دار سروکار دارد تا با ادبیات و به همین اندازه نیز از روش‌های زبان‌شناسی دور شده‌است. ادب و زبان‌شناسی ابزاری در اختیار این رشته قرار می‌دهد، همان‌گونه که نظریهٔ ترتیب و نظم و نیز علم رایانه و «مهندسی دانش» ابزار در اختیار این رشته قرار می‌دهد. بنابراین باید برحذر بود از اینکه کار واژه‌شناسی به ادیبان سپرده شود. توجه داشته باشید که

مثلاً مجموعهٔ مدخل‌های لغتنامهٔ دهخدا، بزرگ‌ترین فرهنگ فارسی، حدود دویست‌هزار است، در صورتی که مثلاً رشتهٔ شیمی به تنهایی با دست‌ِکم هفت میلیون واژه سروکار دارد. به این قیاس سهم ادب فارسی درهرحال در واژه‌گزینی بسیار کمتر است تا سهم مثلاً شیمی.

در زبان روزمره در بسیاری موارد می‌توان به جای یک واژهٔ معین از مترادف آن استفاده کرد. مثلاً به جای واژهٔ «آشتی» در جمله «دو کشور بالاخره با هم آشتی کردند» می‌توان واژهٔ «صلح» را به کار برد بی‌آنکه در معنای جمله چندان تفاوتی پدید آید، اما در زبان علم در بسیاری موارد چنین نیست و هر واژه معنای دقیقی دارد که با مترادف آن متفاوت است. برای مثال نمی‌توانیم به جای «برق در سیم جریان دارد» بگوییم «برق در سیم حرکت می‌کند» به بیان دیگر واژه‌های علمی اصطلاح هستند که مجموعهٔ آنها را می‌توان اصطلاح‌گان نامید و علم آن را «اصطلاح‌شناسی» که در ایران چندان شناخته نیست. اصطلاح در واژه‌شناسی بسیار گسترده‌تر از معنی آن در زبان‌شناسی استاندارد است. مطالعهٔ قراردادهای بین‌المللی در ایران نشان می‌دهد که کشورمان به علت عقب‌مانده بودن در علوم واژه‌شناسی و اصطلاح‌شناسی ضررهای کلان دیده است.

نتایج تحقیقات واژه‌شناسی و اصطلاح‌شناسی و نیز کارهای واژه‌گزینی لازم است که به‌طریقی استاندارد ثبت شود. روش ثبت استاندارد شده جزئیات زیادی دارد و از این جهت باید مطالعات مربوط به این حوزه را جدی گرفت. ثبت داده‌های واژگانی تا نوشتن واژه‌نامه‌ها و فرهنگ‌ها و نیز پردازش این‌گونه داده‌ها، همه، به مجموعه‌ای از اطلاعات و روش‌ها نیازمند است که آن را واژه‌نگاری می‌نامند.

واژه‌نگاری اصطلاح جدیدی است برای اصطلاح قدیمی فرهنگ‌نویسی

اصطلاحات[1] یا فرهنگ‌نویسی تخصصی[2]. هدف از واژه‌نگاری ثبت مشخصه‌های مفهومی واژه‌هاست، یعنی ثبت اطلاعات واژه‌شناختی که توصیف دقیقی از یک مفهوم و ارتباط آن با مفاهیم دیگر به دست می‌دهد. این اطلاعات شامل تعریف‌ها، مترادف‌ها، شاخه‌های تخصصی، نمادها، مخفف‌ها، اسامی علمی و تجاری، شباهت‌های املایی و ارجاعات مربوط به هر واژه می‌شود. در دهه‌های گذشته، در این زمینه پیشرفت‌های چشمگیری حاصل شده است. این پیشرفت‌ها از طرفی به دلیل تکامل روش‌های ثبت و روزآمد کردن اطلاعات واژه‌شناختی است و از سوی دیگر مربوط به پیشرفت وسایل و ابزاری است که اطلاعات بر روی آنها ضبط می‌شود. به طور کلی دو نوع واژه‌نگاری وجود دارد: نوع اوّل کاربرد واژه‌ها را آن‌گونه که هست و نوع دوم آن‌گونه که باید باشد ثبت می‌کند. در اوایل قرن بیستم یکی از بزرگ‌ترین کارهای واژه‌نگاری در آلمان آغاز شد. هدف از این کار ثبت لغات تخصصی آن زمان و انتشار آنها به‌صورت کتاب بود. سرپرستی این پروژه به عهدهٔ شلومن[3] بود. این کتاب در سال ۱۹۳۲/۱۳۱۱ در هفده جلد و با عنوان *واژه‌نامهٔ فنی مصور* به شش زبان (آلمانی، انگلیسی، فرانسه، ایتالیایی، روسی و اسپانیولی) منتشر شد. این کار با همکاری متخصصان با صلاحیت و سازمان‌های علمی و حرفه‌ای کشورهای مختلف انجام شد. تقریباً در همان زمان انجمن مهندسان آلمان[4] (VDI) جمع‌آوری لغات فنی به سه زبان و به‌صورت الفبایی را آغاز کرد. تا سال ۱۹۰۵/۱۲۸٤ تعداد برگه‌هایی که اطلاعات واژه‌شناختی روی آنها ثبت شده بود به ۳۰٦ میلیون رسید. در سال ۱۹۰۷ انجمن مهندسان آلمان پس از بررسی دقیق به این نتیجه رسید که برای کامل کردن این برگه‌های دست‌نویس با روش و کادر ویراستاری موجود به چهل سال وقت نیاز

1. terminological lexicography
2. special lexicography
3. Schloman
4. Verein Deutscher Ingenieure

دارد. به همین دلیل کار را متوقف کردند؛ اما پروژهٔ شلومن که از شیوهٔ علمی‌تری برخوردار بود مورد حمایت قرار گرفت و سرانجام هم منتشر شد.

حدود سال ۱۹۰۹/۱۲۸۸ کارگروه بین‌المللی الکتروتکنیک (IEC) دست به کار واژه‌شناسی زد و پس از سی سال، یعنی در سال ۱۹۳۹/۱۳۱۸، حاصل آن به‌صورت فرهنگ لغتی نظام‌دار به شش زبان انتشار یافت. دانش تخصصی به دست آمده از پروژه‌های شلومن و IEC تأثیر بسیاری بر اصول و رهنمودهای واژه‌نگاری که سازمان بین‌المللی استانداردها (ISO) تهیه کرده بود، گذاشت. از سال ۱۹۲٤/۱۳۰۳ در واژه‌نگاری از روش‌های نظام‌دار استفاده شد و روش الفبایی که جز هدر دادن وقت چیز دیگری نبود کنار گذاشته شد.

پس از گذشت بیش از ١٦ سال کار مشترک بین‌المللی، سرانجام در ۱۹٦٨/١٣٤٧، یکی از آثار برجستهٔ واژه‌نگاری قراردادی پدیدار گشت. عنوان این کتاب که از آثار اویگن ووستر است، *ماشین ـ ابزار: فرهنگ چندزبانه مفاهیم پایه*[1] است. به‌طور کلی این فرهنگ الگویی است برای تهیهٔ فرهنگ‌های تخصصی. در آغاز کتاب شیوهٔ تهیه این فرهنگ نوشته شده است که می‌توان از آن به عنوان کتاب راهنما در امر واژه‌نگاری قراردادی استفاده کرد. ارائهٔ این کتاب اصول و رهنمودهای ISO را در بوتهٔ آزمایش گذاشته است. این فرهنگ با روش نظام‌دار و تعاریف کاملش ماهیت علمی کار واژه‌شناسی را نشان می‌دهد.

اکنون دیگر استفاده از رایانه در واژه‌نگاری اجتناب‌ناپذیر است. رایانه‌ها جایگزین روش‌هایی شده‌اند که غالباً وقت‌گیرند و از الگوی ثابتی پیروی می‌کنند. این شیوهٔ کار به گسترش واژه‌بانک‌ها می‌انجامد. امروزه واژه‌بانک‌ها در سازمان‌های استاندارد و واسطه‌های زبانی از لوازم اوّلیهٔ کارند. برای پردازش

1. Machine-Tool: an Interlingual Dictionary of Basic Concepts

بیشتر واژه‌ها باید واسطه‌ها (واژه‌بانک‌ها، ناشران، رایانه‌های شخصی) واژه‌ها را به صورت ماشین‌خوان ضبط کنند؛ البته در این حالت باید همه از اصول واژه‌شناسی یکدست استفاده کنند.

قدم‌های مؤثری تاکنون در سطح بین‌المللی در این راه برداشته شده است اما برای حل مسائل واژه‌شناسی کارهای زیادی باید انجام شود. اگر جامعهٔ علمی، فنی و حرفه‌ای بتواند کارهای مذکور را انجام دهد در تحقق «جامعهٔ آگاه» سهم بسزایی خواهد داشت.

بخش عمدهٔ برنامه‌ریزی برای زبان فارسی را واژه‌گزینی تشکیل می‌دهد. از این جهت لازم است چگونگی این امر در جامعه، و نیز نقش فرهنگستان‌ها و متخصصان هر فن، تعریف شود. به همین جهت در این فصل می‌پردازم به راهکارها، دستورکارها، و گردش کار در گروه‌های واژه‌گزینی و نیز روش‌ها و اولویت‌های واژه‌گزینی، که مجموعهٔ این مباحث را می‌توان با عنوان مدیریت واژه‌گزینی مطرح کرد.

مدیریت واژه‌گزینی در ایران زمینهٔ بکری است که کمتر به آن توجه شده است. به همین دلیل نوشتارهای مرتبط با این زمینه بسیار اندک است. لازم است که علاقه‌مندان به زبان و واژه‌گزینی با اصول اوّلیهٔ این فنّاوری جدید آشنا شوند. از این جهت چند نمونه از استانداردهای بین‌المللی مرتبط با این موضوع را ذکر می‌کنم:

۱. ایزو ۱۰۲٤۱:۱۹۹۲ واژه‌نگاری؛
۲. ایزو ۱۹۹۰ :۱۰۸۷ واژه‌شناسی ـ واژگان؛
۳. ایزو ۱۹۸۷ :۷۰٤ اصول و روش‌های اصطلاح‌شناسی؛
٤. ایزو ۸٦۰ هماهنگ‌سازی بین‌المللی مفاهیم و واژه‌ها؛

۵. ایزو ۱۹۹۲ :۳۱ کمیت‌ها و یکاها.

تاکنون فرهنگستان زبان و ادب فارسی ترجمهٔ استانداردهای بندهای ۱-۴ را منتشر کرده است. ترجمهٔ این نوع استانداردها و تدوین استاندارد متناظر با آنها برای زبان فارسی در دستور کار گروه واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی قرار دارد.

۱.۶ زبان فارسی و زبان علم استاندارد در ایران؛ زبان علم معیار

هدف اصلی واژه‌گزینی در ایران کمک به ایجاد زبان علم معیار است که لازمهٔ ایجاد اجتماع علمی است. در زبان فارسی هنوز این زبان معیار ساخته نشده است. برای این کار، هم باید واژه‌ها و هم نحو زبان علمی و از جمله روش‌های بیان فرمول‌های ریاضی و شیمی استاندارد شوند. هدف اوّل، یعنی واژه‌گزینی با هدف استانداردسازی واژگان در کشورهای صنعتی، که زبان علمی معیار دارند، کمی متفاوت است. در کشورهای صنعتی پیشرفته، هماهنگ‌سازی مفاهیم، نظام مفهومی و نیز واژه‌های زبان‌های گوناگون اهمیت بسیار زیادی پیدا کرده است که تا حدّی نتیجهٔ جهانی شدن اقتصاد در سال‌های گذشته است.

در کشور ما، به علت هجوم مفاهیم و واژه‌های جدید، و آماده نبودن زیرساخت‌های زبانی و صنعتی و نیز به دلیل شتاب در صنعتی شدن جامعه و انتقال فنّاوری، اولویت‌ها و روش‌های واژه‌گزینی نوع دیگری تعریف می‌شوند. در مرحلهٔ اوّل، جز در موارد استثنایی، به صلاح ماست که وارد بحث استاندارد کردن مفاهیم نشویم و صرفاً استاندارد کردن واژه‌ها را هدف قرار دهیم. در این صورت باید روشی برای گزینش مفاهیم استاندارد از زبان‌های بیگانه اتخاذ کنیم و به بحث در مورد چگونگی گزینش برابرنهاده‌های فارسی برای واژه‌های

استاندارد مثلاً از زبان انگلیسی بپردازیم. در زمینه‌هایی که مفاهیمی از فرهنگ خود ما اهمیت دارد و با نظام مفاهیم استاندارد فرهنگ‌های دیگر متفاوت است، مانند فقه، فلسفه، حقوق و برخی حرفه‌ها و صنایع بکوشیم به تمام جوانب واژه‌گزینی، از جمله تعریف استاندارد مفاهیم، بپردازیم.

به این ترتیب، در شرایط موجود، هدف عمدهٔ ما تهیهٔ واژه‌نامه‌های دوزبانه‌ای است که در آنها، در برابر هر مفهوم، که یک یا چند واژهٔ انگلیسی بر آن اطلاق شده است، یک واژهٔ فارسی نهاده شود. به این منظور لازم است مراحل زیر طی شود:

۱. در هر زمینه‌ای که قرار است واژه‌گزینی شود مفاهیم یا نظام‌های مفهومی تعیین شود. در شرایط کنونی ارجح است که مرجع منتخب برای مفاهیم و واژه‌ها، مرجع انگلیسی با تعاریف استاندارد شده باشد. در مواردی که چنین مرجعی در دسترس نباشد، یا کفایت نکند، لازم است ابتدا مفاهیم تعریف شوند.

۲. تعریف‌ها به قراری باشد که بتوان آنها را در متن به جای واژه‌ها به کار برد.

۳. تعریف‌ها، در صورت لزوم، به زبان فارسی تهیه شود.

٤. هرگاه تفاوتی میان مفاهیم در زبان فارسی با مفاهیم بین‌المللی وجود داشته باشد، مانند بعضی مفاهیم فلسفی، کلامی و یا فقهی، لازم است این تفاوت‌ها به‌صراحت عنوان شود.

۲.٦ تشکیلات

بنابر قانون ممنوعیت به‌کارگیری اسامی، عناوین و اصطلاحات بیگانه مصوّب مجلس شورای اسلامی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی مسئول نهایی واژه‌گزینی در کشور تعیین شده است. فرهنگستان‌های علوم و علوم پزشکی، و نیز بخش‌های صنعت، خدمات، و حرفه‌ها پیشنهادهای خود را برای تصویب به

فرهنگستان زبان و ادب فارسی می‌فرستند. در این میان باید میان کار فرهنگستان‌ها و بخش‌های صنعتی، خدماتی و حرفه‌ای تمایز قائل شد.

فعالیت‌های جامعه را می‌توان در کل، برحسب سطح فعالیت، به سه ردهٔ پژوهشی، کارشناسی، و کاردانی تقسیم کرد. طبق این تقسیم‌بندی واژه‌هایی که فرهنگستان‌ها به آنها می‌پردازند عمدتاً در سطح پژوهشی و کارشناسی است، در صورتی که بخش‌های صنعت، خدمات و حرفه‌ها عمدتاً در سطح کاردانی و گاهی کارشناسی واژه‌گزینی می‌کنند. به همین علت است که به واژه‌های بخش خدمات و گاهی صنعت و فنّاوری در فرهنگستان زبان واژه‌های عمومی اطلاق شده است؛ مثلاً واژه‌های کارپوشه (=کارتابل) یا پرونددان (=زونکن) از واژه‌های مربوط به خدمات اداری است که جزو واژه‌های عمومی فرهنگستان بررسی شده است. توسعهٔ این بخش‌ها که باید همراه با استاندارد کردن واژه‌های آنها باشد، برای توسعهٔ صنعتی و اقتصادی کشور بسیار اهمیت دارد و اینکه واژه‌های این بخش‌ها، در سطح کاردانی است، به‌هیچ‌وجه از اهمیت آنها نمی‌کاهد. بلکه به‌عکس گاهی به علت کاربرد وسیع این واژه‌ها در سطح جامعه لازم است که توجه خاصی به این واژه‌ها بشود. در کشورهای پیشرفتهٔ صنعتی مرسوم است که ادارهٔ استانداردها، ضمن تهیهٔ استانداردهای لازم، مفاهیم و واژه‌های این بخش‌ها را نیز استاندارد می‌کند. تعداد استانداردها در سطح بین‌الملل ۲۰۰۰۰ است. در کشور ما، تا به حال تنها حدود ۶۰۰۰ استاندارد تهیه شده است. مجموعهٔ واژه‌هایی که در ۲۰۰۰۰ استاندارد به کار رفته و استاندارد شده است در حد چند میلیون است. کشور ما که در شرف صنعتی شدن است، باید قطعاً به این چند میلیون واژه نیز بپردازد و ضمن استاندارد کردن آنها بکوشد برابرنهاده‌های مطلوبی برای آنها بیابد. این نشان می‌دهد که ما نباید در بررسی گروه‌های واژه‌گزینی فقط به دو فرهنگستان

علوم و علوم پزشکی توجه کنیم، بلکه توجه به بخش‌های صنعت، خدمات و حرفه‌ها مستقیماً یا از طریق ادارهٔ استانداردها الزامی است.

تفاوتی که در بالا میان دو بخش ذکر شد، در نهایت، در تشکیلات گروه‌ها و روش‌های واژه‌گزینی و اولویت‌بندی‌ها تأثیر می‌گذارد و باید به آن توجه شود.

٦. ٣ گروه واژه‌گزینی

کار واژه‌گزینی در هر زمینهٔ تخصصی، اعم از اینکه در سطح پژوهشی، کارشناسی یا کاردانی باشد، توسط یک گروه انجام می‌شود. این گروه متشکل از متخصصان، یعنی استادان، کارشناسان و یا کاردانان است. توصیه می‌شود همواره یک واژه‌شناس، که ممکن است نمایندهٔ فرهنگستان زبان باشد یا نباشد، در جلسات گروه شرکت کند.

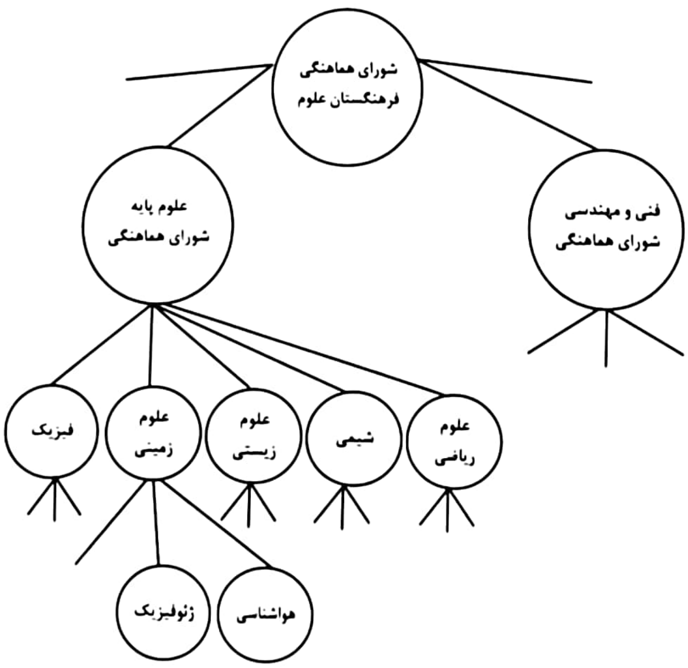
٦. ٣. ١ ارتباط گروه‌های واژه‌گزینی

گروه‌های واژه‌گزینی در مواردی به لحاظ موضوع یا بخش به هم وابسته‌اند یا رابطه‌ای شاخه‌ای و درختی دارند. در مواردی هم ممکن است این وابستگی‌ها به دلایل موضوعی یا زمانی ظهور نکند. چون تعداد گروه‌های واژه‌گزینی بالقوه بسیار زیاد است ممکن است تا مدت‌ها روابط شاخه‌ای میان گروه‌ها ظاهر نشود. بنابراین لازم است تشکیلات هر دو مورد را بررسی کنیم.

الف. گروه‌ها با ارتباط درختی

این نوع ارتباط را با مثالی بیان می‌کنیم. حوزهٔ علوم پایه را در فرهنگستان علوم در نظر بگیرید. این حوزه از گروه‌های شیمی، علوم ریاضی، علوم زمین، علوم

زیستی و علوم فیزیکی تشکیل شده است. در گروه علوم زمین نیز شاخه‌های هواشناسی و ژئوفیزیک و زمین‌شناسی کار خود را آغاز کرده‌اند. هر یک از گروه‌ها و شاخه‌ها به طور مستقل به واژه‌گزینی می‌پردازند. پس از چندی که تعداد مناسبی واژه برگزیده شد، گروه‌ها نتایج کار خود را به شورای هماهنگی ارائه می‌دهند. نقش اصلی این شورا هماهنگ ساختن برابرنهاده‌هاست، با این فرض که مفاهیم مشترک، به دلیل استفاده از مراجع یکسان، استاندارد و هماهنگ شده است. اختلاف نظر میان گروه‌ها در این شورا مطرح می‌شود. هرگاه شورای هماهنگی موفق به حل اختلاف شود نتیجه برای بررسی مجدد به گروه‌ها اعلام می‌شود. در غیر این صورت کوشش می‌شود با تشکیل جلسات مشترک میان‌گروهی اختلاف‌ها، به همان روشی که گروه‌ها کار می‌کنند، بررسی شود. کار هماهنگی شاخه‌ها در گروه انجام می‌شود. به این ترتیب، گروه در حکم شورای هماهنگی برای شاخه‌هاست. به همین روال، در هر مرتبه از نمودار درختی، هر گروه نقش هماهنگ‌کنندهٔ زیرگروه‌ها را دارد.



ب. گروه‌های مستقل

در بخش‌های صنعت، خدمات و حرفه‌ها نیز ممکن است گروه‌های واژه‌گزینی فعالیت کنند. مثلاً صنف جواهرسازان یا عینک‌سازان. در این صورت، همواره عملی نیست که در نمودار درختی، گروه مربوط همراه با گروه‌های مشابه به یک گروه بالاتر متصل شود و به سبک گروه‌هایی که ارتباط درختی دارند، شورای هماهنگی به وجود بیاید. در این‌گونه موارد توصیه می‌شود که ادارهٔ استانداردها نقش شورای هماهنگی را به عهده بگیرد. هر گاه این توصیه نیز عملی نباشد، فرهنگستان زبان و ادب فارسی نقش هماهنگی را به عهده خواهد گرفت.

این موضوع می‌تواند در خصوص گروه‌هایی مصداق داشته باشد که در واقع گروه‌هایی در ساختار درختی یکی از فرهنگستان‌ها هستند، اما به دلایلی در فرهنگستان‌ها فعال نشده‌اند. فرهنگستان زبان و ادب فارسی در چنین مواقعی نیز نقش هماهنگی را به عهده خواهد گرفت.

۲.۳.۶ اعضای گروه

عضو گروه واژه‌گزینی از میان کسانی برگزیده می‌شود که در زمینهٔ مورد نظر تخصص کافی دارند و به اهمیت امور فرهنگی و واژه‌گزینی واقف‌اند. در گزینش اعضای گروه واژه‌گزینی سِمَت‌های اداری نباید نقش تعیین‌کننده داشته باشد. به علاوه توصیه می‌شود افراد با زمینه‌های تخصصی گوناگون و نیز سلیقه‌های متفاوت برگزیده شوند. همچنین یک نفر واژه‌گزین نیز در جلسات پیوسته حضور داشته باشد، دستِ‌کم تا زمانی که گروه به طرز صحیحی رهبری شود.

۶. ۳. ۳ جلسه‌های گروه

گروه‌های واژه‌گزینی بهتر است کمتر از ۵ عضو و بیشتر از ۷ عضو نداشته باشند. تعداد جلسات هم کمتر از دوبار در ماه نباشد؛ ادارهٔ جلسه با مدیر گروه است.

۶. ۳. ٤ مدیر گروه

وظیفهٔ مدیر گروه واژه‌گزینی تنظیم جلسات، ادارهٔ آنها، و نیز برقراری ارتباط با مؤسسه یا مؤسساتی است که این گروه به‌نوعی به آنها وابسته است.

۶. ۳. ۵ دبیر گروه

برای اینکه جلسات گروه با حداکثر کارایی برگزار شود، ضروری است اطلاعات لازم برای بحث در جلسه فراهم آید تا اینکه در جلسه بتوان صرفاً به مشورت و تصمیم‌گیری پرداخت. این وظیفه به عهدهٔ دبیر گروه است. دبیر گروه ضمن جمع‌آوری واژه‌هایی که باید بررسی شود، در خارج از جلسه اطلاعات لازم را از منابع گوناگون روی «کاربرگه»های استاندارد فراهم می‌آورد. دبیر، پس از بحث در جلسهٔ گروه، نتایج را نیز ثبت می‌کند.

۶. ۳. ۶ واژه‌گزین

واژه‌گزین به متخصصی اطلاق می‌شود که آموزش کافی در زمینهٔ واژه‌گزینی دیده است. واژه‌گزین لازم نیست در همان زمینه‌ای تخصص داشته باشد که گروه واژه‌گزینی فعال است، گرچه این همخوانی توصیه می‌شود.

۶. ۳. ۷ نمایندهٔ فرهنگستان زبان و ادب فارسی

به لحاظ هماهنگی در اجرای مصوبات فرهنگستان زبان و ادب فارسی توصیه می‌شود نماینده‌ای از فرهنگستان، که هم آموزش کافی در واژه‌گزینی دیده و هم با ضوابط آن آشنا باشد، در جلسات گروه‌های واژه‌گزینی شرکت کند. نمایندهٔ فرهنگستان ممکن است در عین حال عضو واژه‌گزین نیز باشد.

۶. ۳. ۸ گروه هماهنگی

گروه هماهنگی نیز مانند سایر گروه‌های واژه‌گزینی اداره می‌شود، با این تفاوت که ممکن است تعداد جلسات آنها کمتر باشد و بسته به نیاز تشکیل شود. اعضای آن تجربهٔ طولانی‌تری در واژه‌گزینی و اشراف بیشتر به مسائل و مشکلات هماهنگ‌سازی دارند.

۶. ۴ کار واژه‌گزینی و استانداردسازی واژه‌ها

پیش از شروع واژه‌گزینی باید مقدماتی فراهم و بر سرِ تعریف‌ها توافق شود. بخشی از این کار به عهدهٔ دبیر و بخشی به عهدهٔ گروه یا گروه هماهنگی یا مدیر است.

۶. ۴. ۱ نیاز و هدف

تشکیل یک گروه واژه‌گزینی بر مبنای نیازی است که سازمان یا گروهی تشخیص می‌دهد. این نیاز ممکن است برای حفظ و تقویت زبان فارسی و یا رفع نیازهای علمی و صنعتی باشد. نوع نیاز، تعیین‌کنندهٔ هدف گروه و نیز چگونگی انتشار نتایج گروه واژه‌گزینی است.

۶. ۴. ۲ تعیین مخاطب

گروه واژه‌گزینی بهتر است در ابتدا مخاطب خود را تعیین کند. مثلاً اگر یک گروه صنعتی بخواهد واژه‌گزینی کند، بهتر است ابتدا مشخص نماید که مخاطبانش فقط کارکنان و کاربران آن صنعت و محصولاتش است، یا طیف وسیع‌تری از مخاطبان را در نظر دارد. این تصمیم در مرزبندی واژه‌هایی که قصد استاندارد کردن آنها را دارند تأثیر می‌گذارد. مثلاً شاخهٔ هوایی گروه واژه‌گزینی حمل‌ونقل می‌تواند تصمیم بگیرد که فقط به آن دسته از واژه‌هایی بپردازد که در حمل‌ونقل هوایی دخیل‌اند یا اینکه به مجموعهٔ واژه‌های هوایی که به حمل‌ونقل و صنعت هوافضا مربوط می‌شود بپردازد. این تصمیم بر تعداد واژه‌هایی که باید بررسی شود و نیز نوع واژه‌ها و مفاهیم تأثیر می‌گذارد. در هر صورت، توصیه می‌شود گروه‌های واژه‌گزینی تا حد امکان تخصصی عمل کنند و انتظار نداشته باشند با نتایج کار خود مشکلات طیف وسیعی از کاربران واژه‌های تخصصی را رفع کنند.

۶. ۴. ۳ محدودهٔ واژه‌ها

مشخص کردن محدودهٔ واژه‌هایی که قرار است بررسی شود سبب ساده‌تر شدن جمع‌آوری و ارزیابی واژه‌ها می‌شود. همچنین با سهولت بیشتری می‌توان در مورد شاخه‌ها و هماهنگی با گروه‌های دیگر تصمیم گرفت. حتی پس از تعیین مخاطب، آن‌گونه که در بخش ۶. ۴. ۲ ذکر شد، تعیین محدودهٔ واژه‌ها لازم است . برای این کار می‌توان از فرهنگ‌ها و نوشتارها در همان زمینهٔ تخصصی، اعم از متون درسی و دستورکارها و گزارش‌ها، سود جست.

٤.٤.٦ منابع

انتخاب مرجع، به دلایلی که قبلاً توضیح داده شد، برای کار واژه‌گزینی در ایران اساسی است. برای سرعت عمل بیشتر در واژه‌گزینی مجبوریم مفاهیم استاندارد شده را، تا حد امکان، از مراجع بیگانه بپذیریم. این کار اساساً مطلوب نیست اما چشم‌پوشی از آن می‌تواند ضررهای سهمگین‌تری به زبان و فرهنگ و نیز روند توسعهٔ کشور بزند. با این حال، باید همواره این امکان را در نظر گرفت که گروه واژه‌گزینی، خود، در صورت تشخیص اجتهاد کند و مفهومی را که مرجع برگزیده تعریف کرده است تصحیح کند یا مفاهیمی متناسب با فرهنگ کشورمان به آن بیفزاید. این تصور درست نیست که تمام مفاهیم موجود در یک زبان الزاماً مابه‌ازایی در زبان و فرهنگ دیگر دارد و به این علت است که در فرهنگ خود به مفاهیم و واژه‌هایی برمی‌خوریم که در زبان بیگانه وجود ندارد. به همین ترتیب نیز اغلب در واژه‌گزینی مفاهیم جدیدی وارد زبان و فرهنگ خود می‌کنیم.

علاوه بر مرجع برگزیده، که معمولاً به زبان بیگانه است، لازم است به منابع دیگری برای اخذ واژه مراجعه شود.

٥.٤.٦ انواع منابع

منابع اخذ واژه برای بررسی در گروه واژه‌گزینی متعددند. مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

الف) اسناد رسمی (قوانین، بخشنامه، قراردادها، و استانداردها)؛

ب) اسناد علمی (مانند متون درسی، رساله‌های علمی، نشریات ادواری)؛

ج) مواد نوشتاری جاری که الزاماً رسمیت ندارند (دفترک‌ها، دستور کار دستگاه‌ها، سیاههٔ لوازم یدکی، گزارش‌ها، تابلوهای راهنما، پرسشنامه‌ها)

د) منابع انسانی (اعضای گروه یا مشاوران دیگر)؛

ه) پایگاه‌های اطلاعات واژگانی؛

و) واژه‌نامه‌ها، فرهنگ‌ها، و دانشنامه‌ها.

در هر مورد بسته به امکانات، نیازها، و اولویت‌ها می‌توان از منابع فوق استفاده کرد.

۶.۴.۶ ارزیابی منابع

از آنجاکه اطلاعات گروه واژه‌گزینی تا حدّ زیادی مبتنی بر مراجع و منابع است، باید از معتبر بودن این منابع اطمینان حاصل کرد. بنابراین در انتخاب آنها، اعم از فرهنگ‌ها یا کتاب‌ها، دستورکارها و استانداردها و غیره باید توجه داشت که حتی‌الامکان:

الف) روزآمد باشند؛

ب) نویسنده شهرت علمی در آن زمینه داشته باشد؛

ج) واژگان نوشتار بیانگر مکتب فکری خاصی نباشد؛

د) در صورت نیاز به استفاده از یک فرهنگ موجود، روش‌های علمی واژه‌شناسی معمول در تولید آن به کار گرفته شده باشد؛

ه) نظر به اینکه فرهنگ‌های ترجمه شده عموماً قابل اعتماد نیستند، ضروری است که با دقت بیشتری از آنها استفاده شود؛

و) حتی در فرهنگ‌های معتبر نقص و اشکال دیده می‌شود؛ بنابراین، در صورتی که گروه واژه‌گزینی تشخیص دهد که در مرجع یا یکی از منابع اشکالی وجود دارد، با مراجعه به کتب و اسناد معتبر دیگر، باید در رفع اشکال و ایجاد توافق بین اعضای گروه بکوشد و آن را ثبت کند؛

ز) در هر حال منابع مکتوب بیشتر مورد اعتماد و استناد هستند. بهتر است که نظر اعضای گروه واژه‌گزینی بر منابع و مراجع مکتوب ترجیح داده نشود، مگر در موارد استثنایی که در بالا ذکر شد.

۶.۴.۷ واژه‌گزینی به‌منزلهٔ طرح پژوهشی

بهتر است به واژه‌گزینی همچون یک طرح پژوهشی نگریسته شود. در ارائهٔ طرح به نکات زیر توجه شود:

الف) مراحل طرح مشخص شود؛

ب) هر مرحله زمان‌بندی شود؛

ج) مسئولیت هر یک از اعضای گروه مشخص شود؛

د) مانند هر طرح پژوهشی دیگر، توجه شود که مجریان طرح سابقهٔ این نوع کار پژوهشی را داشته باشند. چون در بسیاری از موارد مجریان طرح واژه‌گزینی تازه‌کارند، بهتر است که برای مدتی کار گروه آزمایشی تلقی شود تا توانایی‌های اعضای گروه مشخص شود.

۶.۵. روش کار

قبل از هر چیز باید کوشید تا ترتیب مراحل طرح واژه‌گزینی مراعات شود. در غیر این صورت، زمان و انرژی فراوانی صرف می‌شود، بدون آنکه نتیجهٔ مطلوبی عاید شود. در صورتی که اعضای گروه واژه‌گزینی و به‌خصوص دبیر گروه سابقهٔ واژه‌گزینی نداشته باشند لازم است قبلاً دوره‌های آموزشی فشرده و کوتاه‌مدتی را بگذرانند. در جلسات اوّلیه هم حتماً یک نفر واژه‌گزین در جلسات شرکت کند و راهنمای گروه در مسائل تخصصی واژه‌گزینی باشد.

تقسیم‌بندی گروه به زیرگروه‌ها و بخش‌ها از همان ابتدا انجام شود. در این صورت شورای هماهنگی هم لازم است معرفی شود. همین‌طور، بهتر است که حوزهٔ ارتباط با فرهنگستان‌ها یا ادارهٔ استانداردها از پیش مشخص شود.

۱.۵.۶ جمع‌آوری داده‌های واژگانی

مفاهیم و واژه‌های مربوط به رشتهٔ تخصصی گروه با استفاده از منابع جمع‌آوری می‌شود. این جمع‌آوری الزاماً به این معنی نیست که همهٔ واژه‌هایی که قرار است گروه بررسی کند در ابتدای کار ثبت می‌شود؛ بلکه بسته به نوع گروه و تخصص آن می‌توان به یکی از روش‌های زیر عمل کرد:

الف) گروه‌هایی که تخصص آنها گسترهٔ وسیعی دارد و تعداد واژه‌های آن فراوان است.

در این‌گونه موارد که واژه‌ها در هر حال بیش از چند هزار است، با تعیین مرجع و منابع از زبان بیگانه در واقع واژه‌ها و اطلاعات مربوط به آنها جمع‌آوری شده است. تنها باید دقت کرد که لازم است مجموعهٔ برابرنهاده‌های فارسی این واژه‌ها در همین مرحله فراهم آید. آنچه در سال‌های اخیر واژگان نام گرفته است (فارسی، ۱۳۷۶، پیشگفتار) این نقش را به عهده دارد. مثلاً واژگان فیزیک مجموعهٔ برابرنهاده‌های واژه‌های بیگانهٔ فیزیک است که در ۱۲۰ منبع مکتوب فارسی به کار رفته است. به هنگام واژه‌گزینی ناگزیر از استفاده از این منابع هستیم.

ب) گروه‌هایی که تخصص آنها محدود است و با واژه‌های کمی سروکار دارند.

در بعضی از حوزه‌های بسیار تخصصی، به‌خصوص در بخش‌های صنعتی، خدمات، و حرفه‌ها تعداد واژه‌ها به بیش از چندصد می‌رسد. برای مثال، تعداد

واژه‌های تخصصی که در صنایع فولاد به کار می‌رود حدود ۵۰۰ است؛ گرچه تعداد بسیاری واژهٔ دیگر از بخش‌های مربوط به فنّاوری یا مدیریت صنایع نیز در این مجموعهٔ صنعتی رواج دارد که البته نباید آنها را واژه‌های خاص صنایع فولاد به‌حساب آورد. در این گونه موارد ضرورت دارد ابتدا داده‌های واژگانی کاملاً جمع‌آوری شود.

در هر دو صورت، به هنگام جمع‌آوری واژه‌ها، بهتر است هر واژه‌ای که در ابتدا مربوط به آن حوزه به نظر می‌رسد جمع‌آوری شود. گرچه ممکن است بعداً تشخیص داده شود که به گروه تخصصی دیگری مربوط است.

۲. ۵. ۶ ثبت داده‌های واژگانی

برای بررسی یک واژه اطلاعات گوناگونی لازم است که باید از پیش فراهم شود. برخی از این اطلاعات برای رسیدن به مطلوب‌ترین گزینش و بالا بردن کارایی درون گروه لازم است. برخی اطلاعات دیگر جنبهٔ اطلاع‌رسانی به بیرون گروه را دارد، از جمله برای مطرح کردن نظر گروه در شورای هماهنگی یا در فرهنگستان زبان و ادب به‌کار می‌رود. به علاوه، مجموعهٔ این اطلاعات کمک می‌کند تا در گام‌های بعدی، برای تهیهٔ مثلاً یک فرهنگ توصیفی، زمینه‌سازی کافی شده باشد. از این جهت ممکن است به نظر برسد که مجموعهٔ اطلاعات و داده‌های واژگانی که در ادامه توصیه شده است بیش از حد لزوم زمان‌بَر است. با توجه به موارد ذکرشده و نیز با توجه به انگیزه‌ها و امکانات متفاوت گروه‌های واژه‌گزین، پیشنهاد می‌شود این گروه‌ها بکوشند تا حداکثر داده‌های پیشنهادی را جمع‌آوری و ثبت کنند، و در صورتی که حذف بعضی از داده‌ها را صلاح بدانند، توجیه آن را به کاربرگه‌ها ضمیمه کنند.

برای هماهنگ‌سازی در سطح بین‌المللی، بهتر است داده‌ها به دو زبان فارسی و انگلیسی ثبت شوند، اما به دلیل اقتصاد کار، این روش پیشنهاد نمی‌شود، مگر در موارد استثنایی که اصل مفهوم در فرهنگ خود ما ریشه داشته باشد یا مربوط به نوآوری‌های داخل کشور شود؛ به هر حال، فرض این است که مفهوم در یک مرجع برگزیدهٔ بین‌المللی استاندارد و ثبت شده است و ما عیناً آن مفهوم را پذیرفته‌ایم.

الف) داده‌های وابسته به واژه

۱. واژه (به زبان انگلیسی، و از یک مرجع مشخص)

- مترادف‌ها
- صورت‌های دیگر واژه، چه به لحاظ درست‌نویسی و چه دستوری
- شکل اختصار
- شکل کامل
- نماد
- اسم تجاری (مثلاً در شیمی و داروسازی)
- اسم علمی (مثلاً در علوم زیستی)
- برابرنهاده‌های فارسی
- رشتهٔ تخصصی

۲. اطلاعات دستوری

۳. ملاحظات

این اطلاعات، جز در مورد برابرنهاده‌های فارسی، از مرجع‌های بیگانه تهیه می‌شود. هنگامی که مفاهیمی از فرهنگ خود ما مطرح است، لازم است تمام این

اطلاعات به فارسی هم جمع‌آوری شود؛ به‌علاوه، درجهٔ پذیرش هر واژه، از جمله داده‌هایی نظیر واژهٔ مرجح، واژهٔ مطرود، یا نظیر این نیز ثبت خواهد شد.

ب) داده‌های وابسته به مفهوم

۱. تعریف

۲. نمایش‌های دیگر مفهوم، مانند فرمول، تصویر، نمودار.

ج) داده‌های اجرایی

۱. تاریخ ثبت (به‌خصوص در مورد واژه‌هایی که استاندارد بین‌المللی آنها به عنوان مرجع انتخاب نشده است.)

۲. مرجع و منبع

۶. ۵. ۳. سیاههٔ واژه‌ها

منظور مجموعهٔ واژه‌هایی است که باید برای آنها معادل‌سازی شود یا در بررسی‌ها دخالت دارند، شامل واژه‌های مربوط به

الف) مفاهیم خاص زمینهٔ مربوط؛

ب) مفاهیم مشترک میان زمینهٔ مربوط و زمینه‌های مجاور؛

ج) مفاهیم وام‌گرفته شده از زمینه‌های دیگر؛

د) مفاهیم عام زبان یا حوزهٔ مربوط.

البته در سیاههٔ نهایی واژه‌گزینی شده، یا در واژه‌نامهٔ نهایی، فقط واژه‌های خاص زمینهٔ مربوط به طور کامل می‌آید. ثبت نهایی برخی واژه‌های وام‌گرفته‌شده نیز، بنا به صلاحدید گروه، مفید است.

٦. ٥. ٤ مفاهیم

ثبت مفاهیم به اختصار باشد و از سبک فرهنگ‌نویسی مرجعِ برگزیده تبعیت شود.

٦. ٦ شیوهٔ بررسی و گزینش

شیوهٔ بررسی و گزینش واژه‌ها، در درازمدت، در نتیجه و سرعت کار بسیار مؤثر است. از این‌جهت، توصیه می‌شود روش پیشنهادی زیر تا حد امکان مراعات شود. نکته‌هایی که ذکر می‌شود برمبنای تجربهٔ طولانی واژه‌گزینی است. ممکن است در بعضی شاخه‌های واژه‌گزینی نکته‌های زیر احتیاج به تعدیل و تکمیل داشته باشد، اما گروه‌ها توجه داشته باشند که بدون تجربهٔ کافی و درازمدت به تعدیل یا تصحیح روش‌ها دست نزنند.

٦. ٦. ١ روش حوزه‌ای

به هنگام معادل‌یابی برای یک واژه، هر گاه ظرافت‌های معنایی و امکانات دستوری، از جمله اشتقاق‌پذیری و تصریف‌پذیری و ترکیب‌پذیری معادل پیشنهادی در نظر گرفته نشود، احتمال اشتباه یا اشکال در نتیجهٔ بررسی‌ها افزایش می‌یابد. بسیاری از مفاهیم در یک یا چند زمینه، به هم نزدیک یا به‌نوعی مرتبط‌اند. هر گاه به هنگام بحث برای یافتن یک برابرنهاده به این تمایزها توجه نشود، چه بسا انتخاب نابجایی صورت گیرد. معمولاً هنگامی که به شکل طبیعی مفهوم یا واژه‌ای ساخته می‌شود، این ظرافت‌ها ناخودآگاه منظور می‌شود. اما در روند واژه‌گزینی، که ما معمولاً مجبوریم برای تعداد زیادی واژه برابرنهاده بیابیم،

عوامل محیطی اعضای گروه را به سمت غفلت از این ظرافت‌ها سوق می‌دهند و اولین واژهٔ فارسی خوش‌طنین را که می‌یابند برمی‌گزینند. غافل از اینکه به محض این انتخاب، برابر نهادهٔ انتخاب شده از گردونهٔ امکانات زبانی خارج شده است و این ممکن است در بررسی‌های بعدی گروه‌ها را با اشکال مواجه کند. مثلاً کسانی که واژهٔ «جاذبه» را برای نیروی گرانش زمین برای اولین بار برگزیدند، این مفهوم را با مفهوم جاذبه میان یک الکترون و پرتون مقایسه نکردند تا تفاوت میان این دو نوع جاذبه را در انتخاب واژه منعکس کنند. اگر از ابتدا مفهوم جاذبه، دافعه، جاذبهٔ گرانشی و جاذبهٔ الکترومغناطیسی را با هم بررسی می‌کردند، هیچ گاه اختلافی میان پیشنهاددهندگان واژهٔ گرانش و مدافعان واژهٔ جاذبه پیش نمی‌آمد و انرژی و امکانات جامعه هرز نمی‌رفت (منصوری، ص ۳٦۵).

توجه داشته باشید که نمی‌توان بحث میان مفاهیم جاذبه و گرانش را خاتمه یافته تلقی کرد، قبل از اینکه مفهوم نیروی جذب (جاذبهٔ) سطحی و جذب بین ملکولی و ترکیبات آن را نیز در این بحث گنجانید. به این ترتیب، هنگام بحث دربارهٔ واژهٔ گرانش، لازم می‌آید بیش از ۵۰ واژه و مفهوم را بررسی کنیم تا به نتیجهٔ مطلوب برسیم.

همین‌گونه، در مجموعهٔ واژه‌هایی که باید بررسی شود، متضاد مفهوم اصلی را نباید از نظر دور داشت؛ مانند دافعه در مقابل جاذبه؛ و نیز تمام ترکیبات و صور دستوری را. به علاوه، هنگام گزینش واژه‌ها، باید به شاهدها، که از روی نوشتارهای گوناگون انتخاب می‌شوند، توجه و دقت کرد که آیا واژهٔ برگزیده در کاربردهای مختلف «خوش می‌نشیند»؟

این نوع بررسی را روش حوزه‌ای می‌نامیم. یعنی به هنگام بحث بر روی یک واژه، حوزهٔ معنایی آن واژه کاملاً بررسی می‌شود. به این ترتیب، برای بررسی هر

واژه داده‌های زیر جمع‌آوری می‌شود. به این داده‌ها اصطلاحاً «خانوادهٔ واژه» نیز گفته شده است.

الف) صورت‌های دستوری گوناگون واژه و مترادف‌های آن

ب) اشتقاق‌ها

ج) ترکیب‌ها

د) مفاهیم مجاور یا مشابه

ه) مفاهیم متضاد

و) مفاهیم گوناگون که واژه بر آنها اطلاق شده است (مشترکات لفظی)

ز) خوشهٔ کامل واژه شامل تقسیم‌بندی درختی واژه.

۲.٦.٦ گزینش واژه

هدف گروه واژه‌گزینی معیار کردن زبان علم است. بنابراین بسیاری اوقات واژهٔ جدید ساخته نمی‌شود بلکه انتخاب می‌شود، پس گزینش واژه به چند صورت است:

الف) واژهٔ برگزیده

در بسیاری موارد در مقابل واژهٔ بیگانه، می‌توان یکی از معادل‌های رایج آن در زبان فارسی را برگزید. در این صورت می‌گوییم که برابرنهاده «برگزیده» شده است.

ب) واژهٔ نوگزیده

هنگامی واژه نوگزیده است که برابرنهاده از کلمات و واژه‌های موجود در زبان

انتخاب و بر مفهومی جدید اطلاق می‌شود. در این صورت می‌گوییم واژهٔ «نوگزیده» است، یا با «نوگزیده» سروکار داریم. مثلاً واژهٔ «افت‌وخیز» در فیزیک از این نوع است، یا واژهٔ «تالار» در مقابل «آمفی‌تئاتر» که فرهنگستان پیشنهاد کرده است.

ج) واژهٔ نوساخته یا نوواژه

در موارد نادری لازم می‌شود برای یک مفهوم کلمهٔ جدیدی، با استفاده از امکانات زبانی، ساخته شود. در این صورت می‌گوییم با «نوواژه» سروکار داریم. مثلاً واژه‌های «ناوردا» و «هموردا» در فیزیک و ریاضی «نوواژه» هستند. تعداد نوواژه‌ها در مجموع بسیار اندک است و دیده نشده است که بیش از ده درصد کل واژه‌های یک زمینه باشد.

د) واژهٔ مرجح

هر گاه گروه واژه‌گزینی چند برابرنهاده برای یک واژهٔ بیگانه پیشنهاد کند بهتر است برابرنهاده‌ای که گروه ترجیح می‌دهد مشخص شود. این «واژهٔ مرجح» ممکن است، در نهایت، در شورای هماهنگی یا فرهنگستان برگزیده بشود یا نشود. در هر صورت لازم است مراجع بالاتر یا کاربران از ترجیح گروه باخبر باشند. البته می‌توان چند برابرنهادهٔ هم‌ارز نیز پیشنهاد کرد.

٦. ٦. ٣ چگونگی گزینش

گروه واژه‌گزینی، پس از بررسی‌ها و بحث‌های لازم، ممکن است نتواند بر سر پیشنهاد واحدی در برابر یک واژهٔ بیگانه توافق کند. در این صورت، توصیه

می‌شود پیشنهادها به رأی گذاشته نشود، بلکه تمام پیشنهادهای موجود ثبت شود. البته ممکن است به لحاظ زبانی بتوان برابرنهاده‌ای را حذف کرد، مثلاً واژه‌های مجعول دساتیری از این نوع‌اند و نباید آنها را پیشنهاد کرد.

توجه داشته باشید که این روش مغایر با روح استانداردسازی است یعنی یک واژه مرجح دانسته شود. اما در این مرحله از واژه‌گزینی در کشورمان حفظ سلیقه‌های مختلف در کار واژه‌گزینی ضروری است. هر گاه قرار باشد بر مبنای واژه‌های گزینش شده فرهنگی تهیه شود، آن‌گاه باید یکی از پیشنهادها را مرجح دانست و بقیهٔ پیشنهادها را به آن ارجاع داد.

۶ .۷ اولویت‌ها

منظور این است که گروه‌های واژه‌گزینی، پس از فراهم آوردن مقدمات، چگونه کار عملی را شروع کنند و به چه واژه‌هایی در ابتدای کار اولویت دهند. این اولویت‌بندی، در مجموع، برای «گروه‌های تازه‌کار و گروه‌های باتجربه» متفاوت است. از این جهت، توصیه‌های متفاوتی به این دو گروه می‌شود. بدیهی است که فرض می‌کنیم گروه‌های تازه‌کار در زمینهٔ بکری فعالیت می‌کنند و گروه‌های باتجربه در زمینه‌های هموار شده. بنابراین، در زمینه‌هایی که واژگان آن تاکنون بررسی نشده است، گروه‌های کاری به طور طبیعی تازه‌کار خواهند بود، اما در زمینه‌هایی که واژگان آن از پیش تا حدّ زیادی بررسی شده است، گروه‌های باتجربه‌ای در امور واژگانی مشغول به کار می‌شوند.

۶ .۷ .۱. اولویت‌های گروه‌های تازه‌کار

به گروه‌های که به‌تازگی شروع به کار واژه‌گزینی کرده‌اند توصیه می‌شود که قبل

از شروع کار اصلی واژه‌گزینی، و به هنگام جمع‌آوری مراجع و منابع، بکوشند تصویر جامعی از آنچه تا به‌حال در زمینهٔ واژه‌گزینی گروه‌های هم‌سنخ خود منتشر شده است به دست آورند. همچنین اگر گروه‌های پیشرفته‌تری وجود دارند، که در زمینه‌های مرتبط واژه‌نامه‌های معیار منتشر کرده‌اند، از نتایج کار آنها اطلاع کسب کنند. پس از اینکه مطمئن شدند که از فعالیت‌های واژه‌گزینی مرتبط با زمینهٔ خودآگاه‌اند، کار اصلی واژه‌گزینی را شروع و اولویت‌های زیر را مراعات کنند.

الف. ثبت واژه‌های متداول و بدیهی

ابتدا واژه‌هایی که در زمینهٔ تخصصی مربوط متداول و مرسوم است، اگر چه بسیار بدیهی به نظر برسند، با توجه به نکته‌های زیر بررسی شوند:

- در تلقیِ فارسی معیار بودن برابرنهادهٔ فارسی اعضای گروه هم‌نظر باشند. مانند «سرعت» یا «نیرو» در فیزیک؛ «فولاد و تختال» در صنایع فولاد؛ «ورزش»، «تربیت بدنی»، و «توپ» در رشته‌های تربیت بدنی.
- با توجه به روش حوزه‌ای ایرادی بر برابرنهادهٔ فارسی وارد نباشد. مثلاً «سرعت» یا «تختال» به نظر می‌رسد از این نوع باشد، اما (قانون) بقا در فیزیک، که سال‌ها متداول بوده است، از این نوع نیست، زیرا امکان ترکیب و تصریف در محدودهٔ زبان فارسی را ندارد.

ثبت واژه‌های متداول و بدیهی دو حسن اجرایی دارد: اوّل اینکه، به لحاظ روان‌شناسی کار گروهی، گروه احساس می‌کند که در حال پیشرفت است و به سرعت تعدادی واژهٔ معیار، در زمینهٔ تخصصی خود، معرفی می‌کند. دوم اینکه، سریعاً به مشکلات واژه‌گزینی و ظرافت‌های علمی آن آگاه می‌شود و برای

پرداختن به مراحل پیچیده‌تر آمادگی کافی پیدا می‌کند. سوم اینکه، در هر حال، کار واژه‌گزینی ایجاب می‌کند که تمام واژه‌های معیار هر زمینه انتشار یابد، و لذا، واژه‌نامهٔ گروه باید تمام واژه‌های آن زمینه را دربرگیرد.

ب. برگزیدن

اولویت بعدی پرداختن به واژه‌های «برگزیده» است. در این مرحله مفاهیمی بررسی می‌شود که در فارسی چند برابرنهاده برای آنها وجود دارد و باید کوشش شود تا یکی از برابرنهاده‌ها برگزیده شود. تجربهٔ حاصل از این مرحله، اعضای گروه را برای پرداختن به نوگزینش (٦. ٦. ٢.ب)، و نوواژه‌سازی (٦. ٦. ٢.ج) آماده می‌کند.

توصیه می‌شود پس از طی این دو مرحله، که کارگروه واژه‌گزین تجربه‌های کافی کسب کرده است، از روش پیشنهادی برای گروه‌های پیشرفته (٦. ٧. ٢) تبعیت کند. بااین‌حال، هر گاه ضرورت ایجاب کند، گروه می‌تواند به اولویت‌های گروهِ باتجربه بپردازد، یا دست کم بخش کمی از وقت خود را به تجربه‌اندوزی از رویه‌های گروه باتجربه صرف کند.

٦. ٧. ٢ اولویت‌های گروه‌های باتجربه

واژه، بنابه تعریف، لفظی است تخصصی که بر یک مفهوم مشخص اطلاق می‌شود. بنابراین، لفظ «پرونده» و «کارپوشه» (= کارتابل) همان‌قدر تخصصی است که لفظ «کوانتش» و «بازبهنجارش»؛ دو واژه اوّلی در زمینهٔ تخصصی حرفهٔ تولید لوازم اداری تعریف می‌شود و دو واژهٔ دیگر در رشتهٔ فیزیک از علوم پایه. پس اگر از واژه‌های عمومی صحبت می‌کنیم، منظور غیرتخصصی بودن آن

نیست، بلکه صفت عمومی معطوف است به کثرت و تنوع کاربرد.

واژه‌های عمومی‌تر معمولاً بیشتر به سطوح کاردانی و خدماتی مربوط است و گاهی هم به سطوح کارشناسی، اما کمتر به سطوح پژوهشی مربوط می‌شود. به علاوه، در هر سطح، واژه‌هایی که به‌نوعی به نوشتار در می‌آیند، چه به‌صورت مستندات و نامه‌ها، و چه به‌صورت متن‌های الکترونیکی، چه به‌صورت کتاب یا جزوه، چه به‌صورت اعلانات، بیشتر و زودتر جنبهٔ عمومی پیدا می‌کنند. البته باید توجه داشت که در جامعهٔ رو به صنعتی شدن ما، فرهنگ افواهی روز به روز و با سرعت به سوی فرهنگ نوشتاری پیش می‌رود. چه بسیار مطالب و سخن‌های تخصصی، که پیش‌تر مرسوم نبود به نوشتار در آید، اما به‌لحاظ صنعتی شدن و لزوم آموزش‌های مستمر حرفه‌ای، صورت نوشتاری آن ضرورت یافته است. این امر، به خودی خود، واژه را بیش از پیش می‌شناساند و آن را رواج می‌دهد. کافی است به تعداد روزافزون انواع مدارس کاردانش توجه کنیم.

با توجه به این توضیحات، گروه‌های واژه‌گزینی در بررسی‌های واژگانی هنگام اولویت دادن به واژه‌ها به نکات زیر توجه کنند:

الف) واژه‌های عمومی با کاربرد گسترده

در هر گروه واژه‌گزینی به بررسی واژه‌هایی اولویت دهند که کاربرد آنها در خارج از حوزهٔ تخصصی گسترده‌تر است. مثلاً در زمینهٔ مهندسی برق واژه‌های «دکل»، «مقرّه» و «نیروگاه» کاربرد گسترده‌تری دارند تا «دیسپاچینگ».

ب) واژه‌های مرسوم: گزینش

همان‌طور که در بخش ۱.۷.۶ الف توضیح دادم، در هر حوزه، در صورتی که

واژگان معیار منتشر نشده باشد، حتماً واژه‌هایی هستند که بسیار مرسوم‌اند و برای آنها برابرنهاده‌های فارسی وجود دارد. توصیه می‌شود گروه واژه‌گزینی، در هر حال، ابتدا به گزینش این واژه‌ها بپردازد و برای مفاهیم مربوط یک واژهٔ معیار انتخاب کند. ممکن است این موارد را نتوان عمومی تلقی کرد اما به لحاظ قوام کار گروه، انجام این مرحله اولویت دارد.

ج) واژه‌هایی که احتمال می‌رود عمومی شوند

برخی واژه‌های تخصصی بیگانه که تازه وارد زبان شده‌اند یا بیم آن می‌رود که وارد زبان شوند و به هر دلیلی عمومیت پیدا کنند، لازم است زودتر در گروه‌های تخصصی بررسی شوند؛ یا گروه‌های تخصصی، که از ورود آنها به زبان با خبر می‌شوند، برای بررسی سریع‌تر آنها، فرهنگستان را مطلع سازند. از این گونه‌اند واژه‌های مربوط به محصولات فنّاورانهٔ جدید مانند فاکس، موبایل، و ایمیل؛ یا مفاهیم انتزاعی‌تر با کاربرد عام مانند «جهانی شدن» و «توربوکاپیتالیسم» در اقتصاد.

تفکیک واژه‌ها به عام و خاص نوعی اولویت‌بندی برحسب نیاز جامعه و خارج از گروه واژه‌گزینی است؛ اما گروه برحسب نیازهای خود، یا بر حسب الزامات روشی نیز دوگونه اولویت‌بندی می‌کند.

۳.۷.۶ اولویت‌بندی برحسب نیاز گروه

الف. واژه‌های پایه

منظور واژه‌هایی است که در سطوح پایین‌تر علمی، فنی، یا حرفه‌ای کاربرد دارد. این دسته واژه‌هایی است که در مراحل ابتدایی آموزش وجود دارند. معمولاً

واژه‌های پایه کاربرد بیشتری نیز دارند. تشخیص پایه‌ای بودن واژه‌ها به عهدهٔ گروه است. در زمینه‌های دانشگاهی معمولاً کتب پایه مأخذ مناسبی برای استخراج این واژه‌هاست. در زمینه‌های دیگر نیز باید به نوشتارهای رایج یا پایهٔ آن زمینه مراجعه کرد.

ب. واژه‌های پیشرفته

این واژه‌ها در سطوح بالاتر، و معمولاً کمتر کاربرد دارد. البته باید توجه داشت که به جهت رشد سریع علوم و فنّاوری، و حتی خدمات، بسیاری از واژه‌های بسیار تخصصی که در سطوح عالی رشته‌های گوناگون وضع یا ابداع می‌شوند، به‌سرعت به سطوح پایین‌تر تخصصی وارد می‌شوند و گاهی نیز جنبهٔ عام پیدا می‌کنند. این تغییر سطوح را نباید از نظر دور داشت و گروه‌های واژه‌گزینی علاوه بر آنکه باید از این پیشرفت‌ها مطلع باشند، لازم است نسبت به آنها و واژگان آنها حساسیت نشان بدهند.

٤.٧.٦ اولویت‌بندی برحسب الزامات روشی

در واژه‌گزینی گاه پیش می‌آید که یافتن یک برابرنهادهٔ فارسی یا ساختن یک واژهٔ جدید برای یک مفهوم به‌سهولت انجام‌پذیر نیست. این امر، به لحاظ روان‌شناسی، موجب دلسردی و گاهی افسردگی در گروه واژه‌گزینی می‌شود. به علاوه، این موارد، بنا به ماهیتشان، احتیاج به زمان زیاد برای رفع مشکل دارند. از این جهت، باید هنگام طرح واژه‌ها در جلسات گروه، با برقرار کردن موازنهٔ معقول میان واژه‌های گوناگون، شوق کار را در گروه برانگیخت. توصیه‌های زیر بدین منظور است تا کارایی گروه به حداکثر برسد:

الف. واژه‌های نوگزیده

این واژه‌ها، پس از واژه‌های برگزیده، در اولویت قرار می‌گیرد. نوگزیده‌ها از میان الفاظ موجود در زبان بر مفهوم جدیدی اطلاق می‌شود. از آنجا که ساخت واژهٔ جدید لازم نیست، سرعت کار واژه‌گزینی آن قدر کند نمی‌شود که ملال‌آور باشد.

ب. نوواژه‌ها (واژه‌های نوساخته)

واژه‌هایی هستند که لازم است برای آنها برابرنهادهٔ جدیدی ساخته شود. در ساخت نوواژه‌ها باید دقت بسیار کرد. در علم واژه‌شناسی و واژه‌گزینی، باید این کار را از امور پژوهشی و ابداعی تلقی کرد که به تجربهٔ کافی نیاز دارد. در هر صورت، چگالی این‌گونه واژه‌ها در کارگروه واژه‌گزینی نباید از حدّ یک واژه در هر چند جلسه بیشتر باشد. در غیر این صورت کارگروه واژه‌گزینی مختل می‌شود.

در مجموع، لازم است مدیر و دبیر گروه واژه‌گزینی در میان اولویت‌های برشمرده به طریقی توازن برقرار کنند که با حفظ سلامت کار گروه بتوانند به نیازهای تخصصی زمینه و رشتهٔ مربوط به خود پاسخ دهند و از این راه نیاز جامعه را در کمترین مدت برآورده سازند.

در ساخت نوواژه‌ها به‌خصوص باید به این نکته توجه کرد که واژهٔ جدید مانند موجود جدیدی است که به زبان، به عنوان یک مجموعهٔ پویا، وارد می‌شود. این لفظ هم باید امکان رشد داشته باشد و هم این امکان را برای تفکر مردمی که با آن زبان صحبت می‌کنند فراهم کند. اگر قرار است برای مفهوم «اپتیک»، به عنوان مفهومی از علوم، واژه‌ای ساخته شود باید بتوان با آن تمام واژه‌های دیگری

را که با کلمهٔ اپتیک ساخته شده است بیان کرد. به علاوه، واژهٔ جدید باید امکان رشد را در آینده بدهد. به این ترتیب علم «مناظر و مرایا» نمی‌تواند جایگزین لفظ اپتیک شود. همین‌طور «جرّاثقال» نمی‌تواند جای «مکانیک» را بگیرد. گروه‌های واژه‌گزینی معمولاً هنگامی که مفاهیم بسیار جدید مطرح هستند به این امر توجه نمی‌کنند و به‌راحتی به دام ساخت الفاظی می‌افتند که در واقع راهی را برای آیندهٔ آن واژه یا مفهوم باز نمی‌کند، بلکه به کوره راه منتهی می‌شود. برای مثال اگر «آدم‌آهنی» را برای «Robot» بپذیریم از ساخت ترکیباتی مانند «Robotics» یا «Robodoc»، به معنی روبوتی که کار پزشکی یا جراحی را انجام می‌دهد، در می‌مانیم. همین‌گونه است واژهٔ «پیام‌نگار» برای «E-mail» . این معادل به ساخت معادل‌هایی برای «E-text» , «E-fiction», «E-literature» که اخیراً به کار رفته‌اند، راه نمی‌دهد.

۸.٦ واژه‌نگاری

در کار واژه‌گزینی، از اولین مرحلهٔ آن، که جمع‌آوری داده‌های واژگانی باشد، تا انتشار یک واژه‌نامه، مراحل مختلفی طی می‌شود و اطلاعات گوناگونی جریان می‌یابد که باید برای چگونگی ثبت آنها روشی اتخاذ کنیم. ثبت نوشتاری و بهینهٔ اطلاعات، به روشی که برای انتقال به دیگران کارا باشد، اهمیت بسیار دارد و این کار را «واژه‌نگاری» می‌نامیم. واژه‌نگاری را می‌توان به دو مرحلهٔ کلی تقسیم کرد:

الف) واژه‌نگاری برای کار در گروه واژه‌گزینی

ب) واژه‌نگاری برای انتشار واژه‌نامه

فرهنگ‌نامه‌ها، یا واژه‌نامه‌های توصیفی، مسائل خاص خود را دارند که در جای دیگر به آن خواهم پرداخت. به‌علاوه با توجه به اینکه در اکثر قریب به

اتفاق موارد، همان‌گونه که قبلاً توضیح داده شد (٦. ٤. ٤ و ٥ و ٦)، یک مرجع توصیفی بیگانه را به عنوان استاندارد مفاهیم برمی‌گزینیم، تکیه بر نظام‌های مفهومی، و ارائهٔ خوشه‌ای واژه‌ها، توصیه نمی‌شود. به عکس در واژه‌نگاری برای گروه، حوزهٔ واژه، و در واژه‌نگاری برای انتشار، ترتیب الفبایی بر حسب الفبای فارسی و بیگانه برای ما ارجح است. انتخاب این روش، که مغایر با روش‌های معمولاً توصیه شدهٔ واژه‌نگاری است، به دلیل نیاز کنونی جامعهٔ علمی و فنی ماست و در عین حال از دقت کار نمی‌کاهد.

٦. ٨. ١ واژه‌نگاری برای گروه

هدف، ثبت اطلاعاتی است که دبیر برای بحث در گروه و ارائه به شورای هماهنگی لازم می‌داند. هر گروه می‌تواند، به صلاحدید خود، برخی از این اطلاعات را ثبت نکند. در این صورت، گروه باید به هنگام ارائهٔ واژه‌ها برای بررسی در شورای هماهنگی شیوهٔ ارائهٔ این اطلاعات حذف‌شده را مشخص کند.

دسته‌ای از داده‌های واژگانی را در زیر ملاحظه می‌کنید:

الف) واژهٔ مرجع بیگانه برای بیان مفهوم؛

ب) مترادف‌های واژه؛

ج) نام تجاری و علمی (در صورت موجود بودن)؛

د) اختصار؛

ه) نام کامل (اگر واژهٔ مرجع اختصار است)؛

و) نماد واژه (اگر موجود است)؛

ز) زمینهٔ تخصصی؛

در یک گروه تخصصی واژه‌گزینی لازم نیست واژه‌های خاص آن گروه با ذکر

زمینه مشخص شوند. اما اگر لازم است واژه‌ای که واژهٔ تخصصی گروه دیگری است بررسی شود، باید زمینهٔ تخصصی آن ذکر شود یا اگر واژه‌ای متعلق به یکی از شاخه‌های زمینهٔ تخصصی گروه است، شاخهٔ تخصصی هم بهتر است ذکر شود.

ح) منبع؛

اگر واژه و تعریف مفهوم آن از منبعی غیر از مرجع برگزیدهٔ گروه آورده شده است باید این مطلب ذکر شود.

ط) نمایش‌های دیگر واژه (به صورت فرمول، تصویر)؛

ی) برابرنهاده‌های موجود فارسی؛

ک) برابرنهاده یا برابرنهاده‌های پیشنهادی گروه؛

ل) وضعیت دستوری؛

م) تعریف؛

ن) ملاحظات.

این داده‌ها روی یک «کاربرگه» ثبت می‌شود. واژه مرجع و برابرنهادهٔ مرجع (در صورتی که بتوان تعیین کرد) با حروف سیاه نوشته می‌شود، و واژه‌های انگلیسی همگی با حروف کوچک، مگر اقتضای دستوری زبان بیگانه جز این باشد. علاوه بر اینها بهتر است تاریخ بررسی در گروه واژه‌گزینی نیز در کاربرگه قید شود.

هر کاربرگه برای یک واژه به کار می‌رود، اما به لحاظ روش حوزه‌ای که توصیه کرده‌ایم، به هنگام شروع بررسی یک واژه، لازم است تمام واژه‌های هم‌خانوادهٔ آن را، که واژه‌های متضاد را هم دربرمی‌گیرد، آماده کنیم. به این ترتیب، لازم است به‌ازای هر واژه از خانوادهٔ واژهٔ مورد نظر یک کاربرگه تهیه

شود. دبیر باید این کاربرگه‌ها را، به هنگام بحث در گروه، یک‌جا آماده کند.

کاربرگه‌ها، پس از نهایی شدن در گروه، به ترتیب الفبای واژهٔ بیگانه تنظیم می‌شوند. به این علت اطلاعات مربوط به هم‌خانواده بودن یک رشته واژه از میان می‌رود. در صورتی که حفظ این اطلاعات لازم تشخیص داده شود، می‌توان، برحسب نوع نیاز گروه، برای رفع این اشکال یکی از راه‌های متعارف را برگزید.

۲. ۸. ۶ واژه‌نگاری برای واژه‌نامه

هدف از تدوین واژه‌نامهٔ دوزبانه انتشار برابرنهاده‌های معیار است برای واژه‌های معیار بیگانه که از یک مرجع توصیفی استخراج شده‌اند. بنابراین، واژه‌نامهٔ دوزبانه بدون ذکر مرجع واژه‌های بیگانه و مفاهیم آنها ارزش چندانی ندارد. تدوین واژه‌نامه‌های دوزبانه اولین گام در جهت انتشار واژه‌ها و مفاهیم استاندارد در کشور و نیز اولین گام در جهت هماهنگ‌سازی آن در سطح بین‌الملل است. ترجمهٔ فرهنگ‌های توصیفی بیگانه، قبل از استاندارد کردن واژه‌ها ارزش علمی ندارد و عموماً به خطا می‌رود. به این‌گونه فرهنگ‌های ترجمه‌شده، در کار گروه‌های واژه‌گزینی، نمی‌توان استناد کرد.

برای برآوردن هدف عنوان‌شده، و نیز کمک به مترجمان فنی، بهتر است واژه‌نامه به ترتیب حروف الفبای انگلیسی باشد. افزون بر آن لازم است نمایه‌ای به ترتیب الفبای فارسی تهیه و پیوست شود تا بتوان با دانستن یک واژهٔ بیگانه، یا واژهٔ فارسی، تمام اطلاعات دربارهٔ برابرنهاده‌های فارسی و بیگانه، از جمله مترادف‌ها و نام‌های علمی و تجاری و اختصارات و نمادها را دریافت.

در واژه‌نگاری، همواره از میان چند مترادف، چه واژهٔ بیگانه و چه برابرنهاده‌های فارسی، حتی اگر واژهٔ مرجحی وجود نداشته باشد، یک واژه برای

ردیف الفبایی انتخاب می‌شود. این واژه را «سرواژه» می‌نامیم.

علاوه بر داده‌های واژگانی که قبلاً ذکر شد، گاهی لازم است میان مترادف و شبه‌مترادف تمایز قائل شد. مترادف یک واژه، به لحاظ حوزهٔ معنایی با خود واژه همپوشی کامل دارد، اما حوزهٔ معنایی شبه‌مترادف همپوشی کامل ندارد. هر گاه گروه واژه‌گزینی متمایل به تفکیک شبه‌مترادف‌ها باشد، می‌تواند از عبارت‌هایی مانند «همچنین ببینید» در کاربرگه استفاده کند. در هر صورت، لازم است چگونگی تفکیک آنها استاندارد شود.

توصیه می‌شود برگهٔ مخصوص واژه‌نامه از کاربرگهٔ گروه متمایز باشد؛ اطلاعات این برگه به نوعی است که عیناً می‌تواند در واژه‌نامه در محل ترتیب الفبایی خود بیاید. البته بسته به امکانات، داده‌های واژه‌نامه‌ای را می‌توان مستقیماً از روی کاربرگهٔ گروه به رایانه خوراند. در این صورت برگه‌نویسی واژه‌نامه از دستور کار حذف می‌شود. توصیه می‌کنم در صورت خوراندن مستقیم داده‌ها به رایانه، از همین سبک واژه‌نگاری تبعیت شود.

برای یافتن جزئیات روش واژه‌نگاری و نمونهٔ کاربرگه‌ها به جزوهٔ **مدیریت واژه‌گزینی**: تشکیلات، روش‌ها و اولویت‌ها مراجعه کنید.

منابع

۱. *اصول و ضوابط واژه‌گزینی*، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، خرداد ۱۳۷۶.

۲. افشار، محمود، «زوال زبان فارسی یعنی زوال ملت ایران»، *آینده*، دورهٔ چهارم، ش ۳، (۱۳۳۸).

۳. امین، محمد، *واژگان فیزیک*، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۲.

٤. تقی‌زاده، سیدحسن، «جنبش ملی ادبی» *تعلیم و تربیت*، ج ۵، ۱۳۱٤.

۵. ــــــــــــــ ، «مأخذ فارسی فصیح و فارسی خان والده»، مجلهٔ *کاوه*، دورهٔ جدید، ۱۳٤۲.

٦. ــــــــــــــ ، جنبش *ملی ادبی*، *تعلیم و تربیت*، ج ۵، ۱۳۱٤.

۷. ــــــــــــــ ، *مقالات*، «زبان و فرهنگ و تعلیم و تربیت»، زیر نظر ایرج افشار، ج سوم، ۱۳۷۵.

۸. جعفری، سیدمحمدمهدی، «فرهنگستان و سرنوشت پژوهش در جمهوری اسلامی ایران»، *نشر دانش*، دورهٔ ۲، ش ۳، ۱۳٦۱.

۹. حائری، عبدالهادی، *نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دو رویهٔ تمدن بورژوازی غرب*، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۲.

۱۰. دولت‌آبادی، حاجی میرزایحیی، «زبان ما» *مجلهٔ علمی*، دورهٔ ۱، ش ۲، ۱۲۹۳.

۱۱. *راهنمای اجرایی برنامه‌ریزی استراتژیک*، ترجمهٔ شریفی کلویی، نشر آذین، ۱۳۷٦.

۱۲. شوشتری، محمدعلی، «زبان فارسی را دریابید»، *وحید*، ش ۶، ۱۳۴۷.

۱۳. ــــــــــــ ، «سرنوشت زبان فارسی چه خواهد بود»، *وحید*، دورهٔ ۹، ش ۱۱، ۱۳۵۰.

۱۴. شوقی، عباس، «فرهنگستان و زبان فارسی»، *مربی*، دورهٔ ۱، ش ۸ و ۹، ۱۳۲۶.

۱۵. شهیدی، سیدجعفر، «تطور لغت و نیازمندی‌های امروز»، *یغما*، دورهٔ ۲۵، ۱۳۵۱.

۱۶. ــــــــــــ ، «زبان و ادبیات عربی و اهمیت آن برای زبان فارسی»، *یغما*، دورهٔ ۲۳، ش ۴، ۱۳۴۹.

۱۷. صفا، ذبیح‌الله، *تاریخ ادبیات در ایران*، ج ۱، انتشارات فردوس، ۱۳۶۶.

۱۸. فارسی، مهرآذر، *شیوهٔ تهیهٔ واژگان*، گروه واژه‌گزینی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۷۶.

۱۹. فرشیدورد، خسرو، «طرحی برای تقویت زبان فارسی»، *نشر دانش*، سال سوم، ش ۶، ۱۳۶۲.

۲۰. فرهادی، کاظم، *واژگان اقتصاد و زمینه‌های وابسته*، مؤسسهٔ کتاب پیشبرد، ۱۳۷۱.

۲۱. فرهنگ باقری، عیسی، *واژگان حمل و نقل شهری*، مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری، وزارت کشور، ۱۳۷۶.

۲۲. مجتبایی، فتح‌الله، «اصل اخذ و اقتباس در نقل مفاهیم علمی»، *نشر دانش*، س ۳، ش ۶.

۲۳. مدرسی، یحیی، «مسائل زبان و برنامه‌ریزی زبان در ایران»، *فرهنگ ویژه زبان‌شناسی*، ش ۱۳، ۱۳۷۱.

۲۴. منصوری، رضا، «توسعهٔ فرهنگی: گره‌ها و رگه‌ها»، *رهیافت*، شماره ۱۷، ۱۳۷۶.

۲۵. ــــــــــــ ، «چرا و چگونه زبان فارسی باید زبان علمی ما باشد؟»، *نشر دانش*، شماره ۴، ۱۳۷۴.

۲۶. ــــــــــــ ، «رابطهٔ زبان و تفکر و نقش آن در واژه‌گزینی»، *نشر دانش*، س ۵، ش ۵، ۱۳۶۴.

۲۷. ــــــــــــ ، (مسئول طرح)، *واژه‌گزینی در ایران و جهان*، پروژهٔ تحقیقاتی برای فرهنگستان زبان وادب فارسی، ۱۳۷۴.

۲۸. ــــــــــــ ، «رابطهٔ زبان و تفکر و نقش آن در واژه‌گزینی»، *نشر دانش*، س ۵، ش ۵.

.۱۳٦٤

۲۹. ــــــــــــ ، «ضبط و یکسان‌سازی اصطلاحات علمی»، *نشر دانش*، س ۵، ش ۳، ۱۳٦٤.

۳۰. ــــــــــــ ، جاذبه، «ثقل، گرانش: جنگ الفاظ یا خلط مفاهیم»، *مجلهٔ فیزیک*، ش ٤، ۱۳٦٤.

۳۱. ــــــــــــ ، *مدیریت واژه‌گزینی: تشکیلات، روش‌ها و اولویت‌ها*، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۷٦.

۳۲. واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی: واژه‌های عمومی ـ ۱، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۷٦.

1. Barnes, Barry (1989), *About Science*, Basil Blackwell.
2. Budin, G (1996), "Evolution of Scientific Terminologies, in Terminology and knowledge Engineering", Indeks Verlag, Frankfurt.
3. Budin, G, "Language planning and Terminology planning-Theories and practical strategies", *Infoterm* 6-93 en.
4. Budin, G (1996), **Wissensorganisation und Terminologie** Komplexität und Dynamik wissenschaftlicher Informations- und kommunikationsprozesse, Gunter Narr Verlag, Tübingen.
5. Chanhui Yi (1992), "Recent Developments in Terminology in China", *Termnet News*.
6. Durani, A (1992), "The Case Study of Urdu", *Termnet News*.
7. Dzincaradze, A.J, et al (1992), "Terminolgical Activitiesinthe USSR", *Termnet News*.
8. Felber, Helmut (1982), *The Incorporated linguist*, pp. 13, 21.
9. ____________ (1980), "Infoterm and Termnet Plans, activities, achievements", *Termnet News*.
10. ____________ (1986), "Brief History of International Network for Terminology", *Proceeding of the first termnet Assembly*, pp. 5-6.
11. Fengming Ww; Huijno, Lulu (1987), "The Present State of the Research on Scientific and Technical Terms in Modern China", *Termnet News*.
12. Fengming Ww; Renbong, wang (1989) "An Introduction to Research in Natural Science and Terminology in China", *Termnet News*.
13. Galinski Ch. and Schmitz. K.D. eds (1996), *TKE' 96, Terminology and knowledge Engineering*, Indeks Verlag, Frankfurt.
14. Galinski, Ch (1986), "Networking of Termnet Implementation and Future

Structure", *Proceeding of the first Termnet Assembly.*

15. Galinski, Ch (1990), "the Birth of a New Profession,: the Conference Terminologist", *Termnet News.*
16. Galinski, Ch (1991), *Journal of the International Institute for Terminology Research.*
17. Galinski, Ch (1997), "The Terminology Marketn in *Proceedings of the 2nd International Conference on Terminology, Standardization, and Technology Transfer, TSTT',* Encyclopedia of China Publishing House, Beijing. P.4.
18. Goffin, R (1991), "Le Multilinguisme Européen et la Recherché Terminologique", *Termnet News.*
19. Havannurk (1986), Use of the Computer in Indian Scientific Terminology, *Terment News.*
20. Helgadotter, S (1991) "Terminology in Iceland", *Journal of IITF*, pp 50-57, 2.
21. Kazimi, S.A. (1983), "Technical Terms in Urdu Languge", *Termnet News.*
22. Nesterov, P.V. (1985), "Current State of Development of Works of Standardization of Scientific and Technical Terminology in the USSR", *Termnet News.*
23. Sirforov, V.V., Kandelaki, T.L. (1958), "The Scientific Trends of Committee on Scientific and Technical Terminology of the Academy of Sciences of USSR", *Termnet News.*

پیوست الف

کتاب‌شناسی واژه‌شناسی و واژه‌گزینی

این سیاهه که در زمان چاپ نخست کتاب و با مراجعه به تحقیقات شخصی آقای علی کافی، کتاب *فهرست مقالات فارسی* آقای ایرج افشار و مجلات نمایه تهیه شد، اطلاعات کتاب‌شناختی مقالات مربوط به زبان فارسی، به‌ویژه واژه‌گزینی و واژه‌شناسی را دربرمی‌گیرد که از سال ۱۲۹۰ تا ۱۳۷۱ در نشریات فارسی‌زبان کشور منتشر شد. دقّت این سیاهه در حد دقّت منابع ذکرشده است. برای یافتن اطلاعات مقالاتی که تا سال ۱۳۸۱ منتشر شده، می‌توانید به منبع زیر مراجعه کنید:

کتاب‌شناسی واژه‌گزینی و اصطلاح‌شناسی، فرزانه سخایی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۲.

از ۱۲۹۰ تا ۱۳۰۹

۱. **ارانی، تقی**، «زبان فارسی»، *ایرانشهر*، ش ۲، ۱۳۰۲، ص ۳۵۵.

۲. **بدر، میرزا احمدخان**، زبان پارسی (شعر)، *تعلیم و تربیت*، دورهٔ ۱، ۱۳۰٤، ص ۲٦.

۳. **تقی‌زاده، حسن**، «خوف استیلای لغات فرنگی در فارسی»، از سلسله

انتشارات کتابخانه تهران، ۱۳۰۷، ص ۷۷.

٤. ــــــــــــ ، «استفتاء از عموم علما و فضلای ایران»، مجلهٔ *کاوه*، دورهٔ جدید، س ۱، ش ۵، ۱۲۹۰، ص ۸ .

۵. **دولت‌آبادی، حاجی میرزا یحیی**، «زبان ما»، *مجلهٔ علمی*، دورهٔ ۱، ش ۲، ۱۲۹۳، ص ۱٦۷.

٦. **ذره، الف.**، «جامعهٔ نو زبان نو لازم دارد»، *فرهنگ*، دورهٔ ۲، ش ٤، ۱۳۰٤ ص ۱۲۳.

۷. «زبان فارسی (جواب تنقیدات فرهنگستان)»، *رستاخیز*، ش ۱، ۱۲۹۲، ص ۳۵۰.

۸. **کسروی، احمد**، «استقلال زبان»، *طوفان هفتگی*، ش ۱۳، ۱۳۰٦، ص ٤؛ ش ۱٤، ص ٤؛ ش ۱۵، ص ۳؛ ش ۱٦، ص ۲.

۹. **م.م.س**، «تحریم لغت اجنبی»، *مجلهٔ ادبی*، دورهٔ ۱، ش ۲، ۱۲۹٦، ص ۱٦.

۱۰. **م.م**، «نثر فارسی»، *طوفان هفتگی*، ش ۹، ۱۳۰٦، ص ٦؛ ش ۱۲، ص ۵؛ ش ۱٦، ص ٤.

۱۱. **م. ن**، «طرز نگارش فارسی»، *طوفان هفتگی*، دورهٔ جدید، ش ۱۷، ۱۳۰٦، ص ۵.

۱۲. «نفوذ فارسی در عربی»، *شرق*، ش ۱، ۱۳۰۳، ص ۱۹.

از ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۹

۱. «آکادمی شاهنشاهی زبان عرب»، *تعلیم و تربیت*، س ٤، ۱۳۱۳.

۲. **ادیب، نوبر**، «تغییر زبان فارسی»، *دنیا*، دورهٔ ۱، ۱۳۱۳، ص ۳۷۲.

۳. «اساسنامهٔ فرهنگستان ایران»، *نامهٔ فرهنگستان*، س ۱، ش ۱، ۱۳۱٤.

۴. **اقبال، عباس**، «فارسی ساختگی»، *مهر*، س ۱، ش ٦، ۱۳۱۲، ص ٤۳۵.

۵. ________ ، «یک درس لغت»، *مهر*، س ۱، ش ٤، ۱۳۱۲، ص ۲۵۱.

٦. **اقبالی، علی**، «زبان پارسی»، *پیمان*، س ۲، ش ۸ ۱۳۱۳، ص ٤۱۳.

۷. «تغییر زبان فارسی»، مجلهٔ *دنیا*، ش ۱، ۱۳۱۲، ص ۳۷۲.

۸. **تقی‌زاده، سیدحسن**، «جنبش ملی ادبی»، *ارمغان*، س ۲۲، ش ۸ و ۹، ۱۳۱٦، ص ۳۷۷.

۹. ________ ، «جنبش ملی ادبی»، *تعلیم و تربیت*، ج ۵، ۱۳۱٤، ص ۲۲۵ و ۲۷٤.

۱۰. **دشتی، علی**، «مد جدید نویسندگی»، *مهر*، س ۱، ش ۷، ۱۳۱۲، ص ٤۸۱.

۱۱. **دولت‌آبادی، یحیی**، «مکتب نثر فارسی»، *تعلیم و تربیت*، س ٤، ۱۳۱۳-۱۳۱۲، ص ۳۲۹،

۱۲. **رحیم‌زادهٔ صفوی**، «کاپیتولاسیون ادبی را هم باید نابود کرد»، *مهر*، س ۱، ش ۱، ۱۳۱۲.

۱۳. «زبان ایرانی»، *ماهتاب*، ش ۱، ۱۳۱٦، ص ۱۰، ٤۲ و ۹۵.

۱٤. «زبان فارسی»، *پیمان*، ج ۱، ش ۱۳، ۱۳۱۲-۱۳۱۳، ص ٤۹، ش ۱٤، ص ۵۱ و ۵۸، ش ۱۵، ص ۵۱، ش ۱٦، ص ۵۱، ش ۱۷، ص ۵۲، ج ۲، ص ٤۵، ۱۲۱ و ۱۱۷.

۱۵. **فرامرزی، عبدالرحمن**، «کلمات عربی در فارسی»، *تعلیم و تربیت*، س ٤، ۱۳۱۳، ص ٤۲.

۱٦. **کسروی، احمد**، «زبان فارسی»، *پیمان*، دورهٔ ۲، ش ۹، ۱۳۱۵، ص ٤۵.

۱۷. ________ ، «زبان فارسی»، *پیمان*، سال ۳، ش ۸ ۱۳۱۵، ص ۳۸۵.

۱۸. ________ ، «در پیرامون زبان»، *پیمان*، ش ٤، ۱۳۱٦، ص ۱۷۱، ۲٤۹، ۳۱٦.

۳۶۰ و ۴۳۱، ش ۵، ص ۱۷، ۱۶۱، ۳۶۹ و ۴۲۵، ش ٦، ص ٤١، ش ۷، ص ٤٣ و ١٦٩.

۱۹. **موقر، مجید**، «فصلی از باب لغت»، *مهر*، س ۱، ش ۱۰، ۱۱ و ۱۲، ۱۳۱۳، ص ۷۲۱.

۲۰. **وثوق، حسن**، «فرهنگستان ایران»، *ارمغان*، ش ۱۸، ۱۳۱٦، ص ۳۵۳.

۲۱. **هاشمی‌حائری، علی**، «زبان پارسی»، *باختر*، ش ۲، ۱۳۱٤-۱۳۱۳، ص ۲۹۹.

از ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۹

۱. **آموزگار، حبیب‌الله**، «فارسی‌نویسی امروز و روش‌های گوناگون»، *آینده*، ج ۳، ش ۳۲، ۱۳۲۳، ص ٤٢٧.

۲. «آیین‌نامهٔ فرهنگستان»، *نامهٔ فرهنگستان*، س ۱، ش ۲، ۱۳۲۲.

۳. **افشار، محمود**، «روش تجدد در فارسی»، *آینده*، ج ۳، ش ۲٦، ۱۳۲۳، ص ٦٩.

٤. ـــــــــ ، «قلمرو زبان فارسی»، *آینده*، دورهٔ ۳، ش ۸، ۱۳۲٤، ص ٤٠١.

۵. **اقبال، عباس**، «انحطاط ادبیات در حال حاضر»، *یادگار*، س ٤، ش ۷، ۱۳۲۷.

٦. ـــــــــ ، «ایران و ممالک عربی زبان»، *یادگار*، س ۳، ش ۵، ۱۳۲۵، ص۱.

۷. ـــــــــ ، «دفاع از زبان فصیح فارسی»، *یادگار*، س ۵، ش ۱ و ۲، ۱۳۲۷، ص ۷.

۸. ـــــــــ ، «سیاست زبان»، *یادگار*، س ۲، ش ٦، ۱۳۲٤، ص ۱.

۹. ـــــــــ ، «کتب درسی و لغت‌سازی»، *یادگار*، س ۱، ش ۸، ۱۳۲۳، ص۱.

۱۰. ـــــــــ ، «باز هم فرهنگستان»، *یادگار*، س ۳، ش ٦٧، ۱۳۲۵، ص ۱.

۱۱. **پرتو ماه، مظفر**، «باید زنگ‌های خطر برای زبان شیرین فارسی جداً به صدا درآید ...»، *تلاش*، ش ۱۵، ۱۳۲۸، ص ۳۶.

۱۲. **پورداود**، «کلمهٔ فرهنگستان»، *نامهٔ فرهنگستان*، س ۱، ش ۱، ۱۳۲۲.

۱۳. **پویا**، «زبان علمی و ادبی ایران» پیش از اسلام، *جهان آزاد*، دورهٔ ۳، ۱۳۲۳.

۱۴. «تاریخی از فرهنگستان ایران»، *نامهٔ فرهنگستان*، ج ۱، ش ۱ و ٦، ۱۳۲۲.

۱۵. **تقی‌زاده، حسن**، «فرهنگ فارسی»، *یغما*، س ۲، ۱۳۲۸، ص ۳۷٤.

۱٦. ــــــــــــ ، «لزوم حفظ فارسی فصیح»، *یادگار*، س ۵، ش ٦، ۱۳۲۷، ص ۱۰۹.

۱۷. ــــــــــــ ، ترقی زبان فارسی در یک قرن، *مقالات تقی‌زاده*، ص ۲۹، ۱۳۲۲.

۱۸. ــــــــــــ ، «جنبش ملی ادبی»، *ارمغان*، ش ۲۲، ۱۳۲۰، ص ۳۷۷.

۱۹. **ناتل‌خانلری پرویز**، «دفاع از زبان فارسی»، *سخن*، ش ۲، ۱۳۲۳، ص ۵ و ۱٦۱.

۲۰. **خطیبی، حسین**، «خدمتی که ابن‌سینا به زبان فارسی کرد»، *پشوتن*، دورهٔ ۱، ش ٤، ۱۳۲۷.

۲۱. **دری، ضیاءالدین**، «لغات غلط فرهنگستان»، *ارمغان*، س ۲۲، ش ۸ و ۹، ۱۳۲۰، ص ٤۰٦.

۲۲. **دستگردی، وحید**، «زبان فارسی را دریابید»، *ارمغان*، س ۲۲، ش ۱۰، ۱۳۲۰.

۲۳. ــــــــــــ ، «زبان فارسی را دریابید»، *ارمغان*، س ۲۳، ۱۳۲۷.

۲٤. **دولت‌آبادی، یحیی**، «نثر فارسی»، *آینده*، ج ۲، ش ۲٤، ۱۳۲٦، ص ۸۵۷

۲۵. **رضازاده شفق، صادق**، «زبان فرهنگستان»، *ارمغان*، دورهٔ ۲۲، ۱۳۲۰، ص ٤۸٤.

۲۶. **رعدی آذرخشی، غلامعلی**، «رستاخیز ادبی ایران»، *آموزش و پرورش*، س ۱۲، ش ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۳۲۱، ص ۱.

۲۷. ______ «رستاخیز ادبی ایران»، *نامهٔ فرهنگستان*، ۱۳۲۲.

۲۸. **روحبخشان، ع.**، «فرهنگستان ایران و واژه‌های بیگانه»، *تلاش*، ش ۱۶، ۱۳۲۸، ص ۶۰.

۲۹. **زرین‌کوب، عبدالحسین**، «دربارهٔ زبان فصیح فارسی»، *جهان‌نو*، دورهٔ ۵، ۱۳۲۹، ص ۱۲۸ و ۱۴۳.

۳۰. **سمیعی، حسین**، «وقایع فرهنگستان»، *نامهٔ فرهنگستان*، س ۱، ش ۱، ۱۳۲۲، ص ۹۴.

۳۱. **سمیعی‌بهار، فروزانفر**، «شرفیابی آقایان اعضای فرهنگستان ایران به پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی»، *نامهٔ فرهنگستان*، س ۵، ش ۱، ۱۳۲۶، ص ۱.

۳۲. **شوقی، عباس**، «فرهنگستان و زبان فارسی»، مربی، دورهٔ ۱، ش ۸ و ۹، ۱۳۲۶، ص ۱.

۳۳. «شیوهٔ فارسی‌نویسی»، *سخن*، ش ۲، ۱۳۲۳، ص ۸۰۸.

۳۴. «شیوهٔ فارسی‌نویسی»، *یغما*، ش ۳، ۱۳۲۹، ص ۳۵۳، ۴۰۱ و ۴۴۹.

۳۵. **صادقی، علی‌اشرف**، «علامت‌های جمع در فارسی معاصر»، *سخن*، دورهٔ ۱۹، ۱۳۲۸.

۳۶. **صدیق، عیسی**، «توضیح در تاریخچهٔ فرهنگستان»، *نامهٔ فرهنگستان*، س ۱، ش ۴، ۱۳۲۲، ص ۱.

۳۷. **صورتگر، لطفعلی**، «مطالعاتی در باب خطابهٔ آقای تقی‌زاده راجع به فارسی فصیح»، *یغما*، ش ۱، ۱۳۲۷، ص ۳۶.

۳۸. «طرح نظامنامهٔ بازبینی در اصطلاحات علمی»، *نامهٔ فرهنگستان*، س ۱، ش ۳، ۱۳۲۳.

۳۹. **فروغی (ذکاءالملک)، محمدعلی**، «پیام من به فرهنگستان»، *ارمغان*، ش ۲۲، ۱۳۲۰، ص ۳۳۶ و ۵۰۵.

۴۰. ـــــــــــ ، «نفوذ زبان‌های بیگانه در زبان فارسی»، ترجمهٔ ایرج افشار، *جهان نو*، ش ٤، ۱۳۲۸، ص ۳۲ و ٦۱.

٤۱. ـــــــــــ ، «نفوذ زبان‌های بیگانه در زبان فارسی»، *جهان نو*، س ٤، ۱۳۲۸، ص ۳۲ و ٦۱.

٤۲. ـــــــــــ ، «فرهنگستان چیست»؟، *نامهٔ فرهنگستان*، ش ۱، س ۱، ۱۳۲۲، ص ۲۰.

٤۳. «فرهنگ فارسی»، *یغما*، ش ۲، ۱۳۲۸، ص ۳۷٤.

٤٤. **قریب، عبدالعظیم**، «پساوندهای اتصاف و مالکیت»، *نامهٔ فرهنگستان*، ۱۳۲۲، ص ٤٤.

٤٥. **قلندر، الف.**، «این مهملات کجایش فارسی است؟»، *فردوسی*، ۱۳۲۸.

٤٦. «لزوم حفظ فارسی فصیح»، *یادگار*، ج ٤، ش ٦، ۱۳۲٦.

٤۷. «ماجرای زبان فارسی»، *جهان نو*، ش ۳، ۱۳۲۷، ص ۱۷۸.

٤۸. **نفیسی، سعید**، «روش تجدد در زبان و ادبیات فارسی»، *آینده*، ۱۳۲۳، ص ۸۹، ۲۲٦ و ۳۲۷.

از ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۹

۱. **آموزگار، حبیب‌الله**، «فرهنگ زبان فارسی امروز ـ ناموس زبان در میان ملل»، *آینده*، دورهٔ ٤، ۱۳۳۹، ص ۲۹۱.

۲. **ادیب طوسی، محمدامین**، «چگونه واژه‌ای به زبان افزوده می‌شود»، *نامهٔ تمدن*، ۱۳۳۰.

۳. **اقبال، عباس**، «دفاع از زبان فارسی»، *یغما*، ش ۱۳، ۱۳۳۹، ص ٥٦٥.

٤. «الجنون‌فنون (جنون حذف‌کردن، وجه تسمیه‌سازی و اشتقاق‌سازی)»، *یغما*، ٤، ۱۳۳۰، ص ۲۸۹ و ۳۸٥.

٥. **بصیر، ع.**، «راه جداکردن واژه‌های ایرانی از تازی»، هوخت، ج ۹، ش ٦ و ۳۰، ۱۳۳۷.

٦. «ترجمهٔ اصطلاحات خارجی»، *راهنمای کتاب*، س ۱۰، ۱۳۳٦.

۷. **تقی‌زاده، سیدحسن**، «زبان فارسی و زبان خارجی»، *روزنامهٔ اطلاعات*، ۲، ۱۳۳۸، ص ۱۳۸.

۸. **جاوید، احمد**، «پاره‌ای از مختصات زبان عربی و مقایسهٔ آن با زبان فارسی»، *ادب*، ج ۲، ۱۳۳۳، ص ٦.

۹. **ناتل‌خانلری، پرویز**، «بیماری الفاظ»، سخن، دورهٔ هفتم، ۱۳۳٥.

۱۰. ــــــــــ ، «زبان ایران»، سخن، ۷، ۱۳۳٥، ص ۹٥۸، ۱۰٤۲ و ۱۱٤٦.

۱۱. «زبان فارسی»، سخن، ٤، ۱۳۳۱، ص ۱٦۸، ۲٦۱ و ۳٥۳.

۱۲. **سیاسی، علی‌اکبر**، «ظهور لغت و ملازمت آن با معنی»، *مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات*، س ٤، ش ٤، ۱۳۳٦، ص ۱.

۱۳. **شایگان، اسماعیل**، «دربارهٔ زبان فارسی»، *جهان نو*، دورهٔ ٦، ش ۱۰، ۱۳۳۰.

۱٤. **صناعی، محمود** (نگرنده)، «استقلال زبان فارسی»، *سخن*، ش ۱۱، ۱۳٤۰-۱۳۳۹، ص ۱۳۳.

۱٥. «فارسی‌نویسی»، *یغما*، ۹، ۱۳۳٥، ص ۳۲٤.

۱٦. **افشار، محمود**، «زوال زبان فارسی یعنی زوال ملت ایران»، *آینده*، دورهٔ ٤، ش ۳، ۱۳۳۸، ص ۲٦۸.

۱۷. **محجوب، محمدجعفر**، «زبان فارسی را دریابیم»، *صدف*، ش ۱، ۱۳۳۷-۱۳۳٦، ص ۳.

۱۸. **محفوظ، حسین‌علی**، «کلید زبان کسروی»، *دانش*، ش ۳، ص ۲۲۹ و ۲۸۲، ۱۳۳۱-۱۳۳٤.

۱۹. **محقق، مهدی**، «تأثیر زبان فارسی در زبان عربی»، ***مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات***، ج ۷، ش ۳، ص ۳۸، ش ٤، ۱۳۳۸، ص ۹۱.

۲۰. **محمدباقر**، «زبان فارسی امروز»، *اورینتل*، ج ۲۹، ش ۳ و ٤، ۱۳۳۱، ص ۱.

۲۱. **معین، محمد**، «لغات فارسی ابن‌سینا و تأثیر آنها در ادبیات»، ***مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات***، س ۲، ش ۲، ۱۳۳۳، ص ۱.

۲۲. **مورگنستیرنه، جرج**، «تاریخ تحول زبان‌های ایرانی و مجاهدات دانشمندان اسکاندیناوی دربارهٔ رشته‌های مختلف ایران‌شناسی»، ***مجلهٔ دانشکده ادبیات***، س ۱٤، ش ۲، ۱۳۳٦، ص ٤۳.

۲۳. **مینوی، مجتبی و تقی‌زاده**، *یغما*، ۱۰، ۱۳۳٦، ص ۵۲۹.

۲٤. **نبیل سمیعی ، ابراهیم**، «نامهٔ سرگشاده»، *یغما*، ۸ ، ۱۳۳٤، ص ۳۷٤.

۲۵. «نثر فارسی»، *یغما*، ش ۱۰، ۱۳۳٦، ص ۲۵۲.

۲٦. «نفوذ زبان‌های بیگانه در زبان فارسی» ترجمهٔ ایرج افشار، *آموزش و پرورش*، ج ۲۵، ش ۵، ص ۳۳، ش ٦ و ۷، ۱۳۳۰، ص ۱٦.

۲۷. **ناتل خانلری، پرویز**، «استقلال زبان فارسی»، سخن، دورهٔ ۱۱، ش ۲، ۱۳۳۹، ص ۱۳۳.

۲۸. «یگانگی ایرانیان و زبان فارسی»، *آینده*، ٤، ۱۲۹، ۱۳۳۸، ص ۳۳.

۲۹. **بیلی، ه. و.**، «زبان فارسی»، ترجمهٔ محمدمعین، *میراث ایران*، ۱۳۳٦، ص ۲۹۱.

از ۱۳٤۰ تا ۱۳٤۹

۱. **آرام، احمد**، «مشکل اصطلاحات علمی»، *سخن علمی*، س ۱، ش ۱، ۱۳٤۰، ص ۱-۸.

۲. **آریان‌پور، امیرحسین**، «زبان فارسی می‌تواند زبان علم و ...»، *فردوسی*، ۱۳۴۹.

۳. **آزاد، اکبر**، «مشکل زبان فارسی»، *فردوسی*، ۱۳۴۸، ص ۱۸.

۴. **ابوالقاسمی، محسن**، «دربارهٔ زبان فارسی»، سخن، دورهٔ ۱۸، ۱۳۴۸.

۵. **استعلامی، محمد**، «باید به زبان طبیعی مردم برای آنها حرف زد»، *تلاش*، ش ۲۴ و ۷۳، ۱۳۴۹.

۶. **امیری فیروزکوهی، سید کریم**، «زبان دری را دریابید»، *یغما*، دورهٔ ۲۳، ۱۳۴۹، ص ۷۰۹.

۷. **باطنی، محمدرضا**، «آموختن زبان فارسی به عنوان یک ابزار عملی»، *جهان نو*، ج ۲۲، ش ۳ و ۴، ۱۳۴۶، ص ۹۴.

۸. ـــــــ، «پدیده‌های قرضی در زبان فارسی»، *جهان نو*، ج ۲۲، ش ۱۱ و ۱۲، ۱۳۴۶، ص ۱۲۸.

۹. ـــــــ، «طرح‌ریزی و نوسازی زبان فارسی»، *جهان نو*، ج ۲۴، ش ۱، ۱۳۴۸، ص ۷.

۱۰. **بزرگمهر، منوچهر**، «مشکل لغت»، سخن، دورهٔ ۱۴، ش ۲، ۱۳۴۲، ص ۱۲۷.

۱۱. **پانوسی، استیفان**، «ثبت اصطلاح به هستی و چیستی موضوع نام‌گذاری ـ شده در علوم و چگونگی آن در زبان فارسی و همکاری معنوی جهت آموزش ایرانیان»، *اندیشه*، ۱۳۴۹، ص ۲۱.

۱۲. **پرتوماه، مظفر**، «باید زنگهای خطر برای زبان شیرین فارسی جداً به صدا درآید»، *تلاش*، ش ۱۵، ۱۳۴۸، ص ۳۶.

۱۳. **پویه، هوشنگ**، «باید زبان فارسی واقعی را شناخت»، *فردوسی*، ۱۳۴۸، ص ۳۳.

۱۴. **تقی‌زاده، سیدحسن**، «جنبش ملی ادبی»، *یغما*، ش ۲۰، ۱۳۴۶، ص ۴۴۹.

۱۵. ــــــــ ، «مأخذ فارسی فصیح و فارسی خان‌والده»، *مجلهٔ کاوه*، دورهٔ جدید، ۱۳۴۲، ص ۳.

۱۶. **حاج سیدجوادی، حسن**، «تأثیر زبان و ادبیات فارسی بر روی زبان و ادبیات سایر ملل»، هنر و مردم، *دورهٔ جدید*، ش ۹۸، ۱۳۴۹، ص ۲.

۱۷. **حجازی، محمد**، «زبان فارسی در خطر است!»، *کیهان*، ۱۴ بهمن، ۱۳۴٤، ص ۸

۱۸. **خراسانی**، «سخنی با سازندگان واژه‌های نو»، *مهر*، س ۱۳، ش ۱، ۱۳٤٦، ص ۳۳.

۱۹. **خراسانی، هادی**، «راه جلوگیری از ورود واژه‌های بیگانه به زبان فارسی»، *وحید*، س ٤، ۱۳٤۵، ص ۱۹۸.

۲۰. **خواجه‌نوری، ابراهیم** و دیگران، «زبان فارسی چه راهی باید برای بیان اندیشه‌ها و مفاهیم تازه برگزیند؟ ...»، *راهنمای کتاب*، س ٤، ش ۲، ۱۳٤۰، ص ۹۵.

۲۱. «خویش را از نظر دور ندارد...»، *تلاش*، ش ۱۸، ۱۳٤۸، ص ۷۰.

۲۲. **رازانی، ابوتراب**، «نثر در عصر ما»، *ارمغان*، دورهٔ ۳۱، ش ۹ و ۲۰، ۱۳٤۲، ص ٤۰۱.

۲۳. **راسخ، شاپور**، «زبان فارسی در برابر تحول صنعتی»، *راهنمای کتاب*، س ۱۳، ش ۸ و ۹، ۱۳٤۹، ص ۵۳۳.

۲٤. ــــــــ ، «زبان فارسی در برابر تحول صنعتی و مظاهر آن از جملهٔ وسایل جدید ارتباط جمعی»، *تحقیقات روزنامه‌نگاری*، ج ٦، ش ۲۱، ۱۳٤۹، ص ۳۷.

۲۵. **روحبخشان، ع.**، «فرهنگستان ایران»، واژه‌های بیگانه، *تلاش*، ش ۱٦، ۱۳٤۸، ص ٦۰.

۲٦. «زبان فارسی»، *اندیشه و هنر*، ۵، مرداد ۱۳٤٦ ـ بهمن ۱۳٤۲، ص ۱۲۲۹.

۲۷. **زمردیان، رضا**، «ساختمان کلمه در فارسی معاصر»، *مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی مشهد*، ش ٦، ۱۳٤۹، ص ۱۷۷.

۲۸. **سمیعی، حسین**، «استعمال لغات»، *ارمغان*، ۱۳٤۰، دورهٔ ۳.

۲۹. **شاملو، محسن**، «تاریخی از وضع لغت در ایران»، *وحید*، ش ۵، ۱۳٤۷، ص ۸۳٤

۳۰. **شعار، جعفر**، «زبان امروز و مشکلات آن»، *راهنمای کتاب*، س ۹، ش ٤، ۱۳٤۵، ص ۳۷۹.

۳۱. ــــــــــ ، «واژه‌هایی با مدارک»، *یغما*، س ۲۳، ۱۳٤۹، ص ۱٦۱.

۳۲. **شوشتری، محمدعلی**، «فرهنگستان ایران و موقعیت و مسائل زبان فارسی ...»، *فردوسی*، ۱۳٤۹، ص ۱٤.

۳۳. ــــــــــ ، «تیشه‌هایی که بر زبان فارسی فرود می‌آید»، *وحید*، س ٤، ، ۱۳٤۵، ص ۱۰۸.

۳٤. ــــــــــ ، «نقش پیشوندها و پسوندها در زبان فارسی»: پسوند «او»، *وحید*، دورهٔ ٦، ۱۳٤۷، ص ۵۸۷.

۳۵. ــــــــــ ، «زبان فارسی را دریابید»، *وحید*، ش ٦، ۱۳٤۷، ص ۳۸۵.

۳٦. **شهابی، علی‌اکبر**، «بحثی دربارهٔ لغات بیگانه که در زبان فارسی وجود دارد»، *وحید*، ج ۷، ۱۳٤۸، ص ۱۲٤.

۳۷. ــــــــــ ، «پیشنهاد تأسیس انجمن مشترک برای حفظ و احیاء و گسترش زبان فارسی ...»، *وحید*، س ٤، ۱۳٤٦، ص ۱۱۳.

۳۸. **شهیدی، سیدجعفر**، «زبان و ادبیات عربی و اهمیت آن برای زبان فارسی»، *یغما*، دورهٔ ۲۳، ش ٤، ۱۳٤۹، ص ۲۰٤.

۳۹. **صفا، ذبیح‌الله**، «آلودگی‌های زبانمان را بشناسیم و در فکر غنی‌ترکردن آن باشیم ...»، *فردوسی*، ۱۳٤۹.

٤۰. **صفایی، بقراط**، «انتخاب و ایجاد لغات برای اصطلاحات علمی»، *وحید*، س ٤، ۱۳٤٥، ص ٥۰٦.

٤۱. **صدری افشار، غلامحسین**، «واژه‌سازی علمی و فنی در زبان عربی»، *سخن فن و دانش*، ۸ ۱۳٤۸، ص ۳۳۸.

٤۲. **طباطبائی، محمد**، «ترجمهٔ کلمات از زبانی به زبان دیگر»، *وحید*، س ٤، ۱۳٤٥، ص ٥۳۳.

٤۳. **عاصمی، محمد**، «سرنوشت پارسی»، *کاوه*، دورهٔ ٤، ش ۱۲، ۱۳٤٥.

٤٤. **عبدالقادر، عبدالحامد**، «تأثیر زبان فارسی در عربی»، ترجمهٔ فیروز حریرچی، *وحید*، سال ٤، ش ۱۲، ص ۱۱۲۱، س ٥، ش ۱، ۱۳٤٥، ص ٥۷، ش ۲، ص ۱۷۱، ش ۳، ص ۳۰۲، ش ٤، ص ۳۲۱، ش ٥، ص ٤٥۳ و ٥٦۹.

٤٥. **فرامرزی، عبدالرحمن**، «دست‌درازی به زبان فارسی»، *یغما*، دورهٔ ۲۳، ۱۳٤۹، ص ٥۱٥.

٤٦. **فرای، ریچارد**، «ظهور زبان فارسی جدید»، *راهنمای کتاب*، ش ۸ ۱۳٤٤، ص ٦۲.

٤۷. **فرخان، فرخ**، «واژه‌های علمی نوین»، *مهر*، ج ۱۳، ش ۲، ۱۳٤٦، ص ٤۷.

٤۸. **فردوسی، شهاب**، «آیندهٔ زبان فارسی»، *نشریه فرهنگ خراسان*، دورهٔ ٤، ش ۹، ۱۳٤۲، ص ۱۰ و ۱۸.

٤۹. **فرشیدورد، خسرو**، «نکاتی چند دربارهٔ تأثیر زبان فرانسوی و انگلیسی در فارسی»، *وحید*، دورهٔ ۱، ش ۹ و ۱۰، ۱۳٤۳، ص ۹.

۵۰. **فره‌وشی، بهرام**، «مسئله زبان و لغات خارجی»، *فردوسی*، ۹۱٤، ۱۳٤۸، ص ۱٤.

۵۱. ــــــــــ، «هر زبانی که بخواهد پیشرفت کند خواه ناخواه باید سابقهٔ کهن خویش را از نظر دور ندارد ...»، *تلاش*، ش ۱۵، ۱۳٤۸، ص ۷۰.

۵۲. **فروغی، محمدعلی**، «جواب استفتاء»، *کاوه*، دورهٔ جدید، ش ۲، ۱۳٤۲، ص ۳–۵.

۵۳. **قلندر، الف.**، « به نام فارسی آموختن چه چیزهایی به بچه‌ها یاد می‌دهند ...»، *فردوسی*، ۱۳٤۹، ص ۸

۵٤. ــــــــــ، «دربارهٔ وسعت توانایی و استعداد زبان فارسی ...»، *فردوسی*، ۱۳٤۸، ص ۱٤.

۵۵. ــــــــــ، «دوگانگی زبان فارسی»، *فردوسی* ۹٤۰، ۱۳٤۸.

۵٦. ــــــــــ، «رواج چاپ و خرابکاری در زبان فارسی»، *فردوسی*، ۱۳٤۹، ص ۳۰.

۵۷. ــــــــــ، «هجوم واژه‌های ...»، *فردوسی*، ۱۳٤۹.

۵۸. **کیا، صادق**، «زبان فارسی»، *هفت سهند*، دورهٔ ۱، ۱۳٤۹، ص ۳.

۵۹. **گل‌گلاب، حسین**، «شش سال در فرهنگستان»، *سالنامهٔ دنیا*، ش ۲٦، ۱۳٤۹، ص ۳٦۳.

٦۰. **لازار، ژیلبر**، «زبان همیشه در حال تحول و تغیر است»، *تلاش*، ۲۲، ۱۳٤۹، ص ۳۲.

٦۱. **ماریوپئی**، «زبان جهانی»، سخن، دورهٔ دوازدهم، ۱۳٤۰، ص ٦۹۲.

٦۲. ــــــــــ، «مشکل ترجمه»، سخن، دورهٔ ۱۲، ۱۳٤۰، ص ۵۳۵.

٦۳. ــــــــــ، «واژه‌ها»، سخن، دورهٔ دوازدهم، ش ۷، ۱۳٤۰، ص ۸۳٦

۶۴. **محجوب، محمدجعفر**، «وضع پریشان ترجمه در زبان فارسی»، *فردوسی*، ، ۱۳۴۹ ص ۱۸.

۶۵. **محیط‌طباطبائی، محمد**، «زبان زنده»، *یغما*، ۲۱، ۱۳۴۷، ص ۱۶۹.

۶۶. ـــــــــ ، «زبان فارسی در راه سرنوشت»، *راهنمای کتاب*، س ۱۳، ش ۸ و ۹، ۱۳۴۹، ص ۵۴۱.

۶۷. ـــــــــ ، «فرهنگستان زبان فارسی»، *وحید*، ش ۶، ۱۳۴۷، ص ۲۶۷.

۶۸. ـــــــــ ، «کار فرهنگستان از زبان فارسی تا دری»، *وحید*، ش ۸، ۱۳۴۹، ص ۶ و ۱۸۳.

۶۹. ـــــــــ ، «نگهبانی زبان فارسی»، *یغما*، دورهٔ ۲۳، ۱۳۴۹، ص ۵۶۹.

۷۰. **مظاهری، علی**، «بیستگانی و شمار بیستگانه»، *ارمغان*، دورهٔ ۳۳، ۱۳۴۳.

۷۱. **مقدم، محمد**، «پای صحبت یک زبان‌شناس ایرانی»، *اندیشه و هنر*، ش ۵، ۱۳۴۲-۱۳۴۶، ص ۱۲۱۵.

۷۲. **مینوی، مجتبی**، «زبان فارسی»، *سخن*، دورهٔ چهاردهم، ش ۱، ۱۳۴۲، ص ۳.

۷۳. **مؤید، میرمهدی**، «در پیرامون نابسامانی زبان فارسی»، هوخت، ج ۲۰، ش ۳، ۱۳۴۸، ص ۸۵ ش ۴، ص ۳۷، ش ۵، ص ۳۸، ش ۶، ص ۵۰، ش ۷، ص ۴۰، ش ۸ ص ۳۰، ش ۹، ص ۴۳، ش ۱۰، ص ۵۲، ش ۱۱، ص ۴۴.

۷۴. ـــــــــ ، «در پیرامون نابسامانی زبان فارسی»، هوخت، ج ۲۱، ش ۶، ش ۷، ص ۵۲، ۱۳۴۹، ص ۶۱.

۷۵. **ناتل خانلری، پرویز**، «زبان چیست؟»، *سخن*، دورهٔ ۱۵، ش ۲، ۱۳۴۳، ص ۱۲۹.

۷۶. ـــــــــ ، «اقتباس لغات بیگانه»، *سخن*، دورهٔ ۱۲، ۱۳۴۰، ش ۸ .

۷۷. ـــــــــ ، «چگونه رابطهٔ لفظ با معنی تغییر می‌پذیرد؟»، *سخن*، دورهٔ ۱۷، ش ۱۱ و ۱۲، اسفند ۱۳۴۶ و فروردین ۱۳۴۷، ص ۱۰۵۱.

۷۸. ـــــــــــ ، «زبان و زبان‌شناسی»، *سخن*، دورهٔ ۱۲، ش ۳ و ٤، ۱۳٤۰، ص ۲۳۷ و ۳٤۳.

۷۹. ـــــــــــ ، «زبان و جامعه»، *سخن*، دورهٔ ۱۲، ش ٦، ۱۳٤۰، ص ۵۹۷.

۸۰. ـــــــــــ ، «تحول زبان فارسی»، *سخن*، دورهٔ ۱۲، ش ۵، ۱۳٤۰، ص ٤۷۱.

۸۱. **نالبندیان، ک.م.**، «احیاء لغات نامفهوم و مفقود شدهٔ زبان فارسی به کمک زبان ارمنی»، *پیام نوین*، دورهٔ ٦، ۱۳٤۳، ص ٤۹.

۸۲. **نواب، حسین**، «اصلاح یا تغییر»، *یغما*، ۱۹، ۱۳٤۵، ص ٦۵، ۱، ۲٤٤، ۳٤۵ و ۳۹۷.

۸۳. **وثوقی، ناصر**، «زبان فارسی»، *اندیشه و هنر*، دورهٔ ۵، ۱۳٤٦، ص ۱۵۱۷.

۸٤. **وحیدزاده، نسیم**، «زبان و ادب فارسی در خطر است»، *ارمغان*، دورهٔ ۳۱، ش ٤ و ۵، ۱۳٤۱، ص ۱٤۵.

۸۵. ـــــــــــ ، «سیل لغات خارجی در زبان فارسی»، *ارمغان*، دورهٔ ۳۳، ش ۲، ۱۳٤۳.

۸٦. ـــــــــــ ، «سهل‌انگاری است یا جهالت و نادانی؟»، *ارمغان*، دورهٔ ۳٤، ش ٤ و ۵، ۱۳٤٤، ص ۱٤۵.

۸۷. **وحیدنیا، سیف**، «به یاری زبان پارسی برخیزیم»، *وحید*، س ٤، ۱۳٤۵، ص۲.

۸۸. **همامی، همام‌الدین**، «زبانی مشکل با لغات مهجور»، *فردوسی*، ش ۹۳۸، ۱۳٤۸.

۸۹. **هویدا، امیرعباس**، «آیندهٔ زبان فارسی»، *راهنمای کتاب*، س ۱۳، ش ۸ و ۹، ۱۳٤۹، ص ۵۲۹.

۹۰. ________ ، «زبان فارسی»، *یغما*، س ۲۳، ش ۸، ۱۳٤۹، ص ٤٤۱.

۹۱. **یغمائی، حبیب**، «تأسیس فرهنگستان»، *یغما*، ۲۱، ۱۳٤۷، ص ۲۹۳.

۹۲. ________ ، «فرهنگستان»، *یغما*، س ۱۹، ۱۳٤٥، ص ٥٦۱.

از ۱۳٥۰ تا ۱۳٥۹

۱. **آزموده، ابوالفضل**، «زبان فارسی و واژه‌های بیگانه»، *تلاش*، ش ۳۹، ۱۳٥۱، ص ۲٥.

۲. **ابرامی، هوشنگ**، «چرا زبان فارسی مرگ نمی‌پذیرد»، *راهنمای کتاب*، س ۱٤، ۱۳٥۰، ص ٤٥۹.

۳. **ابراهیمی، نادر**، «بازیابی کلمات»، *فرهنگ و زندگی*، ش ٤ و ٥، ۱۳٥۰، ص ٦۰.

٤. **ادیب طوسی، محمدامین**، «بحثی دربارهٔ زبان فارسی»، *ارمغان*، دورهٔ ٤٤، ۱۳٥٤، ص ۸۳.

٥. ________ ، «تغییر کلمات عربی در زبان فارسی»، *وحید*، ۱۰، ۱۳٥۰، ص ۱٤۳۹.

٦. **افشار، ایرج**، «زبان ملی و زبان علمی»، *راهنمای کتاب*، دورهٔ ۱٦، ۱۳٥۲.

۷. **امیرمعز، علی‌رضا**، «سادگی و روانی زبان فارسی»، *وحید*، ۹، ۱۳٥۰، ص ۸٦٦.

۸. **امیری، منوچهر**، «تحول تلفظ لغات فارسی»، *یغما*، دورهٔ ۲٤، ۱۳٥۰، ص ٥۳۰.

۹. **انتظار، احسان**، «مباحث تازه در زبان‌شناسی و زبان دری»، *ادب*، ج ۱۸، ش ۱ و ۲، ۱۳٥۰، ص ۳۷، ش ۳ و ٤، ص ٤۲، ش ٥ و ٦، ص ٤٥.

۱۰. **اورنگ، مراد**، «فرهنگستان زبان ایران»، هوخت، ج ۲۲، ش ۱۱، ۱۳۵۰، ص ۱٤.

۱۱. **باطنی، محمدرضا**، «کلمات تیره و شفاف: بحثی در معناشناسی»، (۱) و (۲)، *سخن*، دورهٔ ۲٦، ۱۳۵٦، ص ۱۸۷ و ۲٦۱.

۱۲. ــــــــــ ، «هم‌معنایی و چندمعنایی در واژه‌های فارسی»، **مجموعهٔ** *خطابه‌ها*، ۱، ۱۳۵۰، ص ۲۱.

۱۳. **بزرگمهر، منوچهر**، «این دیگر چه صیغه‌ایست؟»، *سخن*، دورهٔ ۲۳، ۱۳۵۳، ص ۱۷۲.

۱٤. **بینش زنجانی، فرج‌الله**، «پارسی سره»، *ارمغان*، دورهٔ ٤۰، ش ۳ و ۵، ۱۳۵۰، ص ۱۹٦.

۱۵. **پیسیکوف، لازار**، «سخنی چند راجع به مناسبات کلمه‌سازی اسم و فعل در زبان فارسی»، *سخن*، دورهٔ ۲۰، ۱۳۵۰، ص ۱۱۰۵.

۱٦. **ثمره، یدالله**، «ساختمان واهی «وند» در فارسی تهران»، *مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی*، ج ۱۸، ش ۳، ۱۳۵۰، ص ۲۹.

۱۷. **جعفری، یونس**، «زبان ـ زبان‌ها و گویش‌ها»، *سخن*، دورهٔ ۲۳، ۱۳۵۳، ص ٤۷۱.

۱۸. **حالت، ابوالقاسم**، «اعتصاب واژه‌ها»، *یغما*، دورهٔ ۲٦، ۱۳۵۲، ص ٦۸۲.

۱۹. **حبیب‌اللهی (نوید)، ابوالقاسم**، «تأثیر زبان و ادبیات فارسی در زبان عربی»، *مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی مشهد*، ش ۷، ۱۳۵۰، ص ۱۵۳.

۲۰. **حریری، علی‌اصغر**، «کار نابکاران»، *ارمغان*، ش ۳۹، ۱۳٤۹، ش اول، ص ۱، ش دوم، ص ٦۸ ، ش سوم، ص ۱۲۹، ش چهارم، ص ۲٤۱، ش پنجم، ص ۳۱۲، ش ششم، ص ۳۵٦، ش هفتم، ص ٤۳۹، ش هشتم، ص ۵۲٤، ش دهم، ص ٦۳۳ ، ش یازدهم و دوازدهم، ص ۷۱٦، سال ٤۰، ۱۳۵۰، ش

یکم، ص ٤١، ش دوم، ص ۱۲۹، ش سوم، ص ١٤٥، ش چهارم، ص ۲۳۹، ش پنجم، ص ۳۲۱، ش هفتم، ص ٤٦٣، ش هشتم، ص ٥٥٤، ش نهم، ص ۵۹۲.

۲۱. **حسابی، محمود**، «توانایی زبان فارسی»، *نشریهٔ انجمن فرهنگ ایران باستان*، ج ۹، ش ۱، ۱۳۵۰، ص ۱.

۲۲. **ناتل‌خانلری، پرویز**، «معارضه فارسی و عربی»، *سخن*، دورهٔ ۲۰، ش ۱۱، ۱۳۵۰، ص ۹۸۱.

۲۳. ــــــــ، «زبان سه هزار ساله»، *سخن*، دورهٔ ۲۱، ۱۳۵۲، ص ۳٤٧.

۲٤. ــــــــ، «نام‌های خارجی را در فارسی چگونه باید تلفظ کرد و چگونه نوشت ...»، *سخن*، دورهٔ ۲۳، ش ٦، ۱۳۵۳، ص ٥٦٩.

۲٥. ــــــــ، «کار ترجمه»، *سخن*، دورهٔ ٢٤، ش ۹، ۱۳٥٤، ص ٨٦٧

۲٦. ــــــــ، «دربارهٔ لغت‌سازی»، *سخن*، دورهٔ ۲۵، ش ٥، ۱۳٥٤، ص ٤۳۱.

۲۷. **داد خدایف، رحیم**، «لسانهای پامیری»، ترجمهٔ م. صولت شاه، *آریانا*، ج ۲۹، ش ۳، ۱۳۵۰، ص ۳۸.

۲۸. **داوری، رضا**، «زبان و نسبت آن با تمدن، شاعران در زمانهٔ عسرت»، *تهران*، ۱۳۵۰، ص ٥.

۲۹. **دبیری‌نژاد، بدیع‌الله**، «نفوذ و تأثیر زبان و فرهنگ فارسی در زبانهای دیگر»، *هلال*، ج ۱۹، ش ۱۱، ۱۳۵۱، ص ۹.

۳۰. **راسخ، شاپور**، «زبان فارسی در کاربرد اداری»، *راهنمای کتاب*، س ١٥، ش ۱ و ۲، ۱۳۵۱، ص ۳.

۳۱. **رجایی، احمدعلی**، «چگونه می‌توان به زبان معیار دست یافت»، *راهنمای کتاب*، س ١٦، ۱۳۵۲، ص ۱.

۳۲. **رضازادهٔ شفق، صادق**، «فارسی و نفوذ لغات بیگانه»، *نشریهٔ دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی اصفهان*، ۱۳۵۰، ص ۵۳.

۳۳. **شریعت، محمدجواد**، «قدرت ترکیبی زبان فارسی»، *وحید*، دورهٔ ۱۲، ش ۲، ۱۳۵۳، ص ۱٤۳.

۳٤. **شعار، جعفر**، «تحقیق و واقعیت»، *سخن*، دورهٔ ۲٦، ۱۳۵۷، ص ۷۸۵.

۳۵. ـــــــــ، «اصول واژه‌سازی و واژه‌یابی»، *سخن*، دورهٔ ۲۰، ۱۳۵۱، ص ۸۷۸

۳٦. ـــــــــ، ««گری»، «-یّت»»؟، *سخن*، دورهٔ ۲۵، ۱۳۵٦.

۳۷. ـــــــــ، «تنازع در زبان فارسی»، *وحید*، ش ۹، ۱۳۵۰، ص ۵٤۳.

۳۸. **شوشتری، محمدعلی**، «سرنوشت زبان فارسی چه خواهد بود»، *وحید*، دورهٔ ۹، ش ۱۱، ۱۳۵۰، ص ۱۵٦۷.

۳۹. **شهیدی، جعفر**، «تطور لغت و نیازمندی‌های امروز»، *یغما*، دورهٔ ۲۵، ۱۳۵۱، ص ٤۹۰.

٤۰. ـــــــــ، «قابلیت زبان فارسی برای تعبیر از مفهوم‌های مختلف علمی»، *یغما*، دورهٔ ۲۷، ۱۳۵۳، ص ۲۲.

٤۱. **شیخ‌الاسلامی، جواد**، «ترجمه‌های غلط فارسی از کلمات صحیح خارجی ...»، *یغما*، دورهٔ ۲٦، ۱۳۵۲، ص ۳۸۸.

٤۲. **صادقی، علی‌اشرف**، «زبان فارسی و فرهنگستان»، *راهنمای کتاب*، دورهٔ شانزدهم، ۱۳۵۲.

٤۳. **صفا، ذبیح‌الله**، «زبان تهرانی زبان رسمی مملکت نیست ...»، *تماشا*، ش ۱٦، ۱۳۵۰، ص ٤.

٤٤. **فرزاد، مسعود**، «دربارهٔ زبان فارسی ذهن و قضاوتمان را در قوطی کبریت نگذاریم»، *تماشا*، ش ۱۹، ۱۳۵۰، ص ۸

٤٥. **فره‌وشی، بهرام**، «لازمهٔ دوست داشتن ایران‌شناسی آن است ...»، *تماشا*، ۱۳۵۰، ص ٦٥.

٤٦. **گل‌گلاب، حسین**، «دوازده سال در فرهنگستان ایران»، *سالنامهٔ دنیا*، ۲۷، ۱۳۵۰، ص ۳۸۵.

٤٧. **لسان، حسین**، «بحثی دربارهٔ زبان دری»، *مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات تهران*، دورهٔ ۲۱، ش ٤، ۱۳٥٤، ص ۱۳۵.

٤٨. **متینی، جلال**، «حدود ابتکار ابوریحان بیرونی در ساختن لغات علمی فارسی»، *مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات مشهد*، دورهٔ ۹، ش ۳، ۱۳۵۲، ص ٤۳۳.

٤٩. **مدنی، میرحمید**، «سخنی چند دربارهٔ دشواری‌های زبان علمی فارسی»، *راهنمای کتاب*، س ۱۷، ۱۳۵۳، ص ۲۳۱.

٥٠. **معین، محمد**، «پارسی یا دری»، *نگین*، دورهٔ ۷، ش ۷۵، ۱۳۵۰، ص ٦.

٥١. **مؤید، میرمهدی**، «در پیرامون نابسامانی زبان فارسی»، هوخت، ج ۲۲، ش ۲، ص ۳۷، ش ۳، ۱۳۵۰، ص ۵۷.

٥٢. **ناطق، ناصح**، «لغات فنی و علمی»، *راهنمای کتاب*، ج ۱۵، ۱۳۵۱، ص ۲.

٥٣. **هومل، کارل**، «نام‌گذاری علمی گیاهان به زبان فارسی»، *راهنمای کتاب*، س ۱۷، ۱۳۵۱، ص ٦۹۳.

٥٤. **یوسفی، غلامحسین**، «زبان فارسی، بنیان فکر و فرهنگ ما»، *یغما*، دورهٔ ۲۵، ش ۲، ۱۳۵۱، ص ٦۵.

از ۱۳٦۰ تا ۱۳٦۹

۱. **آشوری، داریوش**، «نگاهی به دگردیسی زبان فارسی»، *نشر دانش*، س ۳، ش ۵، ۱۳٦۲، ص ۱۸.

۲. ــــــــــــ ، «روح علمی و زبان علمی از یک دیدگاه تاریخی»، هم‌اندیشی زبان فارسی، زبان علم، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳٦۳، ص ۱۱۱.

۳. ــــــــــــ ، «زبان فارسی و کارکردهای تازهٔ آن»، *نشر دانش*، س ۷، ش ٤، ۱۳٦٦، ص ٦.

٤. **احمدی، احمد**، «ماهیت، ساخت و گسترهٔ زبان فارسی»، هم‌اندیشی زبان فارسی، زبان علم، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳٦۳، ص ٥.

٥. **اسعدی، مرتضی**، «دومین هم‌اندیشی نگارش فارسی (زبان فارسی، زبان علم)»، *نشر دانش*، س ٤، ش ٥، ۱۳٦۳، ص ۹۰.

٦. **اقبال، عباس**، «فارسی ساختگی»، مقالات اقبال، تهران، ۱۳٦۹، ص ٥۰۸.

۷. **امامی، نصرالله**، «چند واژهٔ کهن ایران بازمانده در حدیث»، *مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، ش ۹۰ و ۹۱، ۱۳٦۹، ص ٤۰۸.

۸. **ایرانی، ناصر**، «زبان فارسی را حفظ کنیم»، پژوهشی مختصر در زبان تلویزیون، *نشر دانش*، س ۸، ش ۲، ۱۳٦٦، ص ۱٦.

۹. **پورجوادی، نصرالله**، «مسئلهٔ زبان فارسی و بیماری فرهنگی»، *نشر دانش*، س ۸، ش ٤، ۱۳٦۷، ص ۲.

۱۰. ــــــــــــ ، «استعداد زبان فارسی در بیان مفاهیم علمی»، هم‌اندیشی زبان فارسی، زبان علم، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳٦۳، ص ۱٥.

۱۱. **جعفری، سیدمحمد مهدی**، «فرهنگستان و سرنوشت پژوهش در جمهوری اسلامی ایران»، *نشر دانش*، دورهٔ ۲، ش ۳، ۱۳٦۱، ص ۸

۱۲. **جهانگیری، نادر**، «توانش زبانی»، *مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، س ۲۳، ش ۸۸ و ۸۹، ۱۳٦۹، ص ۲٥۸.

۱۳. **چامسکی، نوام**، «زبان‌شناسی و علوم انسانی» (مصاحبه با نوام چامسکی)، ترجمهٔ بهروز عزبدفتری، *مجلهٔ زبان‌شناسی*، س ۷، ش ۱٤، ۱۳٦۹، ص ۲.

۱٤. **حدادعادل، غلامعلی**، «حفظ زبان فارسی و ترک ستیزه‌جویی با عربی»، *نشر دانش*، س ۳ ش ۳، ۱۳٦۲، ص ۲.

۱۵. **حق‌شناس، علی‌محمد**، «در جستجوی زبان علم»، *مجلهٔ زبان‌شناسی*، س ۷، ش ۱٤، ۱۳٦۹، ص ٤۹.

۱٦. ــــــــ ، «وامگیری و پیامدهای صرفی و واژگانی آن»، هم‌اندیشی زبان فارسی، زبان علم، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳٦۳، ص ۱۲۹.

۱۷. **خامنه‌ای، علی**، «عظمت زبان فارسی و لزوم حراست آن»، *نشر دانش*، س ۸ ش ٤، ۱۳٦۷، ص ۵.

۱۸. **ذاکری، مصطفی**، «استاندارد واژه‌شناسی و نقش آن در توانا کردن زبان فارسی برای بیان مفاهیم علمی»، هم‌اندیشی زبان فارسی، زبان علم، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳٦۳، ص ۹۷.

۱۹. **راشد محصل، محمدتقی**، «دربارهٔ ریشه و اشتقاق چند واژهٔ کهن فارسی»، *مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، س ۲۳، ش ۸۸ و ۸۹، ۱۳٦۹، ص ۲۷۳.

۲۰. **روح‌بخشان، ع.**، «مسائل زبان فارسی در هند، پاکستان و بنگلادش»، سومین هم‌اندیشی زبان فارسی، *نشر دانش*، س ٦، ش ٤، ۱۳٦۵، ص ۸٦ .

۲۱. «زبان شعر و واژگان شعری»، *مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، ش ۹۰ و ۹۱، ۱۳٦۹، ص ٤۵۸.

۲۲. **زریاب‌خوئی، عباس**، «نظریاتی دربارهٔ وضع لغات علمی و فرهنگی»، *نشر دانش*، س ۵، ش ۲، ۱۳٦۳، ص ۳.

۲۳. **سامعی، حسین**، «فرهنگ فارسی امروز»، *مجلهٔ زبان‌شناسی*، س ۷، ش ۱٤، ۱۳٦۹، ص ۱۰٤.

۲٤. **سمیعی (گیلانی)، احمد**، «زبان محلی، زبان شکسته و بهره‌برداری از فرهنگ مردم در صداوسیما»، *نشر دانش*، س ۸، ش ٤، ۱۳٦۷، ص ۱۹.

۲۵. **شجاعی، محسن**، «مسائل زبان فارسی در تاجیکستان»، *نشر دانش*، س ۹، ش ٦، ۱۳٦۸، ص ۲۲.

۲٦. **شریعت، محمدجواد**، «زبان علمی و واژه‌سازی»، هم‌اندیشی زبان فارسی، زبان علم، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳٦۳، ص ۲۹.

۲۷. **شکورزاده‌بلوری، ابراهیم**، «امثال و تعبیرات فارسی و فرانسه و مضامین مشترک بین آنها»، *مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، س ۲۳، ش ۸۸ و ۸۹، ۱۳٦۹، ص ۲۸۱.

۲۸. **شکیبی گیلانی، جامی**، «گفتاری پیرامون بنیاد واژه‌سازی پزشکی و علمی در زبان فارسی»، نقد آگاه، انتشارات آگاه، ۱۳٦۲، ص ۲۱۹.

۲۹. ـــــــــــ ، «شیوهٔ واژه‌سازی پزشکی و علمی در زبان فارسی»، هم‌اندیشی زبان فارسی، زبان علم، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳٦۳، ص ۳۹.

۳۰. **شهیدی، سیدجعفر**، «مشکلات زبان فارسی در حال و آینده»، هم‌اندیشی زبان فارسی، زبان علم، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳٦۳، ص ۱۹.

۳۱. **صادقی، علی‌اشرف**، «برنامه‌ریزی برای زبان فارسی»، هم‌اندیشی زبان فارسی، *زبان علم*، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳٦۳، ص ۱٦۹.

۳۲. ـــــــــــ ، «زبان معیار»، *نشر دانش*، س ۳، ش ٤، ۱۳٦۲، ص ۱٦.

۳۳. ـــــــــــ ، «سه اثر دربارهٔ لهجهٔ مازندرانی»، *مجلهٔ زبان‌شناسی*، س ۷، ش ۱٤، ۱۳٦۹، ص ٦۳.

۳۴. ــــــــــ ، «واژه‌نامهٔ یـزدی»، *مجلـهٔ زبـان‌شناســی*، س ۷، ش ۱۴، ۱۳۶۹، ص ۱۰۰.

۳۵. **صلحجو، علی**، «تاریخچهٔ مختصر زبان‌شناسی»، *مجلهٔ زبـان‌شناســی*، س ۷، ش ۱۴، ۱۳۶۹، ص ۷۲.

۳۶. **طباطبائی، محمد**، «روش‌هـای مقابلـهٔ زبـان فارسـی بـا واژه‌هـای علمـی»، هم‌اندیشی زبان فارسی، زبان علم، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۳، ص ۱۷۱.

۳۷. **طبیب‌زاده، امید**، «فیزیک گفتار (مقدمه‌ای بر آواشناسی آکوسـتیک)»، *مجلـهٔ زبان‌شناسی*، س ۷، ش ۱۴، ۱۳۶۹، ص ۷۲.

۳۸. **عزبدفتری، بهـروز**، «چامسـکی: «خردگرایـی و تجربـه‌گرایـی»»، *دانشـکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز*، س ۳۳، ش ۱۳۷، ۱۳۶۹، ص ۷۰.

۳۹. **فرشیدورد، خسرو**، «شـیوهٔ وضـع و ترجمـهٔ اصـطلاحات علمـی و فنـی»، هم‌اندیشی *نگارش فارسی*، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۱، ص ۱۳.

۴۰. ــــــــــ ، «طرحی برای تقویت زبان فارسی»، *نشر دانـش*، س ۳، ش ۶، ۱۳۶۲، ص ۱۰.

۴۱. «فرهنگستان در جهان»، *نشر دانش*، س ۲، ش ۳، ۱۳۶۱، ص ۱۱.

۴۲. **کافی، علی**، «بررسی واژه‌های ریاضـی فرهنگسـتان اوّل»، *نشـر دانـش*، س ۱۰، ش ۱، ۱۳۶۸، ص ۲۹.

۴۳. ــــــــــ ، «گرایش‌های گوناگون در واژه‌گزینی»، *نشر دانـش*، س ۵، ش ۱، ۱۳۶۳، ص ۱۴.

۴۴. **کراچی، روح‌انگیز**، «لـزوم بهـره‌گیـری بیشـتر از کلمـات اصـیل پارسـی»، *اطلاعات*، ۱۳۶۶.

۴۵. **مالک، محمد**، «تکامل اصطلاحات علمی و فنی در زبـان هنـدی: واژه‌هـای

عاریتی از فارسی»، سمینار، زبان فارسی، زبان علم، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳٦۳، ص ۱۲۳.

٤٦. **مجتبائی، فتح‌الله**، «اصل اخذ و اقتباس در نقل مفاهیم علمی»، *نشر دانش*، دورهٔ ۳، ش ٦، ۱۳٦۲.

٤۷. **محمود فاروتی، اختر**، «فرهنگستان علوم برای جهان سوم»، *پیام یونسکو*، س ۲۱، ش ۲۳۳، ۱۳٦۸، ص ۵۰.

٤۸. **مستأجرحقیقی، محمد**، «نگاهی به واژه‌های مرکب فارسی بر پایهٔ نظریهٔ زایای گشتاری»، س ۲۳، ش ۸۸ و ۸۹، ۱۳٦۹، ص ۲٤۵.

٤۹. **مسرت، حسین**، «نگاهی به فرهنگ اصطلاحات روزنامه‌نگاری»، *رسانه*، س ۱، ش ٤، ۱۳٦۹.

۵۰. **منصوری، رضا**، «لزوم هماهنگی بین رشته‌های مختلف از لحاظ زبان علمی»، هم‌اندیشی زبان فارسی، زبان علم، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳٦۳، ص ٤۳.

۵۱. ــــــــــ، «ضبط و یکسان‌سازی اصطلاحات علمی»، *نشر دانش*، س ۵، ش ۳، ۱۳٦٤، ص ٤.

۵۲. ــــــــــ، «رابطهٔ زبان و تفکر و نقش آن در واژه‌گزینی»، *نشر دانش*، س ۵، ش ۵، ۱۳٦۳، ص ۵.

۵۳. «موقعیت جهانی زبان فارسی»، *نشر دانش*، س ٦، ش ٤، ۱۳٦۵، ص ۲.

۵٤. **ناصری، کیومرث**، «نکاتی دربارهٔ زبان علمی فارسی»، هم‌اندیشی زبان فارسی، *زبان علم*، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳٦۳، ص ۹۱.

۵۵. **نجفی، ابوالحسن**، «آیا زبان فارسی در خطر است؟»، *نشر دانش*، **دورهٔ ۳**، ش ۲، ۱۳٦۱، ص ٤.

۵٦. ــــــــــ، «گلدان توسط بچه شکسته شد»، *نشر دانش*، س ۷، ش ۵، ۱۳٦٦، ص ۱۱.

۵۷. **واردنبورگ، جی.دی.جی**، «فرهنگستان‌های جهان اسلام»، *نشر دانش*، ترجمهٔ مرتضی *اسعدی*، س ۱۰، ش ۵، ۱۳٦۹، ص ٦، س ۱۰، ش ٦، ص ۱۸.

۵۸. **وحیدیان کامیار، تقی**، «موسیقی حروف و واژه‌ها»، *نشر دانش*، س ۱۰، ش ٦، ۱۳٦۹، ص ۳٦.

۵۹. **هنر، علی‌محمد**، «واژگان اصطلاحات ادبی»، *مجلهٔ زبان‌شناسی*، س ۷، ش ۱٤، ۱۳٦۹، ص ۹٤.

٦۰. **یوسفی، غلامحسین**، «نامه‌ای که به مقصد نرسید»، *مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، س ۲۳، ش ۹۰ و ۹۱، ۱۳٦۹، ص ۳۳۳.

از ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۲

۱. **آرین، محبوب**، «لغات و اصطلاحات فنی مصور اتومبیل (انگلیسی - فارسی)»، *مجلهٔ ماشین*، س ۱۳، ش ۵، ۱۳۷۰، ص ۹۹.

۲. ــــــــــ، «لغات و اصطلاحات فنی مصور اتومبیل»، *مجلهٔ ماشین*، ش ٦۷ و ۱۰۵، ۱۳۷۰.

۳. **آزادیخواه، محمدعلی**، «لغات و اصطلاحات سیرجان در زمینهٔ آب و آبیاری»، *فصلنامهٔ کرمان*، س ۱، ش ۳، ۱۳۷۰، ص ۸۳

٤. «آشنایی با اصطلاحات اقتصادی و بازرگانی»، *تجارت ایران*، س ۲، ش ۲، ۱۳۷۱، ص ۱۲۰.

۵. «آشنایی با اصطلاحات بازرگانی و اقتصادی»، *تجارت ایران*، س ۲، ش ۳، ۱۳۷۱، ص ۱۲٦.

٦. «آشنایی با اصطلاحات بین‌المللی تجارت»، *پیام صادرات*، س ۱، ش ۱۰، ۱۳۷۲، ص ۳۰.

۷. «آشنایی با پاره‌ای از اصطلاحات بازرگانی و مفاهیم آن»، *پیام پتروشیمی*، س ٤، ش ۲٤، ۱۳۷۱، ص ۳٤.

۸. «آشنایی با پاره‌ای از مفاهیم و اصطلاحات تجاری و اقتصادی ـ کالای ممنوع»، *بررسیهای اقتصادی*، س ۵، ش ۱۱، ۱۳۷۱.

۹. «آشنایی با مفاهیم و واژه‌های اقتصادی «مفهوم و کاربرد شاخص‌های بهای عمده‌فروشی و بهای کالاها و خدمات مصرفی، *اطلاعات سیاسی ـ اقتصادی*»، ش ٤۷ و ٤۸، ۱۳۷۰، ص ۲ و ۹۸.

۱۰. **ابوالقاسمی، محسن**، «فرهنگ تاریخی زبان آسیا ـ ۱»، *آینده*، س ۱۷، ش ۱-٤، ۱۳۷۰، ص ۷۸.

۱۱. **ابومحبوب احمد**، «سوسور و تئوری ادبی»، *رشد آموزش ادب فارسی*، ش ۲۸، ۱۳۷۱.

۱۲. **اتابکی، پرویز**، «پاسدار زبان فارسی»، *کلک*، ش ۲۱، ۱۳۷۰، ص ۱۷٤.

۱۳. **احمدآبادی، علی**، «چند پیشنهاد برای واژه‌سازی»، *دانشمند*، ش ۲، ۱۳۷۱.

۱٤. **اخوان، محمدکاظم**، «ریشه‌های زبان و آفات آن»، *همشهری*، ۱۳۷۲.

۱۵. **اسدی، علی**، «فرهنگ صنعتی»، *صنعت و مطبوعات*، ش ۱۱، ۱۳۷۱، ص ۲۲.

۱٦. **اسفندیاری، محمد**، «بازهم «در رابطه با»، *ادبستان*، ش ۳۱، ۱۳۷۱.

۱۷. **اسکندری، عبدالمجید**، «ادبیات از دیدگاه زبان‌شناسی»، *کیهان*، ۱۳۷۲.

۱۸. **اشرف‌زاده، حمیدرضا**، «اصطلاحات تجاری و اقتصادی ـ بانک کارگزار»، *بررسیهای بازرگانی*، س ۷، ش ۷۵، ۱۳۷۲، ص ۸۰

۱۹. ـــــــــ ، «اصطلاحات تجاری و اقتصادی»، *بررسیهای بازرگانی*، س ٦، ش ٦٥، ۱۳۷۱، ص ۱۰۸.

۲۰. ـــــــــ ، «اصطلاحات تجاری و اقتصادی»، *بررسیهای بازرگانی*، س ٦، ش ٦٦، ۱۳۷۱، ص ۱۰٦-۱۱۱.

۲۱. ـــــــــ ، «اصطلاحات تجاری و اقتصادی»، *بررسیهای بازرگانی*، س ٦، ش ۷۰، ۱۳۷۱، ص ۹٥.

۲۲. ـــــــــ ، «اصطلاحات تجاری و اقتصادی»، *بررسیهای بازرگانی*، ش ۷۲، ۹۱ و ۹۳، ۱۳۷۲.

۲۳. «اصطلاحات بیمه‌ای»، *فصلنامهٔ بیمهٔ مرکزی ایران*، س ۷، ش ۲، ۱۳۷۱، ص ۷٤-۷۷.

۲٤. «اصطلاحات تجاری اقتصادی ـ بانک تأییدکنندهٔ اعتبار»، *بررسیهای بازرگانی*، ش ۷٤، ۱۳۷۲، ص ٥۳.

۲٥. «اصطلاحات تجاری و اقتصادی»، *بررسیهای بازرگانی*، ش ۷۲، ۱۳۷۲، ص ۹۱.

۲٦. «اصطلاحات تجاری و اقتصادی»، *بررسیهای بازرگانی*، س ٦، ش ٦٤، ۱۳۷۱، ص ۹۷.

۲۷. «اصطلاحات تجاری و اقتصادی»، *بررسیهای بازرگانی*، س ٦، ش ٦۳، ۱۳۷۱، ص ۹۳.

۲۸. «اصطلاحات تجاری و اقتصادی»، *بررسیهای بازرگانی*، س ٦، ش ٦۸، ۱۳۷۱، ص ۱۰٤-۱۰٦.

۲۹. «اصطلاحات تجاری و اقتصادی»، *بررسیهای بازرگانی*، س ٦، ش ٦۹، ۱۳۷۱، ص ۹۳-۹٦.

۳۰. «اصطلاحات تجاری و اقتصادی»، *بررسیهای بازرگانی*، ش ٦٧، ۱۳۷۱، ص ۹۵.

۳۱. «اصطلاحات تجاری و اقتصادی ـ اعتبار»، *بررسیهای بازرگانی*، ش ۷۱، ۱۳۷۲، ص ۱۱۰.

۳۲. «اصطلاحات ساختمانی ـ تیوری ساخت بال و بدنهٔ قسمت پنجم»، تکنیک، س ۸، ش ٦ و ۷، ۱۳۷۱، ص ۱۹.

۳۳. «اصطلاحات و تعاریف قانون تجارت، صنعت نساجی»، *دورهٔ جدید*، ش ۵، ۱۳۷۲، ص ٥٦.

۳٤. **اعلم، هوشنگ**، «واژهٔ فارسی باستان پاتشهورش و تحول سپسین آن (به زبان انگلیسی)»، *تحقیقات اسلامی*، س ۷، ش ۱، ۱۳۷۱، ص ۱۹۵.

۳۵. **افتخاری، اصغر**، «واژه‌های سیاسی (استراتژی)»، *فصلنامهٔ حقوق و علوم سیاسی*، س ۲، ش ۱، ۱۳۷۰، ص ۸۱.

۳٦. **افتخاری، محمد**، «فرهنگنامهٔ کودکان و نوجوانان»، دسترنج ۱۳ سال تلاش شورای کتاب کودک، *کلک*، ش ۳۰، ۱۳۷۱، ص ۲٦۰.

۳۷. **افشار، ایرج**، «به همدان و همزبانان تاجیک»، *کلک*، ش ۳۱، ۱۳۷۱.

۳۸. ــــــــ ، «دیدار با همزبان تاجیکم»، *آینده*، س ۱۸، ش ۱-٦، ۱۳۷۱، ص ۱۹ و ۲۰.

۳۹. **افشار، محمود**، «قلمرو زبان فارسی: افغانستان، ایران و تاجیکستان»، *آشنا*، ش ٦، ۱۳۷۱.

٤۰. **افشار، مهدی**، «فرآیندی متفاوت در واژه‌سازی»، *کلمه*، ش ۳، ۱۳۷۲، ص ۱٦.

٤۱. **افشارمهاجر، کامران**، «زبان‌شناسی رنگها در بسته‌بندی»، *صنعت چاپ*، ش ۱۲۱، ۱۳۷۱، ص ۱۲.

۴۲. **البرزی، صدرالدین**، «آشنایی با مفاهیم بازاریابی و وظایف مدیریت»، *زمینه*، س ۲، ش ۱۵، ۱۳۷۱، ص ۴۲.

۴۳. **الحسینی**، «بحث لغوی ـ عرفانی»، *رهنمون*، ش ۲ و ۳، ۱۳۷۱، ص۲۲۹.

۴۴. **الفت، لعیا**، «آشنایی با واژه‌های مدیریت: جی‌ای‌تی (JIT)»، سیستم تولید بدون انبار، *فصلنامهٔ مطالعات مدیریت*، ش ۵، ۱۳۷۱.

۴۵. **القاسمی، علی‌محمد**، «فرهنگ اقول، حسن هاشمی میناباد»، *نشر دانش*، س ۱۲، ش ۵، ۱۳۷۱، ص ۴۱-۴۵.

۴۶. ــــــــ ، «معیارهای تدوین انتخاب و ارزیابی فرهنگی دوزبانه»، ترجمهٔ حسن هاشمی میناباد، *کلک*، ش ۱۸ و ۱۹، ۱۳۷۰.

۴۷. **الوانی، سیدمهدی**، «بررسی واژگان تخصصی مدیریت خودگرایی ابزاری و خودگرایی جوهری»، *مطالعات مدیریت*، س ۱، ش ۳، ۱۳۷۰، ص ۵۰.

۴۸. ــــــــ ، «واژگان و اصطلاحات مدیریت قانون پارکینسون»، *مطالعات مدیریت*، س ۱، ش ۴، ۱۳۷۰، ص ۷۲.

۴۹. **امام، عباس**، «ترجمهٔ نوواژه‌ها»، *مترجم*، س ۲، ش ۵، ۱۳۷۱، ص ۴۱.

۵۰. **امامی، نصرالله**، «زبان شعر و واژگان شعری»، *آشنا*، ش ۵، ۱۳۷۱.

۵۱. **امیرفریار، فرخ**، «نقد و بررسی از فرهنگنامهٔ کودکان و نوجوانان»، *کلک*، ش ۳۱، ۱۳۷۱.

۵۲. «انتشار نشریهٔ ضمائم زبان‌شناسی شرقی»، *نامهٔ فرهنگی بخش اخبار فرهنگی جهان*، ش ۱ و ۲، ۱۳۷۰، ص ۲۲۳.

۵۳. **انیس، ابراهیم**، «رابطهٔ بین لفظ و دلالت»، ترجمهٔ سیدحسین سیدی، *کیهان فرهنگی*، ش ۹، ۱۳۷۱.

۵۴. **اومبرتو، اکو**، «ایجاد پیام‌های زیباشناختی در زبان»، ترجمه و تلخیص سعید ارباب شیرازی، *زنده‌رود*، س ۱، ش ۱، ۱۳۷۱، ص ۵.

۵۵. **ایثاری، بهزاد**، «اصطلاحات بیمه»، *فصلنامهٔ بیمهٔ مرکزی ایران*، س ۸، ش ۱، ۱۳۷۲، ص ۷۵.

۵٦. ــــــــــ ، «اصطلاحات بیمه‌ای»، *فصلنامهٔ بیمهٔ مرکزی ایران*، س ۷، ش ۷، ۱۳۷۱، ص ۸۱.

۵۷. ــــــــــ ، «اصطلاحات بیمه‌ای»، *فصلنامهٔ بیمهٔ مرکزی ایران*، س ۷، ش ۳، ۱۳۷۱، ص ۷٤.

۵۸. ــــــــــ ، «اصطلاحات بیمه‌ای»، *فصلنامهٔ بیمهٔ مرکزی ایران*، ش ۲، ۱۳۷۱، ص ۷٤-۷۷

۵۹. ــــــــــ ، «اصطلاحات بیمه‌ای»، *فصلنامهٔ بیمهٔ مرکزی ایران*، س ۷، ش ٦، ۱۳۷۰.

٦۰. **ایرانی، اکبر**، «تحلیل مفاهیم فقهی «غناء»»، *ادبستان*، ش ۳٦، ۱۳۷۱، ص ۵۲.

٦۱. «این قند پارسی» (گزارش از وضعیت کنونی کرسی‌های زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه‌های خارج از کشور)»، سروش، س ۱۵، ش ٦٤۹، ۱۳۷۲، ص ۲٦.

٦۲. **بارور، محمدتقی**، «بانک لغات گیلکی»، *گیله‌ور*، س ۱، ش ۱۱، ۱۳۷۲، ص ۲۷.

٦۳. «باز هم مفاهیم اقتصادی»، صنعت روز، ش ۱۱، ۱۳۷۲.

٦٤. «باز هم مفاهیم اقتصادی (۲)»، صنعت روز، س ۲، ش ۱۲، ۱۳۷۲، ص ٤۹.

٦۵. **باطنی، محمدرضا**، «سبک‌شناسی زبان‌شناسی»، *کتاب سخن*، مجموعهٔ مقالات، ۱۳۷۱، ص ۸۲-۸۵.

٦٦. ــــــــــ ، «زبان ناب معاصر برای اهل تکنولوژی»، نگاهی به آموزش فارسی در دوره‌های عمومی دانشگاهها، *زمان*، پیش‌شماره، ۱۳۷۱، ص ٤٤.

۶۷. **باطنی، محمدرضا**، «زبان و اجتماع»، *جامعهٔ سالم*، ش ۵، ۱۳۷۱.

۶۸. ــــــــــ ، «گزیده‌هایی از فرهنگ توصیفی زبان‌شناسی»، *دنیای سخن*، ش ۵۳، ۱۳۷۱، ص ۶۱.

۶۹. ــــــــــ ، «رابطهٔ خط و زبان»، *آدینه*، ش ۷۸ و ۷۹، ۱۳۷۲، ص ۷۰.

۷۰. **بختیار، مظفر**، «چند کتاب در زمینهٔ زبان و ادبیات فارسی به زبان چینی»، *آینده*، س ۱۸، ش ۷-۱۲، ۱۳۷۱، ص ۳۷۵.

۷۱. **بخشی‌زادهٔ محمودی، جعفر**، «بانک لغات گیلکی»، *گیله‌ور*، ش ۵، ۱۳۷۱.

۷۲. **بدوی، عبدالرحمن**، «مکتب تولدو»، ترجمهٔ مصطفی اسلامیه، *پیام یونسکو*، ش ۲۵۹، ۱۳۷۱.

۷۳. **برزگر، جمشید**، «آشنایی با واژگان و مفاهیم بنیادین سیاست»، *رشد معلم*، ش ۱ و ۲، ۱۳۷۱، ص ۷۶-۸۰.

۷۴. ــــــــــ ، «آشنایی با مفاهیم و واژگان بنیادین سیاست ـ دولت»، *رشد معلم*، س ۱۱، ش ۸، ۱۳۷۲، ص ۶.

۷۵. ــــــــــ ، «آشنایی با واژگان و مفاهیم بنیادین سیاست»، *رشد معلم*، ش ۴، ۱۳۷۱.

۷۶. **برکات، جمال**، «فرهنگ اصطلاحات سیاسی»، انگلیسی، عربی و فارسی، ترجمهٔ صادق آئینه‌وند، فیروز حریرچی، نقد و بررسی از مهدی هدایتی، *اطلاعات*، ش ۱۷، ۱۳۷۲.

۷۷. **بطائی، محمد**، «نگاهی به کتاب زبان‌شناسی و نقد ادبی راجر فالر»، رومن یاکوبسن و دیوید لاج، *ادبیات داستانی*، ش ۲، ۱۳۷۱.

۷۸. **بلیغ، وحید**، «مفاهیم کیفیت و اولویت برای بارزهای مختلف»، *تدبیر*، س ۳، ش ۳۰، ۱۳۷۱، ص ۶۱ و ۶۲.

۷۹. **بوید، برایان**، «نقدی بر کتاب ولادیمیر ناباکوف»، ترجمهٔ محمد کاظمی، *کیهان فرهنگی*، س ۸، ش ۸۱، ۱۳۷۰، ص ٦٥.

۸۰. **بهادری‌نژاد، مهدی**، «فرهنگستان علوم و هیئت‌های امنا»، *شریف*، س ۸، ش ۱، ۱۳۷۱، ص ۵۰.

۸۱. **بهزادی، رقیه**، «دربارهٔ واژهٔ کاسپین»، *چیستا*، س ۱۰، ش ۵، ۱۳۷۱، ص ٤۷۲.

۸۲. **بیات، کاوه**، «فرهنگستان اوّل و دشواری‌های وضع و ترویج واژه‌های نو»، *نشر دانش*، س ۱۳، ش ۱، ۱۳۷۰، ص ٤۸.

۸۳. **بیرشک، احمد**، «برای فرهنگنامهٔ کودکان و نوجوانان در برگ‌های گرانبهای کلک»، *کلک*، ش ۳٤، ۱۳۷۱، ص ۱۵۹.

۸٤. **پاشائی، ع.**، «نقد و بررسی فرهنگ اندیشهٔ نو»، *چاووش*، ش ۹ و ۱۰، ۱۳۷۲.

۸۵. **پروین، ناصرالدین**، «کهن‌ترین واژگان صنعت چاپ در زبان فارسی»، *کلک*، ش ۲۵ و ۲٦، ۱۳۷۱.

۸٦. **پورجوادی، نصرالله، سمیعی، احمد**، «فرهنگستان و مسئلهٔ واژه‌های بیگانه»، *نشر دانش*، س ۱۳، ش ۳، ۱۳۷۲، ص ۲.

۸۷. **پهلوان، چنگیز**، «نگاهی به گردهمایی فارسی‌زبانان»، جهان، *کلک*، ش ۳۱، ۱۳۷۱.

۸۸. «پیرامون واژه‌های روسی در زبان گیلکی»، *گیله‌ور*، س ۱، ش ٦ و ۷، ۱۳۷۱، ص ۲۹.

۸۹. **پیرنیا، علی**، «مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان و مؤسسهٔ ملی زبان‌های نوین»، *دانش*، ش ۲٦، ۱۳۷۰، ص ۹٦.

۹۰. «تغییرات و اضافات واژه‌نامهٔ مقدماتی»، *گزارش کامپیوتر*، س ۱٤، ش ۱۱٦، ۱۳۷۱، ص ۳۸.

۹۱. «تغییرات و اضافات واژه‌نامهٔ مقدماتی»، *گزارش کامپیوتر*، س ۱۵، ش ۱، ۱۳۷۲، ص ۵۸.

۹۲. **تفرشی، مجید**، «اسناد مربوط به دهخدا و لغتنامه»، *آینده*، ش ۱–٦، ۱۳۷۱.

۹۳. **تمیم‌داری، احمد**، «بحثی در زبان فارسی، (سخنرانی تمیم‌داری در هم‌اندیشی بررسی طرح آموزش زبان فارسی معیار به هموطنان غیرفارسی زبان»، *نهضت*، س ۳، ش ۱ و ۲، ۱۳۷۲.

۹٤. **تورسان‌زاد، اکبر**، «قلمرو زبان فارسی»، *آینده*، س ۱۸، ش ۱ و ٦، ۱۳۷۱، ص ۵–۱۸.

۹۵. **توکل، محمد**، «اصطلاحات مالیاتی بین‌المللی»، *مالیات*، س ۱، ش ۱، ۱۳۷۲، ص ۳۹.

۹٦. **توکلی، علیرضا**، «زبان فارسی در کتاب‌های ریاضی ۱»، *رشد معلم*، س ۱۰، ش ۸، ۱۳۷۱، ص ۲۸.

۹۷. «جایگاه زبان فارسی در ادبیات جهان»، گفتگو با دکتر ابراهیم الدسوقی شتا و دکتر محمدعلاءالدین منصور در مصر، *کیهان فرهنگی*، س ۹، ش ۹، ۱۳۷۱، ص ٦.

۹۸. **جاوا، شیاناند**، «ربط و مناسبت فارسی در هند نو»، *کیهان فرهنگی*، س ۱۰، ش ٤، ۱۳۷۲، ص ۲۲.

۹۹. **جمشیداوف، پروانه‌جان**، «زبان فارسی و تاجیکستان»، *آینده*، س ۱۷، ش ۵–۸ ، ۱۳۷۰، ص ۳٦۹.

۱۰۰. **جهازیان، مرتضی**، «فرهنگ اصطلاحات قرآنی، امر به معروف و نهی از منکر»، *صف*، ش ۱۵۳، ۱۳۷۱، ص ٤۸.

۱۰۱. «چاپ فرهنگ لغات "شنیداری" در انگلیس»، *تدبیر*، س ۳، ش ۳۰، ۱۳۷۱، ص ٦٤.

۱۰۲. **چراتی، جهانگیر**، «نیم‌نگاهی به سومین هم‌اندیشی زبان فارسی در صدا و سیما»، *سروش*، س ۱۵، ش ٦٥٠، ۱۳۷۲، ص ٤٥.

۱۰۳. ________، «در دومین هم‌اندیشی زبان‌شناسی چه گذشت؟»، *گزارش*، ش ۱۸ و ۱۹، ۱۳۷۱.

۱۰٤. «چه باید کرد؟»، گفتگو با چند نویسنده و محقق دربارهٔ زبان فارسی، *سروش*، س ۱۵، ش ٦٥٠، ۱۳۷۲، ص ٤٥.

۱۰۵. **حاکی، عباس**، «واژه‌شناسی شرفشاه ـ دخورستن»، *گیله‌ور*، س ۱، ش ۱۱، ۱۳۷۲، ص ۱٤.

۱۰٦. **حجتی کرمانی، علی**، «قاموس واژه‌ها و اصطلاحات حج ـ ۱/»، *میقات حج*، ش ۲، ۱۳۷۲.

۱۰۷. **حسنی، حمید**، «غلط‌خوانی و غلط‌نویسی تا کی؟ (۲ و آخر)»، *کیهان*، ش ۲٤، ۱۳۷۲.

۱۰۸. ________، «چه کنیم که غلط ننویسیم»، *کیهان*، ۱۳۷۲.

۱۰۹. **حسینی، صالح**، «در حاشیهٔ نقد و معرفی "واژگان اصطلاحات ادبی"»، *مجلهٔ زبانشناسی*، س ۸، ش ۱ و ۲، ۱۳۷۰، ص ۱٦٤.

۱۱۰. **حسینی، علیرضا**، «لزوم واژه‌سازی علمی»، *گزارش کامپیوتر*، س ۱٤، ش ٦، ۱۳۷۱، ص ۳۷.

۱۱۱. **حمک، جواد محمد**، «گویش سیستانی در ترجمهٔ قرآن مقدس»، *آینده*، س ۱۸، ش ۱ و ٦، ۱۳۷۱، ص ۳٤-٤۲.

۱۱۲. **حیاتی، محمدرضا**، «زبان خبر، گویندگی خبر»، *سروش*، س ۱۵، ش ٦٥٠،

۱۳۷۲، ص ٤٨.

۱۱۳. **خانقاه عسگری، اصغر**، «زبان در معبر زبان‌شناسی و مردم‌شناسی»، *فرهنگ ویژهٔ زبان‌شناسی*، ش ۱۳، ۱۳۷۱، ص ۱۳۵.

۱۱٤. **خرمشاهی، بهاءالدین**، «کژتابی‌های زبان»، *کیان*، ش ۲ و ۵، ۱۳۷۱، ص ٤٤.

۱۱۵. ـــــــــ ، «کژتابیهای زبان»، *کیان*، س ۳، ش ۱۱، ۱۳۷۲، ص ٤۲.

۱۱٦. **خزاعی‌فر، علی**، «فرهنگ اصطلاحات ترجمهٔ ابهام»، مترجم، ش ۲، ۱۳۷۰.

۱۱۷. ـــــــــ ، «نقد واژه‌نامهٔ زبان‌شناسی و علوم وابسته»، گردآورنده همادخت همایون، ویراستار علی‌محمد حق‌شناس، مترجم، س ۲، ش ٤، ۱۳۷۱.

۱۱۸. **خزاعی‌فر، علی/ توازن**، «فرهنگ اصطلاحات ترجمه»، مترجم، س ۲، ش ٤، ۱۳۷۱، ص ۳۳.

۱۱۹. ـــــــــ ، «نقد فرهنگ لغات و اصطلاحات سیاسی: انگلیسی به فارسی»، مهدی نوروزی خیابانی، مترجم، س ۲، ش ٤، ۱۳۷۱.

۱۲۰. ـــــــــ ، «نقد و بررسی فرهنگ اصطلاحات علوم و تمدن اسلامی»، تألیف محمدتقی اکبری و دیگران، مترجم، ش ۵، ۱۳۷۱.

۱۲۱. **خزاعی‌فر، علی**، «معنی اوّلیه و معانی ثانویه»، مترجم، ش ۵، ۱۳۷۱.

۱۲۲. **خسروی، محمدرضا**، «فوریت نگهداری واژگان محلی»، *گلچرخ*، ش ٤، ۱۳۷۱.

۱۲۳. **خوارزمی، شهیندخت**، «فرهنگ علم و تکنولوژی»، *جامعهٔ سالم*، س ۲، ش ۷، ۱۳۷۱، ص ۵۸-٦۰.

۱۲٤. **داف، آلن**، «تکنیک‌های آموزش ترجمهٔ (٤) آموزش جنبه‌های مختلف فعل»، ترجمهٔ محمدرضا هاشمی، مترجم، س ۲، ش ٤، ۱۳۷۱.

۱۲۵. **دانیالی، خسرو**، «نقد و بررسی فرهنگ واژه‌های فیلم»، فرانک یوجین بیور،

ترجمهٔ بیژن اشتری، *فرهنگ و سینما*، ش ۱۱، ۱۳۷۰.

۱۲۶. **درایدن، جان**، «سه گونه ترجمه»، ترجمهٔ سارا خزاعی، *مترجم*، س ۲، ش ٤، ۱۳۷۱، ص ۱۷.

۱۲۷. **دریابر، علی‌اصغر**، «تلاش برای اعتلای فرهنگی: گزارشی از فرهنگستان عربی دمشق»، *سروش*، ش ٦۲٦، ۱۳۷۱.

۱۲۸. **دریابندری، نجف**، «زبان گفتاری و زبان نوشتاری»، *پیام کتابخانه*، س ۱، ش ۱، ۱۳۷۰،ص ۱۵۲.

۱۲۹. ــــــــــ ، «زبان گفتاری و زبان نوشتاری ـ گزیدهٔ کتب و مقالات ترجمه (۳)»، *مترجم*، س ۳، ش ۹، ۱۳۷۲، ص ٤۷.

۱۳۰. «دهخدا، یاد او، کار او»، *آشنا*، س ۱، ش ۳ ، ۱۳۷۰، ص ۸۰.

۱۳۱. **دهقان، هاشم**، «نقد و بررسی، نگاهی دیگر به فرهنگ معین»، *آینده*، ش ۱ و ۳، ۱۳۷۲.

۱۳۲. **دیانی، محمدسالم**، «زبان فارسی در افغانستان»، *آینده*، س ۱۸، ش ۱ و ٦، ۱۳۷۱، ص ۲۱.

۱۳۳. **رادمرزبان، علی**، «درست بنویسیم»، *پژوهشنامهٔ دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی*، ش ۸ و ۹، ۱۳۷۱.

۱۳٤. **راد، سیما**، «فرهنگ اصطلاحات ادبی ـ بخش‌هایی از یک کتاب در دست انتشار»، *ادبستان*، ش ۳۸، ۱۳۷۱، ص ۱۰٦.

۱۳۵. **رادفر، ابوالقاسم**، «جلوه‌هایی از زبان و ادبیات معاصر ایران در عرصهٔ ادبیات جهان»، سیمرغ، ش ۱۲ و ۱۳، ۱۳۷۲، ص ۱۳۹.

۱۳٦. **راستی، ناصر**، «اصطلاحات بازرگانی بین‌المللی»، *صنعت و ایمنی*، ش ۲۸، ۱۳۷۱، ص ۳۸.

۱۳۷. **راشدمحصل، محمدتقی**، «دربارهٔ ویژگی‌های تفسیر شنقشی»، *فرهنگ*، ش

۱۳، ۱۳۷۱.

۱۳۸. «رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در دمشق، فرهنگستان زبان عربی در دمشق»، *آینهٔ پژوهش*، س ۲، ش ٤، ۱۳۷۱، ص ۷۸.

۱۳۹. **رجائی‌زفره‌ای، محمدحسین**، «واژه‌نامهٔ خرمن‌کوبی به روش سنّتی در آبادی زفره»، *ایران‌شناسی*، ش ۲، ۱۳۷۱.

۱٤۰. **ردی، موهان**، «آشنایی با مفاهیم ارزش کالا در بازار»، ترجمهٔ صمدالله البرزی، *زمینه*، س ۲، ش ۲۰، ۱۳۷۱، ص ۳۰.

۱٤۱. **رزمجو، حسین**، «پیشینهٔ ایران‌شناسی و زبان‌فارسی در ژاپن»، *کیهان فرهنگی*، ش ۲، ۱۳۷۱.

۱٤۲. **رستمی، محمود**، «فرهنگ اصطلاحات نظامی»، *صف*، ش ٤۷ و ٤۸، ۱۳۷۱، ص ٤٦.

۱٤۳. ________ ، «فرهنگ اصطلاحات نظامی»، *صف*، ش ۱٤۳ و ۱٤٤، ۱۳۷۰، ص ۲۸.

۱٤٤. ________ ، «فرهنگ اصطلاحات نظامی»، *صف*، ش ۱٤۷ و ۱٤۸، ۱۳۷۱.

۱٤٥. ________ ، «فرهنگ اصطلاحات نظامی»، *صف*، ش ۱٤۹ و ۱٥۰، ۱۳۷۱، ص ۳۸.

۱٤٦. ________ ، «فرهنگ اصطلاحات نظامی»، *صف*، ش ۱٥٤، ۱۳۷۱، ص ٥٦.

۱٤۷. ________ ، «فرهنگ اصطلاحات نظامی»، *صف*، ش ۱٥۱، ۱۳۷۱، ص ۳٤.

۱٤۸. ________ ، «فرهنگ اصطلاحات نظامی»، *صف*، ش ۱٥٥، ۱۳۷۱.

۱٤۹. ________ ، «فرهنگ اصطلاحات نظامی»، *صف*، ش ۱٥۸، ۱۳۷۲، ص ٥٦.

۱٥۰. **رشیدحسین، س.**، «فرهنگنامه‌های پارسی هند»، ترجمهٔ سیدمهدی حسینی، *کیهان فرهنگی*، س ۸ ، ش ٥، ۱۳۷۰، ص ۸٤ .

۱۵۱. **رضائی، ع.**، «فرهنگ و اصطلاحات بانکی»، سپهر، ش ۳، ۱۳۷۱.

۱۵۲. **رضی، هاشم**، «واژه‌نامهٔ پازند ـ طرحی برای پژوهش در واژه‌های پازند و ریشه‌شناسی و ساخت واژه‌های فارسی»، *فروهر*، س ۲۷، ش ۳ و ٤، ۱۳۷۲، ص ۱۲.

۱۵۳. **روح‌الامین، حمید و رشیدی ـ ریسمانچیان**، «فرهنگ لغات کنترل کیفیت»، *استاندارد کالاهای ایران*، س ۳، ش ۱۱، ۱۳۷۱، ص ۱۸.

۱٥٤. **روح‌بخشان، ع.**، «سابقه و تاریخچهٔ زبان فارسی در اروپا»، *پیام کتابخانه*، س ۱، ش ۱، ۱۳۷۰، ص ۱۱٦.

۱۵۵. **ریاحی، محمدامین**، «فرهنگستان مشترک زبان فارسی»، *آدینه*، ش ٦۸ و ٦۹، ۱۳۷۰، ص ۸.

۱٥٦. «زبان مردمی؛ زبان نویسنده»، ترجمهٔ نجمهٔ بشیری، *کیهان فرهنگی*، س ۹، ش ۱۲، ۱۳۷۱، ص ٦۲.

۱۵۷. **زرگری، جاویدان**، «واژه‌های روسی در زبان گیلکی»، *گیله‌ور*، س ۱، ش ۳ و ٤، ۱۳۷۱، ص ۳۷.

۱۵۸. **زرنگار، محمد**، «آشنایی با واژه‌های مدیریت»، *فصلنامهٔ مطالعات مدیریت*، س ۲، ش ۵، ۱۳۷۱، ص ۱٦۹-۱۷۱.

۱۵۹. ــــــــ، «آشنایی با واژه‌های مدیریت ارگونری یا مهندسی فاکتورهای انسانی»، *فصلنامه مطالعات مدیریت*، ش ۵، ۱۳۷۱.

۱٦۰. **سپهری، مهدی**، «ضرورت فرهنگستان علوم و تکنولوژی جهان اسلام»، *جمهوری اسلامی*، ۱۳۷۲.

۱٦۱. **سجادی، ضیاءالدین**، «کاربرد زبان فارسی در متون علمی و دینی»، *میراث جاویدان*، س ۱، ش ۱، ۱۳۷۲، ص ۸۸.

۱۶۲. **سجادیه، محمدعلی**، «نقش زبان خوزی (ایلامی) در شعر و ادبیات ایران زمین»، *مناطق آزاد*، ش ۲۹، ۱۳۷۲.

۱۶۳. ــــــــــ ، «ورقی از فرهنگ ژرف واژه‌های ایرانی آبزیان»، *آبزیان*، س ٤، ش ۱، ۱۳۷۲، ص ٥٤.

۱٦٤. ــــــــــ ، «پژوهشی پیرامون ریشه‌های مشترک فارسی، ایلامی و اوستایی: تحقیقی پیرامون پسوند ایلامی IR و نقش آن در زبان فارسی»، *فروهر*، ش ۱۱ و ۱۲، ۱۳۷۲.

۱٦٥. ــــــــــ ، «ورقی از فرهنگ ژرف واژه‌های ایرانی آبزیان»، *آبزیان*، س ٤، ش ٤، ۱۳۷۲، ص ۳٤.

۱٦٦. ــــــــــ ، «ورقی از فرهنگ و قاموس ایرانی آبزیان»، *آبزیان*، ش ۳۳، ۱۳۷۱.

۱٦۷. ــــــــــ ، «ورقی از فرهنگ و قاموس ایرانی آبزیان دلیلی بر غنای فرهنگ ایران»، *آبزیان*، ش ۲۱ و ۲۲، ۱۳۷۱.

۱٦۸. ــــــــــ ، «ورقی از فرهنگ واژه‌های ایرانی آبزیان»، *آبزیان*، ش ۲٦ و ۲۷ ، ۱۳۷۱، ص ۸۳.

۱٦۹. ــــــــــ ، «اهمیت واژگان گیلکی در شناخت ژرفنای فرهنگ ایران»، *گیله‌ور*، س ۱، ش ۱۱، ۱۳۷۲، ص ۱٤.

۱۷۰. **سرخش، نیکو**، «گویش‌های غرب ایران»، *کلک*، ش ۲٥ و ۲٦، ۱۳۷۱، ص ۲۲۹.

۱۷۱. **سلطانی، محمدعلی**، «واژه‌های کردی در آثار جاویدان ادب پارسی»، *رشد آموزش ادب فارسی*، س ٦، ش ۲٦، ۱۳۷۰، ص ٤۳.

۱۷۲. **سلطانی، افشین**، «مفاهیم اساسی زراعت، *سنبله*»، س ٦، ش ٥۱، ۱۳۷۲، ص ٦۳.

۱۷۳. «سمپوزیوم زبان فارسی در اتریش»، *نامهٔ فرهنگی بخش اخبار فرهنگی جهان*، ش ۱ و ۲، ۱۳۷۰، ص ۲۲۳.

۱۷٤. **سمیعی، غلامرضا**، «این قند پارسی»، *کلک*، ش ۲۳ و ۲٤، ۱۳۷۰، ص ۱۰.

۱۷۵. **سمیعی (گیلانی)، احمد**، «تأثیر شعر در زبان صدا و سیما»، *نشر دانش*، ش ٤، ۱۳۷۲.

۱۷٦. ــــــــــ ، «فواید زبانی «شرح تعریف» (۲)»، *نشر دانش*، س ۱۲، ش ۵، ۱۳۷۱، ص ۲۰-۲۹.

۱۷۷. **شادروان، عباس**، «واژه‌نگاری هنرهای نمایشی»، *دنیای سخن*، ش ۵۲، ۱۳۷۱، ص ۱۰۱ و ۱۰۲.

۱۷۸. **شاه‌آبادی، حمیدرضا**، «نقبی به مفاهیم ادب فارسی ـ نقد و بررسی کتاب «فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی» تألیف محمدجعفر یاحقی»، *ادبیات داستانی*، س ۱، ش ۲، ۱۳۷۱، ص ۵۷.

۱۷۹. **شجاعی‌فرد، ایرج**، «نامواژه‌های جغرافیا»، *گیله‌ور*، س ۱، ش ، ۱۳۷۱۲، ص ۱۵ و ۱٦.

۱۸۰. ــــــــــ ، «نامواژه‌های جغرافیای گیلان (۳)»، *گیله‌ور*، س ۱، ش ۱۲، ۱۳۷۲، ص ۱٦.

۱۸۱. **شریعت‌هیرمند، رضوان**، «فرهنگ اصطلاحات ادبی»، **همشهری**، ش ۲، ۱۳۷۱.

۱۸۲. «مصاحبه با علی شریعتمداری سرپرست فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامهٔ سیاست علمی و پژوهشی*، ش ۲، ۱۳۷۱.

۱۸۳. **شهیدی، سیدجعفر**، «هر فرهنگی بار و ارزشی دارد»، *پیام کتابخانه*، ش ۲ و ۳، ۱۳۷۱.

۱۸٤. **شیرعلی، لایق**، «پیام بنیاد زبان فارسی تاجیکستان»، *کلک*، ش ۲۱، ۱۳۷۰، ص ۳۹.

۱۸۵. **شین.، الف.**، «تا می‌توانیم غلط بنویسیم»، *آدینه*، ش ۷۲، ۱۳۷۱.

۱۸٦. **صادقی، علی‌اشرف**، «در رسانه‌ها زبان فارسی به کجا می‌رود؟»، *سروش*، ش ٦٤۹، ۱۳۷۲.

۱۸۷. ــــــــــــــ ، «شیوه‌ها و امکانات «واژه‌سازی» در زبان فارسی معاصر (۳)»، *نشر دانش*، س ۱۳، ش ۳، ۱۳۷۰، ص ۲۸.

۱۸۸. ــــــــــــ ، «شیوه‌ها و امکانات واژه‌سازی در زبان فارسی معاصر (٤)»، *نشر دانش*، ش ۳، ۱۳۷۱.

۱۸۹. ــــــــــــ ، «شیوه‌ها و امکانات واژه‌سازی در زبان فارسی معاصر»، *نشر دانش*، س ۱۳، ش ٤، ۱۳۷۲، ص ۱۵.

۱۹۰. ــــــــــــ ، «شیوه‌ها و امکانات واژه‌سازی در زبان فارسی معاصر (۹)»، *نشر دانش*، س ۱۳، ش ۳، ۱۳۷۲، ص ۹.

۱۹۱. ــــــــــــ ، «شیوه‌ها و امکانات واژه‌سازی در زبان فارسی معاصر (۷)»، *نشر دانش*، ش ٦، ۱۳۷۱.

۱۹۲. ــــــــــــ ، «شیوه‌ها و امکانات واژه‌سازی در زبان فارسی معاصر (٦)»، *نشر دانش*، س ۱۲، ش ۵، ۱۳۷۱، ص ۱۵–۱۹.

۱۹۳. ــــــــــــ ، «شیوه‌ها و امکانات واژه‌سازی در زبان معاصر»، *نشر دانش*، س ۱۳، ش ۲، ۱۳۷۱، ص ۲۲.

۱۹٤. ــــــــــــ ، «شیوه‌ها و امکانات واژه‌سازی در زبان معاصر»، *نشر دانش*، ش ٤، ۱۳۷۱.

۱۹۵. ــــــــــــ ، واژه نامهٔ همدانی ـ نقد و بررسی کتاب واژه‌نامهٔ همدانی، *مجلهٔ زبانشناسی*، س ۸، ش ۱ و ۲، ۱۳۷۰.

۱۹۶. ـــــــ ، «واژه‌های فریبکار در فارسی تاجیکی»، *مجلهٔ زبانشناسی*، س ۸، ش ۱ و ۲، ۱۳۷۰، ص ۱۲.

۱۹۷. **صادقیان، جلیل**، «زبان‌شناسی و زبان‌شناسی کاربردی»، *مجلهٔ زبانشناسی*، س ۸، ش ۱ و ۲، ۱۳۷۰، ص ۱۰۹.

۱۹۸. **صادقیان، نادر**، «گفتاری کوتاه در نقش و اهمیت زبان و ادبیات در فرایند ارتباط و روابط عمومی»، *پیام*، س ۱، ش ۱، ۱۳۷۱، ص ۸-۱۱.

۱۹۹. **صافی، قاسم**، «آشنایی با مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان در گفتگو با چند تن از مسئولان»، *دانش*، ش ۲۶، ۱۳۷۰، ص ۷.

۲۰۰. **صالح‌حسینی**، «لزوم انس با ادب فارسی در ترجمه»، *مترجم*، س ۲، ش ٤، ۱۳۷۱، ص ٦۸.

۲۰۱. **صدرحاج‌سیدجوادی، احمد**، «فرهنگ کامل بی‌نقص وجود ندارد»، (دربارهٔ دایرةالمعارف‌ها)، دایرةالمعارف تشیع، *آینهٔ پژوهش*، س ۲، ش ٤، ۱۳۷۰، ص ۹۳.

۲۰۲. **صدری، رضا**، «چاپ کردن یا چاپیدن نقد و بررسی کتاب فرهنگ پزشکی انگلیسی ـ فارسی اثر هوشمند ویژه»، *آدینه*، ش ۷۵، ۱۳۷۱، ص ۷۵.

۲۰۳. **صدنوری، بهمن**، «پرداخت‌هایی بر شناسایی لهجه‌های ایرانی (در شناخت آرتور کریستین و کتاب او)»، *گیله‌ور*، ش ۵، ۱۳۷۱.

۲۰٤. **صنعتی، محمد**، «دشواری‌های زبان فارسی با کامپیوتر»، *آدینه*، ش ۷۲، ۱۳۷۱.

۲۰۵. ـــــــ ، «دشواری‌های زبان فارسی با کامپیوتر»، *صنعت چاپ*، ش ۱۱٦، ۱۳۷۱.

۲۰٦. **طارم‌سری، مسعود**، «آشنایی با پاره‌ای از مفاهیم و اصطلاحات تجاری و اقتصادی»، *بررسیهای بازرگانی*، س ۵، ش ۵٦، ۱۳۷۰، ص ۹٦.

۲۰۷. ــــــــــ، «آشنایی با پاره‌ای از مفاهیم و اصطلاحات تجاری و اقتصادی»، *بررسیهای بازرگانی*، س ۵، ش ٥٤، ۱۳۷۰، ص ۱۰۲.

۲۰۸. ــــــــــ، «آشنایی با پاره‌ای از مفاهیم و اصطلاحات تجاری و اقتصادی»، *بررسیهای بازرگانی*، س ۵، ش ۵۳، ۱۳۷۰، ص ۹۵.

۲۰۹. ــــــــــ، «آشنایی با پاره‌ای از مفاهیم و اصطلاحات تجاری و اقتصادی»، *بررسیهای بازرگانی*، ش ۵، ۱۳۷۰.

۲۱۰. ــــــــــ، «آشنایی با پاره‌ای از مفاهیم و اصطلاحات تجاری و اقتصادی»، *بررسیهای بازرگانی*، س ۵، ش ۵۷، ۱۳۷۰، ص ۱۰٦.

۲۱۱. ــــــــــ، «آشنایی با پاره‌ای از مفاهیم و اصطلاحات تجاری و اقتصادی»، *بررسیهای بازرگانی*، س ۵، ش ۵۸، ۱۳۷۰، ص ۱۰۹.

۲۱۲. ــــــــــ، «آشنایی با پاره‌ای از مفاهیم و اصطلاحات تجاری و اقتصادی»، *بررسیهای بازرگانی*، ش ۹، ۱۳۷۱.

۲۱۳. ــــــــــ، «آشنایی با پاره‌ای از مفاهیم و اصطلاحات تجاری و اقتصادی ـ واردات به صورت هدیه»، *بررسیهای بازرگانی*، س ۵، ش ۱۲، ۱۳۷۱، ص ۹۹.

۲۱٤. **طالبی‌زاده، احمد**، «واژه‌های لمپنی در نام‌های فیلم‌های سینمای ایران»، *فیلم*، س ۹، ش ۱۱٦، ۱۳۷۰، ص ۱۵.

۲۱۵. **طاهر، غلامرضا**، «لغات یونانی در کتب طبی قدیم»، *آینده*، ش ۱-٦، ۱۳۷۱.

۲۱٦. **طباطبائی، سیدمحمد**، «ساختمان لفظی زرواره»، *آینده*، س ۱۸، ش ۷-۱۲، ۱۳۷۱، ص ۳۲۸.

۲۱۷. **طباطبائی، میراحمد**، «تحلیل لغوی واژهٔ گیلکی ویشتا»، *گیله‌ور*، ش ۳ و ٤، ۱۳۷۱.

۲۱۸. ـــــــــ ، «ضرورت تدوین یک لغتنامه»، *آشنا*، ش ۹، ۱۳۷۱.

۲۱۹. ـــــــــ ، «دو واژهٔ گیلکی؛ ونک‌زن ـ تام‌زن»، *گیله‌ور*، س ۱، ش ۱۰، ۱۳۷۲، ص ۲۱.

۲۲۰. **طبیب‌زاده، امید**، «مروری بر واژگان‌نویسی در ایران»، *نشر دانش*، ش ۱، ۱۳۷۱.

۲۲۱. ـــــــــ ، «آزفا: تحولی در آموزش زبان فارسی نقد و بررسی کتاب «آموزش زبان فارسی»»، *نشر دانش*، س ۱۲، ش ۵، ۱۳۷۱، ص ٤٦-٥١.

۲۲۲. **عاصی، مصطفی**، «کاربرد کامپیوتر در زبان‌شناسی و فرهنگ‌نگاری»، *رشد تکنولوژی آموزشی*، س ۸، ش ۸، ۱۳۷۲، ص ١٤.

۲۲۳. **عباسی، اسماعیل**، «در یک نام چیست؟ گل سرخ را به نامی دیگر بخوان»، *عکس*، ش ۷۰، ۱۳۷۱.

۲۲٤. ـــــــــ ، *فرهنگ عکاسی*، عکس، س ٦، ش ۱۱، ۱۳۷۱، ص ۳۳.

۲۲٥. ـــــــــ ، *فرهنگ عکاسی*، عکس، س ٦، ش ۱۲، ۱۳۷۱، ص ۳۳.

۲۲٦. ـــــــــ ، *فرهنگ عکاسی*، عکس، ش ۱۰، ۱۳۷۱.

۲۲۷. ـــــــــ ، *فرهنگ عکاسی*، عکس، س ٦، ش ۸ ، ۱۳۷۱، ص ۳٥.

۲۲۸. ـــــــــ ، *فرهنگ عکاسی*، عکس (۲)، «آشنایی با لغات و اصطلاحات عکاسی، عکس، س ٦، ش ۹، ۱۳۷۱، ص ۳۳.

۲۲۹. ـــــــــ ، *فرهنگ عکاسی* (٥)، عکس، س ۷، ش ۱، ۱۳۷۲، ص ۳۳.

۲۳۰. ـــــــــ ، *فرهنگ عکاسی* C (۸)، عکس، س ۷، ش ۳، ۱۳۷۲، ص ۳۳.

۲۳۱. ـــــــــ ، *فرهنگ عکاسی* (۹) -C/، عکس، س ۷، ش ٤، ۱۳۷۲، ص ۳۳.

۲۳۲. ـــــــــ ، *فرهنگ عکاسی* (۱۰)C، عکس، س ۷، ش ٥، ۱۳۷۲، ص ۳۳.

۲۳۳. **عبدالرزق کاشانی، کمال‌الدین**، «اصطلاحات‌الصوفیه»، ترجمهٔ محمدعلی مودودلاری، *آینه پژوهش*، ش ۱ و ۲، ۱۳۷۱.

۲۳۴. **عبدالله، سیدمحمد**، «فارسی در دورهٔ کمپانی شرکت هند شرقی»، ترجمهٔ انجم حمید، *دانش*، ش ۲۶، ۱۳۷۰، ص ۱۰۸.

۲۳۵. **عبده‌تبریزی، حسین**، «فرهنگ اندیشهٔ نو و واژه‌های حسابداری و مالی (نقد و بررسی کتاب فرهنگ اندیشهٔ نو)»، *حسابدار*، ش ۷۷، ۱۳۷۰، ص ۷۶.

۲۳۶. ـــــــــ ، «واژه‌های مالی در ترجمهٔ آخرین کتاب تافلر (جابه‌جایی قدرت)»، *کلک*، ش ۲۸، ۱۳۷۱، ص ۲۷۰.

۲۳۷. **عرفان، حسن**، «نقد واژه‌ها۲»، *نور علم*، س ٤، ش ٤۰، ۱۳۷۰، ص ۱۲٤.

۲۳۸. **عزیزی، محمد**، «مفاهیم اساسی حمل‌ونقل(۱)»، *راه و ترابری*، س ۱، ش ٤ ، ۱۳۷۱، ص ۷ و ۸.

۲۳۹. ـــــــــ ، «مفاهیم اساسی حمل‌ونقل (۲)»، *راه و ترابری*، س ۲، ش ۱، ۱۳۷۱، ص ٦.

۲٤۰. ـــــــــ ، «مفاهیم اساسی حمل‌ونقل (۳)»، *راه و ترابری*، س ۲، ش ۲ و ۳، ۱۳۷۲.

۲٤۱. **عسگری‌راد، حسن**، «تقدیم به همایش جهانی تاجیکان»، *کلک*، ش ۳۱، ۱۳۷۱.

۲٤۲. **علوی، سیدکاظم**، «رسیدن به زبان تلویزیون»، *فرهنگ و سینما*، س ۳، ش ۲۵، ۱۳۷۲، ص ۱۰.

۲٤۳. **علوی‌مقدم، مهیار**، «هویت زبانی و قومی در آسیای میانه»، *کیهان اندیشه*، ش ٤٦، ۱۳۷۱، ص ۱٦۳.

۲٤٤. **گفتگو با رستم علی‌اف**، «زبان پارسی برای شعر و ادب به وجود آمده است»، *رسالت*، ۱۳۷۲.

۲۴۵. **عمادی، حسین**، *فرهنگ آبزیان ـ واژه‌ها و اصطلاحات مربوط به ترکیب و کیفیت ماهی*، *آبزیان*، ش ۲۳، ۱۳۷۱، ص ۳۴.

۲۴۶. ـــــــــ ، *فرهنگ آبزیان، واژه‌ها و اصطلاحات مربوط به ترکیب و کیفیت ماهی*، *آبزیان*، ش ۲۴، ۱۳۷۱، ص ۳۱–۳۸.

۲۴۷. **غرجستانی، محمدعیسی**، «زبان فارسی در افغانستان»، *آینده*، ش ۵–۸، ۱۳۷۱.

۲۴۸. ـــــــــ ، «زبان فارسی در افغانستان»، *آینده*، س ۱۷، ش ۵–۸ ، ۱۳۷۰، ص ۳۶۷.

۲۴۹. «فارسی‌زبانان تنها نیستند ـ گزارش‌هایی از گسترش زبان فارسی در عرصهٔ جهانی»، *سروش*، س ۱۵، ش ٦٥٥، ۱۳۷۲، ص ۲٤.

۲۵۰. **فدائی‌عراقی، غلامرضا**، «پاره‌ای از اصطلاحات و مفاهیم در حوزهٔ کتابخانه و نظام اطلاع‌رسانی»، *اطلاعات علمی*، س ۷، ش ٦، ۱۳۷۱، ص ٦.

۲۵۱. **فرخ‌بین، شکرالله**، «اصطلاحات محلی تکنولوژی صید»، *آبزیان*، س ٤، ش ۱، ۱۳۷۲، ص ۲٤.

۲۵۲. **فرخ‌فال، رضا**، «چند اصطلاح ادبی»، *تکاپو*، ش ۲ ، ۱۳۷۲، ص ۸٤

۲۵۳. **فرشیدورد، خسرو**، «پیشنهادی به فرهنگستان برای قواعد و ضوابط لغت‌سازی و وضع اصطلاحات علمی»، *کیهان فرهنگی*، ش ۱۰، ۱۳۷۱.

۲۵٤. ـــــــــ ، «معارف زبان و تعلیم زبان و ادبیات (قسمت سوم)»، رشد *آموزش زبان فارسی*، س ۷، ش ۳۱، ۱۳۷۱، ص ٤–۷.

۲۵۵. ـــــــــ ، «معارف زبان و تعلیم زبان و ادبیات»، *رشد آموزش و ادب فارسی*، ش ۲۸، ۱۳۷۱.

۲۵٦. ـــــــــ ، «معرفت زبان و تعلیم زبان و ادبیات (۲)»، *رشد آموزش ادب فارسی*، س ۷، ش ۲۹ و ۳۰، ۱۳۷۱، ص ٤.

۲۵۷. **فروغی، محمدعلی**، «گزیدهٔ کتب و مقالات ترجمه (۱) پیام من به فرهنگستان»، مترجم، ش ۷، ۱۳۷۱.

۲۵۸. **فرهادی، کاظم**، «نقد و بررسی کتاب واژگان اقتصاد و زمینه‌های وابسته»، *کلک*، ش ۳٤، ۱۳۷۱، ص ۱٦۰ و ۱٦۱.

۲۵۹. **فرهمند، ایرج**، «انسان و چگونگی فراگیری زبان»، چیس*تا*، ش ۹ و ۱۰، ۱۳۷۲.

۲٦۰. «فرهنگ آبزیان»، *آبزیان*، ش ۲٦ و ۲۷، ۱۳۷۱، ص ٤۸.

۲٦۱. فرهنگ *اصطلاحات بازرگانی و بین‌المللی*، تجارت ایران، س ۱، ش ۱، ۱۳۷۰، ص ۱۰۷.

۲٦۲. فرهنگ *اصطلاحات کامپیوتر به زبان انگلیسی*، کامپیوتر، س ۳، ش ۲٤، ۱۳۷۱، ص ۱۱۱.

۲٦۳. فرهنگ *اصطلاحات نظامی*، *صف*، ش ۱۵۳، ۱۳۷۱.

۲٦٤. فرهنگ *تکنولوژیکی*، *پیام*، ش ٤۷، ۱۳۷۲، ص ٤.

۲٦۵. فرهنگ *سازمانی*، *استاندارد و کالاهای ایران*، س ٤، ش ۱۹، ۱۳۷۲، ص ۳۳.

۲٦٦. فرهنگ *لغات و اصطلاحات نوجوانان*، همشهری، س ۲، ش ۱۲، ۱۳۷۲، ص ۷۳.

۲٦۷. فرهنگ *لغات و اصطلاحات هوا ـ فضایی*، تکنیک، س ۹، ش ۵ و ٦، ۱۳۷۱، ص ۵۷.

۲٦۸. فرهنگ *لغات و اصطلاحات هوا ـ فضایی*، تکنیک، س ۹، ش ۷ و ۸ ۱۳۷۲، ص ۱٦.

۲٦۹. فرهنگ *لغات و اصطلاحات هوا ـ فضایی*، تکنیک، س ۸، ش ۸، ۱۳۷۱، ص ٤٦.

۲۷۰. *فرهنگ لغات و اصطلاحات هوا ـ فضایی*، تکنیک، س ۹، ش ۷۸ و ۷۹، ۱۳۷۱، ص ٤٦.

۲۷۱. *فرهنگ لغات و اصطلاحات هوا ـ فضایی*، تکنیک، س ۹، ش ۳ و ٤، ۱۳۷۱، ص ۲۰.

۲۷۲. *فرهنگ لغات و اصطلاحات هوایی ـ فضایی*، تکنیک، س ۸، ش ٦ و ۷، ۱۳۷۱، ص ٤۲.

۲۷۳. *فرهنگ واژه‌ها و اصطلاحات مهندسی صنایع*، روش، ش ٤، ۱۳۷۱.

۲۷٤. *فرهنگ واژه‌ها و اصطلاحات مهندسی صنایع*، روش، س ۲، ش ۱۳، ۱۳۷۲، ص ۳۷.

۲۷۵. *فرهنگ واژه‌ها و اصطلاحات مهندسی صنایع G*، روش، س ۲، ش ۱۰، ۱۳۷۱، ص ۳۸.

۲۷٦. *فرهنگ واژه‌های آبزیان ـ الف و ب*/، آبزیان، ش ۲٤، ۱۳۷۱، ص ۱٤.

۲۷۷. *فرهنگ واژه‌های مهندسی*، روش، س ۲، ش ۱۲، ۱۳۷۲.

۲۷۸. **فرهودی، سعید**، «واژه‌های مهاجر»، *کیهان فرهنگی*، س ۸، ش ٦، ۱۳۷۰، ص ۳٤.

۲۷۹. **فقیه، اسماعیل**، «اکتساب زبان دوم ـ زبان بینابین»، *مجلهٔ علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، س ۷، ش ۱ و ۲، ۱۳۷۱–۱۳۷۰.

۲۸۰. **فلیت، راون و پرات، دیویس**، «اصطلاحات و روشهای شیمی فضایی»، ترجمهٔ محمدعلی بیگدلی، *مجلهٔ شیمی*، ش ۲، ۱۳۷۰، ص ۲۷.

۲۸۱. **فوادیان، سیاوش**، «نگاهی به اصطلاحات عرفانی عطار»، *کیهان*، ش ۱٤۷۳۲–۱٤۷۳۷–۱٤۷٤۳، ۱۳۷۲.

۲۸۲. **قادری، بهزاد**، «هر کسی را اصطلاحی داده‌اند»، *مترجم*، س ۳، ش ۹، ۱۳۷۲، ص ۵۳.

۲۸۳. **قاسمیان، رحیم**، «مسئلهٔ زبان ـ گفتگو با اکو اومبرتو»، *دنیای سخن*، ش ۵۲، ۱۳۷۱، ص ۷۲–۷٤.

۲۸٤. ـــــــــ ، *فرهنگ واژه‌های سینمایی* (٤)، سوره، س ٤، ش ٤، ۱۳۷۱، ص ۳۸.

۲۸۵. ـــــــــ ، *فرهنگ واژه‌های سینمایی* (۳)، سوره، س ٤، ش ۱ و ۲، ۱۳۷۱، ص ٦۲.

۲۸٦. ـــــــــ ، *فرهنگ کامل واژه‌های سینمایی* (۲)، سوره، س ۳، ش ۱۲، ۱۳۷۰، ص ۷۲.

۲۸۷. **قدیانلو، مصطفی**، *فرهنگ و اصطلاحات نوجوانان*، همشهری، س ۲، ش ۱٤، ۱۳۷۲، ص ۸٦ .

۲۸۸. **قریب، عبدالکریم**، «دربارهٔ واژه‌های زمین‌شناسی»، *رشد آموزش زمین‌شناسی*، س ۷، ش ۲۵ و ۲٦، ۱۳۷۱، ص ۵٦ و ۵۷.

۲۸۹. ـــــــــ ، «ضرورت انتخاب واژه‌های فارسی همسنگ در مقالات فنی»، *معادن و فلزات*، ش ٤۷، ۱۳۷۱، ص ٤۰.

۲۹۰. «قطعنامهٔ سومین هم‌اندیشی زبان فارسی در صدا و سیما»، *سروش*، س ۱۵، ش ٦۵۰، ۱۳۷۲، ص ۵۰.

۲۹۱. **کافی، علی**، «بررسی واژه‌های فرهنگستان اوّل»، *نشر دانش*، ش ۳، ۱۳۷۱.

۲۹۲. ـــــــــ ، «معرفی و نقد فرهنگ فشردهٔ زمین‌شناسی روسی به فارسی»، تألیف طلبک خسکش‌اف و صولت‌شاه میرگن‌اف، *نشر دانش*، س ۱۳، ش ۳، ۱۳۷۲، ص ۵۰.

۲۹۳. **کالتر، فیلیپ و آرمسترانگ، گاری**، «آشنایی با مفاهیم بازاریابی»، ترجمهٔ صدرالدین البرزی، *پتروشیمی*، ش ۲۷، ۱۳۷۱.

۲۹٤. **کامران، آرمان**، *لغتنامهٔ کامپیوتری*، علم الکترونیک و کامپیوتر، ش ۱٦٤، ۱۳۷۰، ص ٦۰.

۲۹۵. **کتابی، احمد**، «نقد و بررسی فرهنگ بزرگ علوم اقتصادی»، *اطلاعات*، ۱۳۷۲.

۲۹٦. **کرامدینی، مجید**، «ساعت ۲۵ زبان کجاست؟» گفتاری پیرامون زبان بین‌المللی، *آینهٔ اندیشه*، ش ۳، ۱۳۷۱.

۲۹۷. **کروموف، آلبرت**، «نقش زبان فارسی بیشتر خواهد شد.» (گفتگوی میرزاآقا عسگری با آلبرت کروموف خاورشناس روسی)، *آدینه*، ش ٦۷، ۱۳۷۱.

۲۹۸. **کریمی، علی**، *لغتنامهٔ اختصارات*، علم الکترونیک و کامپیوتر، س ۱٦، ش ۱۹۷، ۱۳۷۱، ص ۵۵–۵٦.

۲۹۹. **کزازی، میرجلال‌الدین**، «(تاسه) کردی کرمانشاهی»، *آشنا*، ش ۹، ۱۳۷۱.

۳۰۰. ________ ، «پویه پایای پارسی»، سیمرغ، ش ۱۲ و ۱۳، ۱۳۷۲، ص ۱٦٤.

۳۰۱. **کلباسی، ایران**، «مقایسه‌ای بین دو لهجه از گویش کردی»، *فرهنگ ویژهٔ زبان‌شناسی*، ش ۱۳، ۱۳۷۱، ص ۱٦۳.

۳۰۲. ________ ، «ساخت واژه در گویش کلیمیان اصفهان»، *مجلهٔ پژوهشی دانشگاه اصفهان*، س ٤، ش ۱ و ۲، ۱۳۷۱، ص ۱.

۳۰۳. **کیوانی، یزدان**، *فرهنگ آبزیان ـ واژه‌ها و اصطلاحات فنی عمل‌آوری ماهی*، آبزیان، ش ۲۵، ۱۳۷۱، ص ۳۱–۳٤.

۳۰٤. ________ ، *فرهنگ آبزیان*، آبزیان، س ٤، ش ۱، ۱۳۷۲، ص ۳۱.

۳۰۵. ________ ، *فرهنگ آبزیان*، آبزیان، س ٤، ش ٤، ۱۳۷۲، ص ۳٤.

۳۰٦. ________ ، *فرهنگ آبزیان*، آبزیان، س ٤، ش ۲، ۱۳۷۲، ص ۳۲.

۳۰۷. «گسترش زبان پارسی و احیای فرهنگ ایرانی: در میزگردی با حضور استادانی از ایران، پاکستان و افغانستان»، همشهری، ۱۳۷۲.

۳۰۸. **گیلانی، عبدالقادر**، «اشتقاق و تعریب»، ترجمهٔ احمد آرام، *کلچراغ*، ش ۳، ۱۳۷۱.

۳۰۹. **لاتیچ، جمال**، «زبان و ادب فارسی در بوسنی و هرزگوین»، *پژوهشگران*، ش ۲، ۱۳۷۱، ص ١٤.

۳۱۰. **لاهیجانیان، الهام**، «تعاریف و اصطلاحات نمایشی»، *سروش*، س ۱۳، ش ۵۸۷، ۱۳۷۰، ص ۳۲.

۳۱۱. ــــــــ ، «تعاریف و اصطلاحات نمایشی»، *سروش*، س ۱۳، ش ۵۸۵، ۱۳۷۰، ص ٢٦.

۳۱۲. **لطفی‌پور، کاظم**، «درآمدی بر اصول و روش ترجمه»، *مترجم*، س ۲، ش ٤، ۱۳۷۱.

۳۱۳. *لغات و اصطلاحات فنی مصور اتومبیل* (انگلیسی ـ فارسی)، مجلهٔ ماشین، س ۱۳، ش ۳، ۱۳۷۰، ص ۱۰۰.

۳۱٤. «لغتنامهٔ دهخدا»، *آشنا*، ش ۵، ۱۳۷۱، ص۷۲.

۳۱۵. **لواسانی، احمد**، «سمپوزیم زبان فارسی ملتسر ـ نقد و بررسی کتاب Attenden Melzer Symposiums»، *سیاست خارجی*، س ۷، ش ۱، ۱۳۷۲.

۳۱٦. **لوی**، «لغت فارسی در زبان‌های زندهٔ دنیا»، ترجمهٔ سرور کامرانی، *فروهر*، س ۲۷، ش ۱ و ۲، ۱۳۷۱، ص ۳۹.

۳۱۷. « **ماهان، فرخ**، «نقد و بررسی واژه‌نامهٔ نجوم و احکام نجوم»، محمد طباطبائی، *دانشمند*، ش ۳۳۷، ۱۳۷۰.

۳۱۸. **مجتهدشبستری، علی‌اشرف**، «دیار رودکی از نو جوان شد»، *کلک*، ش ۳۱، ۱۳۷۱.

۳۱۹. **محمدزاده صدیق، حسین**، «بحثی پیرامون واژهٔ «خواجو» در زبانهای مشرق

زمین»، *ادبستان*، ش ۲۲، ۱۳۷۰.

۳۲۰. **محمدی، محمد**، «چگونگی انتقال زبان فارسی از عصر ساسانی به دوران بعد از اسلام»، *فصلنامهٔ* هستی، ۱۳۷۱، ص ۱۲.

۳۲۱. **محمدی‌فر، محمدرضا**، «آشنایی با زبان‌های صوری»، *ریزپردازنده*، ش ۱۰، ۱۳۷۰.

۳۲۲. **محیط‌طباطبائی، محمد**، «آذر و آذربایجان و آذری»، *کیهان فرهنگی*، ش ٦، ۱۳۷۱.

۳۲۳. **مختاری، رضا**، «بیشتر دقت کنیم (۳)»، *آینهٔ پژوهش*، ش ۱۹، ۱۳۷۲.

۳۲٤. **مدرسی، یحیی**، «مسائل زبانی و برنامه‌ریزی زبان در ایران»، *فرهنگ ویژهٔ زبان‌شناسی*، ش ۱۳، ۱۳۷۱، ص ۱۷۷.

۳۲۵. **مدرسی‌قوامی، گلناز**، «نقد و بررسی از یک نظریهٔ ترجمه از دیدگاه زبان‌شناسی»، مترجم، ش ٦، ۱۳۷۱.

۳۲٦. **مربی، مصطفی**، «چند پسوند فارسی (۲)»، *آینده*، ش ۵-۸ ، ۱۳۷۱.

۳۲۷. «مروری بر واژگان‌نویسی در ایران»، *نشر دانش*، س ۱۳، ش ۱، ۱۳۷۱، ص ۱۷-۲۳.

۳۲۸. **مریدی، سیاوش**، «بررسی کتاب فرهنگ علوم اقتصادی»، بازرگانی و مالی، *نشر دانش*، س ۱۲، ش ٦، ۱۳۷۱، ص ٤۸.

۳۲۹. ـــــــــ ، «نگاهی گذرا به فرهنگ اندیشهٔ نو»، ویراستار ع. پاشائی، *چاوش*، ش ۵ و ٦، ۱۳۷۱.

۳۳۰. **مزداپور، کتایون**، «چند واژه از یادگار زریژن»، *فرهنگ ویژهٔ زبان‌شناسی*، ش ۱۳، ۱۳۷۱، ص ۲۰۷.

۳۳۱. ـــــــــ ، «واژه‌نامه فارسی میانه ـ فارسی دری»، *پژوهشگران*، ش ۱،

۱۳۷۱.

۳۳۲. **مسرت، حسین**، «درست بنویسیم، نگرشی به نگارش تازهٔ کتاب غلط ننویسیم اثر ابوالحسن نجفی»، *کیهان‌فرهنگی*، ش ۷، ۱۳۷۱.

۳۳۳. **مسلمانیان**، «زبان فارسی در تاجیکستان»، *سروش*، س ۱۵، ش ۶۵۰، ۱۳۷۲، ص ۴۹.

۳۳۴. **مشایخ فریدونی، محمدمحسن**، «ضرورت پی‌ریزی دایرةالمعارف فرهنگ و زبان فارسی در شبه قارهٔ هند»، *آینهٔ پژوهش*، ش ۴، ۱۳۷۱.

۳۳۵. **مشکین، سیدحسن**، «فرهنگ لغات و اصطلاحات هوا ـ فضایی»، تکنیک، ش ۷۱، ۱۳۷۰.

۳۳۶. **مشیری، مهشید**، «فرهنگ الفبایی، قیاس زبان فارسی»، *سروش*، ش ۶۱۳، ۱۳۷۱، ص ۱۱۹۰.

۳۳۷. **مصطفوی، رضا**، «خدمات پژوهشگران و دانشمندان هندی به زبان و ادبیات فارسی»، *قند پارسی*، ش ۴، ۱۳۷۱.

۳۳۸. معرفی ترجمه‌های برگزیده، ضد خاطرات ـ نقد و بررسی و ترجمهٔ کتاب ضد خاطرات»، ترجمهٔ ابوالحسن نجفی ـ رضا سیدحسینی، نقد و بررسی از صالح حسینی، *مترجم*، س ۲، ش ۴، ۱۳۷۱، ص ۲۱.

۳۳۹. **معطر، فریبرز**، «جرجانی و فرهنگ پزشکی»، *کیهان فرهنگی*، ش ۸ ، ۱۳۷۱.

۳۴۰. **مغربی، عبدالقادر**، «اشتقاق و تعریب»، ترجمهٔ احمد آرام، *گلچراغ*، ش ۱، ۱۳۷۱.

۳۴۱. **مقاره‌ای، محمد**، «آشنایی با پاره‌ای از مفاهیم بازرگانی»، *پیام پتروشیمی*، س ۴، ش ۲۵، ۱۳۷۱، ص ۴۵ و ۴۶.

۳۴۲. **ملکان، مجید**، «نقد واژه‌نامهٔ الکترونیک»، *نشر دانش*، س ۱۲، ش ۴، ۱۳۷۱.

۳۴۳. ـــــــــ، «نقد و بررسی از فرهنگ اصطلاحات الکترونیک کاربردی»، *نشر دانش*، ش ۵، ۱۳۷۱.

۳۴۴. **ملکان، فریدون**، «نقد و بررسی کتاب و واژه‌نامهٔ نفت و گاز»، *سیاست خارجی*، س ۵، ش ٤، ۱۳۷۰، ص ۱۰۳۵.

۳۴۵. **ملکیان، مهرخ**، «مشکل زبان در انتقال اطلاعات علمی و فنی و نقش مراکز بین‌المللی»، *پیام کتابخانه*، س دوم، ش ۲ و ۳، ۱۳۷۱، ص ٦۸.

۳٤٦. **منزوی، احمد**، «کارنامهٔ مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان در کار فهرست‌نویسی و کتاب‌شناسی»، *دانش*، ش ۲٦، ۱۳۷۰.

۳٤۷. **مؤذنی، علی‌محمد**، «درنگ بر واژهٔ سپنج، *رشد آموزش ادب فارسی*»، س ۷، ش ۲۸، ۱۳۷۱، ص ۲۰.

۳٤۸. **موری، جان**، *فرهنگ مضمون‌ها و نمادها در هنر*، ترجمهٔ مهوش تابش، سوره، س ۲، ش ۱۱ ، ۱۳۷۰، ص ۸٤ .

۳٤۹. ـــــــــ، *فرهنگ مضمونها و نمادها در هنر*، ترجمهٔ مهوش تابش، سوره، ش ۳ ، ۱۳۷۱، ص ۸٦

۳۵۰. ـــــــــ، *فرهنگ مضمونها و نمادها در هنر*، ترجمهٔ مهوش تابش، سوره، ش ٦، ۱۳۷۱.

۳۵۱. ـــــــــ، *فرهنگ مضمونها و نمادها در هنر*، ترجمهٔ مهوش تابش، سوره، س ۳، ش ۱۲، ۱۳۷۰، ص ۳۸.

۳۵۲. ـــــــــ، *فرهنگ مضمونها و نمادها در هنر* (۳)، ترجمهٔ مهوش تابش، سوره، ش ۱ و ۲ ، ۱۳۷۱، ص ۸٤

۳۵۳. ـــــــــ، *فرهنگ مضمونها و نمادها در هنر* (۵)، ترجمهٔ مهوش تابش، سوره، س ٤، ش ٤، ۱۳۷۱، ص ۸٤ .

۳۵۴. ــــــــــ ، *فرهنگ مضمونها و نمادها* در هنر (۶)، ترجمهٔ مهوش تـابش، سوره، س ۴، ش ۵، ۱۳۷۱، ص ۲۴.

۳۵۵. ــــــــــ ، *فرهنگ مضمونها و نمادها* در هنر (۸)، ترجمهٔ مهوش تـابش، سوره، س ۴، ش ۷، ۱۳۷۱، ص ۲۲ و ۲۳.

۳۵۶. **مهدی، اختر**، «سهم شهر الله‌آباد در تحول زبان و ادب فارسی»، *قند پارسی*، ش ۴، ۱۳۷۱.

۳۵۷. **مهربان، ایرج**، «نقد و بررسی «واژه‌نامهٔ نجوم و احکام نجوم»، تألیف محمـد طباطبائی»، *دانشمند*، ش ۸ ، ۱۳۷۰، ص ۱۲۳.

۳۵۸. **مهرداد، آرش**، فرهنگ *تئاتر*، سوره، س ۴، ش ۱ و ۲ ، ۱۳۷۱، ص ۸۰ .

۳۵۹. ــــــــــ ، فرهنگ *تئاتر*، سوره، س ۴، ش ۷، ۱۳۷۱، ص ۸۲ .

۳۶۰. ــــــــــ ، فرهنگ *تئاتر* (۲)، سوره، ش ۳، ۱۳۷۱، ص ۸۴ .

۳۶۱. **مهرداد، جعفر**، «در حاشیهٔ تطور زبـان فارسـی در آمـوزش فیزیـک»، *رشـد آموزش فیزیک*، ش ۳۰ و ۳۱، ۱۳۷۱.

۳۶۲. ــــــــــ ، «کنزاللغات و زبان گیل»، *گیله‌ور*، ش ۵، ۱۳۷۱.

۳۶۳. **میرزانژاد موحد، هادی**، «به یاد دکتر محمد معین»، *ادبستان*، ش ۴۳، ۱۳۷۲.

۳۶۴. **میرزائی، م.**، «نقدی بـر کتـاب فرهنـگ انگلیسـی بـه فارسـی اصـطلاحات کامپیوتری وبستر»، *علـم الکترونیـک و کـامپیوتر*، س ۱۶، ش ۱۹۷، ۱۳۷۱، ص ۳۰-۳۴.

۳۶۵. **میرزائـی‌اهرنجـانی، حسـن**، «تـأملی بـر واژه‌هـای تخصصـی (۱)»، *دانـش مدیریت*، ش ۱۶، ۱۳۷۱، ص ۹۴.

۳۶۶. ــــــــــ ، «تأملی بر واژه‌های تخصصـی (۲)»، *دانـش مـدیریت*، ش ۱۷، ۱۳۷۱، ص ۷۸.

۳٦۷. ـــــــــ، **حسن**، «تأملی بر واژه‌های تخصصی (۳)»، *دانش مدیریت*، ش ۱۸، ۱۳۷۱.

۳٦۸. **میرشرفی، سیدعلی**، «واژه‌شناسی قرآن»، *میراث جاویدان*، س ۱، ش ۱، ۱۳۷۲.

۳٦۹. «مصاحبه با آقای میرعمادی»، *رشد آموزش زبان*، س ۸، ش ۳۰ و ۳۱، ۱۳۷۱، ص ۳.

۳۷۰. **میرمحمدی، سیدابوالفضل**، «اصطلاحات علوم قرآنی»، *نور علم*، س ٤، ش ۱۰، ۱۳۷۱، ص ۱۳۱.

۳۷۱. **میرمطهری، جلال‌الدین**، «اسکناس: آشنایی با فرهنگ و اصطلاحات اقتصادی و بانکی»، *سپهر*، ش ۳۱، ۱۳۷۱.

۳۷۲. **نجفی، ابوالحسن**، «آیا زبان فارسی در خطر است؟»، *کامپیوتر*، ش ۱٤، ۱۳۷۱.

۳۷۳. **نظریان، حسن**، «گویش‌های محلی خراسان»، *بینالود*، ش ۱، ۱۳۷۲.

۳۷٤. **نقیب‌السادات، رضا**، «فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامهٔ سیاست علمی و پژوهشی*، ش ۲، ۱۳۷۱.

۳۷۵. **نقیب‌السادات، سیدرضا**، «فرهنگستان علوم جهان سوم»، *دفتر دانش*، س ۱، ش ۱، ۱۳۷۱، ص ۱۰۸.

۳۷٦. **نوبهار، مهرانگیز**، «تقابل زبان‌شناختی عناصر صوری و محتوایی در سبک خواجو»، *آشنا*، س ۱، ش ۳، ۱۳۷۰، ص ۸

۳۷۷. **نورحسین، محمد**، «رابطهٔ فرهنگی ایران و بنگال و تأثیر زبان فارسی بر زبان بنگالی»، *آشنا*، س ۲، ش ۸، ۱۳۷۱، ص ٦۵-٦۸.

۳۷۸. **نورسی، الیا**، «زبان و نقش رسانه‌ها»، ترجمه و تنظیم احمد اسعدی، *کیهان فرهنگی*، س ۱۰، ش ۳، ۱۳۷۲، ص ۱۸.

۳۷۹. **نورمحمدان، غلامرضا**، «مقدمه‌ای بر علل تضعیف زبان فارسی در شبه‌قاره (هند)»، *کیهان فرهنگی*، س ۱۰، ش ٤، ۱۳۷۲، ص ۱۸.

۳۸۰. **نوین رنگرز، حسین**، «ترجمهٔ واژه‌های جدید و قدرت زبان فارسی»، *ادبستان*، ش ۳٦، ۱۳۷۱، ص ۱۹٤.

۳۸۱. **نیکنام، مهرداد**، «نقد و بررسی فرهنگ اصطلاحات علوم و تمدن اسلامین، تألیف محمدتقی اکبری و دیگران»، *کیهان فرهنگی*، ش ٦، ۱۳۷۱.

۳۸۲. **نیکویه، محمود**، «زرج، زرچ (واژهٔ گیلکی)»، *آینده*، ش ۱-۳، ۱۳۷۲.

۳۸۳. **نیلوفری، پرویز**، «واژه و تاریخچهٔ برنج در ایران و جهان باستان»، *فروهر*، ش ۳ و ٤، ۱۳۷۱.

۳۸٤. *واژگان زمین‌لرزه*، علوم‌زمین، ش ۵، ۱۳۷۱.

۳۸۵. *واژه‌شناسی شرفشاه*، گیله‌ور، س ۱، ش ٦ و ۷، ۱۳۷۱، ص ۲۸.

۳۸٦. *واژه‌نامهٔ الکترونیک*، جام، ش ۱۱، ۱۳۷۱.

۳۸۷. *واژه‌نامهٔ مهندسی صنایع*، صنایع، س ۱، ش ۲، ۱۳۷۱، ص ۳٤.

۳۸۸. *واژه‌نامهٔ مهندسی صنایع*، صنایع، س ۱، ش ۳، ۱۳۷۲، ص ۳۵.

۳۸۹. **وثوقی، حسین**، «زبان و گویش معیار»، کیهان فرهنگی، س ۸، ش ۸۱، ۱۳۷۰، ص ۱٦.

۳۹۰. **وثوقی، حسین**، «زبان و گویش معیار»، *کیهان فرهنگی*، ش ۹، ۱۳۷۱.

۳۹۱. **وحید، سعید**، «فارسی بیگناه است ـ نقد و بررسی کتاب هفت گفتار دربارهٔ ترجمهٔ کوروش صفوی»، گزارش *کامپیوتر*، س ۱٤، ش ٦، ۱۳۷۱، ص ۳۱.

۳۹۲. ـــــــ، «انجمن زبان‌شناسی کامپیوتری»، *ریزپردازنده*، س ۲، ش ۲۱ و ۲۲، ۱۳۷۲، ص ۱۲.

۳۹۳. **وفائی‌فر، لقمان**، *فرهنگ واژه‌ها و اصطلاحات مهندسی صنایع*، روش، ش ۵، ۱۳۷۱.

۳۹٤. ________ ، *فرهنگ واژه‌ها و اصطلاحات مهندسی صنایع* E، روش، س ۱، ش ۷، ۱۳۷۱، ص ٤٤.

۳۹۵. ________ ، *فرهنگ واژه‌ها و اصطلاحات مهندسی صنایع* F، روش، س ۱، ش ۸ ، ۱۳۷۱، ص ۳٦.

۳۹٦. **هادی، روح‌الله**، «در محضر استاد (مصاحبه با غلامحسین یوسفی)»، *رشد آموزش ادب فارسی*، س ٦، ش ۲٦، ۱۳۷۰، ص ۵۲.

۳۹۷. **هارتمان، ر.ر.ک.**، «مبانی نظری و عملی تدوین فرهنگ»، ترجمهٔ حسن هاشمی میناباد، *فرهنگ ویژهٔ زبان‌شناسی*، ش ۱۳، ۱۳۷۱، ص ۲٤۵.

۳۹۸. **هاشمی‌میناباد، حسن**، «طبقه‌بندی رده‌شناختی فرهنگ‌ها با نگرشی بر فرهنگهای دوزبانه»، *مجلهٔ زبانشناسی*، س ۸ ، ش ۱ و ۲، ۱۳۷۰، ص ۹۵.

۳۹۹. ________ ، «نقد و بررسی فرهنگ لغات و اصطلاحات مردم کرمان»، ابوالقاسم پورحسینی، *فصلنامهٔ کرمان*، ش ۳، ۱۳۷۱.

٤۰۰. **هدایت، شهرام**، «سرگذشت واژه‌زین»، *فروهر*، س ۲۷، ش ۳ و ٤، ۱۳۷۲، ص ۳۵.

٤۰۱. **هدایتی، مهدی**، *فرهنگ اصطلاحات سیاسی*، نقد ترجمهٔ فرهنگ اصطلاحات سیاسی، مترجم، س ۳، ش ۹، ۱۳۷۲، ص ٦۱.

٤۰۲. **همتی، ابوذر**، «بررسی چند واژهٔ پهلوی در گویش‌های لری و لکی»، *فروهر*، س ۲۷، ش ۱ و ۲، ۱۳۷۲، ص ۱۹.

٤۰۳. ________ ، «ریشه‌شناسی تعدادی از واژگان مشترک بین گویش لری ممسنی و زبان انگلیسی»، *فروهر*، س ۲۷، ش ۷ و ۸ ، ۱۳۷۱، ص ۳۵.

٤۰٤. **هنر، علی‌محمد (سیامک گیلک)**، «دل‌نمودگی»، *آینده*، ش ۱–٦، ۱۳۷۱.

٤۰۵. ________ ، «اولی، اولی‌تر، اولی‌ترین»، *رشد آموزش ادب فارسی*، ش ۲۹ و ۳۰، ۱۳۷۱.

٤٠٦. **یارشاطر، احسان**، «گسترهٔ زبان فارسی در ایران و خارج»، *امید*، ش ۱، ۱۳۷۲، ص ۵.

٤٠٧. **یارمحمدی، لطف‌الله**، «ساخت گفتمانی و متنی رباعیات خیام و منظومهٔ انگلیسی فیتز جرالد»، *مترجم*، س ۲، ش ٤، ۱۳۷۱، ص ۳.

٤٠٨. ــــــــــ ، «مسائل چندزبانگی و آموزش زبان فارسی رسمی در ایران»، *رشد آموزش ادب فارسی*، س ۷، ش ۲۹ و ۳۰، ۱۳۷۱، ص ۸ .

٤٠٩. **یاسی‌پور، غلامرضا**، «آموزش ترجمهٔ متون ریاضی»، *برهان*، س ۲، ش ۱، ۱۳۷۱، ص ۱۲.

٤١٠. **یوسفی، غلامحسین**، «زبان فارسی در تاجیکستان»، *آینده*، س ۱۷، ش ٥–۸ ، ۱۳۷۰، ص ۳٥٥.

٤١١. ــــــــــ ، «زبان فارسی بنیان فکر و فرهنگ ما»، *کلک*، ش ۲۳ و ۲٤، ۱۳۷۰، ص ۷.

٤١٢. ــــــــــ ، «زبان فارسی، بنیان فکر و فرهنگ ما»، *کلک*، ش ۲۳ و ۲٤، ۱۳۷۱.

٤١٣. ــــــــــ ، «فایدهٔ انس با زبان فارسی در ترجمه»، بررسی و نقد کتب و مقالات ترجمهٔ ۲، *مترجم*، س ۲، ش ٤، ۱۳۷۱، ص ٦٤.

٤١٤. «یونسکو از زبان فارسی تجلیل می‌کند: در سفر مدیر کل یونسکو به ایران مطرح شد»، *مناطق آزاد*، ش ۲۳، ۱۳۷۱.

پیوست ب

سیاههٔ مقدماتی واژه‌بانک‌ها

در سیاههٔ مقدماتی زیر اطلاعات مربوط به تعدادی از واژه‌بانک‌های مختلف دنیا، که به صورت برخط و رایگان در دسترس است، ذکر شده است. این داده‌ها را باید موقّتی و باز در نظر گرفت. در چاپ نخست این کتاب، اطلاعات برای یک طرح اینفوترم گردآوری شده بود و حاوی نشانی پستی مراکز متعدد واژه‌شناسی بود. با توجه به سال‌هایی که از تألیف این اثر گذشت، مناسب‌تر دیده شد که اطلاعات روزآمدی در اختیار خواننده قرار گیرد.

واژه‌بانک‌های سازمان‌ها

۱. سازمان جهانی غذا www.fao.org/termportal/contr/en

۲. سازمان جهانی کار http://www.ilo.org/TermBaseWeb

۳. صندوق جهانی پول http://www.imf.org/external/np/term/index.htm

٤. سازمان ملل متحد http://unterm.un.org

۵. سازمان جهانی هواشناسی
http://www.wmo.int/pages/prog/lsp/meteoterm_wmo_en.html

٦. اتحادیهٔ بین‌المللی مخابرات

http://www.itu.int/terminology/index.html

۷. سازمان هواشناسی فنلاند، فرهنگ محیط‌زیست

http://mot.kielikone.fi/mot/endic/netmot.exe

واژه‌بانک‌های واژه‌شناسان و برنامه‌ریزان زبانی

۱. پایگاه واژه‌شناسی چندزبانهٔ اتحادیهٔ اروپا http://iate.europa.eu

۲. شبکهٔ پان‌لاتین واژه‌شناسی http://www.realiter.net/spip.php?article76

۳. مرکز واژه‌شناسی بروکسل

http://www.mariehaps.be/recherche-scientifique/ctb

٤. مرکز پژوهش‌های زبان‌شناسی کاربردی در مؤسسهٔ عالی مترجمان کتبی و شفاهی بروکسل http://www.termisti.org

٥. شورای بین‌المللی زبان فرانسوی(CILF)

http://www.cilf.org/bt.fr.html

٦. فرهنگ جامع واژه‌شناسی فرانسه http://www.granddictionnaire.com

۷. پایگاه واژه‌شناسی چندزبانهٔ سامی(به زبان‌های انگلیسی، لاتین، نروژی، فنلاندی، سوئدی و سامی) http://www.risten.no

۸. واژه‌بانک چندزبانهٔ ملی سوئد http://www.rikstermbanken.se

۹. مرکز واژه‌شناسی فنلاند(TSK) http://www.tsk.fi/tepa

۱۰. پروژهٔ واژه‌شناسی سوئد(TERMIN)

http://spraakdata.gu.se/termin

۱۱. واژه‌بانک دولت فنلاند(Valter)

http://mot.kielikone.fi/mot/valter/netmot.exe

۱۲. مجموعهٔ اصطلاحات کمیسیون عمومی اصطلاح‌شناسی و نوواژه‌سازی

http://franceterme.culture.fr/FranceTerme

۱۳. واژه‌بانک ایالت باسک

http://www1.euskadi.net/euskalterm/indice_i.htm

۱۴. واژه‌بانک مخابرات (TEDDI)، بر اساس استانداردهای مرکز استانداردسازی فناوری ارتباطات و اطلاعات (ETSI)

http://webapp.etsi.org/Teddi/Info.asp

۱۵. واژه‌بانک چندزبانهٔ ایسلند

http://ordabanki.hi.is/wordbank/dictionaries

۱۶. پایگاه اطلاعات واژه‌شناختی و زبان‌شناختی دولت کانادا (TERMIUM)

http://www.termium.gc.ca

۱۷. مجموعهٔ فرهنگ‌های عمومی یک و چندزبانه

www.uwasa.fi/viestintatieteet/terminology/dictionaries

۱۸. مجموعهٔ فرهنگ‌های تخصصی یک و چندزبانه

www.uwasa.fi/viestintatieteet/terminology/special

پیوست ج

فرهنگ اصطلاحات

پایگاه اطلاعاتی واژه‌شناختی — terminological data base

مجموعهٔ منظمی از اطلاعات واژه‌شناختی که با استفاده از نرم‌افزارها در حافظهٔ رایانه ضبط شده‌اند، و به راه‌های مختلف قابل دسترسی هستند.

داده‌های واژه‌شناختی — terminological data

اطلاعات مربوط به علم واژه‌شناسی

سند، مدرک — document

نوشته یا کتیبه‌ای که به عنوان مدرک به کار می‌رود

فرهنگ‌نگاری — lexicography

کار تهیهٔ فرهنگ

مترجم حضوری — interpreter

شخصی که شغل او ترجمهٔ کلمات افرادی است که به زبان‌های مختلف صحبت می‌کنند و این کار به صورت شفاهی و در حضور این افراد صورت می‌گیرد

معیار، استاندارد — standard

مدارکی که مشخصات واژه‌هایی را که باید در برابر هر مفهوم به کار روند تعیین می‌کند

معیارسازی، استانداردسازی — standardization

تعیین مشخصات در مقایسه با یک معیار

نوواژه‌سازی neology

وضع یا استفاده از کلمات جدید

واژگان ۱ vocabulary 1

مجموعه‌ای از کلمات که گروه خاصی از مردم با آن آشنا هستند یا آن را به کار می‌برند

واژگان ۲ vocabulary 2

سیاهه یا مجموعه‌ای از واژه‌های تخصصی یک رشتهٔ خاص همراه با معادل‌های آنها و ذکر منابعی که آن معادل‌ها را به کار برده‌اند

واژه term

نمادی قراردادی که برای بیان مفهومی مشخص با تعریفی دقیق در یک رشتهٔ تخصصی به کار می‌رود

واژه‌بانک data bank

مجموعه‌ای از همهٔ دیسک‌ها، نوارها، مدارک، کتاب‌های راهنما و دستور کارهای مربوط به استفاده از منابع اطلاعاتی

واژه‌شناس فراهمایی conference terminologist

شخصی که می‌تواند مشکلات ارتباطی شرکت‌کنندگان در گردهمایی‌های بین‌المللی را حل کند و آنها را در تهیه مدارک و قطعنامه‌های مربوط به این گردهمایی‌ها یاری کند

واژه‌گزینی terminology

انتخاب یا جعل واژهٔ مناسب برای هر مفهوم

واژه‌نگاری terminography

ثبت، پردازش و ارائهٔ داده‌های واژه‌شناختی که با پژوهش واژه‌شناختی به دست آمده است

واژهٔ معیار، واژهٔ استاندارد standard term

واژه‌ای که به عنوان معیار به کار می‌رود

Terminology Planning in Iran and the World

Reza Mansouri

The Academy of Persian Language and Literature

Tehran 2011


فرهنگستان زبان و ادب فارسی

Islamic Republic of Iran

Academy of Persian Language & Literature

Terminology Planning in Iran and the World

Reza Mansouri